اطلاعات

چهارشنبه ۳ خرداد ۱۳۹۶ – ۲۷ شعبان ۱۴۳۸ – ۲۴ مه ۲۰۱۷ – سال نودویکم – شماره ۲۶۷۲۷ – ۱۶ صفحه به همراه ۸ صفحه ضمیمه – استان های تهران و البرز ۵۰۰ تومان – سایر استان ها ۳۰۰ تومان

سامانه دسترسی آزاد به اطلاعات راه‌اندازی شد

* سامانه دسترسی آزاد به اطلاعات کار خود را به صورت آزمایشی شروع کرده است و به زودی توسط وزرای ارشاد و ارتباطات رونمایی می‌شود
* کارپوشه ملی (ایمیل) برای همه ایرانیان اختصاص می‌یابد

صفحه ۳

۲۲ انگلیسی در انفجار تروریستی منچستر کشته شدند

* در این انفجار تروریستی که داعش مسئولیتش را برعهده گرفت ۵۹ نفر نیز زخمی شدند
* ایران، آمریکا، روسیه، ژاپن، چین، فرانسه، آلمان، استرالیا، هند، پاکستان، ترکیه، قطر و اردن حمله تروریستی منچستر را محکوم کردند

صفحه ۱۶

رئیس‌جمهوری در جوار بارگاه مطهر امام راحل:

مردم تصمیم گرفتند همه اقشار و افکار به قطار انقلاب بازگردند

* حضرت امام (ره) به ما یاد داد که این انقلاب با مردم حفظ می‌شود
* اگر انتخابات و حضور پرشور مردم پای صندوق‌های آرا نبود؛ نمی‌توانستیم در برابر انواع نقشه‌های شیطانی، نظام و انقلاب مان را به خوبی حفظ کنیم
* با وحدت و هدایت‌های مقام معظم رهبری به مقصد خواهیم رسید
* آیت‌الله‌هاشمی عزت و پیروزی ملت را در همه صحنه‌ها می‌خواست
* به وعده‌هایی که به مردم دادیم، عمل می‌کنیم
* رئیس‌جمهوری با رهبر معظم انقلاب دیدار کرد



در دیدار دست اندرکاران ستاد مرکزی بزرگداشت امام خمینی (ره)

یادگار گرامی امام: خرد جمعی مردم تصمیم درست گرفت

* امام خرد و فهم مردم را باور داشت
* حضور مؤثر، شاداب و با نشاط همه اقشار و طیف‌های مختلف عزم ملی را در حماسه ۲۹ اردیبهشت نشان داد
* همه قدرت جامعه به مردم، اعتقاد و همت مردم است و با وجود آنها هیچ ضربه‌ای به جامعه ما نمی‌خورد
* مردم یکی از یاران انقلاب را انتخاب کردند اما اصل این حضور یک کار بسیار بزرگ و این اعتماد ملی، سرمایه بزرگی است
* دبیر ستاد مرکزی بزرگداشت امام خمینی: این افتخار بزرگی است که ملت ما پس از ۴۰ سال هنوز به شاگردان فرزندان و یادگاران امام وفادارند

صفحه ۲

عزم دولت برای رفع فقر مطلق تا سال ۱۴۰۰

* معاون علمی و فناوری رئیس‌جمهوری در جشنواره کارآفرینان برتر: ۳ هزار شرکت دانش‌بنیان با ۳۰ هزار میلیارد تومان فروش و ۱۰۰ هزار نفر شاغل در ۴ سال اخیر ایجاد شده است
* استارت آپ‌ها که تا چند سال پیش نفوذی و خائن خوانده می‌شدند، الان در دانشگاه‌ها یک افتخار محسوب می‌شوند و برخی از این شرکت‌ها تا ۲ هزار میلیارد تومان فروش دارند
* در دو سال آینده جهش بزرگی در حوزه استارت آپ‌ها خواهیم داشت و محیط از همیشه برای این کار آماده‌تر است
* رئیس دفتر و سرپرست نهاد ریاست جمهوری: دیگرانی که اغراض و رویاهای خاصی برای منطقه داشتند، با دیدن عظمت حضور مردم در انتخابات مجبور به تجدیدنظر در طرح‌های خود هستند
* وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی: ما مکلف هستیم حداقل سالی ۹۵۵ هزار شغل ایجاد کنیم تا بتوانیم به نیاز جامعه پاسخ دهیم
* رئیس سازمان امور مالیاتی: سال گذشته در چارچوب عودت مالیات در زنجیره ارزش افزوده ۱۳۰۰ میلیارد تومان استرداد مالیاتی داشتیم

صفحه ۴

هشدار در مورد فرونشست زمین در بخش وسیعی از دشت‌های جنوب تهران

* سطح دشت ورامین و شهریار بین ۱۶ تا ۱۳۰ سانتی‌متر فرونشست
* مدیرعامل شرکت آب منطقه‌ای تهران: سفره‌های زیرزمینی شهر تهران ۳۰ میلیون مترمکعب، دشت شهریار ۸۵ میلیون متر مکعب و دشت ورامین ۳۵ میلیون مترمکعب بیلان منفی دارند
* کورکردن قنوات سنتی شهر تهران موجب پدیده فروریزش لایه‌های زمین شده است

صفحه ۴

شاه عربستان پیام دوستی برای نتانیاهو فرستاد

* ملک سلمان در این پیام که از طریق ترامپ به نتانیاهو منتقل شد، گفته زمان تحقق صلح فرا رسیده است
* ترامپ در دیدار با نتانیاهو: جهان عرب به تحقق صلح با اسرائیل تمایل دارد

صفحه ۱۶

یورش مزدوران آل خلیفه به منزل شیخ قاسم یک کشته و ۱۰۰ زخمی بر جا گذاشت

* علمای بحرین در پی یورش مزدوران آل خلیفه به منزل شیخ عیسی قاسم فراخوان قیام عمومی صادر کردند
* وزارت کشور بحرین از بازداشت ۱۵۰ هوادار شیخ عیسی قاسم در «الدراز» مناهه خبر داد
* جمعیت‌های مختلف شیعه، نسبت به هرگونه تعدی رژیم بحرین علیه شیخ عیسی قاسم هشدار دادند

صفحه ۱۶

یادداشت

سیاست‌های راهبردی ایران در قبال کشورهای عربی

دکتر سیدحسین موسوی

روابط ایران با کشورهای عربی از دیرباز در معرض دگرگونی، تنش، بحران حتی جنگ بوده است. پیش از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، روابط با کشورهای عربی بویژه همسایگان و به طور مشخص کشور عراق برمبنای شاخصهای تهدید سامان گرفته بود. دلیل اصلی آن این بود که ایران دوره پهلوی به طور مستقیم در کمپ کشورهای غربی به رهبری ایالات متحده آمریکا قرار داشت و در تقسیم‌بندی دوران جنگ سرد بخشی از منظومه متحدان غرب در برابر اتحاد جماهیر شوروی به شمار می‌آمد، در حالی که عراق در کمپ شرق به رهبری شوروی قرار داشت. ایران در آن دوران مأموریتی منطقه‌ای بر عهده داشت که در مبارزه با گسترش نفوذ اتحاد جماهیر شوروی به جنوب خلاصه می‌شد، در مقابل عراق از گسترش نفوذ شوروی در منطقه جانبداری می‌کرد. به همین دلیل میان تهران و بغداد رقابتی منطقه‌ای بسیار جدی وجود داشت که گاهی به تنش و بحران و حتی درگیریهای مرزی کشیده می‌شد. این معادله تا زمان پیروزی انقلاب اسلامی ادامه داشت. با پیروزی انقلاب اسلامی، ژئوپلتیک منطقه دچار تغییری شد که استراتژیستهای غرب آن را تغییرات بنیادین نامیدند. اما آیا تنش و بحران در روابط ایران با کشورهای عربی خاتمه یافت؟ پاسخ: خیر. ماهیت رقابت‌ها تغییر کرد و شمار بیشتری از کشورهای عربی به دایره رقابت با ایران کشیده شدند. جنگ تحمیلی ۸ساله عراق و صف‌آرایی کشورهای عربی به سود رژیم صدام حسین به استثنای سه کشور عضو اتحادیه عرب بهترین نشان این رقابت بود.

پایان جنگ تحمیلی و نیز پدیده فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و پایان جنگ سرد نیز نتوانست معادله موجود در روابط ایران با کشورهای عربی را تغییر دهد. از آن پس و به دلیل فقدان یکی از ارکان توازن قدرت در عرصه جهان کشورهای عربی دارای گرایشهای ناسیونالیستی، رقابت میان ایران و کشورهای عربی از رقابت مبتنی بر عضویت در کمپ‌های قدرت جهانی به رقابت بر سر امور منطقه‌ای و مسائل مذهبی تغییر جهت داد. ایران به گسترش نفوذ معنوی خود در منطقه با راهبرد مبارزه با صهیونیسم ادامه داد و کشورهای قدرتمند عربی نظیر عربستان سعودی برای حفظ موقعیت منطقه‌ای خود همه کوشش خود را برای مبارزه با نفوذ ایران به کار بردند. اشغال عراق از سوی ایالات متحده آمریکا در سال۲۰۰۳ میلادی نه تنها به این وضعیت خاتمه نداد بلکه از یک سو به ایران امکان داد عنصر بهم پیوستگی جغرافیایی با شرق مدیترانه تا مرزهای فلسطین تاریخی را برای خود دست و پا کند و از دیگر سو رقیب اصلی ایران یعنی عربستان سعودی را به برپایی اتحاد منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای برای مقابله با گسترش نفوذ ایران سوق داد.

پرسش اصلی چنین برآورد این است که آیا این وضعیت قابل دوام است؟ پاسخ: خیر. پرسش بعدی و مهم این است که اگر این وضعیت قابل دوام نیست راه حل مناسب چیست؟ این برآورد تلاش می‌کند به این پرسش کلیدی پاسخ دهد.

۱ـ تعداد کشورهای عضو اتحادیه عرب ۲۲کشور با جمعیتی بیش از ۲۴۰ میلیون نفر هستند. جغرافیای جهان عرب از جنوب غربی آسیا تا شمال آفریقا امتداد دارد. حدود نیمی از کشورهای عربی در قاره آسیا و نیمی دیگر در قاره آفریقا هستند. اما حدود۷۰درصد جمعیت کل جهان عرب در کشورهایی زندگی می‌کنند که در قاره آفریقا قرار دارند.

۲ـ جهان عرب به لحاظ سیاسی کل واحدی نیست و تنوع رژیمها و گرایشهای سیاسی و نیز روابط بین‌المللی آنها برمبنای اردوبندی جهانی فراوان است.

۳ـ منظومه جامع جهان عرب تحت عنوان اتحادیه عرب از کارآمدی بسیار محدودی برخوردار بوده و این اتحادیه به رغم سابقه طولانی‌اش(بیش از نیم قرن) از عدم انسجام و اتحاد رنج می‌برد. اتحاد میان کشورهای عربی نیز به استثنای مسئله فلسطین در هیچ یک از مسائل و رخدادهای منطقه‌ای و جهانی به صورت پایداری دیده نشده است. ضرب‌المثل معروفی در مورد پدیده اتحاد کشورهای عربی وجود دارد که می‌گوید العرب اتحدوا علی ان لا یتحدوا= عربها متحد شدند که هیچگاه با هم متحد نشوند.

۴ـ حدود ۹۰درصد ثروت کشورهای عربی در میان ۱۰درصد جمعیت جهان عرب انباشت شده و بسیاری از کشورهای عرب از فقر مزمنی رنج می‌برند.

۵ـ پیش از اشغال عراق از سوی آمریکا در سال۲۰۰۳ و پیش از موج بهار عرب از سال۲۰۱۰ بدین سو ۴کشور عربی از ثقل سیاسی بالایی برخوردار بودند که به ترتیب مصر، سوریه، عراق و عربستان سعودی دسته‌بندی می‌شدند. اشغال عراق در سال ۲۰۰۳ و بهار عرب در سال۲۰۱۰ قدرت چهار پایه‌ای جهان عرب را ویران کرد و به ترتیب کشورهای مصر، عراق و سوریه از عرصه تاثیرگذاری منطقه‌ای خارج شدند و تنها عربستان سعودی دستخوش بحران نشده است.

۶ـ تحولات یادشده در جهان عرب به لحاظ کاهش عنصر تهدید به سود ایران بود. اما رقابت منطقه‌ای را در میان ایران و عربستان سعودی تقسیم کرد. در نتیجه تنش و بحران در روابط تهران و ریاض تنش میان دو نیروی آسیب ندیده منطقه خلاصه شد.

۷ـ جمهوری اسلامی ایران در اثر بروز خلاء قدرت در پی اشغال عراق و پدیده بهار عرب به گسترش دامنه نفوذ منطقه‌ای پرداخت و قلمرو راهبردی خود را به قلمرو حیاتی ۲قدرت منطقه‌ای گسترش داد. از یک سو در سوریه حضور چشمگیری پیدا کرد و حساسیت اسرائیل را برانگیخت و از دیگر سو در شبه جزیره عرب یعنی کشور یمن در قلمرو حیاتی سنتی عربستان سعودی از طریق حمایت معنوی از حوثی‌ها حضور پیدا کرد و حساسیت امنیتی ریاض را برانگیخت. در نتیجه ۲قدرت یاد شده منطقه‌ای یعنی اسرائیل و عربستان سعودی برای مقابله با نفوذ منطقه‌ای ایران به یک اتحاد نسبی با قابلیت گسترش روی آوردند.

۸ـ علاوه بر رژیمهای محافظه کار عرب رژیمهای ملی گرا نظیر مصر و الجزایر و نیز نخبگان سیاسی جهان عرب به موج گسترش نفوذ منطقه‌ای ایران به دیده تردید و تهدید می‌نگرند.

راهکارهای کاهش تنشهای منطقه‌ای

جمهوری اسلامی ایران در سه سطح می‌تواند روابط خود را با جهان عرب برمبنای تنش‌زدایی سامان دهد.

سطح اول. اگر خاورمیانه را ماکت کوچکی از جهان فرض کنیم تقسیم دایره‌ها و دامنه‌های نفوذ میان قدرتهای بزرگ ضرورتی اجتناب ناپذیر شناخته می‌شود. ایران و عربستان سعودی به عنوان دو قدرت بزرگ منطقه‌ای باید بر سر تقسیم دامنه‌های نفوذ با یکدیگر به تفاهم و توافق دست یابند. این نکته بویژه برای جمهوری اسلامی ایران اهمیت حیاتی دارد. در غیر این صورت ترکیب قدرت عربستان سعودی و اسرائیل در منطقه با توجه به امتداد جهانی این دو قدرت، ادامه روند کنونی رقابت منطقه‌ای ایران را دشوار و پرهزینه می‌کند. ایران باید از غلتیدن عربستان سعودی در دامان اسرائیل و ترکیب قدرت آنها جلوگیری کند. توافق نانوشته ایران و عربستان سعودی بر سر حل و فصل بحران ریاست جمهوری لبنان طی چند ماه اخیر الگوی مناسبی برای ادامه این تفاهمهای منطقه‌ای و خارج کردن دایره‌های نفوذ از دسترسی اسرائیل تلقی می‌شود. تلاش ریاض برای ایجاد سازمانی شبه ناتو در خاورمیانه از طریق بسیج ۱۷کشور عربی و اسلامی که در سفر اخیر دونالد ترامپ به ریاض و انعقاد رشته قراردادهای بی‌سابقه تسلیحاتی به ارزش ۱۱۰میلیارد دلار صورت گرفت معنایی جز تلاش سعودیها برای ایجاد جبهه منطقه‌ای برای مقابله با ایران ندارد.

سطح دوم. گسترش دیپلماسی عمومی ایران از طریق کاهش مقررات مربوط به مسافرت اتباع کشورهای عربی در شکل توریسم بسیار حیاتی است. این موضوع در مورد اتباع عراق به رغم ریشه‌های روانی ناشی از دوران جنگ تحمیلی نتایج مثبتی داشته است. اکنون مطابق آمار موجود تهران به مرکز معالجات پزشکی برای اتباع عراق تبدیل شده و ایران به زودی از ترکیه پیشی خواهد گرفت. گسترش آمد و شد اتباع کشورهای عربی به ایران و ایجاد اختلاط دینی و مذهبی و نیز مشاهده پیشرفتهای ایران از یک سو سیاست شیطان‌سازی از چهره ایران در منطقه خنثی می‌شود و از دیگر سو رژیمهای معتدل جهان عرب را از ورود در اردوبندی رقیبان منطقه‌ای ایران جلوگیری می‌کند. فواید اقتصادی گسترش سفر بی‌زحمت اتباع جهان عرب به ایران نیز به جای خود بسیار فراوان است.

سطح سوم. روابط ایران با نهادهای رسمی جهان عرب بویژه اتحادیه عرب که مقر آن در مصر است باید گسترش پیدا کند اگر چه در بالا اشاره شد که اتحادیه عرب از کارآمدی بسیار پایینی برخوردار است، اما یادمان باشد که اتباع کشورهای عربی به لحاظ تعصبهای قومی از نهادهایی نظیر اتحادیه عرب جانبداری کرده و آنرا پایگاه جمعی امت عرب تلقی می‌کنند.

* رئیس مرکز پژوهشهای علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه

لاریجانی: ریاض مرکز صدور تروریسم است

سرویس سیاسی - اجتماعی: آمریکایی‌ها ریاض را مرکز مبارزه با تروریسم اعلام کردندو این کار درستی بود چون مرکز صدور تروریسم همانجاست.

به گزارش ایرنا، علی لاریجانی در ابتدای جلسه علنی دیروز مجلس به اجلاس اخیر ریاض اشاره کرد و اظهار داشت: این موضوع که رئیس‌جمهوری آمریکا در ابتدای صحبتش گفته که چقدر پول از دولت سعودی گرفته است تا قبول کند در این اجلاس شرکت کند، نکته جالبی است که قابل باور نبود به صورت علنی گفته شود.

رئیس مجلس ادامه داد: اگر آمریکا موفق به ممانعت از ارسال پول، سلاح و افراد مسلح از عربستان به سایر نقاط شود، دیگر نه برج دوقلو در نیویورک منفجر می‌شود و نه هزاران نفر از مردم بیگانه عراق، سوریه و لبنان کشته و زخمی‌می‌شوند.

لاریجانی تصریح کرد:ازعجایب روزگار این است که سعودی‌ها و آمریکا علمدار مبارزه با تروریسم شدند؛ از اشغال افغانستان توسط شوروی سابق تا کنون که انواع و اقسام جریان‌های تروریستی ایجاد شده در کدام یک دست سعودی‌ها پشت صحنه یا روی صحنه آن نبوده است.

وی همچنین گفت: در مورد طالبان فقط کافی است به مصاحبه آن زمان خانم بی‌نظیر بوتو، نخست‌وزیر فقید پاکستان توجه کنید که در جواب سئوال خبرنگاری که چرا پاکستان طالبان را ایجاد کرد گفته بود: "این قدر پاکستان را سرزنش نکنید، طالبان از یک مثلث همکاری به وجود آمد که طراحی و هدایت آن با آمریکا و انگلیس بود و پول آن را سعودی و امارات دادند و اجرای آن توسط پاکستان بود."

وی ادامه داد: هنوز چند ماه از گزارش اخیر مسئولان آمریکا در مورد ۱۱ سپتامبر توسط القاعده نمی‌گذرد که آنها مقامات سعودی را در ماجرای ۱۱ سپتامبر دخیل دانستند. آیا تردیدی وجود دارد که داعش و النصره با کمک سعودی‌ها و برخی کشورهای کوچک منطقه‌ای ایجاد و حمایت شده‌اند؟ همین‌طور دیگرگروه‌های تروریستی نظیر احرارالشام و دهها گروه همه از حمایت‌های سعودی برخوردارند، حال سعودی‌ها ادعا می‌کنند ایران محور تروریسم در منطقه است و بعد از انقلاب خمینی منطقه با تروریسم مواجه شده است؟

وی یادآور شد: این یک مطلب روشن از نظر تاریخی است که حکومت عربستان از آغاز کار همیشه درگیر جنگ و ترور بوده است.آن هم فقط جنگ با مسلمانان عرب و سعودی‌ها حتی یک تیر هم به سوی صهیونیست‌ها شلیک نکردند.

لاریجانی با بیان این که چنین کشوری با چنین ایدئولوژی افراطی مدعی شده است که ایران از طریق گروه‌های مسلح در منطقه در حال توسعه تروریسم است، گفت: اشتباه می‌کنید ما با ارائه انتخابات، رأی و صندوق‌های رأی در حال گسترش دموکراسی در منطقه هستیم. شما هنوز به زنان اجازه رانندگی نمی‌دهید، قانون اساسی ندارید، انتخابات ندارید، آن وقت مدعی ایران شده‌اند؟

رئیس مجلس خاطرنشان کرد: آنچه باعث شد شما از انقلاب اسلامی‌ایران بترسید الگو شدن ایران به عنوان یک کشور آزاد است که با رای مردم اداره می‌شود.

لاریجانی تصریح کرد: با هیچ کشور همسایه مشکل و حتی با سعودی‌ها هم بنای دشمنی نداریم. این شما هستید که سال‌هاست علیه ایران دشمنی آشکار و پنهان به راه انداخته‌اید، به رئیس‌جمهوری اسبق آمریکا پیغام می‌دادید که سر اژدها را که مقصودتان ایران بود، بزنید.

وی در بخش دیگری از سخنانش گفت: آقای ترامپ در این اجلاس گفته هدف ما تحقق صلح، امنیت و شکوفایی در این منطقه و دیگر نقاط جهان است. اگر واقعا چنین قصدی دارید این پولی که حسب اطلاع بالغ بر ۵۰۰ میلیارد دلار است و از دولت سعودی گرفتید تا اقتصاد آمریکا را آباد کنید، بگذارید در کشورهای منطقه خرج توسعه و پیشرفت شود تا جوانان از این وضع نجات پیدا کنند و شاهد پیشرفت کشورشان باشند تا در دام گروه‌های تروریستی نیفتند.

وی در بخش دیگری از سخنانش افزود: فتوای آیت‌الله‌العظمی سیستانی و مجاهدت جوانان عراقی و مساعدت دولت ایران، شر داعش را از عراق دور کرد و اگر ایران به کمک دولت قانونی سوریه نرفته بود، امروز سوریه و لبنان و اردن همه در یوغ تروریست‌ها بودند.

رئیس مجلس همچنین گفت: در هنگامه ای که در صحنه بین المللی انواع و اقسام مکر و فسون را شاهد هستیم و در منطقه به غایت به هم ریختگی امنیتی وجود دارد، حضور با صلابت ملت در انتخابات، پشتوانه محکم امنیت ملی کشور شد.

لاریجانی انتخاب حسن روحانی به عنوان برگزیده ملت ایران در انتخابات ریاست جمهوری را تبریک گفت و به کمیسیون شوراها ماموریت داد با همکاری مرکز پژوهش‌های مجلس، وزارت کشور و شورای نگهبان،طرحی برای ساماندهی بهتر انتخابات ارائه کنند.

ترامپ پول عربستان را می‌خواهد

در ادامه، نایب رئیس دوم مجلس هم گفت: ترامپ نگاهی اقتصادی دارد و می‌خواهد از پول عربستان استفاده کند. آمریکایی‌ها سرعربستان کلاه می‌گذارند ولی آنها هم باید باهوش باشند و فریب نخورند.

علی مطهری در حاشیه جلسه علنی در پاسخ به سوالی درباره سفر ترامپ به عربستان گفت: سفر ترامپ به عربستان بیشتر سفر تجاری بود چون وی یک نگاه اقتصادی به مسائل جهان دارد بیشتر می‌خواهد از پول عربستان استفاده کند و یک دشمن خیالی و موهوم به نام ' ایران' برایشان درست کردند که به بهانه خرید اسلحه پول‌هایشان را بگیرند.

خبر دیگر حاکی است: سخنگوی دولت برنامه دفاعی موشکی ایران را جزو سیاست‌های غیرقابل تغییر ایران دانست که در برنامه ششم و بودجه ۹۶ هم به صورت مصرح بر تقویت بنیه دفاعی تاکید شده است.

محمدباقر نوبخت در حاشیه جلسه علنی دیروز مجلس در جمع خبرنگاران در پاسخ به سئوالی درباره برنامه دفاعی موشکی ایران گفت: منافع ملی در گرو امنیت ملی ماست. سیاست دفاعی ایران مبتنی بر بازدارندگی است، بنابراین هر چقدر بنیه دفاعی ما قویتر باشد، امنیت داخلی و منطقه محفوظ تر خواهد بود.

وی تصریح کرد: طبیعی است که برنامه دفاعی موشکی جزو سیاست‌های غیرقابل تغییر جمهوری اسلامی‌باشدو خوشبختانه در برنامه ششم و هم در بودجه سال ۹۶ به صورت مصرح تقویت بنیه دفاعی دیده شده است.

نوبخت در پاسخ به سئوالی درباره برجام موشکی گفت: اگر منظور از برجام موشکی این است که از سیاست‌های گفته شده عقب بنشینیم، خیر چنین برنامه ای وجود ندارد؛ اما اگر منظور این است که جهان را یعنی برخی قدرت‌های جهان را متقاعد کنیم، چنین چیزی وجود دارد.

وی گفت: برخی قدرت‌های جهان تلاش دارند قدرت دفاعی موشکی را به عنوان دغدغه ای منطقه‌ای جلوه دهند. البته ایجاد دلواپسی نسبت به قدرت دفاعی ایران محدود نمی‌شود، چراکه مولفه‌های دیگر برای قدرت ملی در کشور وجود دارد که تلاش می‌شود نسبت به آن در منطقه دلهره ایجاد کرد.

وی تاکید کرد: باید حوصله کنیم با کشورهای همسایه مذاکره داشته باشیم تا القائاتی که نسبت به برنامه دفاعی ایران وجود دارد و برپایه آن ایران هراسی ایجاد می‌کنند و سلاح‌هایشان را می‌فروشند، خنثی کنیم

نوبخت در پاسخ به سئوالی درباره برنامه‌های ایران برای مقابله با اظهارات ضدایرانی عربستان اظهار داشت: قطعا مواضع ایران انفعالی نخواهد بود، همان طور که اعلام شده بود،حضور ترامپ را رخداد سیاسی در منطقه نمی‌دانیم، به این دلیل وزن و ارزشی برای آن قائل نیستیم.

خبر دیگر این که سخنگوی فراکسیون مستقلین ولایی مجلس شورای اسلامی‌گفت: ریاست علی لاریجانی برای سال دوم مجلس دهم قطعی است و محمدرضا عارف اعلام کرد به دلیل آن که لاریجانی با درایت مجلس را اداره کرده است، نامزد نمی‌شود.

مهرداد لاهوتی تصریح کرد: در جلسه فراکسیون مستقلین ولایی مجلس موضوع انتخاب اعضای هیات رئیسه مجلس مورد بررسی قرار گرفت و ریاست علی لاریجانی در سال دوم مجلس دهم قطعی است.

دکتر جهانگیری انتصاب نخست وزیر فرانسه را تبریک گفت

معاون اول رئیس جمهوری در پیامی به «ادوارد فیلیپ»، انتصاب وی را به عنوان نخست وزیر جدید فرانسه تبریک گفت.

متن پیام دکتر اسحاق جهانگیری به این شرح است:

جناب آقای ادوارد فیلیپ

نخست وزیر جمهوری فرانسه

انتصاب جناب عالی به عنوان نخست وزیر فرانسه را صمیمانه تبریک می گویم.

مناسبات جمهوری اسلامی ایران و جمهوری فرانسه طی سالهای گذشته از روند رو به رشدی برخوردار بوده است.

امیدوارم در دوره نخست وزیری جناب عالی، روابط فی مابین در راستای منافع متقابل بیش از پیش گسترش یابد.

از خداوند متعال سلامتی و موفقیت آن جناب و بهروزی و سرافرازی مردم فرانسه را مسالت دارم.

اسحاق جهانگیری

معاون اول رییس جمهوری اسلامی ایران

یادگار گرامی امام: خرد جمعی مردم تصمیم درست گرفت

اعضا و دست اندرکاران ستاد مرکزی بزرگداشت امام خمینی(ره) بعد از ظهر دیروز با یادگار گرامی امام دیدار کردند.

به گزارش جماران، حجت‌الاسلام والمسلمین سید حسن خمینی در این دیدار، گفت: یکی از ادعیه ای که در فرمایشات امام بسیار به آن توجه داده شده مناجات شعبانیه است. در مورد این مناجات،یکی از نکاتی که امام پیرامون آن می گویند، غیر از بلند بودن فرازهای آن، این است که از معدود دعاهایی است که همه ائمه آن را



می‌خواندند و همه نسبت به خواندن آن مقید بودند.

یادگار امام افزود: فکر می‌کنم از مقام معظم رهبری هم شنیده‌ام که گفتند از امام پرسیدند که شما دعای بالاتر از همه می‌دانید، ایشان به مناجات شعبانیه اشاره کردند.این دعا آغازی دارد که یکی از رموز پیروزی امام در زندگی شخصی، سیاسی، اجتماعی و هم در تداوم این مسیر است. یعنی به نوعی هم رمز پیروزی و هم رمز بقاء انقلاب است. آن تعبیر این است که «الهی هب لی کمال الانقطاع إلیک»؛(خدایا کمال انقطاع از مردم به سوی خودت را ببخش).

وی تصریح کرد: یکی از فرمایشات امام ذیل این بحث این است که در یکی از سخنرانی‌ها می‌فرمایند این دعا جای این دارد که بزرگانی آن را شرح کنند. «کمال انقطاع را ببخش»، یعنی باید از جانب معشوق کشش باشد. تا که از جانب معشوق کششی نباشد، کوشش عاشق بیچاره به جایی نرسد. نکته دوم این است که می گوید «کمال» انقطاع را به ما ببخش. به تعبیر امیرالمؤمنین(ع)، اوج انقطاع به سمت خدا را ببخش تا آنچه می‌بینیم و آنچه می‌شنویم تو باشی.

سید حسن خمینی ادامه داد: روایتی از پیامبر(ص) موجود است که هم شیعه و هم سنی نقل می‌کنند؛ ایشان می‌فرماید که «صدای پای شرک در میان مردمان از صدای پای یک مورچه در یک شب تاریک بر روی یک صخره سخت پنهان تر است.» مراقب باشید شرک این گونه از دریچه قلبتان وارد می‌شود و غیر خدا را به جای خدا قرار می‌دهیم.

وی گفت:این کمال‌انقطاع که‌در تعبیر امیرالمؤمنین(ع) هست و تأکید امام هم هست، خروج از شرک است و این که انسان در دایره وجود مؤثری جز او نبیند و تمام عالم را رشحه ای از رشحات او ببیند. اگر این گونه شد آن وقت به تعبیر عرفا «عارف همیشه خوش است»،«به جهان خرم از آنم که جهان خرم از اوست». اینجا به درجه‌ای می‌رسد که وقتی عبیدالله روز عاشورا از زینب کبری(س) پرسید چه چیزی دیدی؟ گفت «ما رأیت الّا جمیلا»؛ هرچه بود زیبایی بود. اگر آدمی با این چشم نگاه کند می‌تواند همه چیز را زیبا ببیند و به آرامی زندگی کند؛ این بزرگترین سرمایه امام بود.

یادگار امام با اشاره به تقارن ایام بزرگداشت امام خمینی(ره) با ماه مبارک رمضان، گفت: ماه رمضان بیش از هر زمانی می‌تواند جان و قلب ما را با این معارف آشنا کند.

لذا بسیار مناسب است که امسال در فضای تبلیغات و بازگو کردن افکار امام، به حوزه توکل، توسل و عرفان امام توجه دهیم. وی اظهار داشت: اگر امام کار بزرگی کرد و نام او کارهای بزرگی می‌کند و باز می‌بینیم اقبال جامعه به یاران او اشاره دارد، فقط به خاطر این بود که به کمال انقطاع توجه دارد. این یکی از بزرگترین سرمایه‌ها و توصیه‌های امام است. ما بیش و پیش از هرچیز احتیاج داریم که این صیقل بزرگ را در جامعه خود حاکم کنیم و این فضا را قبل از هر چیز در خود حاکم کنیم که به کمال انقطاع نزدیکتر شویم.

سید حسن خمینی افزود: نکته دوم که جزو امهات مکتب سیاسی امام است، اتکاء و باور امام به مردم است. امام به مردم و خرد و فهم مردم باور داشت. امام باور داشت اگر شما خوب باشید مردم خوب هستند و در مجموع درست تصمیم می‌گیرند؛ مجموعه خرد مردم تصمیمات صحیح می‌گیرد؛ به فهم عمومی‌و توانمندی فکر و هوش مردم اعتماد کنیم چون با همین نیرو می‌توانیم در برابر همه تهدیدها ایستادگی کنیم. در منطقه ما و جهان نمی‌بینیم جوامعی که این گونه اتکای به عزم عمومی‌داشته باشند.

وی با بیان این که سرمایه بزرگی در ۲۹ اردیبهشت شکل گرفت، ادامه داد: حضور مؤثر، شاداب و با نشاط همه اقشار و طیف‌های مختلف عزم ملی را در حماسه ۲۹ اردیبهشت نشان داد. مردم یکی از یاران انقلاب را انتخاب کردند اما اصل این حضور یک کار بسیار بزرگ و این اعتماد ملی، سرمایه بزرگی است. در این مملکت تا قبل از پیروزی انقلاب و همین الآن در کشورهای همسایه ما چنین نوع اقتدار ملی و چنین نوع اتکای به مردم وجود ندارد و این دستاورد بزرگی است که امام برای ما گذاشت.

یادگار امام تاکید کرد: همه قدرت این جامعه به مردم، اعتقاد و همت مردم است و با وجود آنها هیچ ضربه ای به جامعه ما نمی‌خورد. در دهه ۶۰ کودتایی می‌خواست انجام شود و امام تعبیر زیبایی دارند؛ گفتند آن هواپیماهایی که بلند شده بودند بالأخره می‌خواستند جایی روی زمین بنشینند؛ در میان کدام مردم می‌خواستند فرود بیایند؟!(نقل به مضمون)

وی افزود: انتخابات و حضور مردم نعمتی است که خداوند به وسیله امام به ما داده است و یقین دارم که با این نیرو می‌توانیم بر همه مشکلات پیروز شویم. ان شاء الله بتوانیم مردم سالاری دینی را که نهادینه شده است به عنوان سرمایه امروز و فردای جامعه خود نگه داریم.

یادگار امام در پایان ابراز امیدواری کرد که خداوند این نشاط اجتماعی را برای ما نگه دارد.

گفته‌های دبیر ستاد مرکزی بزرگداشت امام

دبیر ستاد مرکزی بزرگداشت امام خمینی هم گفت: این از افتخارات بزرگ ملت ایران است که پس از ۴۰ سال ملت ما هنوز به شاگردان، فرزندان و یادگاران امام وفادار هستند. بر اساس این گزارش، حجت‌الاسلام والمسلمین محمدعلی انصاری پیش از سخنان یادگار امام، با تبریک سالروز حماسه فتح خرمشهر، گفت: به حق باید گفت حماسه پر معنا و افتخارآمیز حضور مردم در صحنه انتخابات یکی از نقاط برجسته، کلیدی و افتخارآمیز ملت ایران است. در این حماسه تابلویی زیبا از حضور یک ملت بزرگ در سایه مکتب سیاسی امام به نمایش درآمد. وی افزود: خدا را شاکریم که سکان به دست کسی سپرده شد که سابقه دیرین در انقلاب، دفاع مقدس، دوران سازندگی، مجلس شورای اسلامی، مجمع تشخیص مصلحت نظام، دبیری شورای عالی امنیت ملی و ده‌ها مسئولیت دیگر را در کارنامه خود دارد؛ مردی که به حق یکی از شاگردان مکتب امام است.

انصاری ادامه داد: این از افتخارات بزرگ ملت ایران است که پس از ۴۰ سال ملت ما هنوز به شاگردان، فرزندان و یادگاران امام وفادار هستند. نسل چهارمی‌که به روحانی رأی دادند امام را به چشم ندیده اند و امام را از زبان بازماندگان او شناخته اند. ما به خود می‌بالیم در کشوری زندگی می‌کنیم که علی رغم آسیب‌ها و بداخلاقی‌هایی که مردم شاهد بودند، یکی از سربازان امام سکاندار عرصه اجرایی کشور شده است.

امروز روحانی عزیز در عرصه بین المللی به نام امام می‌درخشد. اگر او سخنی از صلح به میان می‌آورد، برگرفته از آرمان‌های ایران است. انصاری با اشاره به تقارن مراسم بزرگداشت امام خمینی با ماه مبارک رمضان بیان کرد: رمضان ماهی است که باید گفت اعتلاء و ارزش معنوی امام از این ماه نشأت گرفته است؛ همان طور که نام پیامبر(ص). قرآن سرمایه معنوی پیامبر بود که در رمضان نازل شد. بنابر این رمضان ماه اوج و اعتلای حیات معنوی انسان‌ها است. رمضان ماهی است که هرچه گرداگرد فضائل آن بگردیم دست ما کوتاه است. وی گفت: مراسم امسال با تدبیری جدید و ساعتی متفاوت برگزار می‌شود و مقارن با غروب آفتاب و همراه با پذیرایی از زائرین خواهد بود. متأسفیم که نمی‌توانیم افراد بیشتری در این مراسم باشند و همه نیروهای ستاد دست به دست هم داده‌اند و آماده انجام وظیفه هستند.

رئیس جمهوری: مردم تصمیم گرفتند همه اقشار و افکار به قطار انقلاب بازگردند

حجت‌الاسلام والمسلمین حسن روحانی پس از پیروزی در دوازدهمین انتخابات ریاست جمهوری،برای بهره‌مندی از رهنمودهای رهبر معظم انقلاب،دیروز با حضرت آیت الله خامنه‌ای دیدار کرد.

به گزارش ایسنا، رئیس جمهوری که پس از دیدار با رهبر معظم انقلاب ، برای تجدید میثاق با آرمان‌های بلند امام راحل و شهدای انقلاب اسلامی‌و هشت سال دفاع مقدس در حرم مطهر امام خمینی(ره) حضور یافته بود، به خبرنگاران گفت:همه تلاش ما عمل و تحقق بخشیدن به وعده‌هایی است که به مردم داده‌ایم.

روحانی، جمهوریت و اسلامیت نظام اسلامی‌را ثمره و یادگار بزرگ راه حضرت امام خمینی بنیانگذار کبیر جمهوری اسلامی‌برشمرد و تاکید کرد: حضرت امام(ره) به ما یاد داد که این انقلاب با مردم حفظ می‌شود و امروز اگر انتخابات و حضور پرشور مردم پای صندوق‌های آرا نبود؛ نمی‌توانستیم در برابر انواع نقشه‌های شیطانی، نظام و انقلابمان را به خوبی حفظ کنیم. وی فرا رسیدن سالروز آزادسازی خرمشهر را تبریک گفت و اظهارداشت:سوم خرداد روز پیروزی در برابر تجاوز و آزادسازی خرمشهر با اراده حق و توسط رزمندگان اسلام بود که این روز را به ملت ایران و روح بلند امام راحل تهنیت می‌گویم.

روحانی همچنین با یادآوری سالروز حماسه دوم خرداد ۲۰ سال پیش و حضور بسیار تاثیرگذار مردم پای صندوق انتخابات، افزود: امروز به محضر امام بزرگوار و در پیشگاه روح بلند او آمدیم تا به امام گزارش بدهیم؛ همان طور که شما همواره پیش بینی می‌کردید، می‌فرمودید، تجلیل می‌کردید و باور داشتید،" قدرت حضور و مشارکت مردم همه جا و همواره می‌تواند گره‌ها را بگشاید".

رئیس جمهوری با اشاره به این که جای امام عزیز خالی بود که ببیند که بعد از حدود ۳۹ سال از پیروزی انقلاب اسلامی‌حضور شکوهمند و بی نظیر مردم در انتخابات را شاهد باشد، اظهار داشت: در این انتخابات بیش از ۴۱ میلیون نفر رای دادند و حدود چهار میلیون نفر در صف‌ها ماندند و نتوانستند رای دهند. در انتخابات دوره دوازدهم ریاست جمهوری برای اولین بار در تاریخ ایران، حضور ۴۵ میلیونی مردم پای صندوق آرا برای تعیین سرنوشت و آینده خودشان رقم خورد.

وی تصریح کرد: می‌خواهم خدمت امام عزیز و بزرگوار بگویم این راه را شما به ما آموختید. شما کلمه جمهوریت را بر زبانتان جاری کردید و برای اولین بار به جای شعار "استقلال- آزادی- حکومت اسلامی"، در همان فرانسه و در تبعید اعلام کردید و گفتید: "استقلال - آزادی- جمهوری اسلامی."

روحانی با تبریک به روح بلند امام خمینی به خاطر کار عظیم و بزرگی که برای این ملت انجام داد، گفت: اگر امروز به این مشارکت افتخار می‌کنیم، به خاطر این است که این مسیر را امام به ما نشان داد. امام همیشه درباره انتخابات می‌فرمود: "مردم باید در تعیین مقدرات و سرنوشت خودشان شرکت کنند؛ میزان رای ملت است".

رئیس جمهوری اضافه کرد: به محضر امام عزیز عرض می‌کنم؛ شما انقلاب بزرگ اسلامی‌را به ثمر رساندید. در قطار انقلاب همه اقشار، افکار، ایده‌ها، چهره‌ها و سبک‌های مختلف زندگی حضور داشتند. اگر به تصاویر روزهای اول



انقلاب بازگردیم این حضور را می‌بینیم. اماما! بعضی تلاش کردند گروهی را از این قطار پیاده کنند، اما امروز بار دیگر مردم تصمیم گرفتند که همه به قطار انقلاب بازگردند و همه کسانی که پیاده شده بودند، سوار شوند.

وی اظهارداشت: امام بزرگوار! تو به ما یاد دادی و فرمودی همه باهم باشیم. می‌دانیم اگر همه جناح‌ها، افراد، اقشار، اقوام، مذاهب، زن و مرد، پیر و جوان، روستایی و شهری در کنار هم باشیم، پیروزیم و می‌توانیم از معضلات عبور کنیم.

روحانی تصریح کرد: اماما! معضلات بزرگ مثل بیکاری، اعتیاد، تروریسم و توطئه‌ها را در منطقه داریم، اما از طریق و راهی که تو برای ما تعیین کردی که با هم کشور را بسازیم، در کنار هم باشیم، مطمئنم با وحدت ملی و با هدایت‌های خلف صالح شما، مقام معظم رهبری می‌توانیم این راه را به مقصد برسانیم.

رئیس جمهوری با بیان این که سخنی هم با آیت‌الله هاشمی‌دارم، خاطرنشان کرد: آیت‌الله هاشمی‌همان کسی بود که سال گذشته، اولین بار او مرا تشویق کرد تا در انتخابات دوره دوازدهم ریاست جمهوری شرکت کنم. او همان کسی بود که اگر چه میان ما نبود، ولی به خوبی این روزهای انتخابات را پیش بینی کرد. به من گفت که چه کسانی به صحنه انتخابات خواهند آمد و گوشزد کرد که امروز چه وظیفه بزرگ دینی و ملی و انقلابی بر عهده توست.

وی گفت: "می‌خواهم به روح بلندهاشمی‌بگویم، هشت سالی که با هم در جبهه و در کنار هم قدم می‌زدیم، روزهایی که با هم روبروی فاو بودیم، در قرارگاه‌ها با هم بودیم و می‌دیدم برای امنیت و راحتی کشور و مردم و دفع تجاوز دشمنان چه می‌کردی را به یاد دارم. هر جا می‌رفتیم و به مزرعه سرسبزی می‌رسیدیم، پیاده می‌شدی و می‌رفتی و آنجا را می‌دیدی و لذت می‌بردی و می‌خواستی همه ایران سرسبز شود".

روحانی ادامه داد: آیت الله‌هاشمی! یادم هست ۹ سال در کنار هم در مجلس بودیم، هشت سال در دولت در کنار هم بودیم و سال‌ها در کنار هم در مجمع تشخیص مصلحت بودیم؛ گواهی می‌دهم تو عزت و عظمت و پیروزی ایران و این ملت را در همه صحنه‌ها می‌خواستی. ملت ظلم‌هایی را که به خاطر تلاش‌های تو برای انقلاب به تو شد از یاد نمی‌برد.

رئیس جمهوری در ادامه سخنانش اظهار داشت: امروز احساس می‌کنیم حضور، مشارکت، فداکاری و نشاط مردم بار مسئولیت ما را صد چندان کرده است. اماما! تو امروز در پیش مقربین الهی هستی. از آنها بخواه و از خدا بخواه که ما را در این راه سخت یاری کند. اماما! از پیامبر و از روح بلند ائمه اطهار بخواه که برای عظمت این ملت و برای عبور از شکاف‌ها و عبور از اختلافات و تبعیض‌های نابجا به خداوند متوسل شوند.

وی تصریح کرد: اماما! می‌دانیم که روح بلند تو ناظر اعمال ماست. می‌دانیم روح پیامبر و ائمه اطهار ناظر اعمال ماست. هیچ وقت در این انقلاب خداوند مردم را تنها نگذاشت و باز هم می‌دانیم که این ملت تنها نخواهد بود و به قله مطلوب و سعادت و کمال خود دست خواهد یافت.

رئیس جمهوری در این مراسم که حجت‌الاسلام والمسلمین سید حسن خمینی تولیت حرم مطهر امام خمینی هم حضور داشت ، با قرائت فاتحه و اهدای تاج گل، یاد و خاطره امام خمینی و همچنین آیت الله‌هاشمی‌رفسنجانی رئیس فقید مجمع تشخیص مصلحت نظام را گرامی‌داشت. روحانی همچنین با حضور بر مزار شهدای هفتم تیر، هشتم شهریور و گلزار شهدای بهشت زهرا به مقام والای شهدای انقلاب اسلامی‌به ویژه شهید مظلوم آیت‌الله دکتر بهشتی ادای احترام و از رشادت‌ها و جانفشانی‌های آنان تجلیل کرد.

تماس تلفنی روحانی با رئیس جمهوری جدید فرانسه

خبردیگراین که رئیس جمهوری در تماس تلفنی امانوئل مکرون رئیس جمهوری فرانسه با وی، با اشاره به روابط دوستانه و همکاری‌های رو به توسعه ایران و فرانسه، بر تداوم، گسترش و تعمیق مناسبات دو کشور تاکید کرد.

دکتر روحانی سفر خود در سال ۱۳۹۴ به پاریس را مثبت و دارای دستاوردهای خوبی در مسیر توسعه روابط دو کشور برشمرد و خاطر نشان کرد: مناسبات اقتصادی ایران و فرانسه به خوبی در حال رشد است و امیدواریم با تلاش مسئولان دو کشور توافق‌های فی‌مابین هرچه سریعتر عملیاتی شود. وی با اشاره به نقش تاثیرگذار فرانسه در مذاکرات ایران با ۱+۵ و به ثمر رسیدن برجام، گفت: متاسفانه در اجرای این توافق شاهد بدعهدی‌هایی ازسوی برخی کشورها هستیم و انتظار داریم فرانسه و اتحادیه اروپا بر ای اجرای این توافق نقش آفرینی بیشتری داشته باشند.

روحانی با اشاره به ضرورت استفاده همه طرف‌های مذاکره کننده از فرصت به وجود آمده، بر رفع موانع بانکی و مالی در مسیر توسعه روابط اقتصادی و تجاری ایران و فرانسه تاکید کرد و افزود: ایران به همه تعهدات خود در برجام پایبند است. رئیس جمهوری با بیان این که ایران از حضور سرمایه‌گذاران فرانسوی برای همکاری‌های مشترک در بخش‌های مختلف از جمله حمل و نقل و زیرساخت در ایران استقبال می‌کند، ادامه داد: ایران و فرانسه دارای روابط فرهنگی با سابقه تاریخی دیرینه هستند و باید برای ارتقای مناسبات فرهنگی، علمی، فناوری و دانشگاهی دو کشور تلاش کنیم.

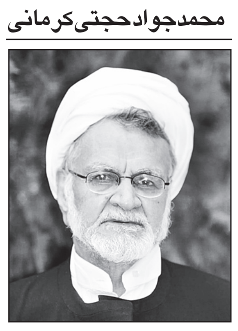
بقیه در صفحه ۱۴

کوتاه و گویا

خداحافظی در بهار...

در سوک و یاد دو یار وفادار: «سرفرازی» و «بیدار»

محمدجواد حجتی‌کرمانی



مرگ ناباورانهٔ دو یار فرهیختهٔ دیرینه، بهار ما و همهٔ دوستان را خزان کرد.

مرحوم مغفور مبرور حجت‌الاسلام حاج شیخ عباسعلی سرفرازی و مرحوم مغفور مبرور حجت‌الاسلام حاج شیخ ابوذر بیدار به فاصله‌ای در حدود دو هفته، در فروردین و اردیبهشت امسال دار فانی را وداع گفتند و خانواده و بستگان و دوستان و آشنایان را در غمی جانکاه فرو بردند... این حقیر که با این دو برادر فاضل سختکوش و فعال و فرهیخته و مردمی، حشر و نشر علمی و اجتماعی ـ و احیاناً سیاسی ـ داشتم، مانند دیگر دوستانی که به حکم فضل و فضیلت اخلاقی شادروانان: «سرفرازی» و «بیدار» با آنان دمخور و محشور بودند، اَعم از روحانیون و دانشگاهیان و اساتید و دانشجویان و عامه طبقات ـ باری ـ مانند همهٔ آنان، فراق ناباورانه این دو عزیز را با تلخکامی فراوان پذیرا شدم و از این غصه نمی‌توانم سخن نگویم که چنین افراد بافضل و فضیلتی چرا باید ناشناخته و حتی مهجور و گوشه‌نشین باشند.

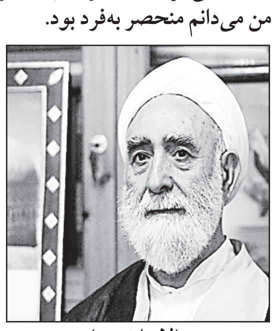
* * *

مرحوم سرفرازی با بسیاری از اهل علم حوزوی و دانشگاهی آمد و رفت داشت و کتابخانه مفصلش پر بود از کتب جدید و قدیم و به خصوص در مطالعه آثار روز و جرائد و مجلات و اطلاع بر مسائل و حوادث سیاسی و اجتماعی، کاملا به روز بود.

گفتنی است که از میان همه جرائد و نشریات، روزنامه اطلاعات و اخیراً ضمیمه‌های بسیار مفید و پرمغز و متنوع اقتصادی، علمی، خانوادگی، علمی، هنری اطلاعات را با حرص و ولعی تام و تمام مطالعه می کرد و «آرشیو» او به‌خصوص از روزنامه اطلاعات تا آنجا که من می‌دانم منحصر به‌فرد بود.



حجت‌الاسلام سرفرازی



حجت‌الاسلام بیدار

* * *

از جمله خدمات فرهنگی آرام و بی‌نام و نشان او این بود که کتابهای مفید ـ و بیشتر دینی و مذهبی ـ روز را می‌خرید و در خانه داشت و به میهمانان و بازدیدکنندگان هدیه می‌داد. همچنین از محصولات باغ زراعی ـ شالیزاری که در مسقط‌الرأس خود در نواحی ساری داشت هر ساله به بسیاری از دوستان هدیه می‌داد از جمله ماها... و این علاوه بر کمک‌های پنهانی بود که چه در زادگاه خودش و چه در ساری و چه در تهران به افرادی که می‌شناخت، مساعدت می‌کرد. حتی به دارو و درمان نیازمندان رسیدگی می‌کرد. او به لطف خدا بی‌نیاز بود و به هیچ‌وجه از کسوت روحانیت در امر معاش بهره نبرد. به صراحت می‌گفت من کشاورزم و روی پای خودم ایستاده‌ام و به کسی نیاز ندارم و از این‌رو، به هیچ‌وجه از اینکه طی زیر و بم‌های سیاسی، از دَوْر خارج شده بود و در سطح عام مطرح نبود و بعضی از خواص هم از او بریده بودند اما او، با کمال مناعت طبع و آزادگی از اینکه مورد کم‌لطفی بعضی از دوستان قرار گرفته بود، ناراضی نبود و همیشه خندان و شادان و بذله‌گو در جلسات می‌نشست و سخن می‌گفت و نقد می‌کرد و هیچ ابائی از هیچ‌کس نداشت در عین اینکه به نظام و رهبری و انقلاب و روحانیت و شعائر دینی احترام می‌گذاشت.

او هر ساله در اربعین حسینی(ع) در منزلش مجلس سوگواری برگزار می‌کرد و بسیاری از اهل علم و فرهیختگان حوزوی و دانشگاهی در مجلس او شرکت می‌کردند و پس از نماز جماعت که به امامت آیت‌الله عبادی‌زنجانی برپا می‌شد ضیافت ناهار او و شور و هیجان مهربانانه و صمیمی‌ای داشت خدایش با مولایش امام حسین(ع) محشور فرماید.

* * *

و اما مرحوم مبرور حجت‌الاسلام ابوذر بیدار رحمهٔ‌الله علیه. این مرد شریف آذربایجانی از فعالان علمی و فرهنگی بود. اولین آشنایی این حقیر با آن‌مرحوم را پس از آزادی از زندان به یاد دارم که با لطف و مرحمت خاصی با حقیر مواجه می‌شد. در ایام انقلاب نیز باهم دمخور بودیم و آمد و رفت داشتیم و منجمله از کارهای علمی‌ای که با همفکری و همکاری علمی ایشان شروع کردیم و چند ماهی بیشتر طول نکشید، ترجمه مشترکی بود که با همکاری ایشان و برادرم مرحوم علی حجتی کرمانی و مرحوم سیدجواد هشترودی و مرحوم حاج شیخ فتح‌الله امید نجف‌آبادی و چند تن دیگر آغاز کردیم و هر کدام از ما مبحثی از کتاب «المحجهٔ‌البیضاء» فیض کاشانی را برای ترجمه در دست گرفتیم و من دست‌نوشته‌های بسیار خوش‌خط که با سلیقه بسیار پسندیده، مرحوم ابوذر بیدار نوشته بود، در آرشیوهای پراکنده خود محفوظ داشته‌ام که شاید روزی به‌درد خورد...

مرحوم «بیدار» اهل فضل و فضیلت و مطالعه و نیز اهل سیاست و مراوده با بزرگان سیاسی و دینی بود. خانه‌اش در واقع نمایشگاهی بود از تصاویر و نامه‌های بزرگانی چون مرحوم آیت‌الله کاشانی، شهید نواب صفوی، مرحوم دکتر محمد مصدق، آیت‌الله طالقانی، مهندس بازرگان و... وی با این بزرگان مکاتبه داشت و نیز از دیدارها و گفتگوهایی که با آنان داشت یاد می‌کرد و من از بازماندگان آن‌مرحوم درخواست می‌کنم که علاوه بر سعی در نگهداری «کلکسیون» کم‌نظیر آن بزرگوار، اگر وی خاطراتی به قلم آورده، در حفظ و نشر آن بکوشند که گوشه‌ای از آثار علمی آن‌مرحوم در معرض مطالعه ارباب علم و تاریخ قرار گیرد.

* * *

مرحوم ابوذر بیدار چند سال اخیر در مؤسسه «فقه‌الشیعه»۱ که جناب حجت‌الاسلام حاج شیخ علی‌اصغر مروارید(شفاه الله) تأسیس کرده بود همکاری نزدیک داشت. خدا رحمت کند مرحوم مبرور حجت‌الاسلام والمسلمین حاج شیخ محمدتقی مروارید(برادر بزرگ آقاشیخ علی‌اصغر مروارید) را که ایشان هم سالها با آقای مروارید در این مؤسسه همکاری علمی داشت.

* * *

مرحومان «سرفرازی» و «بیدار» هر دو با حضرت آقای مروارید که اکنون در سنین بالغ بر ۹۰ سالگی در غربت و انزوا روزگار می‌گذراند و نیز با استاد بزرگوار حضرت آقای حاج شیخ محمدرضا حکیمی دامت برکاته، از نزدیک در ارتباط و مراوده و همکاری علمی و سیاسی بودند. خدا این دو بزرگوار را رحمت کند و به این دو بزرگوار سلامتی و طول عمر و عزت و توفیق بر خدمت کرامت فرماید.

* * *

در شمارهٔ آینده به مناسبت، یادی از دو بزرگوار: مروارید و حکیمی که هر دو از بزرگان خراسانند خواهیم کرد. انشاءالله.

پی‌نویس:

۱ـ یک شعبه «مؤسسهٔ فقه‌الشیعه» در لبنان بود و انتشارات «مؤسسهٔ» منجمله کتاب گرانقدر(الینابیع الفقهیه) در لبنان به چاپ می‌رسید و آقا «مهدی» فرزند آقای مروارید که با خانمی لبنانی ازدواج کرد، به کارهای لبنان می‌پرداخت.

تجدید میثاق اقلیت‌های دینی کشور با آرمان‌های امام راحل

اقلیت‌های دینی کشور به مناسبت بیست و هشتمین سالگرد بزرگداشت حضرت امام خمینی(ره)، بعد از ظهر دیروز با حضور در مرقد مطهر، با آرمان‌های رهبر کبیر انقلاب تجدید میثاق می‌کنند.

به گزارش کمیته روابط عمومی‌ستاد مرکزی بزرگداشت حضرت امام(ره)، مسئول کمیته اقلیت‌های دینی ستاد مرکزی بزرگداشت حضرت امام خمینی(ره) پیش از این در گفتگویی در باره برنامه‌های این کمیته اعلام کرده بود: طبق سنوات گذشته هموطنان دینی به منظور ادای احترام به ساحت مقدس بنیانگذار جمهوری اسلامی‌ایران در حرم مطهر حضور یافتند و نمایندگان هر یک از عزیزان در وصف آن امام عظیم الشان به ایراد سخن پرداختند و یکی از روحانیون به نمایندگی از دیگر هموطنان دینی مراسم دعا و نیایش را برای طلب رحمت و علو درجات برای آن حضرت برگزار کرد.

همچنین به همین مناسبت مراسمی‌از سوی انجمن کلیمیان فردا در کنیسه یوسف آباد تهران برگزار می‌شود.

یادداشت

به مناسبت برگزاری مراسم تجلیل از استاد سید عبد الله انوار در انجمن آثار و مفاخر فرهنگی

جامعیت و ژرفاییِ حکمت در تاریخ اندیشه اسلامی و ایرانی



دکتر حسن بلخاری قهی
رئیس انجمن آثار و مفاخر فرهنگی

مراسم تجلیل از استاد عبد الله انوار نسخه شناس و پژوهشگر پیشکسوت عصر امروز در انجمن آثار و مفاخر فرهنگی برگزار می شود. به همین مناسبت متن پیشگفتار ارجنامه استاد را که در مراسم امروز توزیع می‌شود، به قلم دکتر حسن بلخاری می خوانید.

افلاطون در رسالهٔ جمهوری (کتاب ششم) شعلهٔ بحث در باب فلسفه، و نقش مؤثر فیلسوف در جامعه، را برمی‌افروزد تا به تشریح و تبیین یکی از مشهورترین گزاره‌های خود برسد: حاکمان حکیم یا حکیمان حاکم. این بحث با مفهوم‌شناسی فلسفه آغاز و به تشریح تقسیمات آن می‌رسد. کتاب هفتم نیز با تمثیل مشهور غار آغاز می‌شود تا مرزِ میان شناختنی‌های معقول و محسوس روشن شده و سپس علومی چون موسیقی، ادبیات، حساب، هندسه، نجوم، سیاست و... مورد شرح و بسط قرار گیرند.

این کوشش افلاطون آغازی بر ظهور تقسیمات حکمی و فلسفی در تاریخ فلسفه است. امری که توسط شاگرد نامدارش، ارسطو، تداوم و صورتی مدون‌تر یافت. معلم اول، در فصل دوم از کتاب اول مابعدالطبیعه (آلفای بزرگ)، ابتدا «علم به امورِ کلی را عالی‌ترین و بالاترینِ درجهٔ علم دانست و فلسفه را علمی که وظیفه‌اش تبیین مبادی نخستین و مهم‌تر علل است، زیرا نیک (خیر) یعنی غایت، خود یکی از علل است.» [۱] این بحثَ در کتاب ششم (اپسیلون) پی گرفته می‌شود و در فصلِ «انواع علوم نظری و شرافت فلسفهٔ اولی» از علوم نظری (شامل علوم طبیعی، علوم ریاضی و فلسفه اولی) و علوم صناعی و علوم عملی به عنوان اقسام علوم یاد می کند.

از دیدگاه ارسطو، علوم ریاضی نیز «نظری» هستند. البته در اندیشهٔ او هنگامی که از ریاضیات سخن می‌رود، الزاما این ریاضیاتْ معادل علم حساب نیست بلکه علمی است «کلی‌تر» از حساب و هندسه که ناظر به روابط بین همهٔ انواع مقادیر است، و دقیقاً از همین روست که نجوم و موسیقی نیز در عداد علومِ ریاضی قرار می گیرند: «هندسه و ستاره‌شناسی در بابِ قسمی خاص از موجودات پژوهش می‌کنند، در حالی که ریاضیات کلی با همهٔ موضوعات ریاضی سر و کار دارد.»[۲] از دیدگاه ارسطو علوم ریاضی برخلاف علوم طبیعی، دارای برخی رشته‌ها است که موضوعات بی‌حرکت و مفارق از ماده را مورد بحث قرار می‌دهند.[۳]

ارسطو با نادیده‌گرفتن بحث در باب علوم عملی و صناعی، بحث در باب برجسته‌کردن تمایز میان انواع علوم نظری را پی‌گرفته و ارج می‌نهد تا به شرافت و تمایز مطلق فلسفه اولی نسبت به علوم طبیعی و ریاضی برسد: «علم طبیعی اشیایی را بررسی می‌کند که به‌طور «جدا» و «مستقل» وجود دارند ولی این اشیا «نامتحرک» نیستند و بعضی قسمت‌های علم ریاضی به پژوهش دربارهٔ موضوعاتی می‌پردازند که نامتحرکند ولی محتملاً مفارق از ماده وجود ندارند بلکه در ماده‌اند [در اینجا ارسطو با بیان احتمال، مفارقت برخی موضوعات ریاضی را از مادهْ نفی می‌کند [توجه کنید برخی را] تا شرافت و تمایز مطلق فلسفهٔ اولی را اثبات کرده باشد]، اما فلسفهٔ نخستین (فلسفهٔ اولی) به تحقیق در اشیایی می‌پردازد که هم مفارق از ماده‌اند و هم نامتحرک [به عبارتی تجرد صرف] و هم علل به ضرورت باید سرمدی باشند، ولی بخصوص این علل باید بالضروره «سرمدی» باشند زیرا اینها عللِ آن دسته از اشیای الهی هستند که به حواس می‌نمایانند.»[۴]

پس از ذکر این معانی، ارسطو رسماً انواع فلسفهٔ نظری را چنین بیان می‌کند: «علم ریاضی، علم طبیعی و علمی که می‌توانیم آن را علم الهی (تئولوگیا) بنامیم. زیرا بدیهی است که اگر الوهیت در جایی حاضر است، باید در این قسم اشیا (اشیای مفارق و نامتحرک) حاضر باشد و شریف‌ترین علوم باید به شریف‌ترین جنس موجود بپردازد و چون علوم نظری خواستنی‌تر از علوم دیگرند پس این علم باید خواستنی‌تر از سایر علوم نظری باشد.»[۵]

بنابراین ارسطو علوم ریاضی (شامل حساب، هندسه، موسیقی و ستاره‌شناسی) را اولاً از علوم نظری (یا همان فلسفه در معنای کلی) و ثانیاً از علومی می‌داند که به دلیل عدم‌متحرک بودنِ موضوعات برخی از آنها، در حدواسط میان فلسفه اولی و علوم طبیعی قرار می‌گیرند زیرا علومِ طبیعی مادیِ صرف‌اند و علوم الهی مجرد صرف.

در این میان علوم ریاضی علومی هستند که موضوعات برخی از آنها نامتحرکند، و، بنابراین، متمایز از علوم طبیعی‌اند (که همهٔ موضوعات آنها در ماده و متحرکند.) اما این خصوصیت نیز سبب نمی‌شود در عداد علوم الهی یا فلسفهٔ اولی قرار گیرند زیرا، به اعتقاد ارسطو، مفارق از ماده نیستند و بلکه در ماده‌اند. به عبارتی نه مجرد صرف‌اند نه مجسّد صرف؛ حالتی واسط میان محسوسات و معقولات که به بهترین وجه در کلامِ ابوالحسن عامری، فیلسوف ایرانی قرن چهارم، ظهور یافته است:

«و اما العلوم الحکمیه فهی تفتن ایضا الی صناعات ثلاث:
احداها حسیه: و هی صناعة الطبیعیین
و الثانیه عقلیه: و هی صناعة الالهیین
و الثالثه مشترکه بین الحس و العقل: و هی صناعة الریاضیین.»[۶]

در نهضت ترجمه، فلسفه با گستره‌ای (که مختصراً از آن سخن رفت) به جهان اسلام وارد شد. فارابی که ابن‌خلکان او را «نخستین فیلسوف مسلمان» می‌داند علی‌الاطلاق، در آثار خود عموماً و در احصاالعلوم خصوصاً به شرح و بسط و تدوین علوم پرداخت و به‌ویژه در احصاء طبقه‌بندی نوینی از دانش‌ها ارائه نمود و شاید به همین دلیل ملقب به «معلم دوم» شد. مفاتیح‌العلوم خوارزمی و نفائس‌الفنون فی عرائس‌العیون شمس‌الدین محمد بن محمود آملی گسترهٔ علوم در تمدن اسلامی را، در قرون بعدی، بسیار وسعت بخشیدند.

رویکرد یونانی به گسترهٔ دانش و اجزای آن در تمدن اسلامی، دست‌کم در حوزه فلسفه مَشّاء، مقبولیتی عام یافت. رسائل اخوان‌الصفا (که صورتی نوافلاطونی دارد)، مجموعه تألیفات و تصنیفات ابن‌سینا و تأملاتِ امثال فارابی این گستردگی را نشان می‌دهد.

گرچه مسیر حکمی امام‌محمد غزّالی، حکمت اشراقی شیخ شهاب‌الدین سهروردی و رویکرد عرفانی ابن‌عربی، فلسفه مَشّاء را از مَیدانداری مطلق در عرصهٔ اندیشه اسلامی باز داشت اما ظهور کسانی چون قطب‌الدینِ شیرازی، تداوم فلسفه مشّاء بود. درةالتاج قطب‌الدین که خود نوعی شفای سینوی به زبان فارسی بود، (شامل دوازده رشته از علوم و از آن جمله موسیقی) پی‌جویی‌های او در تعالی علم نجوم در تبعیت از خواجه نصیر طوسی و ساخت رصدخانه مراغه، کم‌نظیریِ او در دانش موسیقی و به‌ویژه نقش او در شرح آرای صفی‌الدین ارموی و در سنِ چهارده‌سالگی طبابت در بیمارستان شیراز، نشان از جامعیتی در دانش بود که تنها فلسفه مشّائی می‌توانست در جان و جهانِ شخصی چون قطب‌الدین برانگیزد. بر خیلِ این معانی بیفزاییم مریدیِ صدرالدین قونوی، بزرگ‌ترین میراث‌بَر عرفانِ شیخ اکبر، «محیی‌الدین ابن‌عربی» را.

این سیر در تاریخ اندیشهٔ اسلامی، با ابن‌سینا آغاز و تبلور یافته و در آثار و سیرهٔ قطب‌الدین ادامه یافت. اما پس از قطب‌الدین چنین نگره‌ای تسلیم اقتضائات ناشی از تخصصی‌شدن دانش گردید. لاجرم بزرگ‌ترین حکیم دورهٔ صفوی که عنوان «حکمت متعالیه»اش نشان می‌دهد از سه حکمت علیا، وسطی و سفلی تنها متعالی‌اش را برگزیده و بقیه را وانهاده، نه اندیشه‌ورزی و تغوّص در حساب و هندسه و نجوم و ریاضیات و موسیقی را دارد و نه علم‌الابدان یا طبابت را.

در تداوم سراسر فراز و نشیب جامعیت دانش در تاریخ اندیشه اسلامی، استاد سیدعبدالله انوار یک استثنا است. این شیفته و شیدای جامعیت و گستردگی دانش در حوزهٔ فلسفه تا آنجا که ممکن بوده، جان و جهان و توانِ خویش را درَ فروزان داشتنِ جامعیتِ دانش در تمدن اسلامی نهاده. کارنامهٔ درَخشان علمی استاد مؤید اینَ معنا است، از شرح و ترجمه شفای‌ابن‌سینا گرفته تا شرح و تعلیقه بر درةالتاج قطب‌الدین و شرح موسیقی کبیر فارابی و متافیزیک ارسطو و تا شرح فرائدالاصول شیخ مرتضی انصاری و....

«انجمن آثار و مفاخر فرهنگی» مفتخر است مقام علمی بزرگ‌مردی از کاروان علم و دانش در تمدن اسلامی ـ ایرانی را گرامی می‌دارد که بحق از مفاخر بزرگ ایران و از میراث‌داران جامعیت و ژرفایی حکمت در تمدن اسلامی ـ ایرانی است. صمیمانه از حضرت حق‌تعالی برای استاد عزت و درازیِ عمر، در خدمت به فرهنگ اسلام و ایران، را خواستارم.

خرداد ماه ۱۳۹۶

۱. مابعدالطبیعه، ارسطو، ترجمهٔ محمدحسن لطفی تبریزی، ۱۳۸۷، طرح نو، ص ۳۲.
۲. مابعدالطبیعه، ارسطو، ترجمهٔ محمدحسن لطفی تبریزی، ۱۳۸۷، طرح نو، ص ۲۴۱.
۳. همان، ص ۲۴۰.
۴. مابعدالطبیعه، ارسطو، ترجمهٔ محمدحسن لطفی تبریزی، ۱۳۸۷، طرح نو، ص ۲۴۱.
۵. همان، ص ۲۴۱.
۶. الاعلام بمناقب الاسلام، ابوالحسن عامری، تصحیح احمد عبدالحمید غراب، ترجمهٔ احمد شریعتی و حسین منوچهری، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۶۷، ص ۱۸۷.

تجلیل از کیومرث عباسی قصری در «شب شاعر»



سی‌وششمین شب شاعر که به پاسداشت «کیومرث عباسی قصری» اختصاص داشت، در نخلستان سازمان هنری رسانه‌ای اوج برگزار شد.

به گزارش دفاع پرس، سی‌وششمین «شب شاعر» که به پاسداشت «کیومرث عباسی قصری» اختصاص داشت، دیروز با حضور شاعران انقلابی کشور در نخلستان سازمان هنری رسانه‌ای اوج برگزار شد.«حسین قرایی» دبیر شب شاعر با اشاره به لزوم برپایی و ادامه اینگونه مراسم‌ها اظهار داشت: تا کنون ۳۶ شب برگزار شده که چهار سال طول کشیده است. در این سال‌ها در هر شب شاعر به شاعران کشور پرداخته شده است. این مراسم باید در استان‌های کشور نیز برگزار شود و دولت هم از این شاعران حمایت کند. شب شاعر بهانه‌ای است برای ضریب دادن به شاعرانی که در قید حیات هستند. سطح فرهنگی کشور را شاعران بالا می‌برند. با توجه به این که جاذبه شعر بالا است می‌تواند در سطح کشور جریان ایجاد کند.

محمدعلی سلطانی پژوهشگر عرصه شعر و ادبیات فارسی در ادامه این مراسم با تاکید بر مهم بودن مقوله شعر نیز اظهار داشت: ما باید همیشه اینگونه مراسم‌ها را برگزار کنیم.

وی با طرح این سوال که پایگاه شعر و سخن را باید در کجا جستجو کنیم؟ گفت: ما قبل از آنکه نثر داشته باشیم با شعر مانوس بودیم. ما با نقد اروپایی و غربی نمی‌توانیم به شعر خود نگاه کنیم. چرا که شعر هنری بومی است. برای همین است که ما ده‌ها تذکره شاعران داریم. برای اینکه شعر پیوستگی همیشگی با جامعه دارد، نمی‌توان آن را با پول به خدمت گرفت. ادبیات به سربلندی و حفظ تمامیت ارضی کمک شایانی می‌کند. متاسفانه تکنولوژی سرمایه بزرگی مثل خط را در شرق از بین برده است. ما در ادبیات تاریخی چند برابر اروپا داریم.

این پژوهشگر عرصه شعر و ادبیات فارسی در ادامه گفت: در شعر قصری جنگ ایران و عراق و لطمات زنان مرزنشین دیده می‌شود که این چیز کمی نیست. شعر می‌تواند بدون صناعات ادبی شعر باشد. بسیاری از آثار صناعات ادبی را رعایت کرده‌اند اما شعر نیست. معیار نقد نباید غربی باشد بلکه با ابزار و معیار خود آن را نقد کنیم.حسینی در ادامه تصریح کرد: کیومرث قصری در شعرسازی حضور ندارد. او آثار ماندگاری در شعر پدید آورده است. قصری در شعر فارسی و در شعر کردی نیز کم نظیر است. حتی اگر صناعات ادبی را از شعر این شاعر کنار بگذاریم، سخن باز هم شعر است. متاسفانه در رسانه‌های امروز برخی چهره می‌شوند و برخی فراموش می‌شوند و ما باید در مقابل نسل آینده پاسخگو باشیم. آثار شاعران انقلاب با تاسف نشر داده نشده است و در نقد شعر مورد بی‌مهری قرار گرفته است. ادبیات دچار خط کشی شده که ادبیات ما را دچار آسیب می‌کند. این گونه شعری نیازمند نقد و بررسی است. وظیفه ما سخن گفتن است تا سرمایه‌ای باشد برای آینده. مراسم‌هایی نظیر شب شاعر باید در شهرستان‌ها مجدانه پی‌گیری شود.

کورش احمدی سومین سخنران این مراسم بود که ضمن تاکید بر سواد شعری کیومرث قصری بیان داشت: کسانی‌که در حوزه شعر تحقیق می‌کنند، می‌دانند که شعر یکی از مشکل‌ترین هنرهاست. مشکل‌تر این است که در این سرزمین اغلب مردمش شعر را می‌شاسند. کیومرث قصری به خوبی به ظرایف سبک هندی نزدیک شده و در عین حال به زبان امروز نزدیک شده است. در شعر کردی وی نیز نشانه‌های سبک هندی دیده می‌شود. کسانی که با شعر قصری آشنایی دارند این نکته را درک می‌کنند. از لحاظ شخصیتی وی آرمان‌گرا و محجوب است قدر و اندازه این شاعر را باید درک کرد و شناخت. قصری در تمام این سال‌ها خودش بوده و مدیحه کسی را نگفته است. جوهره شعری قصری اجازه نمی‌دهد که حافظه تاریخ ادبیات او را فراموش کند.

بیژن ارژن از شاعران انقلابی کشورمان درباره دنیای شعری کیومرث قصری گفت: کیومرث قصری در مقابل هیچ جناح و مسلکی پا سست نکرد برای همین او و همچنان شاعر مردمی است. جدا از زبان شعر ایشان در شعر فارسی، در غزلیات کردی نیز موفق عمل کرده است. استاد پرتو در کنار قصری در تلاش است تا شعر کردی را جان ببخشد. غزل‌های کردی قصری سعدی‌وار است که مورد اقبال شاعران و مردم معمولی است. اگر ما می‌خواهیم زنده بمانیم باید در حافظه مردم باشیم.

علیرضا قزوه شاعر و منتقد ادبی نیز با اشاره با جایگاه شعری کیومرث قصری توضیح داد: شاعر انقلاب باید خود را خرج کند و قصری این کار را کرد. در شب شعری که نزد مقام معظم رهبری بودیم قصری مورد تفقد ایشان قرار گرفت. کسانی‌که باید قدر ایشان را بدانند، می‌دانند. حتی شیوه شعری قصری دید تازه‌ای به نیروی انتظامی باز می‌کند که خود قصری از خدمتگذاران این دستگاه است. قصری باید در افق‌های دورتری معرفی شود.

دکتر ولایتی: نخبگان از پرداخت هزینه تحصیل در دانشگاه آزاد معاف می شوند



عکس از: سعید نیک‌نژاد

رئیس هیات امناء دانشگاه آزاد گفت: موضوع جذب نخبگان در این دانشگاه به زودی سامان دهی می شود، نخبگان باید از پرداخت هزینه تحصیل معاف شوند.

دکتر علی اکبر ولایتی در پنجمین دوره جشنواره فرهیختگان گفت: در جذب نخبگان دانشگاه باید حتما مسکن مناسب در نظر گرفته شود و نخبگان از پرداخت هزینه تحصیل معاف شوند.

وی ادامه داد: موضوع جذب نخبگان در این دانشگاه به زودی سامان دهی می‌شود که در درجه اول جذب نخبگان در دانشگاه صورت گیرد.

رئیس هیات امناء دانشگاه آزاد افزود: سفارتخانه‌ها برگزیدگان المپیادهای کشور را شناسایی و آنها راجذب می کنند. برخی کشورها که با ما عناد دارند، مانند کانادا، بدون اینکه اتفاقی رخ دهد سفارتخانه خود را در ایران تعطیل کرد، اما بیشترین فعالیت را برای جذب نخبگان کشور ما دارد.

ولایتی در خصوص برخی واحدهای زیان ده دانشگاه آزاد گفت: اینکه بگوییم واحدهای زیانده را تعطیل کنیم درواقع پاک کردن صورت مسئله است.وی تاکید کرد: باید برنامه ریزی شود که واحدهای زیانده دانشگاه با شناسایی توانمندی استانی و منطقه ای بتوانند فعالیت کنند.

رئیس هیأت امنای دانشگاه آزاد گفت: مدارس سمای این دانشگاه باید مانند کالج‌های خارج از کشور شوند که نه بتوان این مراکز را دبیرستان نامید و نه اینکه به عنوان دانشگاه فعالیت کنند. بلکه این مراکز نقش تربیت تکنسین در کشور را داشته باشند. اکنون کشور با مشکل کمبود تکنسین مواجه است.وی اظهار داشت: تراریخته یک طرح استعماری است چراکه در این طرح می خواهند گیاهان و حیوانات بومی را که به یک اقلیم عادت کرده اند از ریشه بزنند و خواستگاه آنها را به جای دیگری منتقل کنند. در این طرح به دنبال این هستند که کشور تبدیل به کویر لم یزرع شود.

وی با بیان اینکه دانشگاه آزاد در کمیت به زمینه‌های خوبی دست یافته است، گفت: باید کمیت و کیفیت در کنار یکدیگر قرار گیرند و هر دو این موضوعات لازم هستند.

رئیس هیات موسس و هیات امنای دانشگاه آزاد خاطرنشان کرد: یکی از فعالیت‌های فرهنگی که باید در کشور صورت گیرد جذب نخبگان است تا بر این اساس فرار مغزها صورت نگیرد بنابراین باید سرپرست دانشگاه آزاد و معاونت پژوهشی این دانشگاه به زودی برنامه عملیاتی برای جذب نخبگان در این دانشگاه را تدوین کنند تا بر اساس آن بتوانیم از فرار مغزها جلوگیری کرده و کادر لازم آموزشی و پژوهشی برای دانشگاه تربیت کنیم.

ولایتی تاکید کرد: باید نیازهای استانی و منطقه ای در کشور شناسایی شود و دانشگاه و واحدهای استانی در این راستا فعالیت کنند.

وی اظهار داشت: همچنین برنامه داریم با دستگاه‌های صنعتی مختلف ارتباط برقرار کنیم و نیازهای آنها را شناسایی کنیم تا فعالیت‌های دانشگاه بر اساس این نیازها شکل گیرد.

رئیس هیات موسس و هیات امنای دانشگاه آزاد گفت: موضوع سند آمایش آموزش عالی باید مورد توجه قرار گیرد.

سرپرست دانشگاه آزاد هم از تشکیل تیمی برای ارزیابی تمام دوره‌های کارشناسی ارشد و دکتری این دانشگاه خبر داد و گفت: اگر «رشته محلی» کیفیت لازم را نداشته باشد ، جذب دانشجو در آن صفر خواهد شد.علی محمد نوریان گفت: در گذشته دانشگاه به دلیل برخی مشکلات که در رشته محل‌های خود داشت با وزارت علوم ارتباط خوبی نداشت که اکنون این روند اصلاح شده و تمامی رشته‌های دانشگاه که در دفترچه دکتری امسال آمده است مجوز دارند.

وی افزود: در ابتدای ورودم به دانشگاه ۱۴۶واحد این دانشگاه زیانده بودند که امیدوارم طی ۳سال آینده با موضوعی به عنوان زیانده بودن واحدها مواجه نباشیم .نوریان اظهار داشت: اگر مدیری در دانشگاه آزاد خوب کار کند دلیلی بر تغییر آن وجود ندارد. اما اگر مدیری آدم خوبی باشد اما عملکرد کاری خوبی نداشته باشد باید تغییر کند.وی اظهار داشت: برخی می گویند ما آمده ایم که عده زیادی را اخراج کنیم این حرف اصلا صحیح نیست.

سرپرست دانشگاه آزاد گفت: مقام معظم رهبری عنایت ویژه ای به این دانشگاه دارند بنابراین ما تلاش می کنیم تا بتوانیم در راستای دغدغه‌های ایشان در حوزه آموزش‌های مهارتی و تربیت نیروهای متخصص قدم برداریم.نوریان اظهار داشت: مردم با حضور گسترده در انتخابات افتخار آفریدند و این موفقیت را به مقام معظم رهبری تبریک می گوییم همچنین تبریک دیگر ما به رئیس جمهوری منتخب مردم است.

وی اظهار داشت: محسن‌هاشمی معاون عمرانی دانشگاه نیز توانسته اند نفر اول در کسب رای شورای شهر تهران باشند که به وی نیز تبریک می گوییم.وی عنوان کرد:تخصیص بورس تحصیلی به افراد شاخص علمی به ویژه نخبگان مناطق محروم از برنامه‌های این دانشگاه است که در حال برنامه ریزی برای تحقق آن هستیم .

سرپرست دانشگاه آزاد ادامه داد: توسعه مناطق تحقیقاتی عملیاتی و توسعه زیرساخت‌های استراتژی دانشگاه از دیگر برنامه‌های ما است.

وی خاطرنشان کرد: همچنین برنامه داریم شبکه علمی میان دانشگاه آزاد و دیگر دانشگاه‌های کشور را راه اندازی کنیم و پس از آن شبکه علمی میان این دانشگاه و دانشگاه‌های خارجی با هدف تبادل استاد و دانشجو و انجام فعالیت‌های تحقیقاتی مشترک راه اندازی خواهد شد.

سرپرست دانشگاه آزاد افزود: توسعه تحصیلات تکمیلی از برنامه‌های این دانشگاه است و برنامه داریم رشته‌های دانشگاهی را با شرایط منطقه‌ای و استانی راه اندازی کنیم و توسعه دهیم.نوریان اظهار داشت: بازنگری محتوای دروس دانشگاهی و برنامه ریزی برای ایجاد رشته‌های میان رشته ای از دیگر اولویت‌های این دانشگاه در حوزه آموزشی به شمار می رود.نوریان در خصوص حمایت از نخبگان در دانشگاه آزاد نیز گفت: در جلسه آینده هیات امنا که هفته آینده برگزار خواهد شد موضوع جذب و حمایت از نخبگان در دانشگاه آزاد بررسی خواهد شد.

بنا برگزارش خبرنگار ما ،در پایان این مراسم از ۸۳ نفر برگزیدگان این دوره از جشنواره فرهیختگان در ۲۷ زمینه نشان ویژه امام خمینی (ره)، پژوهشگر برتر، معاون پژوهش و فناوری برتر، تداوم برتری واحدهای دانشگاهی، مقاله برتر، رساله دکتری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مرکز تحقیقات برتر، واحد فناور برتر، طرح فناور برتر، آزمایشگاه برتر، مجله برتر، مدیر پژوهشی برتر، محصول تجاری‌شده برتر، اختراع برتر، کتاب برتر، کارشناس آزمایشگاه برتر، مرکز رشد برتر، انجمن علمی ـ دانشجویی برتر، واحد دانشگاهی برتر، آموزشگاه سمای برتر، مدرسه سما برتر، دانش‌آموز برتر، طرح ساهای برتر، باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، مدال آوران جهانی در رشته رباتیک سال ۱۳۹۵ و کارآفرین برتر تقدیر وبه آنان لوح اهدا شد.

کوتاه فرهنگی

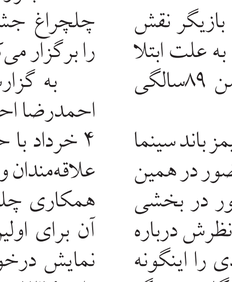
نمایش فیلم «تعطیلات رمی» امروز در سینماتک موزه هنرهای معاصر تهران

فیلم کمدی «تعطیلات رمی» به کارگردانی «ویلیام وایلر» محصول سال ۱۹۵۳(آمریکا)، امروز چهارشنبه۳ خرداد ساعت ۱۷ در سالن سینما تک موزه هنرهای معاصر تهران به نمایش در می آید.

بنا به گزارش روابط عمومی موزه هنرهای معاصر تهران ؛ ششمین فیلم از دوره چهل و هفتم (بهار ۹۶) و از بخش " چشم انداز کمدی رمانتیک "،امروز چهارشنبه ۳ خرداد ساعت ۱۷، فیلم " تعطیلات رمی " به کارگردانی ویلیام وایلر و با هنرمندی؛گریگوری پک، آدری هپبورن، ادی آلبرت، هارتلی پاور، هارکورت ویلیامزبه مدت ۱۱۹ دقیقه به زبان اصلی و با زیر نویس فارسی در سالن سینما تک موزه هنرهای معاصر تهران به نمایش در می آید.

علاقه مندان برای استفاده از برنامه های نمایش فیلم می توانند، یکشنبه و چهارشنبه هر هفته ،ساعت ۱۷ به موزه هنرهای معاصر تهران،واقع در خیابان کارگرشمالی مراجعه کنند.

راجر مور، سومین جیمز باند، درگذشت



سر راجر مور، بازیگر نقش سابِق جیمز باند به علت ابتلا به سرطان در سن ۸۹سالگی درگذشت.

وی سومین جیمز باند سینما و بیشتر به خاطر حضور در همین نقش مشهور بود.مور در بخشی از کتاب خاطراتش نظرش درباره مرگ و زندگی بعدی را اینگونه بیان کرده است: از نگاه من مرگ یعنی رفتن به اتاق بغلی و این اتاقی است که باقی ما نمی‌توانیم وارد آن بشویم، برای اینکه کلید آن را نداریم و وقتی کلید به دستمان رسید، وارد اتاق می‌شویم و می‌بینیم یک اتاق دیگر آنجاست. این منطق من درباره زندگی یا زندگی پس از مرگ است. این تفکرات سال‌ها پیش به ذهنم رسید. یک نمایش تلویزیونی پیشنهاد شده بود که فیلمنامه خیلی ترسناکی داشت. برای همین آن را قبول نکردم، اما یکی از دیالوگ‌های آن با من ماند: مرگ یعنی رفتن به اتاق بغلی

تمدید نمایشگاه آثار مصوران برجسته ایتالیا در نگارخانه لاله

نگارخانه لاله با توجه به درخواست ها و تقاضاهای بسیاری از علاقه مندان برای دیدار از نمایشگاه «مصوران برجسته ایتالیا»، این نمایشگاه را به مدت یک هفته تا ۹ خرداد تمدید کرد.

این نمایشگاه زمانی در تهران برگزار شد که کشور ایتالیا مهمان افتخاری نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران بود و استعدادها و مفاخر خود را در زمینه چاپ کتاب به نمایش درآورد.برنامه ریزی این مجموعه توسط موسسه فرهنگی ایتالیا در مادرید و برلین با همکاری نمایشگاه کتاب کودک بلونیا انجام شده و پس از نمایش موفق نمایشگاه در مادرید، بلونیا، برلین، ابوظبی، صوفیا، پکن و قاهره، در تهران به نمایش درآمده است.

علاقه مندان برای دیدار از این نمایشگاه می توانند تا ۹ خرداد روزهای عادی از ساعت ۹تا۱۳ و ۱۴ تا ۱۹ و در ایام ماه رمضان از ساعت ۹ تا ۱۶به نگارخانه لاله مراجعه کنند.

نگارخانه لاله به نشانی خیابان دکتر فاطمی، ضلع شمالی پارک لاله، جنب هتل لاله واقع است.

جشن تولد احمدرضا احمدی در کتابفروشی «همیشه»



کتابفروشی همیشه با همکاری چلچراغ جشن تولد احمدرضا احمدی را برگزار می‌کند.

به گزارش ایلنا، به بهانه زادروز احمدرضا احمدی مراسمی روز پنجشنبه ۴ خرداد با حضور جمعی از هنرمندان و علاقه‌مندان وی در کتابفروشی همیشه و با همکاری چلچراغ برگزار می‌شود که در آن برای اولین بار مستند زندگی وی به نمایش درخواهد آمد.احمدرضا احمدی زاده ۱۳۱۹ در کرمان، شاعر و نویسنده پیشکسوت ایرانی است.از جوایز ارزنده وی می‌توان به جایزه شعر بیژن جلالی در سال ۱۳۸۵ و نامزدی دریافت جایزه هانس کریستین در سال ۱۳۸۸ اشاره کرد.

علاقه‌مندان برای حضور در این رویداد می‌توانند روز پنجشنبه ۴ خرداد ساعت ۱۷:۳۰ به کتابفروشی همیشه واقع در شهرک غرب، خیابان ایران زمین، درب شرقی، واحد ۱۱۲ مراجعه کنند.

صالحی امیری: قانون کپی رایت، صادرات کالاهای فرهنگی را متحول می کند

هفتمین همایش ملی حقوق مالکیت ادبی، هنری و حقوق مرتبط با حضور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی عصر روز گذشته در مرکز همایش‌های کتابخانه ملی برگزار شد.

هفتمین همایش ملی حقوق مالکیت ادبی، هنری و حقوق مرتبط روز سه شنبه دوم خرداد ماه از سوی معاونت حقوقی، امور مجلس و استان‌های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با حضور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، وزیر دادگستری، رییس کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی و جمعی از حقوقدانان، پژوهشگران و دانشجویان حقوق برگزار شد.

به گزارش مرکز روابط عمومی و اطلاع رسانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سیدرضا صالحی امیری، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در هفتمین همایش ملی حقوق مالکیت ادبی، هنری و حقوق مرتبط با تاکید بر این مطلب اظهار کرد: عمدتاً موضوع فرهنگ عامیانه با فرهنگ عمومی کاملاً متفاوت است؛ فرهنگ عمومی مجموعه ای از آداب و رسوم و سنت‌ها محسوب می شود که در بطن جامعه جاری و ساری است و جامعه نسبت به آنها واکنش مثبت دارد.

وی عنوان کرد: امروز کپی رایت بحث مهمی است و ما انتظار داریم که مجلس هر چه زودتر آن را به تصویب برساند . ما اکنون در نشر، ترجمه آثار، در فروش و صادرات آثار مشکل داریم و باید آن را به همت مجلس حل کنیم. مطمئن باشید بعد از تصویب قانون کپی رایت دچار تحول و جهشی در صادرات کالاهای فرهنگی خواهیم شد.

وی ادامه داد: دیپلماسی فرهنگی یعنی ایجاد یک ساز و کار جدید با دنیا از طریق فرهنگ. یعنی تعامل فرهنگی میان ملت‌ها. دیپلماسی فرهنگی پایدار، بلندمدت و منطبق بر ارزش‌ها است. بنابراین یکی از دلایلی که ما به دیپلماسی فرهنگی تأکید داریم این است که با زبان فرهنگ با دنیا سخن بگوییم. باور کنید اگر دنیا به جای زبان هسته ای با زبان فرهنگی با ما سخن بگوید همه دنیا سر تعظیم به ما فرود می آورند و هیچ کس در دنیا در حوزه فرهنگی نمی تواند با ایران رقابت کند.

حجت الاسلام والمسلمین مصطفی پورمحمدی وزیر دادگستری در این همایش، گفت: امروز در دنیا مقوله قدرت نرم اهمیت زیادی پیدا کرده است و شاهد یک دگردیسی در معنای اقتدار ملی و بین المللی در جهانیم. درست است که هنوز قدرت سخت ملاک قدرتمندی کشورهاست و بخش زیادی از منابع کشورها نیز صرف این مساله می شود؛ نظیر قرداد سنگینی که اخیرا در ریاض شاهد بسته شدن آن بودیم اما مشخص است که جهان دچار تحول شده و حرکت به سمت قدرت نرم در فضای جهانی محسوس است.

در ادامه این همایش، الهیار ملکشاهی رئیس کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس شورای اسلامی با اشاره به اهمیت مسئله دارایی‌های فکری و صیانت از آنها گفت: یکی از لوایحی که توسط دولت تنظیم شد، لایحه حمایت از مالکیت صنعتی بود که در مجلس نهم برای بررسی آن وقت زیادی صرف شد.

وی افزود: این لایحه که ۱۴۰ ماده داشت، همان زمان به صحن علنی مجلس هم رفت اما با پایان عمر مجلس و طبق یک قاعده تقریباً نانوشته، به همراه تمامی طرح‌ها و لوایح دیگر که در دستور کار مجلس بود، کان لم یکن تلقی شد، اما این لایحه و همچنین لایحه مالکیت ادبی و هنری دوباره در مجلس دهم در دستور کار قرار گرفته است.

در پایان این برنامه از دو تن از فعالان و پیشکسوتان و مشارکت کنندگان در تدوین پیش نویس لایحه حقوق مالکیت ادبی، هنری و حقوق مرتبط تقدیر به عمل آمد.

آغاز ساخت فیلم کورش بزرگ



مراسم رونمایی از کتاب «کورش بزرگ» و اعلام رسمی آغاز ساخت فیلم کورش بزرگ (پروژه بین‌المللی سینمای ایران) در موزه سینما با اجرای داریوش ارجمند برگزار شد.

به گزارش ایسنا،ارجمند در ابتدای این مراسم با اشاره به دوره‌های مختلفی از تاریخ، براهمیت دوران باستان و بررسی دوران گذشته اشاره و کورش را دردانه‌ای در تاریخ ایران دانست.در ادامه علی نصیریان در سخنانی بیان کرد: من نمی‌دانستم علی معلم در این پروژه سهیم بوده و خوشحال شدم که الان شنیدم. البته او مرد ایران، ایران دوست و هنر دوست بود و طبیعی است چنین تمایلی برای تاریخ ایران داشته باشد.

نصیریان تاکید کرد: این فیلم باید جهانی باشد و همه جا پخش شود. امیدوارم آقای جوزانی هم با همکاری خانواده علی معلم این کار را دنبال کند تا این فیلم با آبرو و افتخار ساخته شود.در ادامه این مراسم فیلم کوتاهی در ارتباط با زنده یاد علی معلم پخش شد و پس از آن آذر معماریان همسر آن مرحوم در سخنانی گفت: جسارت و صداقت در گفتار و رفتار علی معلم بر هیچ کس پوشیده نیست. او معمولا همکارانش را از جنس خودش انتخاب می‌کرد برای همین با مسعود جعفری جوزانی همگام شد.

وی با اشاره به همکاری معلم با جوزانی ادامه داد: این دو نفر در روزهای آخر سیاستی را در پیش گرفتند که امروز اینجا آغاز ساخت را اعلام می‌کنیم و دفتر دوم کتاب (فیلمنامه) هم چاپ شده است. من از طرف روح این مرد بزرگ قول می‌دهم که تا آخر در کنار این پروژه باشم و از آن صیانت کنم.

البته او و مسعود جعفری جوزانی طوری پروژه را طراحی کرده‌اند که هر کدام نباشند تحت هر شرایطی کار تا به آخر انجام می‌شود.

همسر علی معلم در آخر درخواست کرد متنی که در مجله دنیای تصویر به یاد علی معلم منتشر شده بود قرائت شود و بعد حاضران به افتخار زنده یاد معلم بایستند و دست بزنند.در بخشی دیگر از این مراسم قاسمی سخنگوی وزارت امور خارجه گفت: دعوت از دکتر ظریف هم برای این مراسم صورت گرفته بود و ما به دلیل شلوغی برنامه‌ها تقسیم کار کردیم. سینما و هنر در حوزه کاری ماست و ما عقب هستیم.

او افزود: کاری که برای کورش انجام می‌شود سترگ است و امیدواریم بتوانیم در شرایطی که ایران هراسی در مناطق پیرامون ما وجود دارد و زیاد است از این پروژه به خوبی حمایت کنیم.سپس اکبر عالمی در سخنانی بیان کرد: مسعود جعفری جوزانی هم سینمای ایران را می‌شناسد، هم سینمای جهان را خوب می‌شناسد، هم روانشناسی نمایشی را خوب می‌داند و ارزش دیالوگ نویسی و خط، حجم را می‌شناسد.قرار نیست کورش را طوری بزرگ کند که بقیه جهان تحقیر شوند و من در روانشناسی تصویر، به شما قول می‌دهم که جعفری جوزانی فیلمی بسازد که در جهان احساس سرفرازی کنیم.در ادامه مسعود جعفری جوزانی نیز اظهار کرد: من و علی رفیقیم.

آدمها نمی‌روند بلکه شکل عوض می‌کنند.

علی و من معتقد بودیم که هیچ اتفاقی در جهان بزرگ نیست. هر ذهنیتی نطفه ببندد قابل عملی شدن است. ما ملت بزرگی هستیم که دو هزار و پانصد سال قبل حرف قرن بیست و یکمی زدیم.

پایان بخش این مراسم هم بریدن کیکی ویژه که منشور کورش روی آن تزیین شده، بود و از چاپ دوم کتاب اول فیلمنامه کورش در حالی رونمایی شد که سال گذشته این کتاب طی مراسمی رونمایی شده بود.

درخواست رضا صادقی از رئیس جمهوری منتخب



رضا صادقی در حالی از صبح ۲ خرداد ماه جدیدترین آلبوم خود را روانه بازار موسیقی کشور کرد که طی یادداشتی از رئیس جمهور ایران خواسته کرامت هنرمندان و هنر این سرزمین را باز هم به آنها برگرداند.

در بخش‌هایی از این یادداشت که نسخه‌ای از آن در اختیار ایسنا قرار گرفته، آمده است: «جناب روحانی دوست داشتنی، از کارگر زحمتکش تا پزشک و مهندس تا کشاورز و دامدار تا پیر و جوان و خصوصا جامعه هنرمند برای حمایت از شما و باور شما حرفهای زیادی را تحمل کردند و امیدهای زیادی به وعده‌هاتان بستند

همه ما هم دعا می‌کنیم و هم درخواست که این دوره به ماها ثابت کنید اشتباه نکردیم و سلام‌های شما ، سلامی صادق بوده و هست.

آقای روحانی مردم من خسته از درد هستند. آنها جانشان را برای سرزمین‌شان گذاشتند و باور شما. مردم من هم تحریم را نمی‌خواهند هم تحقیر را . شما ثابت کردید که خادم این مردم هستید پس لطفا کسانی که فاسد و ظالم هستند به حق مردم از دولت مردمی‌تان دور کنید .... سفره مردم را دریابید که شرم پدران را نبینیم. کرامت هنر و هنرمند را برگردانید، رمضان امسال از شما ربنای استاد را هدیه می‌خواهیم.»

جدیدترین آلبوم رضا صادقی با نام «یعنی درد» شامل دوازده قطعه به نام‌های «حال بارون»، «یعنی درد»، «همه اون روزا»، «من و یادت»، «معصومانه»، «دل دلا»، «یه چیزی کمه»، «آروم برم»، «همه چی خوبه»، «اولین بارون»، «من دوست دارم»، «دیگه تموم شد» منتشر شده است.

مناجات شعبانیه

گنجینه امید و آرزو

(۱۲)



حجت الاسلام و المسلمین محمدعلی خسروی

چشم من امشب ز گریه خواب ندارد
گریه به جز آه دل جواب ندارد
غرق ستاره است آسمان دل آری
داغ دل عاشقان حساب ندارد
آتش شوق است دلگدازهٔ شبها
گرمی مهری که آفتاب ندارد
در خم گیسوی یار ماند چه دلها
این ره عشق است و شیخ و شاب ندارد
رونق وعظش مباد آنکه مرا گفت
راه وصال تو پیچ و تاب ندارد
دست میالا به خون دلشدگانت
کشتن دلدادگان ثواب ندارد
گشتم اگر خوار و زار بهر تو گشتم
اینکه دگر ماه من عتاب ندارد
راوی عشقیم و جز حدیث شقایق
کاتب گلچهره در کتاب ندارد

عشق سوزان

ویژگی عشق و محبت « دائمی بودن » آن است. علاقه‌های زودگذر و محبتهای مقطعی را نباید عشق نامید. دل عاشق درجا نمی‌زند بلکه همواره در جوش و خروش و هر دم در حال نزدیکتر شدن به ساحت محبوب است. کسی که سالی یک بار در مناسبتی مانند شبهای احیا به یاد عشق خدا می‌افتد عاشق نیست. عشق آتشی است که اگر روزی زبانه نکشید خاموش می‌شود. ما در این دعا از خداوند طلب می کنیم دلی عاشق و همیشه سوزان به ما عنایت نماید تا هر لحظه آتش اشتیاقش ما را به او نزدیکتر کند.

إلهی هَبْ لِی قَلْباً یُدْنیه منْکَ شَوْقُهُ

(خَدایا! دلی به من عطا کن که اشتیاقش او را هر لحظه به تو نزدیک گرداند)

از طرفی روشن ماندن چراغ عشق نیازمند آن است که علی‌الدوام بر آن روغن چراغ بریزند. روغن چراغ عشق ذکر است وذکر که ترنم زبان عاشق است باید با دل یکی باشد تا دل را شعله ور کند. ذکری که لقلقه زبان است صداقت ندارد. از این رو در ادامه این دعا می گوییم: بار پروردگارا به من زبانی راستگو عطا کن تا صدق او در بیان عشق سوزان دل موجب تقرب و اوجگیری من به سوی تو باشد.

وَ لِسَاناً یُرْفَعُ إِلَیْکَ صِدْقُهُ وَ نَظَراً یُقَرِّبُهُ مِنْکَ حَقُّهُ

(و زبانی ده که مدام راستگویی‌اش به سوی تو بالا رود و اندیشه و نگاهی به من بده که حق‌نگریش همواره او را به تو مقرب سازد.)

کیمیایی به نام گمنامی

گمنامی از بالاترین درجات و مقامات اولیای الهی است. اهل دنیا که تلاش می کنند با ثروت و مکنت و جاه و مقام در جامعه مشهور شوند پس از چند صباحی از چشم و دل انسانها می افتند. ولی کسانی که سعی در گمنامی دارند و تنها برای معروف شدن در پیشگاه خداوند تلاش می کنند هرگز گمنام نخواهند ماند. این نکته در این دعا چه زیبا بیان شده است:

إلَهی إنَّ مَنْ تَعَرَّفَ بِکَ غَیْرُ مَجْهُولٍ وَ مَنْ لاذَ بِکَ غَیْرُ مَخْذُولٍ وَ مَنْ أَقْبَلْتَ عَلَیْهِ غَیْرُ مَمْلُوکٍ

(خدایا! هرکس با تو شناخته شد، گمنام و ناشناخته نماند و هر کس به تو پناه آورد، خوار و بی یاور نشد و هر کس تو به او روی آوردی، بندگی دیگران را نکرد.)

تا سوی دیار بی‌نشان رهسپریم
عارف به زمان و آگه از هر خبریم
اما چو به سوی خویش بر می‌گردیم
حتی ز وجود خویش هم بی‌خبریم

نکته پایان

مناجات شعبانیه دارای ویژگی‌های منحصر به‌فردی است. عارف بزرگ حضرت امام خمینی می فرماید:

« این از دعاهایی است که من غیر از این دعا ندیدم که روایت شده است همه ائمه این دعا را، این مناجات را می خواندند. این دلیل بر بزرگی این مناجات است که همه ائمه این مناجات را می خواندند. (صحیفه امام، ج۱۷، ص ۴۵۸) و در جای دیگر می‌فرماید: «مناجات شعبانیه از مناجاتهایی است که کم نظیر است.»

این دعای ارزشمند نیازمند شرح و توضیح توسط عالمان و محققان است. آنچه در این سلسله یادداشتها به قلم ناقص اینجانب تقدیم خوانندگان گرامی شد تنها در حد یک ترجمه بود که امروز آخرین قسمت آن عرضه شد. اما شرح لغات و دقایق عرفانی و نکات حکمی آن در صلاحیت صاحبان اندیشه و اهل معرفت است. به امید آنکه از برکات این مناجات عظیم القدر همه ما بهره مند شویم. بمنه و کرمه

سامانه دسترسی آزاد به اطلاعات راه‌اندازی شد

دبیر کمیسیون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات از راه‌اندازی سامانه اینترنتی به منظور استفاده تمامی شهروندان برای دسترسی به اطلاعات خبر داد.

به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی معاونت امور مطبوعاتی و اطلاع‌رسانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، حسین انتظامی با اشاره به سایر اقدامات دولت در راستای اجرای قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات گفت: این سامانه، کار خود را به صورت آزمایشی شروع کرده است و به زودی توسط وزرای ارشاد و ارتباطات، رسما رونمایی می‌شود.معاون امور مطبوعاتی و اطلاع‌رسانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی افزود: البته مطابق سیاست‌های عمومی دولت، همزمان و حتی پیش از ابلاغ آخرین آیین‌نامه این قانون، جهت‌گیری پورتال‌های دستگاه‌ها به سمت انتشار اطلاعات تغییر کرده است اما پذیرش درخواست «دسترسی به اطلاعات» عملاً پس از این شروع می‌شود.وی همچنین با اشاره به ماده یک آیین‌نامه‌ی اجرایی ماده (۸) قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات توضیح داد: هر شخص حقیقی یا حقوقی ایرانی می‌تواند درخواست خود برای دسترسی به اطلاعات را به صورت برخط از طریق درگاه الکترونیک حقیقی با ثبت‌نام در سامانه به آدرس foia.iran.gov.ir و ایجاد حساب کاربری، پیشخوان دولت الکترونیک، پست یا مراجعه حضوری به واحد اطلاع‌رسانی مؤسسه درخواست‌شونده، تسلیم کند.

انتظامی در همین زمینه توضیح داد: کاربر درخواست خود را از طریق فرم مربوطه که به تصویب کمیسیون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات رسیده است، تکمیل و ارسال می‌کند. دستگاه‌ها ۱۰ روز مهلت دارند اطلاعات مورد نظر شهروندان را بدهند و در صورتی که این زمان به تأخیر بیفتد، شهروندان در همین سامانه، شکایت خود را ثبت می‌کنند تا از طریق کمیسیون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات پیگیری شود. مطابق آیین‌نامه اجرایی این قانون تمامی پاسخ‌های دستگاه‌ها به شهروندان، همزمان در سایت نیز منتشر خواهد شد مگر این که حاوی اطلاعات شخصی باشد.

بنا به گفته دبیر کمیسیون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات، آمار رسمی، آیین‌نامه‌ها و ضوابط، اطلاعات قراردادها، آیین‌نامه‌های مشارکت اشخاص در اجرای اختیارات سازمان، ساز و کارهای شکایت شهروندان از تصمیمات و اقدامات، اهداف، وظایف، سیاست‌ها و خط مشی و ساختار، اختیارات و وظایف ماموران ارشد دستگاه، اسناد و مکاتبات اداری، روش‌ها و مراحل ارائه خدمات سیستم به جامعه، انواع اطلاعات نگهداری شده و آیین نامه دسترسی به آنها از جمله مواردی است که مردم می‌توانند برای دسترسی آنها درخواست خود را ثبت کنند.

انتظامی همچنین با اشاره به پروژه دیگر مرتبط به این قانون یعنی «کار پوشه ملی ایرانیان» توضیح داد: برمبنای آن، همه مردم ایمیلی خواهند داشت که در واقع همان کد ملی آنان است و این کارپوشه، بتدریج در اختیار مردم قرار می گیرد. با افتتاح سامانه دسترسی آزاد به اطلاعات عملا اولین کسانی که دارای کارپوشه می‌شوند، همین گروه خواهند بود.

عزم دولت برای رفع فقر مطلق تا سال ۱۴۰۰

در جهت مقابله ریشه‌ای با فقر، با عزم ملی در سال ۱۴۰۰ باید فقر مطلق را از جامعه برداریم و در سال ۱۴۰۰ نبایدهیچ خانواده‌ای نباید در فقر مطلق به سر برد.

– ۳ هزار شرکت دانش بنیان با ۳۰ هزار میلیارد تومان فروش و ۱۰۰ هزار نفر شاغل در ۴ سال اخیر در کشور ایجاد شده است.

– برای ایجاد حداقل سالانه ۹۵۵ هزار شغل ، راه حل‌های مرسوم پاسخگوی نیازها نیست و باید ضمن جذب سرمایه، با ایجاد محدودیت در واردات و نسبت به تامین مالی بنگاه‌های راکد و نیمه فعال اقدام کنیم

– مقرر شده است فعالیت‌های تولیدی در مناطق محروم ۱۰ سال از پرداخت مالیات معاف و در شهرک‌های صنعتی مناطق یاد شده مالیات به مدت ۱۳ سال با نرخ صفر محاسبه می شود. همچنین کارآفرینانی که بتوانند ۵۰ درصد اشتغال خود را افزایش دهند، یکسال به دوره معافیت مالیاتی آنها اضافه می شود.

این مطالب دیروز در یازدهمین جشنواره کارآفرینان برتر ملی که از جمله با حضور معاون علمی و فناوری رئیس جمهوری، رئیس دفتر و سرپرست نهاد ریاست جمهوری ،وزیر تعاون،کار و رفاه اجتماعی و رئیس سازمان امورمالیاتی و مدیر عامل سازمان تامین اجتماعی اعلام شد. بنابراین گزارش، سورنا ستاری معاون علمی و فناوری رئیس جمهوری گفت: ۳ هزار شرکت دانش بنیان با ۳۰ هزار میلیارد تومان فروش و ۱۰۰ هزار نفر شاغل در ۴ سال اخیر در کشور ایجاد شده است.

وی ادامه داد: برای تولید و اشتغال نه مشکل پول داریم و نه مشکل ایده، بلکه کمبودها در محیط کسب و کار وجود دارد. ما در محیط کسب و کار یک فضای دو در دو جدا کردیم و نامش را دانش بنیان گذاشتیم. هم اکنون این فضا تبدیل به ۳ هزار شرکت با ۳۰ هزار میلیارد تومان فروش و ۱۰۰ هزار نفر شاغل شده است.

معاون رئیس جمهوری با اشاره به این که در دانشگاه‌ها مراکز نوآوری ایجاد و محیط نسبت به چهار سال پیش عوض شده است، افزود: هدف ما از آموزش و پرورش هم باید تغییر کند. استارت‌آپ‌ها که تا چند سال پیش نفوذی و خائن خوانده می‌شدند، الان در دانشگاه‌ها یک افتخار محسوب می‌شوند.

وی خاطرنشان کرد: برخی از این شرکت‌ها استارت آپ که توسط جوانان ایجاد شده تا ۲ هزار میلیارد تومان فروش دارند و به زودی نمود این شرکت‌ها در گروه‌های خودروسازی، فولادسازی و صنایع معدنی مشخص می‌شود.

ستاری اظهار داشت: محیط کسب و کاری که در دانش بنیان‌ها تعریف شده، ۱۱۰ خدمت را شامل می‌شود و دارای معافیت‌های مالی و گمرکی است.

وی با تأکید بر این که کارآفرینی یک فرهنگ است، اضافه کرد: اولین فاکتور در کارآفرینی، نیروی انسانی خلاق است و ایده و اختراع حتی بحث مالی در رده‌های بعد قرار دارد. ما باید به دنبال ایجاد یک محیط کسب و کار جدید باشیم، ایده شرکت‌های دانش بنیان روبه پیشرفت است و برای حوزه‌های دیگر الگو خواهد بود.

معاون رئیس جمهوری با اشاره به این که باید اقتصادی داشته باشیم که پایه‌اش انسان‌ها باشند، نه منابع، گفت: برای ماندن جوانان در کشور باید پایه اقتصادمان را عوض کنیم. رشد مقالات علمی ایران در سال گذشته در دنیا ۱۷/۵ درصد بوده که بیشترین رشد جهانی را دارد. همچنین رتبه نوآوری ما در دنیا در دو سال ۴۲ رتبه بهبود یافته و از ۱۲۰ به ۷۸ رسیده است. ضمن این که گزارش آنکتاد هم ایران را به عنوان یکی از کشورهای دارای اقتصاد دانش بنیان مطرح می‌کند.

وی بر لزوم سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در حوزه پژوهش و علم تأکید کرد و گفت: با پول دولت پژوهش موثری نمی‌توان انجام داد و نهایت بودجه پژوهشی دولتی باید یک بیستم سرمایه‌گذاری بخش خصوصی باشد.

ستاری ادامه داد: دوران سیمان، فولاد و پتروشیمی گذشته و زمان استارت‌آپ‌هایی است که سالی هزار درصد رشد می‌کنند. همه ما در دنیای امروز اپلیکیشن‌هایی می‌بینیم که زندگی ما را تحت تأثیر قرار می‌دهد. پارسال در بخش نانو تکنولوژی ششم بودیم که امیدواریم تا پایان امسال رتبه چهارم را از آن خود کنیم.

وی با تأکید بر این که باید اقتصاد نفتی را تغییر دهیم، اظهار داشت: پایه‌های کشوری که ۵ هزار سال تاریخ تجارت، کارآفرینی، صنایع دستی و بسیاری اقلام دیگر دارد را در این صد سال نابود کردیم، چون فکر کردیم پول نفت بهتر است.

معاون رئیس جمهوری گفت: در دو سال آینده جهش بزرگی در حوزه استارت‌آپ‌ها خواهیم داشت و محیط از همیشه برای این کار آماده‌تر است. جلو توسعه تکنولوژی را هیچ کس نمی‌تواند بگیرد و باید محیط کسب و کار جدید در کشور راه بیفتد.

در ادامه این مراسم دکتر نهاوندیان رئیس دفتر و سرپرست نهاد ریاست جمهوری گفت: انتخابات ۲۹ اردیبهشت و شرکت گسترده مردم آثار عمیقی در صحنه سیاست داخلی و خارجی، اقتصاد و فرهنگ خواهد داشت. عنصر اصلی این پدیده شگفت توسط خود مردم رقم زده شد و مشارکت اولی‌ها در این انتخابات فقط ۱۸ ساله‌ها نبودند بلکه برخی افراد برای اولین بار شرکت کردند که در گذشته برای این مشارکت قانع نشده بودند.

وی با تأکید بر این که زمان نمایش این قدرت ملی هم مهم بود، افزود: نه فقط منطقه ما بلکه در کشورها و قاره‌های دیگر نگرانی‌های جدی امنیتی موج می‌زند، اما از ایران پیام آرامش، ثبات و مشارکت برخاست. دیگرانی که اغراض و رویاهای خاصی برای منطقه داشتند، با دیدن این عظمت مجبور به تجدید نظر در طرح‌های خود هستند. آثار سیاسی مشارکت گسترده مردم در این رویکرد همگرایی جویی در کشور، این دوره ۴ ساله پیش رو را تأثیرگذار و تاریخ ساز ثبت خواهد کرد.

نهاوندیان خاطرنشان کرد: این رویکرد درخشان در صحنه سیاسی می‌تواند در صحنه اقتصادی هم همین گونه باشد. در صحنه اقتصادی کلید پیشرفت ما مشارکت و حضور خلاق مردم است. اگر مردم پای کار بیایند، در محو فقر و تولید ثروت موفق خواهیم شد، به شرط آن که مشارکت مردم را تضمین کرده و فقط به شعار اکتفا نکرده باشیم.

وی با اشاره به این که لازمه این دستاورد اتخاذ یک رویکرد مردم محور در اقتصاد است،گفت: در رشد مستمر اقتصادی، نکته اصلی سرمایه نیست، بلکه مردم هستند که هم سرمایه و هم فناوری می‌آورند. اما برخی تصویر غیرواقعی از دولت و قدرت و امکاناتش می‌دهند.

رئیس دفتر رئیس جمهوری ادامه داد: البته دولت وظایفی دارد که به آن واقف است و باید محیط مساعدی برای مشارکت مردم فراهم کند. زمینه‌سازی برای حضور با خود حضور دو بحث جداگانه است، مثل انتخابات که زمینه حضور را دولت فراهم می‌کند تا مردم شرکت کنند.

وی ۵ وظیفه اساسی برای دولت در رویکرد مردم محور قائل شد و افزود: فراهم کردن محیط مساعد برای کارآفرینی اولین وظیفه دولت در این زمینه است و باید نگاه بدبینانه به فعال اقتصادی عوض شود. همچنین لازم است در فضای اقتصادی مقابله با انحصار و رانت‌زایی به طور جدی پیگیری شود.

وی اضافه کرد: اقتصاد نفت زده ما در پیشینه ۷۰ـ ۸۰ ساله شرایطی ایجاد کرده که با خصوصی‌سازی هم مقابله با انحصار و رانت میسر نشد و رانتی که در دولت بود به بخش خصوصی یا شبه خصوصی منتقل شد؛ بنابراین مقابله با انحصار باید در دستور کار قرار گیرد.

نهاوندیان دومین وظیفه دولت را ایجاد زیرساخت‌ها دانست که باید ارتباطات گسترده بین بنگاه‌های ما با خارج برقرار شود. وی اظهار داشت: توانمندسازی استعدادها سومین وظیفه دولت است. چه در نیروی انسانی چه در مناطق استعدادهای فراوانی در کشور داریم که برای رسیدن به تولید یک دست یاریگر لازم است. با مبالغ و رقم‌های کوچک یک فکر و ایده می‌تواند به کارگاه تبدیل شود. وظیفه چهارم تقویت تشکل‌های اقتصاد مردمی است که باید اجازه داد مردم دور هم جمع شوند و مسایل خود را طرح و حل کنند.

دولت هم باید سخن آنها را بشنود. تشکیل شورای گفتگوی دولت و بخش خصوصی از این دست است و جدیتر در دولت دوازدهم هم پیگیری می‌شود. نهاوندیان رویکرد کمک به محرومان را به عنوان وظیفه پنجم دولت ذکر کرد و افزود: در همه اقتصادها، فرآیند عادی و طبیعی چرخش اقتصادی ممکن است همه مسائل راحل نکند و قشر محرومی در کنار این روند عام اقتصادی وجود داشته باشد.

وی با تأکید بر این که عنایت ویژه به محرومان باید وجود داشته باشد، گفت: اگر می‌خواهیم فقرزدایی کنیم باید در جایی دیگر ثروت ایجاد شده باشد، اما بعضی فقط نگاه صدقه‌ای دارند. فراموش کرده‌اند که باید در جامعه کسانی باشند که چرخش مولد ایجاد کنندتا عارضه اقتصادی با تکیه بر توانمندی آن، مشکل را برطرف کند، وگرنه توزیع فقر که مشکل فقر را حل نمی‌کند. نهاوندیان با اظهار این که طبق گفته رئیس جمهوری در مقابله ریشه‌ای با فقر با عزم ملی در سال ۱۴۰۰ باید فقر مطلق را از جامعه برداریم گفت: محرومان جامعه به سه دسته تقسیم می‌شوند:

دسته اول کسانی هستند که توانایی کارکردن ندارند و در سال ۱۴۰۰ نباید خانواده‌ای داشته باشیم که با این شرایط در فقر مطلق به سر برد. دوم کسانی که توانایی کار دارند، اما کار ندارند. زیرا در زمان مقتضی که کشور بیشترین درآمد نفتی و ارزی را داشت، تدبیری برای ایجاد شغل نکردیم که آثارش خانواده‌های فراوان میلیونی هستند که سرپرستشان کار ندارد. راه حل این نیست که پول به آنان بدهیم، بلکه باید فرصت کارکردن فراهم کنیم.

وی اظهار داشت: دسته سوم افرادی هستند که هم کار و هم توانایی دارند، اما درآمد کافی ندارند و این راه حلش اقتصادی است و اعانه‌ای نیست. یعنی باید محصولات تولیدی ما از سطحی از مرغوبیت برخوردار باشد که بتواند فروش کند. دولت عزم جدی دارد محرومینی که در فقر مطلق بسر می‌برند ظرف این چهار سال از چهره جامعه ایران بردارد. اما تحقق این امر مثل انتخابات صرفاً با عزم دولت ممکن نیست. کارآفرین برتر در جامعه اسلامی ایران کسی است که به برداشتن فقر مطلق در جامعه کمک می‌کند.

نهاوندیان گفت: طرح کاج که در رابطه با کاورزی است جزو فوریت‌های اجرایی ماه‌های آینده است و از همین ماه مقدمات اجرای آن شروع شده است.

در این جشنواره همچنین وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی درباره دوازدهمین انتخابات ریاست جمهوری گفت: این انتخابات درس‌هایی برای ما و کارآفرینان داشت و خوشحالم گفتمان مسلط انتخابات اشتغال و فقر بود.

به گزارش ایرنا، علی ربیعی گفت: مردم یک ماه درباره اشتغال و فقر شنیدند و خوشحالم که مردم نظرخود را اعلام و انتخاب کردند که کدام مسیر را فقرزدا واشتغالزا می دانند و کدام مسیر در این جهت درست است، آیا پاشیدن پول مسیردرستی است یا وعده‌هایی که به مردم بگوییم ما به شما ۳۰۰–۲۵۰ هزارتومان پول می دهیم ؟

وی با بیان اینکه مردم به عمل غیر اخلاقی پاسخ مثبت ندادند، گفت: ما مکلف هستیم حداقل سالی ۹۵۵ هزار شغل ایجاد کنیم تا بتوانیم پاسخی قابل به نیاز جامعه بدهیم . راه حل‌های مرسوم و معروف دیگرپاسخگوی نیازهای ما نیست. نه اینکه آنها نباید اجرا شوند بلکه ما نیاز به جذب سرمایه، ایجاد محدودیت در واردات و تامین مالی بنگاه‌های راکد و نیمه فعال داریم. اگر بخواهیم اقتصاد کشور را به نحوی به حرکت درآوریم که این پاسخ عظیم را بدهد باید ایجاد سریع شغل توسط شرکت‌هایی انجام شود که رشد سریع کارآفرینی را داشته باشند.

وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی با اعلام خبر تصویب برداشت ۱/۵ میلیارد دلار از صندوق توسعه ملی، گفت: در کمیسیون برنامه مجلس موضوع برداشت پول از صندوق توسعه برای ایجاد اشتغال روستایی تصویب شد.

وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی با اشاره به اینکه کارآفرینی راه بی بدیل ماست،گفت:عالی نسب را به مثابه همه پیشینیانی که تفکر اقتصادی، اجتماعی و مبارزه با فقرداشتند و ازراه رونق و تولید کشور و افزودن سرمایه‌های کشور را دنبال کردند. در این جا نماد گرفتیم و معتقدیم که بسیاری از کسان دیگر هستند که شایستگی نمادشدن دارند و ما هرساله ازشخصی به عنوان نماد تقدیر خواهیم کرد . وی افزود: امروز در حال گذار از کارآفرینی فردی و سازمانی هستیم و باید کارآفرینی نهادی را دنبال کنیم. منظور از کارآفرینی نهادی بنیادهایی است که افراد با سهولت بیشتری بتوانند در فضای کارآفرینی حرکت کنند. کارآفرینی نهادی، امروز در حقیقت بهبود فضای کسب و کار درکشانه‌های اشتغال کشور در رسته‌های منتخب است .

ربیعی گفت: سیاست کلان و اجرایی ما در جهت توانمندسازی است. ما افراد پایین را لایه بندی کرده ایم آنانی که به هیچ وجه قادر به توانمند شدن نیستند، در سقفی از حداقل دستمزد دریافتی ظرف چند مرحله زندگی با کرامت خواهند داشت . برای افرادی که توانمندی کمتری دارند، در سازمان فنی و حرفه ای، سازمان تامین اجتماعی و نظام تامین اجتماعی و نظام مهارت کم توانان با برنامه در صد روز اول دولت دوازدهم اقدام می شود تا درجاهایی به شکل پاره وقت بروند و بخشی از حقوق آن‌ها را خود ما پرداخت می کنیم که از سقفی از حداقل یا کف حمایت اجتماعی بهره مند شوند .

وی با اشاره به اینکه در طرح‌های کاروزی و مشوق‌های کارآفرینی و سایر طرح‌ها ما می توانیم افراد را به سمت توانمند سازی ببریم، گفت: امروز به نوآوری از جنس یادگیری نیازداریم .مدت‌ها بود که ارتباط ما با بازارهای بین الملل قطع شده بود. ما نیاز داریم با ارتباطات خود نوآوری از جنس یادگیری را دنبال کنیم باید در جاهایی که واردات بیشتری وجود دارد با نوآوری از جنس یادگیری به تولید داخل بپردازیم .برندهایی که در داخل کشور بازارهای زیادی دارند باید به کمک تولید داخل ایران بیایند؛ همان طور که این امر در بخش پوشاک آغاز شده است.همچنین در بخش فن آوری اطلاعات و ارتباطات ساخت ایران به عرصه بین المللی رفته است، این‌ها همان نوآوری از جنس دانش و یادگیری است و در این مورد به پیش خواهیم رفت.

رئیس سازمان امور مالیاتی کشور هم در این جشنواره گفت: سال گذشته متعهد شدیم افرادی که مالیات در زنجیره ارزش افزوده پرداخت کرده اند، ظرف یک ماه به استرداد آن اقدام کنیم که بر این اساس ۱۳۰۰ میلیارد تومان استرداد مالیاتی داشتیم و این افتخار دولت روحانی است.

سیدکامل تقوی نژاد گفت: هم اکنون ۸درصد تولید ناخالص داخلی کشور از مالیات تامین می شود که در برنامه ششم این رقم به ۱۱ درصد افزایش می یابد.

وی همچنین از شناسایی افرادی خبر داد که از مواهب جامعه استفاده می کنند و مالیات نمی دهند و گفت: در جهت مبارزه با فرار مالیاتی تلاش شد بین مردم و مودیان اعتماد ایجاد شود.

رئیس سازمان امور مالیاتی گفت: سال گذشته اتفاقی بین سازمان امور مالیاتی و اصناف رخ داد که ما اعلام کردیم مودیان مالیات سال ۱۳۹۴ خود را بر اساس قطعی ۱۳۹۳ پرداخت کنند که در این زمینه یک میلیون و ۷۰۰ هزار واحد صنفی کشور مالیاتی که پرداخت کردند کمتر از سال ۱۳۹۳ نبود.

وی ضمن اشاره به افزایش ۱۰ درصدی اظهارنامه مالیاتی گفت: از یک میلیون و ۷۰۰ هزار واحد اقتصادی ۸۸۰ میلیارد تومان مالیات دریافت کردیم. همچنین ۷۷ نفر که پرونده مالیاتی نداشتند از تراکنش بانکی آنها توانستیم ۹۹۰ میلیارد تومان مالیات بگیریم.

نامبرده با اظهار اینکه در نشست ستاد اقتصاد مقاومتی قرار شد برای سال جاری الگو و شیوه اخذ مالیات اصناف کشور نظیر سال گذشته ادامه یابد، گفت: در دولت یازدهم همه قوانین و جهت گیری‌ها تغییر یافت و در سال ۱۳۹۴ قانون مالیات‌های مستقیم اصلاح شد که در جهت تقویت تولید اتفاق خوبی بود.

به گفته وی، همچنین درآمد خدمات بیمارستانی از تاریخ بهره برداری به مدت پنج سال معاف از مالیات یا با نرخ صفر محاسبه می شود . نرخ صفر از نظر پرداخت برای مودی مشکل ایجاد نمی کند و باید اسناد و اظهارنامه تهیه شود.

تقوی نژاد همچنین گفت: در دولت یازدهم مقرر شد فعالیت تولیدی در مناطق محروم ۱۰ سال از پرداخت مالیات معاف باشد و در شهرک‌های صنعتی مناطق یاد شده مالیات به مدت ۱۳ سال با نرخ صفر محاسبه می شود. این قانون زمینه را برای حمایت جدی از تولید ایجاد کرده است و کارآفرینانی که بتوانند ۵۰ درصد اشتغال خود را افزایش دهند، یکسال به دوره معافیت مالیاتی آنها اضافه می شود.

وی افزود: همچنین شرکت‌هایی که با شرکت‌های خارجی شریک شوند و ۲۰درصد صادرات داشته باشند ۵۰ درصد از پرداخت مالیات معاف هستند.

رئیس سازمان امور مالیاتی همچنین از معافیت‌های مالیاتی بخش تعاون خبر داد و گفت: درآمد کارگاه‌های صنایع دستی و فرش دستباف از مالیات معاف است. همچنین صددرصد درآمد حاصل از صادرات آنها معافیت مالیاتی دارد. وی همچنین از تقسیط مالیاتی ۷۵۰۰ واحد کوچک و بزرگ تولیدی خبر داد که سال اول از آنها مالیات دریافت نمی شود و گفت: همچنین از ۳۳ هزار میلیارد ریال (۳۳۰۰ میلیارد تومان) تراکنش بانکی برگ تشخیص صادر شد.

مدیر عامل سازمان تامین اجتماعی هم در این مراسم گفت: این سازمان آمادگی دارد که از کارآفرینان حمایت بیمه ای کند. تقی نوربخش با اشاره به سابقه ۶۰ ساله سازمان تامین اجتماعی افزود: در چند سال اخیر تلاش کردیم تامین اجتماعی را از حاشیه‌ها خارج کنیم و به وظایف اصلی این سازمان باز گردانیم که نتیجه جلب دوباره اعتماد مردم و بیمه شدگان به صندوق تامین اجتماعی بود.

وی با اشاره به اینکه سازمان تامین اجتماعی تاکنون سه دوره مختلف را تجربه کرده است ،افزود: این صندوق در هشت سال ۸۴ تا ۹۱ مدیریت ناشایستی را تجربه کرد به گونه ای که در این دوره هشت مدیر به این سازمان آمدند. این دوره را می‌توان دوره تعرض به صندوق و تعویض مستمر نامید. همچنین در این سال‌ها تعداد مستمری بگیران بر تعداد بیمه‌شده‌ها فزونی گرفت.

مدیر عامل سازمان تامین اجتماعی تاکید کرد: نرخ حق بیمه در کشور بر خلاف آنچه که تصور می‌شود، پایین‌ترین نرخ در کشورهای توسعه یافته و جزء کمترین نرخ‌ها در کشورهای در حال توسعه است و کارفرما باید این اطمینان خاطر را داشته باشد که هزینه‌های بیمه و مالیات صرف شده آن همراه با دریافت مزایای مناسب در آینده خواهد بود.

وی با بیان اینکه در چهار سال گذشته میزان مستمری ۸۱ درصد افزایش یافته است،گفت: افزایش میزان مستمری در چهار سال اخیر به طور میانگین ۲۵ درصد بالاتر از نرخ تورم بوده و امسال هم مستمری حداقل بگیران ۱۴/۵ تا ۱۶درصد افزایش یافت.

نامبرده به چندین اقدام اخیر سازمان تامین اجتماعی اشاره کرد و افزود: اقدام نخست در بخش بازرسی از دفاتر قانونی بود. علی‌رغم اینکه سازمان تامین اجتماعی بر اساس مفاد ۴۷ و ۴۹ قانون تامین اجتماعی اجازه بازرسی از دفاتر را دارد، اما به علت ایجاد اطمینان خاطر در کارفرمایان قرار شد تا این بازرسی تنها پس از پایان سال مالی انجام شود و به عبارتی به سال‌های قبل ورود نمی‌کنیم.همچنین ترکیب هیات‌های تشخیص به گونه‌ای در نظر گرفته شد تا کارفرمایان بتوانند به حقوق بیشتری دست پیدا کنند.در عین حال امسال در دو نوبت معادل ۲ هزار میلیارد تومان جرایم کارفرمایان بخشوده شد تا هزینه‌های مالی آنها کاهش یابد.

وی حذف حق بیمه از طرح‌های پژوهشی را از دیگر اقدامات اخیر سازمان تامین اجتماعی عنوان کرد و گفت: این امر طی یک سال اخیر در حال انجام است که می‌تواند موجب تقویت شرکت‌های دانش‌بنیان شود.

نوربخش تقسیط حق بیمه را هم از مهم‌ترین اقدامات سازمان تامین اجتماعی بیان کرد و ادامه داد: تقسیط حق بیمه اکنون در حال انجام است و حتی خرید دین هم اکنون بخشنامه‌ای انجام می‌شود و کارفرمایانی هم که نقدینگی ندارند می‌توانند از طریق بانک رفاه خرید دین کرده و تقسیط حق بیمه آنها صورت گیرد. کارگاه‌هایی هم که کارگر جدید هم استخدام می‌کنند، می‌توانند با حق بیمه پایین‌تر کارگر خود را بیمه کنند.

گفتنی است:در جشنواره ملی کارآفرینان ۱۰ کارآفرین برتر کشور با حضور وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی و رئیس دفتر رئیس‌جمهوری مورد تقدیر قرار گرفتند.

کارآفرینان معرفی‌شده در بخش کشاورزی عبارتند از: قدرت حاج‌نوری از استان اردبیل از شرکت آرتا جوجه سبلان با فعالیت در حوزه زنجیره یکپارچه تولید و فناوری، بیژن قبادی از استان کرمانشاه از شرکت مجتمع شیمیایی بیستون کرمانشاه در حوزه تولید سموم کشاورزی و مسعود توتونچیان از استان همدان از شرکت غذایی سحر در حوزه صنایع تبدیلی کشاورزی و روح‌الله صابری ریسه از استان کرمان از شرکت پرشین بنیان آریا (دانش‌بنیان) در حوزه تولید کودهای بیولوژیک و ارگانیک.

کارآفرینان برتر در بخش صنعت عبارتند از: مجید بصرنیا از استان قم از شرکت نانو بتن امین (دانش‌بنیان) در حوزه بتن آماده و محمد نخعی‌نژاد از استان کرمان از شرکت ممتازان در حوزه ساخت و نصب انواع ماشین‌آلات و محمد ضرابی از زنجان از شرکت تولیدی صادراتی پوشاک مهیار زنجان با فعالیت در حوزه تولید انواع پوشاک.

در بخش خدمات، رضا خلج از استان تهران از شرکت امن‌پرداز سورونا با فعالیت در حوزه نرم‌افزار و سخت‌افزار امنیتی، مهدی سنچولی از خراسان رضوی از شرکت زالپارد در حوزه ذخیره‌سازی فرآورده‌های نفتی و همچنین اصغر نبیل از استان یزد از مجموعه مشیر یزد در حوزه مجموعه اقامتی پذیرایی معرفی شدند.



از کارآفرینان برتر در جشنواره ملی کارآفرینان قدردانی شد

نفت ، طلا ، سکه و ارز

بازار جهانی

هر بشکه نفت سبک آمریکا (وست تگزاس)	۵۱/۱۶ دلار
هر بشکه نفت دریای شمال (برنت)	۵۳/۸۷ دلار
متوسط سبد نفت کشورهای اوپک	۵۱/۵۰ دلار
هر اونس (۳۱/۱ گرم) طلا	۱۲۶۰/۵۰ دلار

بازار داخلی

سکه طلا طرح قدیم (به وزن ۸/۱۳ گرم)	۱۱۸۳۰۰۰ تومان
سکه طلا طرح جدید (به وزن ۸/۱۳ گرم)	۱۲۰۸۰۰۰ تومان
نیم سکه طلا (به وزن ۴/۰۶گرم)	۶۵۱۰۰۰ تومان
ربع سکه طلا (به وزن ۲/۰۳ گرم)	۳۷۲۰۰۰ تومان
سکه یک گرمی	۲۵۶۰۰۰ تومان
هر گرم طلای ۱۸ عیار (بدون مزد ساخت)	۱۱۵۲۰۰ تومان
دلار آمریکا(نرخ بانکی)	۳۲۴۴ تومان
دلار آمریکا(نرخ آزاد)	۳۷۵۴ تومان
یورو(نرخ بانکی)	۳۶۴۸/۹ تومان
یورو(نرخ آزاد)	۴۲۳۴ تومان
پوند انگلستان(نرخ بانکی)	۴۲۱۱/۷ تومان
پوند انگلستان(نرخ آزاد)	۴۸۷۳ تومان
درهم امارات (نرخ بانکی)	۸۸۳/۲ تومان
درهم امارات (نرخ آزاد)	۱۰۳۸ تومان

بازشماری ۱۵ صندوق آرای شورای شهر تهران تغییری درنتیجه انتخابات نداشت

سرویس سیاسی – اجتماعی: سخنگوی هیأت مرکزی نظارت بر انتخابات شوراهای اسلامی‌شهر و روستا از بازشماری ۱۵ صندوق تهران با حضور نماینده فهرست خدمت خبر داد و گفت : در برخی از این صندوق‌ها نه فقط آرای فهرست خدمت صفر بود بلکه آرای فهرست امید هم صفر بود.

فرهاد تجری در جمع خبرنگاران اظهار داشت: پانزده صندوق تهران با حضور نماینده فهرست خدمت مورد بازشماری قرار گرفت و در هیچ کدام عددی به آرای کاندیداها اضافه نشد. ما همچنین در ۵۰۰ صندوق،۵۰ نفر اول شهر تهران را بین فهرست وزارت کشور با هیأت نظارت مطابقت دادیم که یک مورد تخلف هم در آن ندیدیم.

تجری در ادامه اظهار داشت: در انتخابات ریاست جمهوری بالغ بر ۴۰ میلیون رای دهنده شرکت کرده بودند و در انتخابات شوراها هم ۳۸ میلیون و ۲۷۴ هزار و ۸۶۹ رای مأخوذه در کل کشور وجود داشت که از این میزان ۳۶ میلیون و ۳۶۰ هزار و ۱۴۵ آرای صحیح و یک میلیون و ۹۱۴ هزار و ۷۲۴ رای باطله بود. بیشترین آرا مربوط به استان تهران با ۵ میلیون و ۲۹۱ هزار و ۸۹۰ رای، استان خراسان رضوی با سه میلیون و ۲۲۶ هزار و ۹۹۱ رای و در مرتبه‌های بعدی فارس و اصفهان و مازندران است.

سخنگوی هیأت مرکزی نظارت بر انتخابات شوراها گفت: از ۳۸ هزار و ۷۱ روستا که انتخابات شورای شهر و روستا در آنها برگزار شد نتایج تمامی‌آنها اعلام شد. همچنین انتخابات شوراها در ۱۲۴۰ حوزه شهری برگزار شد و غیر از اهواز که اخلالی در جمع بندی وجود داشت در بقیه تقریبا سرنوشت انتخابات مشخص شد. همچنین در ۱۴۱ شهر انتخابات به شکل مکانیزه و الکترونیکی برگزار شد. وی تجربه برگزاری مکانیزه و الکترونیکی انتخابات را مثبت اعلام کرد و گفت: ناآگاهی مردم به سیستم و احراز هویت و تائید آنلاین آن قدری زمان را طولانی کرد و این نقطه ضعف بود که امیدواریم در دوره‌های بعد رفع شود.

تجری با اشاره به فعالیت ۱۳۰ هزار ناظر از طرف هیأت نظارت بر انتخابات شوراها در قالب ناظر و بازرس افزود: ۶۲۰۰ نفر به عنوان هیأت‌های شهرستان‌ها فعالیت کردند و ۹۶ نماینده هم در این انتخابات دخیل بودند. همچنین ۴۰ نفر از همکاران در قالب بازرس استانی بر انتخابات نظارت داشتند. بعد از اعلام صلاحیت استانی هم ۱۴۰۰ نفر نسبت به رد صلاحیتشان به هیأت مرکزی شکایت کردند که از این تعداد ۷۰۰ نفر تائید شدند.

عضو کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس، قانون انتخابات شوراها را دچار نقص و کاستی دانست و تاکید کرد: در تهران نزدیک به ۳۹۰۰ شعبه اخذ رای و ۵۰۰۰ ناظر و ۱۰۰۰ بازرس فعال بودند، اما برخی کم لطفی می‌کنند و می‌گویند که نظارتی وجود نداشته است، در حالی که هیأت مرکزی، هیات عالی استان نظارت تهران، هیأت شهرستان تهران و ناظران صندوق از شروع انتخابات تا تجمیع آرا حضور فعالی داشتند.

وی گفت: ما همچنین سه چهار مورد شکایت درباره خرید و فروش رای و دخالت مقامات داریم که با هماهنگی هیأت مرکزی پیگیری خواهد شد. هر جا احساس کنیم دخالت مقامات در تغییر سرنوشت انتخابات و جابجایی آرا تاثیرگذار باشد، هیأت مرکزی با اجماع کامل در این باره اتخاذ تصمیم خواهد کرد.

تجری با بیان این که تخلفات انتخاباتی برای بررسی به مراجع قضایی اعلام خواهد شد، افزود: بعد از شمارش تجمیع آراء بیشترین شکایت مربوط به خرید و فروش آر است که البته باید مستندات کافی و قانونی در این باره وجود داشته باشد. در یکی از موارد از ۱۰۰۰ تعرفه‌ای که به صندوق اختصاص یافته، ۲۰۰ تعرفه مفقود شده است یا مواردی از وجود تعرفه‌های بدون مهر را شاهد بودیم که نیازمند مدارک است. این که به شکل کلی بگوییم طرفداران فلان کاندیداها در صندوق حضور یافتند و اقدام به خرید و فروش رای کرده‌اند درست نیست بلکه باید مستندات غیرقابل انکار وجود داشته باشد که اگر نهایتا در سرنوشت انتخابات اثرگذار باشد ابطال خواهد شد.

هشدار در مورد فرو نشست زمین در بخش وسیعی از دشت‌های جنوب تهران

برداشت بی رویه آب از منابع زیرزمینی در سطح استان تهران و خشکسالی‌های پیاپی در سالهای اخیر باعث بروز فاجعه زیست محیطی فرونشست زمین در بخش وسیعی از دشت‌های جنوب ورامین و شهریار شده است.

گزارش خبرنگارما از دشت‌های اطراف پیشوای ورامین و جنوب شهریار حاکیست: در برخی از مناطق، زمین بین ۱۶ تا ۱۳۰ سانتی‌متر نشست کرده و آسیب‌های جدی به تاسیسات خدماتی این مناطق وارد شده است.

مهندس محمدرضا بختیاری مدیرعامل شرکت آب منطقه ای تهران دیروز در جریان بازدید خبرنگاران از آثار این فاجعه زیست محیطی با اشاره به ضرورت مقابله فوری برای جلوگیری از ادامه نشست زمین گفت: بحران پدید آمده موجب تشکیل جلسات اضطراری در شورای عالی آب به ریاست معاون اول رئیس جمهوری شده و دولت برنامه‌های گسترده ای را برای توقف نشست زمین در تهران آغاز کرده است.

وی افزود: هم اینک سفره‌های زیرزمینی شهر تهران حدود ۳۰ میلیون متر مکعب، سفره‌های زیرزمینی شهریار حدود ۸۵ میلیون متر مکعب و سفره‌های زیرزمینی ورامین حدود ۳۵ میلیون متر مکعب در سال بیلان منفی دارند و سطح آب این سفره‌ها دائما در حال کاهش است.

استفاده نامطلوب از آب‌های زیرسطحی در فعالیت‌های کشاورزی و برداشت غیر مجاز از چاه‌های موجود در منطقه باعث تشدید این بحران شده و ادامه این وضع، دشت بزرگ تهران را به نابودی کامل خواهد کشاند.

مدیرعامل شرکت آب منطقه‌ای تهران ادامه داد: برای کاستن از سرعت افت منابع زیر سطحی و کند کردن روند فرو نشست زمین در منطقه ورامین راهی جز پلمب چاه‌های غیر مجاز نداریم، ولی متاسفانه مقاومت‌های زیادی از سوی دستگاه‌های مختلف در اجرای این راهکار وجود دارد.

به گفته وی، از مجموع ۳۲۰۰ حلقه چاه موجود در دشت ورامین، ۱۷۶۰ حلقه مجاز و مابقی غیر مجاز هستند که متاسفانه سالانه ۳۰ میلیون متر مکعب آب از همین چاه‌های غیرمجاز برداشت می شود.

نامبرده ادامه داد: پارسال با وجود مقاومت گروه‌ها و دستگاه‌های مختلف موفق به پلمپ ۱۸۰ حلقه چاه غیر مجاز در این منطقه و احیای ۱۰ میلیون متر مکعب آب از این چاه‌ها شدیم. این روند باید امسال هم ادامه یابد و از برداشت بی رویه ۱۷ میلیون متر مکعب آب در چاه‌های غیر مجاز جلوگیری شود. علاوه بر این تصمیم داریم از طریق نصب کنتور هوشمند روی چاه‌های دارای پروانه از ازدیاد برداشت بهره برداران جلوگیری کنیم.

وی گفت: برنامه ویژه ای هم برای تغذیه مصنوعی دشت‌های جنوب تهران با استفاده از منابع آبی سد ماملو داریم . در این روش پارسال در هر ثانیه ۳ متر مکعب آب از ذخایر پشت سد را رهاسازی کردیم که این رقم امسال به ۱۵ متر مکعب در ثانیه افزایش می یابد.

بختیاری گفت: کشاورزان اگر از آب رها شده در کانال‌های پشت سد استفاده کنند، کمتر سراغ برداشت آب از چاه‌ها خواهند رفت و احتمال نجات دشت‌های رو به زوال افزایش می یابد.

به گفته وی، هم اینک ۲ متر مکعب آب در ثانیه برای تغذیه مصنوعی دشت‌های جنوب تهران رها سازی می شود که در مقایسه با حجم ازدیاد برداشت کشاورزان، رقم کمی است.

به گفته مدیرعامل شرکت آب منطقه ای تهران، اگر چه میزان بارش‌های جوی در استان تهران از ابتدای سال آبی جاری تاکنون نسبت به پارسال ۱۵ درصد بهبود یافته، ولی مشکل تغذیه مصنوعی دشت‌هایی که در حال فرو نشست متوالی هستند، با یک بارندگی حل نمی شود.این مشکل در سطح شهر تهران به دلایل مختلف به شکل فروریزش لایه‌های زیرزمینی نمود پیدا کرده که یکی از مهمترین دلایل آن کورکردن قنوات سنتی است.

وی افزود: با وجود تمامی تلاش‌ها برای احیای دشت‌های روبه زوال در تهران ظرف ۴ سال اخیر فقط موفق به احیای ۴۰ میلیون متر مکعب آب شده ایم، در حالی که سالانه ۸۵ میلیون متر مکعب از منابع آبی تهران کاسته می شود.

بختیاری از همه مردم و به ویژه کشاورزان خواست تا نسبت به این فاجعه بزرگ حساس تر باشند و اجازه ندهند که محیط استان تهران غیر قابل سکونت شود.

وی تاکید کرد: ادامه این موج تخریب کننده محیط زیست در کوتاه مدت، تهران را به یک بیابان غیرقابل سکونت و غیر قابل احیا مبدل خواهد ساخت. چراکه برای احیای هر یک سانتی متر از دشت‌های فرو نشسته، سال‌ها زمان و بارندگی‌های متوالی نیاز است.



امضاء ۷۰ قرارداد اجاره نفتکش با شرکت‌های اروپایی و آسیایی

مدیرعامل شرکت ملی نفتکش ایران از امضای بیش از ۷۰ قرار داد اجاره نفتکش‌های ایرانی با شرکت های بزرگ خارجی پس از برجام خبر داد و گفت: در حال حاضر برنامه‌ای برای افزایش ظرفیت ناوگان این شرکت نداریم.

به گزارش ایرنا به نقل از وزارت نفت، سیروس کیان ارثی افزود: شرکت‌هایی که با آنها قرارداد اجاره کشتی امضا شده است، به‌طور عمده اروپایی و آسیایی هستند. وی به تاثیر برجام بر شرکت ملی نفتکش ایران اشاره کرد و افزود: اجرای برجام تاثیر کلیدی بر شرکت ملی نفتکش ایران داشته است و این شرکت به خوبی این موضوع را حس می‌کند.

کیان ارثی ادامه داد: پس از اجرای برجام و رفع تحریم‌ها، نفتکش‌های ایرانی به راحتی در آب‌های بین‌المللی و اروپا تردد می‌کنند.

مدیرعامل و عضو هیات مدیره شرکت ملی نفتکش ایران، حل مشکلات بیمه و رده بندی را از دیگر دستاوردهای برجام عنوان کرد و افزود: هم‌اکنون نفتکش‌های ایرانی، نفت برخی از شرکت‌ها از ایتالیا و اسپانیا را حمل می‌کنند؛ ضمن این‌که با لهستان هم در حال مذاکره است.

توزیع ۵۰ هزار تن برنج و شکر برای تنظیم بازار ماه رمضان

مدیرعامل شرکت بازرگانی دولتی ایران گفت: برای تنظیم بازار ماه مبارک رمضان ۳۰ هزار تن برنج با قیمت ۲۷۰۰ تومان و ۲۰ هزار تن شکر سفید به قیمت ۲۸۵۵ تومان از طریق فروشگاه‌های زنجیره‌ای توزیع می‌شود.

یزدان سیف در گفتگو با فارس در مورد برنامه شرکت بازرگانی دولتی برای اجرای طرح ضیافت در ماه مبارک رمضان اظهار داشت:اکنون ۲۰ هزار تن شکر سفید به قیمت ۲۸۵۵ تومان برای مصرف‌کننده نهایی از طریق تعاونی‌ها و فروشگاه‌های زنجیره‌ای در حال توزیع است.

مدیرعامل شرکت بازرگانی دولتی ایران همچنین به توزیع برنج با توجه به مصوبه کارگروه تنظیم بازار گفت: برای جلوگیری از سوءاستفاده دلالان ۳۰ هزار تن برنج هم در شبکه فروشگاه‌های زنجیره‌ای و تعاونی‌ها به قیمت هر کیلو ۲۷۰۰ تومان در قالب طرح ضیافت توزیع می‌شود.

وی خاطرنشان کرد: ۱۰۰ هزار تن برنج خارجی خریداری شده در راه است و به زودی به بنادر کشور می‌رسد.

جزئیات ورود قاچاق ۳۰ هزار کولر گازی «جنرال»

جزئیات ورود ۳۰ هزار کولر گازی «جنرال» قاچاق از طریق گمرک تشریح کرد.

قاسم خورشیدی سخنگوی ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز در گفتگو با فارس ضمن اشاره به کشف محموله قاچاقی کولر گازی (اسپیلت) در هفته گذشته اظهار داشت: این محموله در ۵ انبار در شهر ری و یک انبار در اشتهارد کرج کشف شد که به شکل قطعات منفصله، از گمرکات مختلف وارد کشور شده بود. مسئولان گمرک معتقدند تخلف گمرکی بر مبنای قاعده ۲الف صورت گرفته است. وی در مورد جزئیات این کشف بزرگ بیان داشت: اسپیلت‌ها با برند جنرال (HZ) بوده که حروف انگلیسی برگرفته از مالک و واردکننده آن دارد. این محصولات از چین وارد شده است.

سخنگوی ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز با تأکید بر اینکه ارزش این محموله کشف شده ۵۰ میلیارد تومان است، تصریح کرد: ۳۰ هزار دستگاه اسپیلت کشف شده و واردات آن مربوط به نیمه دوم سال ۹۵ است.

به گفته وی، قطعات به شکل منفصل داخل کشور آمده و در انبارها تبدیل به کالای نهایی شده است.

مشکلات و نیازهای مبتلایان به نارسایی‌های کلیوی

بیماری‌های کلیوی؛ پیشگیری به روش‌های ساده

براساس بررسی‌های وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی درحال حاضر حدود ۲۸ هزار بیمار دیالیزی در کشور تحت مراقبت‌های پزشکی قرار دارند که پیش‌بینی می‌شود تا سال ۱۴۰۰ خورشیدی تعداد بیماران دیالیزی و پیوند کلیه حداقل به ۹۰ هزار نفر افزایش یابد و این در حالی است که عادات نادرست غذایی، بی‌تحرکی، نبود خود مراقبتی، توجه

قرار ندارند و نمی‌دانند دارو تا چه زمانی در داروخانه‌ها موجود است. متاسفانه گاهی داروهای که امروز هست، فردا نیست و کمبود آنها بیماران را آزار می‌دهد.

این متخصص نفرولوژی یادآوری می‌کند: شرایط نامناسب تامین و توزیع دارو در کشور باعث سردرگمی بیماران شده است، تا آنجا که برخی بیماران با ما تماس می‌گیرند و عنوان

کلیوی به وجود آورده است، می‌گوید: پزشکان به دلیل عدم اطلاع‌رسانی، در جریان قیمت داروها نیستند و قیمت آنها هم بی ضابطه بالا می‌رود. به عنوان مثال،دارویی که سال گذشته ۱۰۰ هزار تومان قیمت داشت امسال به ۱ میلیون و ۲۰۰ هزار تومان افزایش یافته است و در این مورد هم ما باید پاسخگوی بیماران باشیم، در حالی که پزشکان

کشور هم یاد آوری می‌کند: مشکل دیگر وسایل مورد نیازدیالیز است، گاهی برای آن که هزینه کمتری صرف خرید این لوازم و تجهیزات شود، آنها را از کشورهایی مانند هند و چین تهیه می‌کنند که نه فقط ارزانتر تمام نمی‌شود، بلکه از نظر کیفیت هم استاندارد نیستند زیرا به عنوان مثال به جای استفاده از یک صافی با کیفیت دیالیزبرای هر بیمار، باید از ۲ صافی استفاده کرد

این متخصص بیماری‌های کلیه با اشاره به این مطلب که متاسفانه در سال‌های اخیر خرید و فروش کلیه تبدیل به تجارت شده است و عده‌ای دلال هم این تجارت را می‌چرخانند، یاد آوری می‌کند: خوشبختانه امروزه پیوند اعضای بدن افراد غیر ایرانی ممنوع شده است و مدل ایرانی پیوند کلیه (استفاده از کلیه شخص سالم)در دنیا اعتبارش را از دست داده است.

هر جلسه دیالیز حدود ۳۰۰ هزار تومان است وبیماران باید ۳ روز درهفته دیالیز شوند که هزینه‌اش را بیمه‌ها می‌پردازند. خوشبختانه تولیدات داخلی لوازم دیالیز از کیفیت خوبی برخوردار است. وسایل و تجهیزات مورد استفاده در دستگاه‌های دیالیزهزینه دیالیز را بالا می‌برد، ولی خود بیمارهزینه‌ای را پرداخت نمی‌کند، بلکه هزینه‌هارا بیمه‌ها تقبل می‌کنند. البته بیمارانی

عوامل ابتلا به نارسایی‌های کلیه

دکتررضا داوری ـ متخصص بیماری‌های داخلی در مورد عوامل ایجادکننده نارسایی‌های کلیوی به گزارشگر روزنامه اطلاعات می‌گوید: از عوامل مهم ایجادکننده نارسایی کلیه می‌توان به مصرف بی‌رویه داروهای مسکن و ضد التهاب، دیابت، گلومرولونفریت (نوعی بیماری کلیوی ومعمولا هردو کلیه باهم است که مشخصه

است، می‌افزاید: کسانی که مبتلا به دیابت و فشارخون بالا هستند، افراد چاقی که دخانیات استعمال می‌کنند و افراد بالای ۵۰ سال با سابقه فامیلی ابتلا به بیماری‌های کلیوی، باید تست پیشگیری را انجام دهند.

این متخصص بیماری‌های کلیوی یاد آوری می‌کند: آگاهی و پیشگیری از عوامل خطرآفرین و زمینه ساز بیماری‌های کلیه مانند

مجاری ادراری «گلومرولونفریت» است، یادآوری می‌کند: این بیماری در حالت مزمن به گونه‌ای مخفی در کلیه‌ها باقی می‌ماند و باعث التهاب و نارسایی آن می‌شود، در نتیجه کلیه‌ها در تنظیم میزان تعادل آب و مواد مصرفی بدن دچار اختلال می‌شوند و توان بیرون راندن مواد زائد سمی حاصل از سوخت و ساز از خون را به طور مؤثر از دست می‌دهند، در صورتی که

که نارسایی‌های کلیه می‌تواند حاد یا مزمن باشد، یاد آوری می‌کند: نارسایی حاد کلیه به طور سریع ایجاد می‌شود، بسیار جدی و خطرساز است و عواقب طولانی‌تری دارد و با درمان‌های مناسب، علت‌های زمینه‌ساز بیماری بهبود می‌یابد.

این متخصص بیماری‌های داخلی در مورد پیشگیری از ابتلا به بیماری‌های کلیوی و مداوای آن



نداشتن به سلامت قبل از ایجاد دردهای ناشی از بیماری و وجود بیماری‌های زمینه‌ای مانند دیابت و فشار خون بالا از مهم‌ترین علل افزایش ابتلا به بیماری‌های کلیوی است.

کارشناسان معتقدند، آمار بیماران کلیوی در جامعه مانند کوه یخی است که فقط قله آن بیرون از آب است و حجم عظیم آن زیر آب قرار دارد، چرا که متاسفانه بسیاری از افراد از ابتلای خود به بیماری‌های کلیوی بی‌اطلاع هستند و زمانی متوجه آن می‌شوند که بیماری پیشرفت کرده و کلیه‌ها از کار افتاده است.

آنان می‌گویند، توجه به خود مراقبتی، تغذیه مناسب، انجام فعالیت‌های ورزشی، رعایت نکات بهداشتی و اهمیت دادن به پیشگیری می‌تواند ازابتلا به بیماری‌های کلیوی پیشگیری کند.

*** دکتر بهروز برومند ـ نفرولوژیست: بیماران انتظار دارند نسخه پزشکان را به راحتی بتوانند تهیه کنند و زمانی که داروهای مورد نیازشان موجود نیست، به پزشکان معالج خود اعتراض می‌کنند، حال آن که پزشکان در جریان تولید، توزیع و واردات داروهای بیماران کلیوی قرار ندارند و نمی‌دانند که این داروها چه زمانی در داروخانه‌ها موجود است**

*** آمار بیماران کلیوی در جامعه مانند کوه یخی است که فقط قله آن بیرون از آب است و حجم عظیم آن زیر آب قرار دارد. متاسفانه بسیاری از افراد از ابتلای خود به بیماری‌های کلیوی بی اطلاع هستند و زمانی متوجه آن می‌شوند که بیماری پیشرفت کرده و کلیه‌هایشان از کار افتاده است**

داروهای بیماران کلیوی

دکتر بهروز برومند ـ متخصص بیماری‌های کلیه در مورد مشکلات بیماران کلیوی به گزارشگر روزنامه اطلاعات می‌گوید: بهبود بیماران کلیوی در گروی تامین امکانات درمانی است و پزشک هم جزیی از پروسه درمان است. موضوع مهمی که در حال حاضر با آن روبرو هستیم، کمبود داروهای مورد نیاز بیماران کلیوی است.گاهی داروی این بیماران در داروخانه‌ها وجود دارد و زمانی هم نیست. همچنین بیشتر داروهایی که وارد کشور می‌شود استاندارد نیست و بیماران نه فقط درمان نمی‌شوند، بلکه مشکلات زیادی هم برایشان به وجود می‌آید.

وی با بیان این مطلب که بیمار فقط پزشک معالجاش را مسئول مداوای خود می‌داند، می‌افزاید: بیمار انتظار دارد نسخه پزشک را به راحتی بتواند تهیه کند و زمانی که داروهایش موجود نیست، به پزشک اعتراض می‌کند، حال آن که پزشکان در جریان واردات داروها

می‌کنند که داروهای ساخت سوئیس،هلند،ترکیه و چین در داروخانه‌ها عرضه می‌شود و ما باید کدامیک را تهیه کنیم و کدام بهتر است؟ اگر بخواهیم با صداقت جواب بیماران را بدهیم، به راستی مشخص نیست کدام دارو بهتر است، زیرا پاسخ دادن به این پرسش‌ها نیازمند بررسی‌های علمی است. مصرف دارو برای بیماران کلیوی مادام‌العمر است، حالا ببینید بیماری که از روستاهای دور افتاده برای درمان به تهران آمده است، با چه مسائل و مشکلاتی برای دریافت دارو روبرو می‌شود؟ گاهی هم بیماران باید دارو را از محل اقامت خودشان تهیه کنند که در این مورد هم که با سختی‌های زیادی روبرو می‌شوند.گاهی بیماران باید ۴ برابر قیمت دارو را هزینه رفت و آمد کنند، تا بتوانند دارویی را با بیمه بخرند. حال سختگیری‌های بیمه و در صف ماندن‌های طولانی، خود حدیث مفصل دیگری است.

بسیاری از بیماران کلیوی در شرایط حاد و اورژانس نیاز به دارو پیدا می‌کنند و این در حالی است که فقط در ساعات اداری می‌توان این داروها را تهیه کرد. از این رو جان بیماران به خطر می‌افتد و کسی هم نیست که پاسخگوی آن باشد.

وی با اشاره به این مطلب که سیستم بهداشت و درمان کشور مشکلات زیادی را برای بیماران

در افزایش قیمت داروها دخالتی ندارند.

سر درگمی بیماران

دکتر برومند می‌افزاید: یکی از بدترین مسائلی که بیماران کلیوی با آن روبرو هستند، این است که نمی‌دانند داروی ساخت داخل را مصرف کنند یا داروی خارجی را تهیه کنند و از این رو در این مورد دچار سردر گمی می‌شوند. به عنوان مثال قیمت داروی ایرانی که برای پیشگیری از پوکی استخوان و سیستم ایمنی بدن برای بیماران کلیوی تجویز می‌شود، حدود ۵۰۰ هزار تومان و مشابه خارجی آن ۲ میلیون تومان است وهمین دوگانگی قیمت‌ها شرایط روحی و روانی بیماران را بهم می‌ریزد، زیرا فکر می‌کند چون داروی ایرانی تهیه کرده است، روند درمانش مختل می‌شود و این در شرایطی است که باور و اعتقاد بیماران به اثر بخشی داروها، در روند درمان‌شان بسیار موثر است.

متاسفانه دربسیاری از موارد هم برخی دارو سازان خود سرانه و بدون تجویز پزشک، اقدام به درمان و دادن دارو به بیماران می‌کنند که عملا سلامت آنان را به خطر می‌اندازند که در این میان سیستمی هم برای کنترل فروش داروهای بدون نسخه پزشکان وجود ندارد.

وی در مورد وسایل و تجهیزات دیالیز بیماران کلیوی در

که در نهایت باعث بستری شدن بیمارمی شود، در حالی که این وسایل و تجهیزات چون با جان بیماران در ارتباط است، باید از استانداردهای لازم برخوردار باشند.

مشکلات پیوند کلیه

دکتر برومند در پاسخ به این پرسش که آیا پیوند کلیه از شخص سالم او را از نظر بدنی ناقص می‌کند، می‌گوید: این موضوع امروزه در دنیا ثابت شده است که برداشتن کلیه از شخص سالم اورا ناقص می‌کند، درست مثل اینکه شما به جای ۲ چشم یک چشم داشته باشید که این مساله باعث مختل شدن دید می‌شود. ممکن است افراد در درازمدت دچار حوادثی شوند و از این رو داشتن دو کلیه برای آنان ضروری است.

وی با بیان این مطلب که خرید و فروش کلیه کار درستی نیست، می‌افزاید: متاسفانه امروزه خرید و فروش کلیه انجام می‌شود که کار درستی نیست، زیرا کسی که از روی احتیاج مالی این کار را انجام می‌دهد، بیماریش را مخفی می‌کند. از این رو نه کسی که کلیه می‌فروشد سود می‌برد و نه کسی که کلیه می‌خرد، زیرا کسی که کلیه می‌فروشد یک کلیه بیشتر ندارد و ممکن است کلیه دیگرش از کار بیفتد و مجبور شود بعدها کلیه بخرد.

البته کشورهایی مانند اسرائیل و ژاپن چون به دلیل مسائل اعتقادی نمی‌توانند از اعضای بدن اشخاصی که دچار مرگ مغزی شده‌اند استفاده کنند، می‌خواهند خرید و فروش کلیه را در کشورهای شان رونق دهند. در حال حاضر خرید و فروش کلیه در ۷۲ کشور جهان به هرصورتی ممنوع است و حتی در کشور هند که فروش کلیه آزاد بود، هر پزشکی که مبادرت به این کار کند، پروانه طبابت‌اش باطل می‌شود.

وی با بیان این مطلب که باید فرهنگ استفاده از اعضای بدن بیماران مبتلا به مرگ مغزی را در کشورمان جا بیندازیم، می‌گوید: متاسفانه در حال حاضر اندام‌های زیادی به علت مرگ مغزی از میان می‌روند و از این رو باید امکانات استفاده از اعضای بیماران یادشده افزایش یابد. امروزه انجمن فرآوری عضو تمامی تلاش‌اش را می‌کند تا به کمک خیرین بتواند به وسیله هلی کوپتر بتواند اعضا را از هر جای کشور به مراکز پیوند برساند، زیرا در همه‌جا نمی‌توان مراکز پیوند را ایجاد کرد.

دکتر برومند درمورد خود درمانی بعضی از بیماران کلیوی می‌افزاید: در سال‌های اخیر شایعه‌ای در جامعه پخش شده است که بیماران کلیوی حداقل باید روزی ۸ لیوان آب بنوشند، حال آن که بیماری که با دیالیز زندگی می‌کند، دفع آب ندارد. بیماران دیالیزی درصورتی که آب بدن‌شان زیاد شود دچار مشکلاتی خواهند شد. چنین مواردی به دلیل آموزش‌های نادرست است. دیالیز وسیله‌ای است که اگر درست از آن استفاده شود، سودمند و درغیر این صورت کشنده است.

وی در پاسخ به این پرسش که آیا کیفیت دیالیز در مراکز خصوصی و دولتی متفاوت است، یاد آوری می‌کند: این مراکز در حال حاضر فرق ندارند، چون هزینه‌های دیالیز را بیمه‌ها می‌پردازند هزینه

که دیالیزهای حاد دارند و برای کسانی که بیمه‌های ثانویه و بستری نداشته باشند، هزینه‌های درمان بالا است.

این متخصص نفرولوژی با اشاره به این مطلب که بررسی‌های علمی نشان داده است مهم‌ترین عامل آسیب دیدن کلیه‌ها مصرف بیرویه قرص مسکن ودر وهله دوم استعمال دخانیات است، می‌گوید: در حال حاضر برخی افراد به قلیان کشیدن روی آورده‌اند و فکر می‌کنند چون توتون آن از آب رد می‌شود، خطر کمتری دارد، در حالی که قلیان از سیگار بدتر است. امروزه ثابت شده است به ویژه در بیمارانی که دیابت و پر فشاری خون دارند، سیگار مهم‌ترین علت از کار افتادن کلیه‌ها است. از این رو این افراد باید خیلی مواظب باشند، زیرا در معرض نارسایی کلیه قرار دارند. مصرف بیرویه قرص‌های مسکن مانند دیکلوفناک،ژلوفن و بروفن هم که دایم برای مداوای سردرد و کمر درد مصرف می‌شوند، قاتل کلیه‌ها به حساب می‌آیند.

*** قیمت داروهای بیماران کلیوی بی‌ضابطه بالا می‌رود، به عنوان مثال، دارویی که سال گذشته ۱۰۰ هزار تومان قیمت داشت، امسال به ۱ میلیون و ۲۰۰ هزار تومان افزایش یافته است که در این مورد ما باید پاسخگوی بیماران باشیم!**

*** دکتر رضا داوری ـ متخصص بیماری‌های داخلی: پیشگیری از عوامل خطرآفرین و زمینه ساز بیماری‌های کلیه مانند دیابت، فشارخون بالا، عفونت‌ها، سنگ کلیه، چاقی، دخانیات، کم‌تحرکی و خودداری از مصرف غذاهای کنسروی، فانتزی و غذاهای پرچرب، پرنمک و قندی می‌تواند از پیشرفت نارسایی‌های کلیوی بکاهد**

آن التهاب گلومرول‌ها، یا رگ‌های خونی کوچک در کلیه‌ها است)، عفونت‌های دستگاه ادراری، سنگ‌های کلیوی، کلیه‌های پلی کیستیک و گلودردهای چرکی درمان نشده به ویژه در کودکان اشاره کرد.

وی با بیان این مطلب که انجام تست‌های پیشگیرانه برای افراد در معرض خطر ضروری

دیابت، فشارخون بالا، عفونت‌ها، سنگ کلیه، چاقی، مصرف دخانیات، کم تحرکی و خودداری از مصرف غذاهای کنسروی، فانتزی و غذاهای پرچرب، پر نمک و قندی می‌تواند از پیشرفت نارسایی کلیه‌ها پیشگیری کند.

وی با اشاره به این مطلب که یکی از شایع‌ترین و در عین حال خطرناک‌ترین بیماری‌های کلیه و

این عفونت ادراری به موقع درمان نشود، باعث افزایش فشارخون و بروز بیماری‌های قلب و ضعیف شدن استخوان‌ها و سایر علائم و عوارض جانبی در سیستم داخلی بدن می‌شود و به از کارافتادگی کلیه‌ها و نهایتاً به دیالیز و پیوند کلیه می‌انجامد.

عفونت‌های ادراری

دکتر داوری می‌گوید: عفونت‌های ادراری یکی از شایع‌ترین علل نارسایی کلیه‌ها است که بر اثر وجود میکروارگانیسم‌های بیماری‌زا در مجاری ادراری با دفع قابل توجهی باکتری در ادرار همراه با علائم بالینی یا بدون علامت خارجی ایجاد می‌شود. عفونت ممکن است در هر قسمتی از مجاری ادراری باعث ابتلای سایر اعضای بدن شود که معمولاً از چند ماه تا چند سال طول می‌کشد، بدون آن که علامتی ایجاد کند و این در حالی است که تشخیص و درمان به موقع بیماری اهمیت زیادی دارد.

وی با اشاره به این مطلب

می‌افزاید: بیماران با مشاهده نخستین علامت باید به پزشک مراجعه کنند و درمان بیماری‌های زمینه‌ای کلیه همم ضروری است، برای افرادی هم که مبتلا به فشارخون بالا و دیابت هستند، نخستین اقدام کنترل این بیماری‌ها است که اندازه‌گیری قند خون، رعایت رژیم غذایی، مصرف داروها، تمرین‌های ورزشی و محدودیت مصرف نمک و مواد پروتئینی توصیه می‌شود.

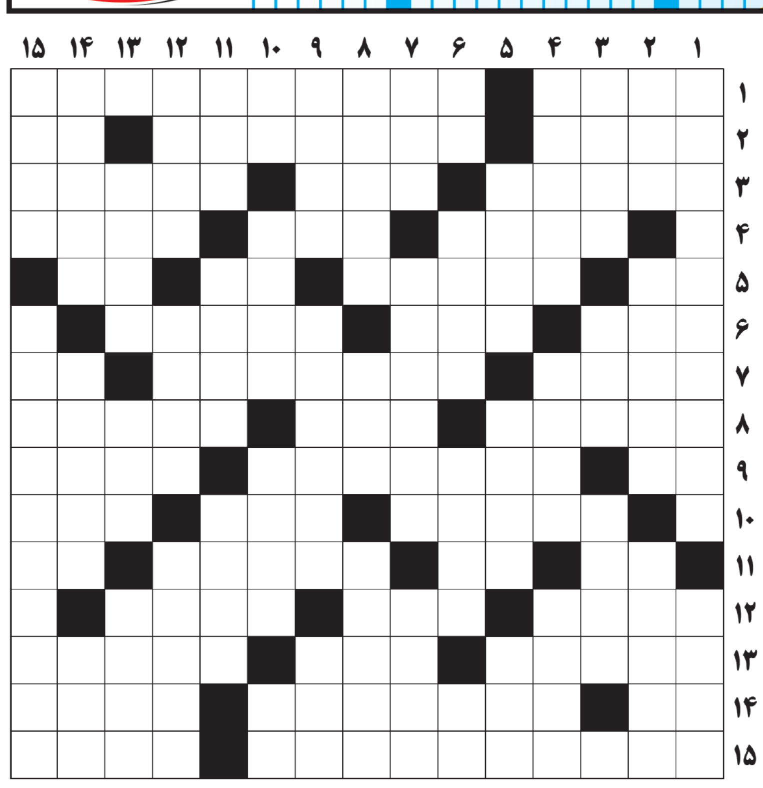
وی با بیان این مطلب که نارسایی‌های کلیوی عمدتاً از بروز عوارض برخی از بیماری‌ها مانند دیابت، فشارخون بالا، آنژین‌های چرکی درمان نشده و اثرات سمی بعضی از داروها و ترکیبات سمی دیگر به وجود می‌آید، یادآوری می‌کند: در صورت اقدام نکردن برای تشخیص و درمان بیماری‌های کلیوی، کارکرد طبیعی کلیه‌ها مختل می‌شود که می‌تواند به میزان قابل ملاحظه‌ای در زندگی روزمره اجتماعی و خانوادگی بیماران، اختلال ایجاد کند.

بیتا مهدوی

جدول

طراح: غلامحسین باغبان

۲۳۱۱۹



افقی:

۱-گفتمش ....رانقشی بکش اززندگی /با قلم نقش حبابی بر لب دریا کشید - ماه پنجم قمری

۲-از نام‌های دخترانه-از کشورهای حوزه بالتیک - اثر چربی

۳-سریع السیر -نیروگاه شمال -سالی که در آنیم

۴-پاک از تهمت - شیمی کربن - کم

۵-جوی خون - آرزوها - تکرار حرف سی ام -بزرگ

۶-پول خارجی - یاسمن - آسمان ها

۷-دشمن سخت - مقطع دبستان - هزار کیلو

۸-قرین ماجوج -محرمانه -ایادی

۹-آفت نباتی -فهمیدن - ماشین جنگی

۱۰-میانه ها - داغ و نشان - بزرگ و سرور

۱۱-حرص -لنگه - پایتخت کشور زیمبابوه - نوعی شیرینی

۱۲-نوعی حج -اهلی -بخشنده

۱۳-هدف متعالی -لوس -نظریه

۱۴-مقدار مجاز مصرف دارو-نویسنده ایتالیایی مولف اسرار کمدی و برنده نوبل ادبی ۱۹۹۷ -به حساب رسنده ، از نام های خداوند

۱۵-همکاری و همفکری -شهری در آمریکا مرکز ایالت مونتانا

عمودی:

۱-سبک طبیعت گرایی در ادبیات -خو گرفتن

۲-صد سال -از تقسیمات ارتش -بخشیدن

۳-همه با هم! -زن و شوهر را گویند -شرم و حیا

۴-نوعی آش -نتیجه بازی تاریخی ایران و استرالیا که موجب صعود تیم ملی ایران به جام جهانی شد -هدایت کننده

۵-بندر رود راین -جسارت -پسوند آلودگی

۶-پوشاک ستور -اشاره -سمت چپ -پایتخت ایتالیا

۷-بمب منتظر -مقابل انقباض -همدم

۸-اعتماد کردن بر کسی، توکل کردن-کشک سیاه -هم صدا

۹-رکاب -ویراستار -برطرف کردن

۱۰-حرف انتخاب -اتحادیه فوتبال اروپا - بافنده -وی

۱۱-مادر آذری -مولود، کودک -جوانمردی

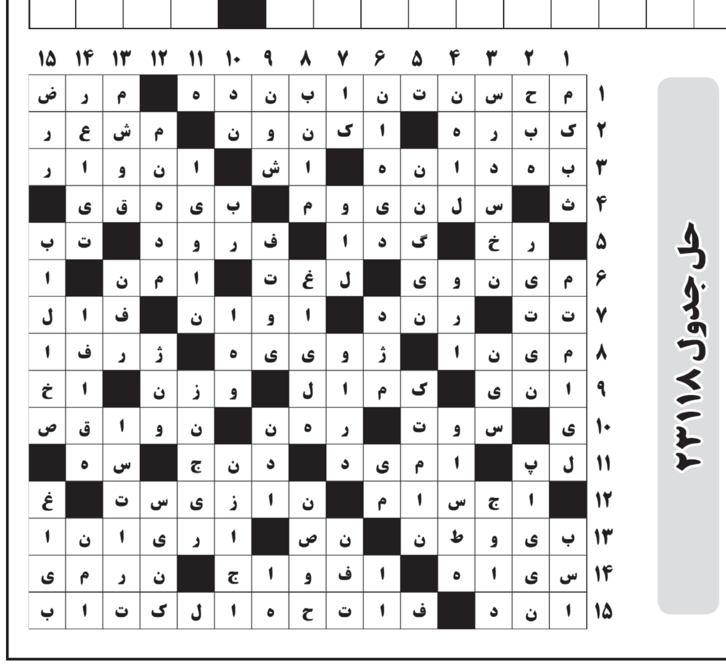
۱۲-پایتخت «پرو» -فرمان توقف -نام زنانه

۱۳-نان سنتی پرطرفدار -درخت انگور - جنگ تن به تن جهت اعاده حیثیت

۱۴-زمان تولد -تبریک و شادباش -بالای زانو

۱۵-پرنده‌ای با پاهای بلند -اثری از «تولستوی» نویسنده روسی

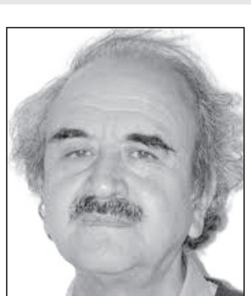
حل جدول ۲۳۱۱۸



نو یافته‌هایی از احوال و آثارِ

بُنداری اصفهانی، مترجم شاهنامه

دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی



یکـــی از مهمترین منابع تاریخ فرهنگ ایران، در نیمه اول قرن هفتم هجری، کتاب گرانقدر و بی‌نظیر «**قلائدُ الجمان فی فرائد شعراء هذا الزمان**» است، تألیف ابن الشـــعار موصلی (متوفی ۶۵۴) که در هشت مجلد، به صورت فاکسیمیله به طبع رسیده است.[1] تمام نســـخه به خط مؤلف است و ازین بابت کمال امتیاز را داراست. دریغا که مجلدات دوم و هشتم کتاب ظاهرا به دست نیامده است. کتاب در اصل، ده مجلد بوده است.

هم اینجا یادآور می‌شوم که اگر یک دانشجوی دوره دکتری ادبیات عربی یا فارسی رساله خود را با عنوان «تاریخ فرهنگ و ادبیات ایران در قلائد الجمان» بگیرد، یکی از بهترین رساله‌های دکتری می‌تواند به شمار آید. این کتاب عملا ادامه تاریخی و طبیعی زنجیرهٔ کتابهایی است که با «یتیمه‌الدهر» ثعالبی (متوفی ۴۲۹) آغاز می‌شود و باخرزی (م۴۶۷) در «دمیه القصر» و علی بن زید بیهقی (م۵۶۵) در «وشـــاح دمیه القصر» و عماد کاتب اصفهانی (م۵۹۷) در «خریده‌القصر» آن را ادامه داده‌اند و در نیمه اول قرن هفتم، ابن الشعار که مردی بسیار ادیب و شعرشناس و نکته‌سنج بوده است، حلقه‌ای گسترده بر این زنجیره زرین افزوده است و شاعران اواخر قرن ششم و نیمه اول قرن هفتم را با دقتی شگرف معرفی کرده است و آنها را که خود دیده است، گاه به مانند یک نقاش توصیف می‌کند که مثلا «جوانی است با قد کشیده، کمی لاغر، و با چشمهای سبز یا سیاه و با ریش مثلا کوتاه زرد یا سیاه بلند» و بسیار نکات مهم، که در هیچ کدام از کتابهای تراجم احوال که مسلمانان نوشته‌اند، نظیری ندارد. گاهی شرح حالها و نمونه‌های شعرها به قدری مفصل است که خود به‌تنهایی می‌تواند موضوع یک رساله دانشگاهی قرار گیرد، مانند فصلی که درباره ابن ابی‌الحدید مدائنی پرداخته است و نکات بسیار مهم و بدیعی از زندگی و احوال او را ثبت کرده است که در هیچ جای دیگر دیده نشده است.

آنچه در این یادداشت می‌خوانید، شرح حال **بنداری اصفهانی** مترجم شـــاهنامه فردوســـی است و شامل دقایقی از احوال و آثار اوست که در اسناد دیگر تاکنون دیده نشده است و نویسندگان زندگینامه بُنداری، در قدیم و جدید از آن یکسره بی‌خبر بوده‌اند. اینک ترجمه عین گفتار ابن الشعار: «قوام‌الدین الفتح بن علی بن محمد بن الفتح بن احمد بن هبه‌الله بن علی، ابوابراهیم بن ابی الحسن بنداری کاتب اصفهانی منشی، ساکن دمشق. او خود مرا خبر داد که در نیمه شعبان سال ۵۸۶، در اصفهان زاده شده است و از خاندان رؤسای اصفهان است و از اشراف اماثل و ارباب نعمت و جلالت. این ابوابراهیم صدری است نبیل و دارای قدری جلیل از خداوندان بخشندگی و جوانمردی است. در کار خویش و در اعتراف به قدر و منزلت مردمان همراه با آرامش و فراخی عیش و بسیاری ادب و فضل و فروتنی آشکار با دیانتی استوار و صلاح و سداد.

بنداری در شهر خویش (اصفهان) به گونه‌ای گسترده به سماع حدیث پرداخت و نیز فقه و ادب آموخت. در کتابت انشاء دستی پرتوان دارد، هم در فارســـی و هم در عربی. بنداری وطن خویش را بدرود گفت و در محرم سال ۶۱۷ به دمشق آمد در روزگار الملک المعظم شرف‌الدین ابوالفتح عیسی بن ابی‌بکر بن ایوب صاحب دمشق و در ماه ربیع الاول سال ششصد و [چهل/ پنجاه] و سه درگذشت. وی به تصنیف کتابهایی پرداخت و نیز به اختصار کتابهایی، از جمله:

۱) نجوم الهدی و اعلام التقی فی اسماء العلماء الشافعیه، یک مجلد.
۲) کتاب «سنی البرق» و آن را از کتاب عماد کاتب که دارای عنوان «البرق الشامی» است، تلخیص کرده است.
۳) همچنین «خریده القصر» را مختصر کرده و آن را «وشاح الخریده و طراز الجریده» نام نهاده است.
۴) نیز کتاب «نصره الفتره» را مختصر کرده و آن را «نخبه النصره فی وزراء الملوک السلجوقیه» نامیده است.
۵) دیگر کتاب «منتهی الامال من کتاب الأکمال» که مختصر کتاب «الأکمال» ابن‌ماکولاست.
۶) و نیز کتاب «التذکره الأشرفیه و الصناعه الطبیه».
۷) دیوان نظم و نثر او، به فارسی و عربی.
۸) کتاب «شاهنامه» را تعریب کرده و آن را به زبان عربی نقل کرده است و به الملک الأشرف موسی بن ابی‌بکر بن ایوب رحمه‌الله اهدا کرده است.
۹) و کتاب «الانساب» ابوسعد سمعانی را نیز مختصر کرده و آن را «اللباب فی الأنساب» نامیده است.
۱۰) کتابی نیز در پنج مجلد در ترجمه اخبار ملوک عجم نقل [= ترجمه] کرده است و آن را برای الملک المعظم عیسی بن ابی‌بکر پرداخته است.

مرا با بنداری در دمشق به سال ۶۴۰ دیدار حاصل شد. او را رئیسی کافی و حبری کامل یافتم. مرا اکرام کرد و گرامی داشت و در حق من نیکی‌ها کرد. خدای او را به آرزوهایش برساناد! بنداری یکی از نویسندگان و مترسلین دولت الملک الصالح ابوالفداء اسماعیل بن ابی‌بکر بن ایوب است. هنگامی که در اواخر ذی‌حجه سال ۶۳۹ به تبوک آمده بود، از شعر خویش بر من خواند (هفت بیت به عربی) و آنگاه که از شام آهنگ زیارت رسول صلی‌الله‌علیه‌وسلم داشت و او را این زیارت، در این سال مقدور نشد، از شعر خویش بر من خواند (سه بیت عربی) و هم در مدیح رسول صلی الله‌علیه‌وسلم گفته است و خود آن را بر من قرائت کرده است (دو بیت عربی) و از شعر خویش این شعر را بر من خواند هنگامی که در سال ۶۱۷ به زیارت ابراهیم خلیل صلوات‌الله‌علیه مشرف شده بود (هفت بیت عربی) و از شعر خویش، درباره قاضی بهاءالدین ابوالمحاسن یوسف بن رافع بن تمیم بر من خواند به هنگام بازگشتش از مصر (ده بیت عربی) و از شعر خویش بر من خواند آنگاه که سلطان «الملک الأشرف» آهنگ بلاد شرقی داشت و به «عینُ الفارسیه» رسیده بود (دو بیت عربی) و نیز از شعر خویش [...] خواند. (صص۵۱۸ـ۵۲۷)

جمعا هشتادوسه بیت از شعرهای عربی بُنداری نقل کرده است که این شعرها گوشه‌هایی از زندگی او را و خصایص فکری وی را در خود بازتاب می‌دهد، نیز سبک شاعری او را در زبان عربی آینگی می‌کند. سنت این مؤلف نقل شعر فارسی نیست با اینکه از مطاوی کتاب او، می‌توان یقین حاصل کرد که با زبان فارسی و حتی ادبیات فارسی آشنایی کامل داشـــته است. اگرچند بیت از دیوان فارسی او هم نقل کرده بود، امروز برای ما اهمیت بسیار داشت.

با ترجمه این گفتار ابن‌الشعار، اطلاعات ما درباره بُنداری بسیار گسترش می‌یابد. کسانی که زندگینامه او را در عصر ما نوشته‌اند، به هیچ یک از دقایق زندگی او دسترسی نداشته‌اند، نه سال تولد او را یاد کرده‌اند و نه سال وفات او را و نه حتی به‌درستی سال ورود او را به دمشق و شام. آنها از مجموع تألیفات او فقط سه اثر را یاد کرده‌اند، یعنی همان «سنی البرق» و «زُبدهُ النُصره» (در نقل مؤلف ما «نُخبهُ النُصره») و «ترجمه شاهنامه». حال آنکه ما در گفتار ابن‌الشعار، در این مقال، با ده اثر از آثار او آشنا می‌شویم.

از دقت در نام کتاب «وشاحُ الخریده و طراز الجریده» او که تلخیص خریده‌القصر عماد کاتب است، می‌توان اطمینان حاصل کرد که بُنداری «وشاحُ دُمیه القصر» اثر علی بن زید بیهقی را دیده بوده است و این نکته اهمیت دارد؛ زیرا علی بن‌زید در آن کتاب خویش، نخستین مترجم عربی شاهنامه را که یکصد سال قبل از بُنداری به ترجمه شاهنامه پرداخته بوده اســـت. به نام محمد بن اسماعیل بن حسین دهان نیشابوری معروف به اثیرالملک معرفی کرده است و از ترجمه شاهنامه او خبر داده است. پس می‌توان گفت: اگر بُنداری اصل ترجمه را ندیده بوده اســـت، مســـلما از اینکه چنین کاری صد سال قبل از او در خراسان انجام شده بوده است، از طریق کتاب علی بن‌زید بیهقی، خبر داشته است.

بر طبق این ســـند، از آنجا که بُنداری کتابی ویژه زندگینامه علمای شافعی پرداخته، می‌توان گفت که وی احتمالا بر مذهب شافعی بوده است. همچنان که از مفهوم کتاب «التذکره‌الأشرفیه» او می‌توان استنباط کرد که وی در صناعت طب نیز دستی داشته است. وابستگی او به خاندان‌های کهن و اشراف عصر خود می‌تواند توجیهی باشد برای اقدام او به ترجمه شاهنامه. از آنجا که سال تولد او ۵۸۶ است و در محرم ۶۱۷ به دمشق وارد شده است، می‌توان اطمینان حاصل کرد که حمله تاتار به بلاد ایران سبب این مهاجرت او از اصفهان بوده است. بنا بر این وی در حدود سی‌سالگی مجبور شده است وطن مألوف خویش را رها کند و ساکن بلاد شام گردد. با اینکه از جزئیات کتاب پنج جلدی او در «تاریخ شهریاران ایران» اطلاع بیشتری نداریم، می‌توانیم حدس بزنیم که تمایلات ملی او، در همان حال و هوای دنیای قدیم، او را بدین‌کار و نیز به ترجمه شاهنامه واداشته است.

اگر جلد هشـــتم و دوم کتاب «قلائد الجُمان» روزی پیدا شـــود، به احتمال قوی شرح حال سعدی در آنجا خواهد بود؛ زیرا بعید می‌نماید که مؤلفی مانند ابن الشعار که سالها در بغداد آن روزگار با شاعران درجه دو و سه دیدار داشته و به دقایق احوال و نمونه‌های شعر ایشان پرداخته است، از سعدی در بغداد بی‌خبر بماند.

پی‌نوشت‌ها:

۱. قلائدُ الجمان فی شعراء هذا الزمان، تألیف ابن الشعار الموصلی المبارک بن احمد بن حمدان (توفی ۶۵۴ هـ) الجزء الخامس (علی بن یوسف ابوالقاسم بن ابی جعفر) یصدره فواد سزگین بالتعاوُن مع مازن عماوی ۱۴۱۰ هـ/ ۱۹۹۰م. معهد تاریخ العلوم العربیه و الأسلامیه فی اطار جامعه فرانکفورت المانیا الأتحادیه ۵۱۸ـ۵۲۷.

*آفرین‌نامه ریاحی
(با تلخیص و حذف بسیاری از پی‌نوشت‌ها)

سفیر دوم؛ داستانی از مثنوی

پروفسور فضل‌الله رضا ـ کانادا

آن کس است، اهل بشارت، که اشارت داند
نکته‌ها هست بسی، محرم اسرار کجاست؟
(حافظ)

مولانا جلال‌الدین محمد بلخی رومی، در رده ژرف‌بین‌ترین شاعران جهان‌است. بیشتر سخنانش پیچیده و فلسفی است. کتاب مثنوی او در پهناوری اشارات و گسترش معانی همتا ندارد. در داستان‌های مثنوی، این که دو بیگانه کی و کجا به چه زبان مکالمه می‌کنند، مطرح نیست؛ او کلیات را می‌شکافد، به جزئیات توجه ندارد، از اشارات می‌باید به بشارات رسید.



***

در زمان خلافت عمر خطاب، آنگاه که دولت اسلامی بیشتر استقرار می‌یافت، سفیری از کشور همسایه (روم) به مرکز خلافت می‌فرستند که با خلیفه گفتگو کند. در آن زمان‌ها معمول بود که کشور میزبان مهمانسرایی را در نزدیکی قصر رئیس دولت در اختیار سفیر بگذارد که اسب و رخت و همراهانش در آن به استراحت بپردازند. چنین خبری به سفیر روم نرسیده بود. او وقتی که به دارالخلافه می‌رسد، ناگزیر پس از مردم کوچه و بازار نشانی جایگاه یا قصر خلیفه را جویا می‌شود که در آن نزدیکی جایی برای اقامت خود و همراهانش تهیه ببیند. مردم به سفیر تازه‌وارد که با تشریفات مجلل جهان قدیم مأنوس بود، می‌گویند خلیفه ما عریض و طویل قصر ندارد، جانش قصر اوست:

گفت کو قصر خلیفه ای حشم/ تا من اسب و رخت را آنجا کشم (بیت ۱۳۹۱)

قوم گفتندش که او را قصر نیست/ مر عمر را قصر، جان روشنی است (۱۳۹۳)

گرچه از میری ورا آوازه‌ای‌ست/همچو درویشان مر او را کازه‌ای است (۱۳۹۳)

هر که را هست از هوسها، جان پاک/ زود بیند حضرت و ایوان پاک (۱۳۹۶)

چون محمد پاک شد زین نار و دود/هر کجا رو کرد، وجه‌الله بود (۱۳۹۷)

آدمی دیده‌ست و باقی پوست است/دید آن است آن که دید دوست است (۱۴۰۶)

چون رسول روم این الفاظ تر/ در سماع آورد شد مشتاق‌تر (۱۴۰۸)

دید اعرابی زنی او را دخیل/ گفت عمّر نک به زیر آن نخیل (۱۴۱۳)

زیر خرمابن ز خلقان او جدا/ زیر سایه خفته بین سایه‌ی خدا (۱۴۱٤)

سلیقه مولانا چنان است که در بیان داستان، زود به بحث فلسفی گرایش پیدا می‌کند. او در رده ژرف‌بین‌ترین شاعران جهان است و بیشتر سخنانش فلسفی است. مثنوی در پهناوری اشارات و گسترش معانی همتا ندارد. او کلیات را می‌شکافد و از اشارات می‌باید به بشارات رسید

مردم به سفیر می‌گویند: خلیفه الان در فلان محل در سایه درخت خرمایی آرمیده است. سفیر مشتاق دیدار می‌شود و به جایی که به او نشانی دادند، می‌رود و می‌بیند که خلیفه مسلمانان در سایه درختی بی‌محافظ و پاسبان و نگهبان خوابیده است. از مشاهده خلیفه بی‌سلاح و بی‌نگهبان در برابر سفیر مسلح، لرزشی بر اندام سفیر می‌افتد که نشانه چیرگی سادگی و صداقت خلیفه بر سطوت و جلال سفیر است؛ به قول اقبال لاهوری شکوه ابرقدرتی فقر اسلامی را بر جاه و جلال و قدرت صوری متجلی می‌کند:

آن فقر که بی‌تیغی صد کشور دل گیرد/ از شوکت دارا بهْ، از فرّ فریدون به

در صحنه‌ای که مولانا نقاشی می‌کند، سفیری پاکدل هنوز در برابر مرد خوابیدهٔ پرهیبتی ایستاده است. دیدار خلیفه پرهیبت تحولی در دل سفیر القاء می‌کند. سفیر با خود می گوید: «عجبا! من در عمرم نبردها کرده‌ام؛ از شهان و پهلوانان نترسیده‌ام. از این روی مرا به مقام سفارت ارتقاء دادند که در برابر رزمندگان بیمی نداشتم. اکنون در برابر این مرد خفته بی‌سلاح چرا هفت اندامم به لرزه در افتاده است؟!»

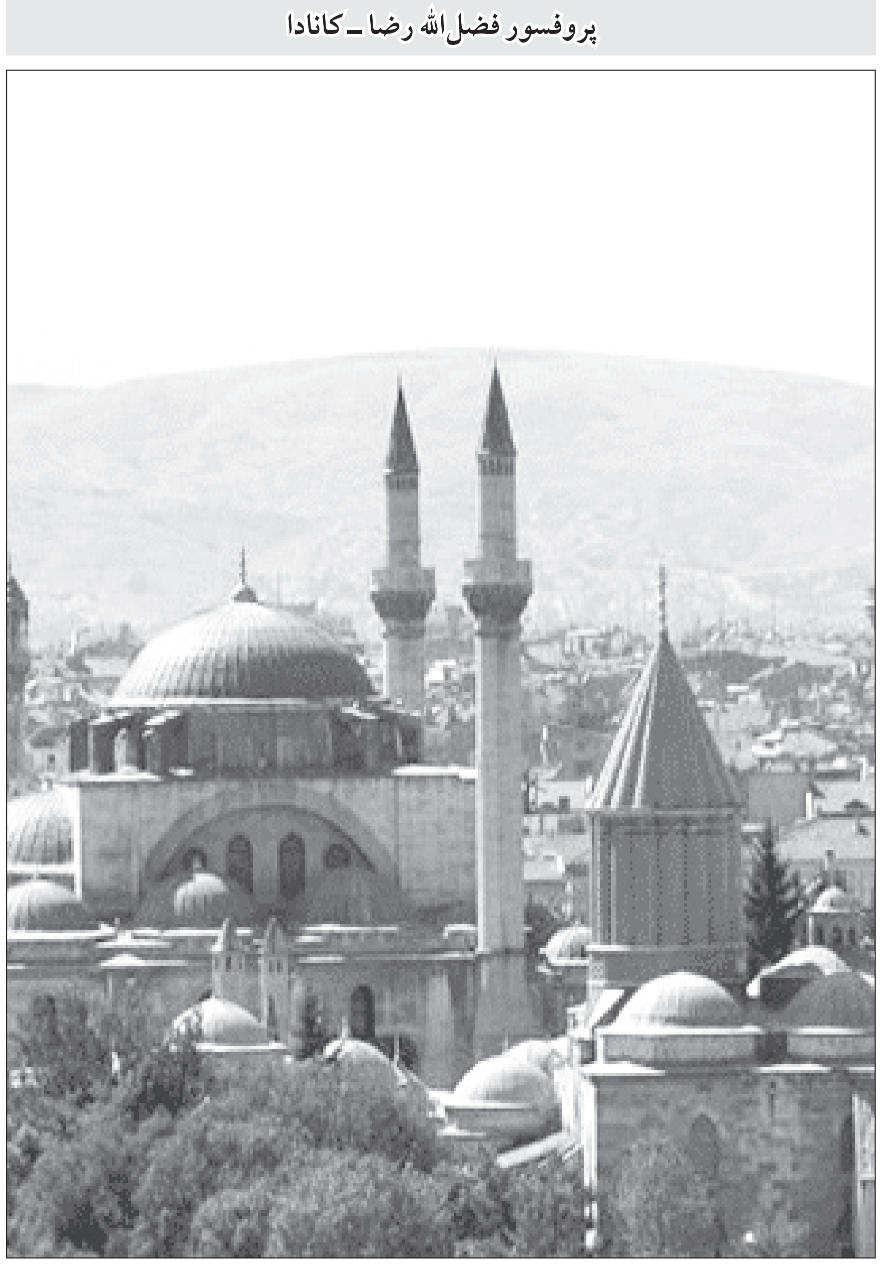
بس که خوردم، بس زدم زخم گران/ دل قوی‌تر بوده‌ام از دیگران (۱٤۲۲)

بی‌سلاح این مرد خفته بر زمین/ من به هفت‌اندام لرزان، چیست این؟ (۱٤۲۳)

هیبت حق است این، از خلق نیست/ هیبت این مرد صاحب دلق نیست (۱٤۲٤)

اندر این فکرت به حرمت دست بست / بعد یک ساعت عمر از خواب جست (۱٤۲٦)

تجلی این‌گونه تحول‌ها از شاهکارهای مولاناست که قدرت و شکوه اعتقادات ژرف را بر زور و سلاح و صور عاریتی چیره می‌کند.



آمد او آنجا و از دور ایستاد/ مر عمر را دید و در لرز اوفتاد (۱٤۱۵)

مهر و هیبت هست ضد همدگر/ این دو ضد را دید جمع اندر جگر (۱٤۱٦)

جان رسول پذیرای سخنهای ژرف پاک بود و زود عظمت فکری مسلمین را دریافت. خلیفه مسلمین هم زود سفیر را شناخت و او را آهسته آهسته از عرصه نگاه و سخن ساده به میدان اعتقادات والای آدمی کشاند:

کرد خدمت مر عمر را و سلام/ گفت پیغمبر: سلام، آنگه کلام (۱٤۲۷)

پس علیکش گفت، او را پیش خواند/ ایمنش کرد و به پیش خود نشاند (۱٤۲۸)

آن دل از جا رفته را دلشاد کرد/ خاطر ویرانْش را آباد کرد (۱٤۳۲)

بعد از آن گفتش سخنهای دقیق /وز صفات پاک حق هم الرفیق (۱٤۳۳)

چون عمر اغیار او را یار یافت/ جان او را طالب اسرار یافت (۱٤٤۳)

دید آن مرشد که او ارشاد داشت/ تخم پاک اندر زمین پاک کاشت (۱٤٤۳)

سفیر پرسشهای فلسفی نغزی می‌کند و پاسخهای شایسته را پذیرا می‌شود.

بحث فلسفی خلیفه و سفیر

سلیقه مولانا چنان است که در این داستان نیز زود به بحث لفظی فلسفی گرایش پیدا می‌کند که بحثی تخصصی است و با جوّ فرهنگی نوشتار این بندهٔ ناچیز فاصله دارد. درونمایه پرسش سفیر به بحث «جبر و اختیار» فلاسفه نزدیک است. تفسیر و معانی بعضی الفاظ به شرح بیشتر نیاز دارد؛ مانند: جان، روح، وحی، جبر و اختیار، بالا و زمین، تردد، عقل و نور. سفیر می‌پرسد:

مرد گفتش کای امیرالمؤمنین/ جان ز بالا چون درآمد در زمین؟ (۱٤٤٦)

این ابیات ادیبانهٔ مثنوی با بحثهای مولانا نزدیکی دارند:

جبر را ایشان شناسند ای پسر / که خدا بگشادشان دل در بصر (۱٤٦٦)

اختیار و جبر ایشان دیگر است/ قطره‌ها اندر صدفها گوهر است (۱٤٦۸)

اختیار و جبر در تو بُد خیال/ چون در ایشان رخت شد نور حلال (۱٤۷۳)

گوشت پاره‌ی آدمی با عقل و جان/ می‌شکاند کوه را با بحر و کان (۱٤۷۷)

زور جانی کوه کن شقّ حجر/ زورِ جانِ جان در «انشقّ القمر» (۱٤۷۸)

گر گشاید دل سر انبان راز/ جان به سوی عرش سازد ترکتاز (۱٤۷۹)

یک گرفتاری دیگر نیز نگارنده را از ورود به بحثهای فلسفی اهل ادب بازمی‌دارد که گاه ضد او رایگان می‌انگارند؛ مثلا لرزش اختیاری و لرزش غیرارادی را ـ کاری که در ریاضیات و علوم استدلالی سابقه ندارد. البته در اعمال هر دانشی می‌باید قواعد همان دانش را مرعی داشت.

یک مثال ای دل پس فرقی بیار/ تا بدانی جبر را از اختیار (۱٤۹٦)

دست کان لرزان بود از ارتعاش/ وانکه دستی را تو لرزانی ز جاش (۱٤۹۷)

هر دو جنبش آفریده‌ی حق‌شناس/ لیک نتوان کرد این با آن قیاس (۱٤۹۸)

زان پشیمانی که لرزانیدی‌اش/ مرتعش را کی پشیمان دیدی‌اش؟ (۱٤۹۹)

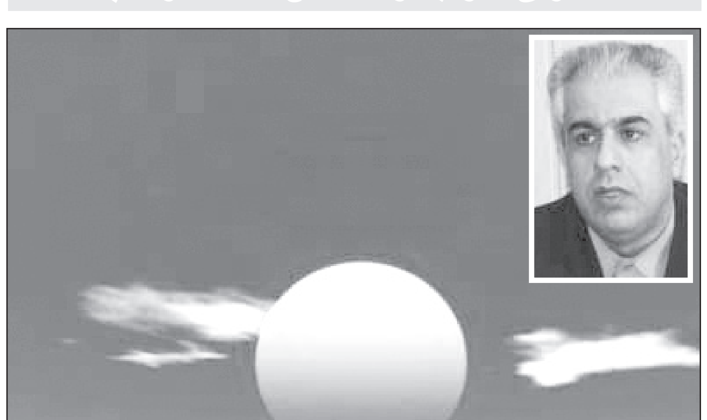
در علوم استدلالی جدید معمول نیست که پس از طرح مسئله‌ای، عوامل ناشناس جدید را در صورت مسئله عنوان کنند یا وارد نمایند؛ چنان‌که در علوم پزشکی و روانشناسی رواج دارد.

گفت تو بحث شگرفی می‌کنی/ معنیی را بندِ حرفی می‌کنی (۱٥۱۷)

حبس کردی معنی آزاد را/ بند حرفی کرده‌ای تو باد را (۱٥۱۸)

آمیختن غزل عاشقانه و عارفانه

سخنرانی دکتر عبدالرضا مدرس‌زاده در شهر کتاب



چو مطربان سحر چنگ در رباب زنند/ صبوحیان نفس از آتش مذاب زنند

به تاب سینه چراغ فلک برافروزند/ ز آب دیده نمک بر دل کباب زنند

چو آفتاب ز جیب افق برآرد سر/ ز ماه یکشبه آتش در آفتاب زنند

شکنج سنبل طاووس بیکران گیرند/ هزار قهقهه چون کبک بر غراب زنند

مغان به ساغر می آب ارغوان ریزند/بتان به تنگ شکرخنده بر شراب زنند

به وقت صبح پریچهرگان زهره‌جبین/ دم از سهیل شب‌افروز مه‌نقاب زنند

به چین طره پرتاب قلب دل شکنند/ به تیر غمزهٔ پرخواب، راه خواب زنند

ز تاب می چو سمن برگشان برآرد خوی/ ز چهره بر گل روی قدح گلاب زنند

به جرعه آب رخ خاکیان به باد دهند/ بر آتش دل «خواجو» ز باده آب زنند

خواجو شاعر نامدار قرن هشتم را از سرآمدان «مکتب تلفیق» در قرن هشتم می‌دانند که تدبیر در هم آمیختن غزلهای عاشقانه و عارفانه را به‌نیکی پی گرفته و از کسانی است که راهی هموار برای حافظ فراهم کرده است. غزل خواجو نمایندهٔ تام و تمام غزل «سبک عراقی» است که فضایل غزل سعدی را دارد و البته در معنی و محتوا تا حد بسیاری از آن متفاوت است. در غزل خواجو اولا تلاش شاعر برای بیرون آمدن از سایه شاعران شیرازی آشکار است و دوم اینکه اخلاق‌گرایی و عرفان‌گویی در آن پررنگ است.

برای شناختن خواجو باید به نقش و جایگاه تاریخی، ادبی و سبکی او توجه کرد. بیشتر رویکردها بر نقش و جایگاه خواجو در قرن هشتم میان دو شاعر بزرگ شعر و ادب فارسی، شیخ اجل سعدی و خواجهٔ اهل راز، حافظ است. آنچه در این زمینه مهم است دو چیز است: یکی طرز سخن خواجوست و دیگری تأکید بر آنچه به اسم تلفیق می‌شناسیم. بیتی که مشخص نیست گوینده‌اش کیست، می‌گوید: استاد سخن سعدی است پیش همه‌کس اما/ دارد غزل حافظ طرز سخن خواجو.

این بیت اتفاقی شکل نگرفته است و حرف جاندار و معنی‌داری است، حتی اگر بر اساس ذوق باشد. بررسی در این سه دیوان، نکته ذوقی را به نکته علمی تبدیل می‌کند. بحث بر سر طرز غزل است که دربارهٔ خواجو اتفاق می‌افتد و باید به این نکته اشاره کنم که لقب «نخلبند» را برای هیچ کس نداده‌اند. به خاطر همین تعبیر شاید کسانی گمان کنند که خواجو شاعر بزرگی نیست.

لقبی از روی غرض یا ارادت؟

بعضی از دیوان‌های شعری ما خوب معرفی نشده‌اند و چیدمان خوبی ندارند. نخل به معنی مطلق گیاه و درخت است و «نخلبند» کسی است که گل مصنوعی و خشک را درست می‌کند. شکل منفی این است که شاعر گلهای قشنگ و زیبایی را درست کرده و چیده، اما عطری ندارند. خواجو گلهای زیبایی در ادبیات ما فراهم کرده که بو ندارد و تنها رنگ و لعاب ظاهری دارند. تعبیر نخلبند برای خواجو ظلمی است که به او شده است.

اینکه بزرگان گفته‌اند خواجو شاعری درجه سوم است، درست نیست. باید با مباحث جدید و امروزی بلاغت و نقد ادبی برخی از ردیف‌هایی را که خواجو در غزل دارد، بررسی کرد. این غزلها در حافظ و سعدی نیست و این نشان می‌دهد که خواجو بسیار توانمند است؛ اما وسوسه‌های شاعرانه که از سر تنوع‌طلبی و تفنن دارد، قلقلکش می‌دهد که تقلید کند و مجموعهٔ شعر از آن فخامت جدا می‌شود. خواجو به‌درستی نخلبندی و گل‌آرایی کرده و صحنه ادب فارسی را پردازش کرده است و موفق شده که به‌درستی سطح شعر سبک عراقی را ارتقا ببخشد.

بحث طرز غزل خواجو به جایگاه او در تاریخ ادبیات برمی‌گردد، یعنی دورهٔ انتقال مفاهیم غنایی و احساسی از یک شکل به شکل دیگر. شعر عاشقانهٔ سعدی و غزل عارفانهٔ مولانا را در هر دو ادب غنایی داریم. در دورهٔ سامانی، غزنوی و سلجوقی ادب حماسی به ادب غنایی تبدیل می‌شود. حافظ در بیتی می‌گوید ادبیات حماسی را رها کن و به ادبیات غنایی و احساسی بپرداز.

کمند صید بهرامی بیفکن، جام جم بردار/ که من پیمودم این صحرا، نه بهرام است و نه گورش!

غنایی بودن شعر عراقی

در دوره عراقی که در قرن ششم تا نهم اتفاق می‌افتد، شعر عاشقانه و عارفانه ـ هر دو ـ غنایی است و در یک تقسیم‌بندی جای می‌گیرد، نه در دو فضای متفاوت مثل نظامی و فردوسی. سعدی، خواجو و حافظ کارکردشان در پیام شاعرانه، پرورش و انتقال مفاهیم شاعرانه در یک فضاست. در ادب فارسی وقتی کلمه «طرز» را در دیوان‌های شعر جستجو می‌کنیم، بیشتر به این نکته می‌رسیم که در دوره‌هایی که شعر و ادب فارسی در معرض تحول قرار می‌گیرد، مثلا تحول حماسی غنایی، شاهنامه به اسکندرنامه تبدیل می‌شود و به خسرو و شیرین و لیلی و مجنون به قصیده‌های خراسانی. غزل سنایی نیز در دوره‌هایی که به غزل عاشقانهٔ سعدی متحول می‌شود، دستخوش تغییراتی می‌شود. اگر بعد از خواجو در سبک اصفهانی و هندی به یک نرم‌افزار شعری مراجعه کنیم، می‌بینیم بیشترین کلمهٔ «طرز» را صائب و بیدل به کار برده‌اند و شگفت اینکه هر دو در دو سوی شعر تازهٔ فارسی هستند. صائب می‌شود سبک اصفهانی یا صفوی و بیدل می‌شود سبک گورکانی یا هندی.

چرا در قرن ششم خاقانی می‌خواهد از خود دفاع کند و خود را برجسته کند و می‌گوید من کسی هستم که با شعر خود عنصری‌ها را کنار می‌زنم؟ خاقانی نیز از کلمه طرز استفاده می‌کند: بر طرز عنصری رود و خصم عنصری است/ کاندر قصیده‌هاش زند طعنه‌ای چست.

نظامی خود را پیامبر تغییر و تحولات ادبی می‌داند و تمام هنرش بر غرابت و شگفت‌گویی و غریب‌گویی است؛ چون در جایی است که همه از رستم و ایران باستان می‌گویند و او از یونان باستان و اسکندر می‌گوید. همه از اسلام و اعتقادات اسلامی می‌گویند، اما او می‌رود سراغ خسرو و شیرین، خسرو پرویز ساسانی و هفت پیکر. خاقانی به حج می‌رود، اما موقع برگشتن به ایوان مدائن سری می‌زند.

شیوه غریب است مشو نامجیب/ گـر بنوازیـن نبـاشد غریب

آن که در «طرز غزل» نکته به حافظ آموخت/ یار شیرین‌سخن نادره‌گفتار من است

حافظ هم از کلمه طرز استفاده می‌کند. صائب و بیدل نیز به طرز توجه ویژه‌ای کرده‌اند: صائب این طرز سخن را از کجا آورده‌ای/ هر که را دیدیم داغ طرز این اشعار بود!

خواجو از کرمانی می‌آید که در قرن هفتم هیچ شاعر زبان دری در آنجا نیست. از کرمان به شیراز می‌آید و می‌داند حضورش در شیراز مسأله‌ساز است. تعابیر هزلیات و سفریات و شوقیات را درغزلهای خود به کار برده است. غزلهای خواجو سه عنوان دارد.

عناصر سازندهٔ غزل

در کتابهای تاریخ ادبیات، قرن ششم دورهٔ انتقال از خراسانی به عراقی است. قرن هفتم سبک عراقی در مرکز ایران رشد می‌کند و قرن هشتم نیز دورهٔ تلفیق است. عرفان با سنایی آغاز می‌شود، با عطار ادامه می‌یابد و با مولانا به اوج می‌رسد. عشق از انوری و عراقی آغاز می‌شود و با سعدی به اوج می‌رسد. خواجو یا حافظ دیدند که اگر غزل عاشقانه بگویند، بهترش را سعدی گفته و اگر عارفانه بگویند، بهترش را مولانا گفته است. به همین دلیل مجبور شدند سراغ تلفیق بروند. یک مصداق تعبیر تلفیق این است که لفظ، عاشقانه و معنی، عارفانه است.

خواجو فقط تلفیق کنندهٔ لفظ عاشقانه و معنی عارفانه نیست. او بر شیوهٔ تلفیق کار کرده و شیراز و کرمان را با هم تلفیق کرده است. خواجو از چهار معصوم یاد می‌کند و سپس به شیوهٔ اهل سنت می‌پردازد و تلفیقی از باورهای شیعی و اهل سنت ارائه می‌دهد. جاهایی از قصاید خواجو حالت غزل‌گونه دارد. غزلهای او هم از سعدی بیشتر است، هم از حافظ. قصایدش هم از سعدی بیشتر است و نکته دیگر تلفیق قصیده و غزل با هم است. در مثنویات نیز حالت تلفیقی پدید می‌آورد و سراغ شخصیت‌هایی مثل «گل و نوروز» و «همای و همایون» می‌رود.

سایه سنگین شیرازی نبودن بر سر اوست. به چشم مهاجر و غریب و تازه‌وارد به وی نگاه می‌کنند و از همین رو مجبور بوده دست به کارهای نو بزنند. تلفیق کردن بخشی از جان خواجوست. یکی از شکلهای تلفیق، عشق مجازی و عشق حقیقی است و خواجو می‌تواند هر دو شکل عشق را بیاورد. صدر غزل با مقطع غزل دو حرف کاملا متفاوت است. راز ماندگاری امثال سعدی نیز همین است. اولین غزل حافظ بهترین شکل تلفیق مجاز و حقیقت است. تلفیق محصول ابتکار شاعران است و خواجو به‌درستی هنر به خرج داده است. اگر سه غزل از سعدی، حافظ و خواجو بیاوریم معلوم می‌شود که خواجو نقش وساطت داشته است.

سحر به گوش صبوحی کشان باده‌پرست/ خروش بلبله خوشتر ز بانگ بلبل مست

مرا اگر نبود کام جان و عمر دراز/ چه باک چون لب جانبخش و زلف جانان هست

اگر روم، بدود اشک و دامنم گیرد/ که از کمند محبت کجا توانی جست

امام ما مگر از نرگس تو رخصت یافت/ چنین که مست بمحراب می‌رود پیوست

ز بسکه در رمضان سخت گفت عالم شهر/ چو آبگینه دل نازک قدح بشکست

چگونه از رجام شراب برخیزد/ کسی که در صف رندان دردنوش نشست

بمحشرم ز لحد بی‌خبر برانگیزند/ بدین صفت که شدم بیخود از شراب الست

عجب نباشد اگر آب رخ بباد رود/ مرا که باد بدستست و دل برفت از دست

کنون ورع نتوان بست صورت از خواجو/ که باز بر سر پیمانه رفت و پیمان بست

احیای تلمیحات کهن

در ادبیات غنایی و احساسی از تعبیر عشق مجازی گفته‌اند و در دورهٔ فرخی و عنصری حتی سنایی و سعدی مجبور بودند یک سنت ادبی را به اسم عشق مذکر رعایت کنند تا اعلام کنند که این شیوه را بلدند. در آثار خواجو نیز این شیوه وجود دارد؛ اما به شکل تلمیحی است، مانند پسر نوح. اشکال پسر، مذکر و عشق مجازی در دیوان او کمتر مجال حضور پیدا کرده است. خواجو برای نشان دادن این مسأله که از دیگر شاعران عقب نیست، از تلمیح پسر نوح استفاده می‌کند. این نشان می‌دهد که شاعر دنبال شکل تازه‌ای از تلفیق است.

طرز غزل خواجو

در شیراز قرن هفتم صد شاعر بودند، اما یکی‌شان سعدی شد. وی در میان این همه شاعر برای تلفیق حرفهای تازه و فراهم کردن مخاطبان تازه این کارها را کرده است. نخست زنده‌کردن تلمیحات کهن است. دو زوج شعری «لیلی و مجنون» و «وامق و عذرا» سروده می‌شود و شگفت اینکه خواجو حرف تازه‌ای می‌زند و در اقدام آگاهانه در کنار «خسرو و شیرین» و «لیلی و مجنون»، به «ویس و رامین» دورهٔ اشکانی می‌پردازد و در مقطع و مطلع اشعارش از آنها نام می‌برد. در دیوان خواجو قافیه‌هایی تازه‌ای می‌بینید مانند، ادریس و برجیس و بلقیس و ویس.

کاربست واژگان زبان تورانی

اگر فهرست اعلام را ببینیم، اسمهای تازه‌ای می‌بینیم و در سبک عراقی شاعران بزرگ ما این کار را کرده‌اند. اصرار بر آوردن بیشتر حروف الفبا در اشعار خواجو مشاهده می‌شود. وی از حرف کاف و گاف در اشعارش بهره می‌گیرد و بسیار آن را دنبال می‌کند. کار دیگری که مورد علاقه او و آوردن کلمه‌های ترکستانی به زبان فارسی است. این کلمات با آمدن سلجوقیان وارد فرهنگ ما شد. چنین کلمه‌هایی در شعرهای حافظ و سعدی هم وجود دارد اما تعدادشان کمتر است.

نکته دیگر برخی شگفت‌کاری‌ها در دیوان خواجوست. در یک غزل در هر بیت، خواجو از پسوند کاف استفاده می‌کند که حتی در غزلیات شمس هم آن را نمی‌بینید، مثل کاکلک، مشکینک. او در پی آن بوده کارهایی بکند که شاعران پیشین نکرده‌اند. غزلش کاملا تلفیقی است و اخلاق، عشق مجازی، خرابات، قلندرانه زیستن و عارفانه فکر و رفتارکردن در غزل خواجو خود را نشان می‌دهد. قافیه برای شاعر خیلی مهم است و گاهی اوقات جرأت می‌کند کلمه‌ای در شعر بیاورد اما در قافیه نه.

وصل آن ترک ختا ملکت خاقان ارزد/ کفر زلف سیهش عالم ایمان ارزد

خاتم لعل گهرپوش پری‌رخساران/ پیش ارباب نظر ملک سلیمان ارزد

ای عزیزان، ز رخ یوسف مصری نظری/ ملکت مصر و همه خطه‌ی کنعان ارزد

پیش فرهاد ز لعل لب شیرین‌شکری/ حشمت و مملکت خسرو ایران ارزد

بگذر از گنج قدرخان که بر پیر مغان/ کنج میخانه همه گنج قدرخان ارزد

از سر کوی تو خواجو بگلستان نرود/ که سر کوی تو صد باغ و گلستان ارزد

هزلیات، سفریات و شوقیات

خواجو کاملا حواسش جمع بوده و در سه بخش «سفریات»، «هزلیات» و «شوقیات» یک ردیف را به تکرار نمی‌آورد. در بخش سفریات با ردیف «امشب» می‌گوید و در بخش دیگر با ردیف «همه شب». از ردیف‌ها و قافیه‌ها به شکل‌های کاملا خاص و قابل توجه استفاده کرده است.

ای لب لعلت ز آب زندگانی برده آب/ ما ز چشم می‌پرست مست و چشمت مست خواب

گر کنم یک شمه در وصف خط سبزت سواد/ روی دفتر گردد از نوک قلم پر مشک ناب

در بهشت ار زانکه برقع برنیندازی ز رخ /روضهٔ رضوان جهنم باشد و راحت عذاب

وقت رفتن گر روم با آتش عشقت به خاک/ روز محشر در برم بینی دل خونین کباب

صبحدم چون آسمان در گردش آرد جام زر/ در گمان افتم که خورشیدست یا جام شراب

هر دمی روی از من مسکین بتابی از چه روی؟/ هر زمان از درگه خویشم برانی از چه باب؟

گر دلی داری، دل از رندان بیدل برمگیر/ ور سری داری، سر از مستان بیخود برمتاب

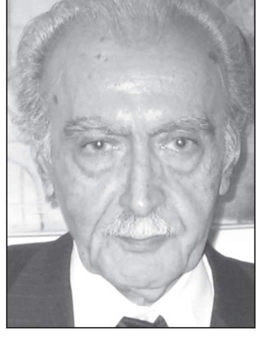
از تو «خواجو» غایبست، اما تو با او در حضور/ عالمی در حسرت آبی و عالم غرق آب.

چه خواهم؟

الهی، روزگاری تو را می‌جستم، خود را می‌یافتم؛ اکنون خود را می‌جویم، تو را می‌یابم!
الهی، بر عجز و بیچارگی خود گواهم و از لطف و عنایت تو آگاهم. خواست خواست توست، من چه خواهم؟

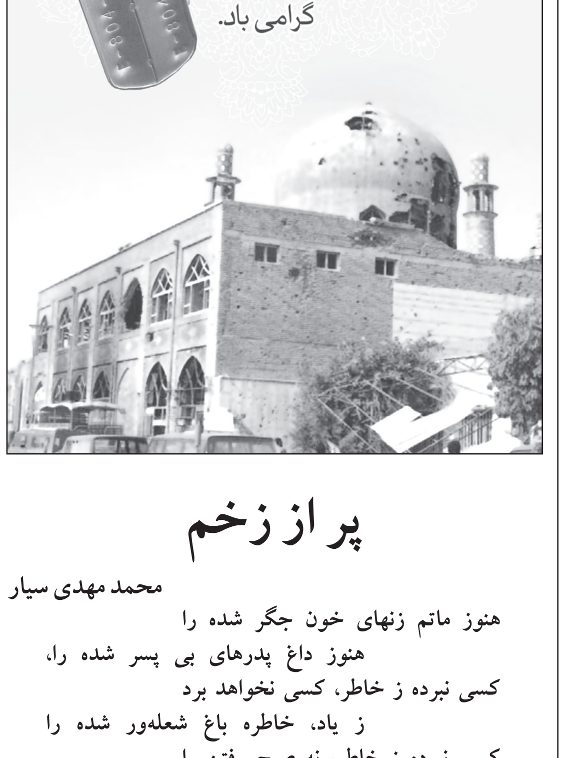
خواجه عبدالله انصاری

آزادی خرمشهر



استاد ادیب برومند

بسی خوانده‌ای وصف گُندآوران   که بردند گوی از سر سروران
به پیکار دشمن فشردند پای   تبه ساخته دستبرد سران
کنون بشنو از فتح «خونینه شهر»   که یکچند تازید دشمن بر آن
فرستاد صدام ناپاکدل   سوی «خرّمی شهر» جیشی گران
سپه راند این سوی «اروندرود»   جری از جهالت چو خودمحوران
گمان کرد کآسان توان دست یافت   به مرز دلیران و دانشوران
چو شد ناگهان چیره چون راهزن   برآن زیوری شهر صاحب‌زران،
چپاولگری را برآورد دست   ربود آنچه بُد خواسته اندر آن
چو «دیو سپید» و چو «اکوان دیو»   که بردند ره سوی «مازندران»
و یا همچو خونخوارگان مغول   و یا تیره‌دل تیرهٔ بربران
ز بی‌رسمی و ناکسی بس نکرد   نه بر مهتران و نه بر کهتران
بسا مال کز بندرش غارتید   چو خونخواره دزدان و کین گستران
بسی کشت و کوبید با توپ و تانک   زن و مرد و بام و در از هرکران
نماند از چنان شهر آباد بوم   به جز کوی کوران و کوخ کران
چو باد خزان شد وزان سوی باغ   تبه کرد سرو و گل و ضمیران
ز شهر از در شرّ برون تاختند   گروهی زن و مرد با همسران
چو دیدند شیران در این مرغزار   که گشتند خوکان وحشی چران،
برآشوفتند از چنان خیرگی   دُژم قهرمانان صاحبقران
برانگیختند از پی دفع خصم   ز جنگاوران، شیردل یاوران
به فرماندهی تیز بشتافتند   امیران جانباز و سرلشکران
ز «سرباز» و از «پاسداران» مرز   همه با هم اندر هدف هم‌قران
به دفع عدو قد برافراشتند   به دست آتشین حربه کینه‌وران
شده حمله‌ور بر عراقی سپاه   هژبران و ببران دشمن‌دران
فشاننده آتش به بنگاه خصم   چو آتشفشان کوه آذرپران
چو توفنده دریای خیزاب‌خیز   شده خشمشان بر فلک سرگران
عقابان جنگی هم اندر هوا   به بمب افکنی چیره بر خودسران
به سامان دشمن شده باره‌کوب   عقابان، به حکم همایونفران
ز بس دود خمپاره و بانگ توپ   جهان تار شد در بر ناظران
همی جوش زد خون رویین‌تنی   به رگهای این آهنین پیکران
درآن سخت پیکار و خونین نبرد   چه گویم ز ایثار همسنگران؟
که کردند بر دشمن پخته‌خوار   جهان تیره،چون دیگ خوالیگران[1]
ز پیر و جوان، خلق ایران‌زمین   سراسر هماهنگ یکدیگران
پی دفع دشمن به خشم آمدند   چو شیران همه مادگان و نران
بدادند بس مال و کالا و چیز   به جمع برادر همه خواهران
فراجَسته بر روی مین، بی هراس   دلاور جوانان چو بازیگران
که با بذل جانها برانند سخت   ز خاک وطن، چیره بدگوهران
کریمانه آن‌سان به جنگ آمدند   که از بهر ارشاد، پیغمبران
بدان‌گونه نوشنده جام اجل   که سقراط نوشندهٔ شوکران
شدن در ره پاس میهن شهید   بُدی فخر این زبده نیک‌اختران
به پشتی‌گری دست داده به هم   چه کس بود همتاب همباوران؟
بدادند در ره مام وطن   سر و جان به خشنودی مادران
سرانجام با فضل کیهان‌خدای   به فتح آمدند این یلان کامران
به نام اسارت ز چندین هزار   ببستند دست از ملامت‌خران
به‌سال‌هزاروسه‌صدشصت‌ویک   سوم روز خرداد مه، صفدران،
بشستند دامان کشور ز ننگ   چو هر شوخگن جامه را گازران
چو شد تیر«صدام» خورده به سنگ   شدش عار بر دل، چو کوهی گران
بماندش به دل داغ چونین شکست   چو داغی که بر شانهٔ فاجران
پس آنگه به تسلیم برداشت دست   غرامت‌پذیر از غنیمت‌بران
به زهر هزیمت گشودند کام   ز صهبای قدرت تهی ساغران
گریزند آری به هم‌پنجگی   ز پیلان جنگی،گشن استران
سزد گر ستایند فتحی چنین   فن جنگ را جمله سرداوران
بر این قهرمانان، هزاران درود   که دارند پاس وطن‌پروران
نثار آورم بر شهیدان، سلام   برازنده جمعی ز ما برتران
به شهر شرف، مینوی شهریار   به نام و نشان، گوهرین افسران
امید از خداوند دارد «ادیب»   کنون کز وطن راند این جابران،
که ایران در این جنگل روزگار   مصون ماند از شرّ جانوران



پر از زخم

محمد مهدی سیار

هنوز ماتم زنهای خون جگر شده را
هنوز داغ پدرهای بی پسر شده را،
کسی نبرده ز خاطر، کسی نخواهد برد
ز یاد، خاطره باغ شعله‌ور شده را
کسی نبرده ز خاطر، نه صبح رفتن را
نه عصرهای به دلواپسی به سر شده را
نه آه مانده بر آیینه‌های کهنه شهر
نه داغهای هرآیینه تازه‌تر شده را
جنازه‌ها که می‌آمد، هنوز یادم هست
جنازه‌های جوان، کوچه‌های تر شده را...
نه، این درخت پر از زخم، خم نخواهد شد
خبر دهید دو سه شاخهٔ تبر شده را!
خبر دهید دو سه شاخه تبر شده را
که این درخت پر از زخم، خم نخواهد شد
که آفتاب به تاراج شب نخواهد رفت
که سایه‌اش ز سر خاک، کم نخواهد شد
گذشته است زمستان و حال روی زغال
سیاه‌تر نشود، پاک هم نخواهد شد

آب مجازی

راهکاری برای مدیریت چالش‌های منابع آب



*وزیر نیرو: اعمال سیاست‌های تجارت آب مجازی علیرغم قدرت نهفته در این مفهوم می‌تواند بر ساختار اجتماعی و اقتصادی بخش روستایی تاثیرات غیر قابل بازگشت داشته و امنیت غذایی کشور را با چالش مواجه کند. همچنین می‌تواند باعث کاهش فعالیت در بخش کشاورزی شود، بی آنکه راه جایگزینی برای مازاد نیروی کشاورزی داشته شود

*یکی از راهکارهای جایگزین که در جهان به عنوان مقوله مهمی برای مقابله با بحران آب و کاهش مصرف آب در بخش کشاورزی مدنظر بوده، موضوع «آب مجازی» است؛ به گونه‌ای که براساس این استراتژی باید منابع آبی در هر کشوری صرف تولید محصولی شود که از نظر اقتصادی درآمد بیشتری به همراه دارد و کمبود محصولات دیگر باید از طریق واردات تامین شود.

آنچه در پی آمده است نگاهی دارد به موضوع آب مجازی به عنوان یکی از ابزارهای مدیریتی در جهت مبارزه به چالش کمبود منابع آبی که بخش اول آن را دیروز ملاحظه کردید و اینک بخش دوم و پایانی را می خوانید:

***

بهرام طاهری مشاور عالی وزیر نیرو در امور محیط زیست، ایمنی و بهداشت کار می گوید: یک گروه تحقیقاتی در دانشگاه صنعتی امیرکبیر میزان مصرف آب برای تولید محصولات و کالاهای مختلف در ایران را بررسی کرده‌اند که در بررسی‌های صورت گرفته به‌عنوان مثال میزان مصرف آب برای تولید یک کیلوگرم گوشت گوساله ۱۵ تا ۱۶ هزار لیتر آب به‌صورت آب مجازی محاسبه شده است.

میزان آب مجازی برای تولید یک کیلوگرم برنج به‌طور متوسط بین‌المللی هم برابر با ۲ هزار و ۵۰۰ لیتر است. همچنین آب مجازی موجود در یک کیلوگرم گوشت مرغ ۳ هزار و ۷۰۰ لیتر آب است و برای تولید یک بسته ۲۰۰ سی‌سی شیر ۲۰۰ لیتر آب مصرف می‌شود.

جالب اینکه در رسیدن به این عدد، فقط میزان آب مصرف شده برای تولید شیر بررسی شده و میزان آب مصرفی برای تولید کاغذ یا مقوای بسته‌بندی آن محاسبه نشده است. اما برای تولید یک فنجان قهوه ۱۴۰ لیتر آب مصرف شده است. یعنی آب مصرفی برای تولید این یک فنجان قهوه، هزار و ۱۰۰ برابر حجم آن یک فنجان است.

وی می افزاید: برای تولید کالاهای غیرخوراکی هم آب مجازی قابل تسری است. به‌عنوان‌مثال، در تولید یک جفت کفش و همچنین تولید یک شلوار جین به‌طور متوسط ۸ هزار لیتر آب مصرف شده است، بنابراین باید در تولید کالاهای پرمصرف در بخش پوشاک دقت بیشتری شود.

وی تصریح می کند: در ایران هم مقدار آب مجازی برای استفاده در تولید یک کیلوگرم گندم در شهرهای مختلف بین ۱۴۰۰ تا بیش از ۱۶۰۰ نوسان است. بنابراین می‌توان از این مفهوم در سیاست‌گذاری مصرف آب در تولید محصولات کشاورزی استفاده کرد، به این معنا که چه محصولی در چه منطقه‌ای از کشور کشت شود و در چه منطقه‌ای از ادامه کشت آن جلوگیری شود.

اما درخصوص وضع استفاده از آب مجازی در سایر کشورها می‌توان گفت برای تولید یک کیلوگرم گوشت بی‌استخوان گوسفندی در استرالیا ۲۷ هزار و ۵۹۰ لیتر آب مصرف می‌شود که همان آب مجازی پنهان در گوشت است.

اما در ایرلند ۱۷ هزار و ۴۰۰ لیتر آب برای تولید همین محصول مصرف می‌شود یعنی ۱۰ هزار لیتر کمتر؛ می‌توان با مقایسه این آمارها به این نتیجه رسید که اگر کشوری مانند استرالیا کم آب باشد، می‌تواند برای جبران آن با واردات محصولاتی مثل گوشت از ایرلند، در قالب آب مجازی کم‌آبی خود را جبران کند.

وی اضافه می کند: همچنین در چین برای تولید یک کیلوگرم پنیر ۱۰ هزار و ۷۴۰ لیتر آب مصرف می‌شود. اما در ایرلند ۳ هزار و ۷۰۰ لیتر آب مصرف می‌شود تا یک کیلوگرم پنیر تولید شود؛ یعنی یک‌سوم چین.

با دقت در این اعداد و ارقام می‌توانیم به مفهوم تجارت آب مجازی و جایگاه آن در استراتژی کلان تولید، تجارت و امنیت غذایی ملی کشورها پی بریم.

کشاورزان برزیلی هم برای تولید یک کیلوگرم برنج ۴ هزار و ۶۰۰ لیتر آب مصرف می‌کنند؛ اما آمریکایی‌ها هزار و ۳۷۰ لیتر آب برای تولید یک کیلو از همین محصول مصرف می کنند. هندی‌ها برای تولید یک کیلوگرم تخم‌مرغ ۷ هزار و ۵۳۰ لیتر آب مصرف می‌کنند؛ اما در آمریکا هزار و ۵۰۰ لیتر آب مصرف می‌شود که یک پنجم میزان مصرف آب در هند است.

وی می افزاید: با توجه به این آمارها این طور می‌توان نتیجه گرفت که یکی از راهکارهای جایگزین که در جهان به‌عنوان مقوله مهمی برای مقابله با بحران آب و کاهش مصرف آب در بخش کشاورزی مدنظر بوده، موضوع «آب مجازی» است؛ به گونه‌ای که براساس این استراتژی باید منابع آبی در هر کشوری صرف تولید محصولی شود که از نظر اقتصادی درآمد بیشتری به همراه دارد و کمبود محصولات دیگر باید از طریق واردات تامین شود.

در این زمینه وزیر نیرو می گوید: در نیم قرن اخیر ایران هم مانند کشورهای دیگر با مشکلاتی از قبیل کمبود منابع آب، خشکسالی و آلودگی و کاهش شاخص کیفیت آب روبرو شد. رشد جمعیت، افزایش شهرنشینی و گسترش صنایع، توسعه کشاورزی در اراضی خشک و نیمه خشک و علاوه بر آن تشدید دخالت های بشر در محیط زیست فشارهای زیادی را بر کمیت و کیفیت منابع آبی کشور وارد کرد.

حمید چیت چیان تصریح می کند: محدودیت منابع آب از نظر کیفی و کمی تامین آب را در آینده ای نه چندان دور به یکی از چالش های اصلی کشور تبدیل خواهد کرد. ایران با سرانه ۱۴۵۰متر مکعب به ازای هر نفر در سال مانند بسیاری از کشورهای منطقه در مرحله تنش آبی قرار دارد.این در حالی است که میزان برداشت و مصرف آب بسیار بالاست و باید اصلاح شود.

وی با اشاره میزان بارش در کشور می گوید: بارش متوسط باران از ۲۴۹میلیمتر در سال در ۸سال اخیر به ۲۱۴میلیمتر در سال کاهش پیدا کرده است. این مقدار بسیار پایین تر از یک سوم متوسط بارش جهانی است و بدین ترتیب کشور جزوکشورهای خشک جهان محسوب می شود.

وزیر نیرو اظهار می دارد: حجم آب تجدیدپذیر هم طبق گزارشات وزارت نیرو ۱۳۰میلیارد متر مکعب است که با توجه به خشکسالی های اخیر در دوره دراز مدت منتهی به سال آبی ۹۴-۹۵ به ۱۱۶میلیارد کاهش پیدا کرده و اگر فقط ۵سال اخیر را مد نظر قرار دهیم حدود ۱۰۰میلیارد متر مکعب است.

وی می افزاید: این آمار نشان می دهد ایران با جمعیتی بیش از یکدرصد جمعیت دنیا ۳۶صدم درصد از کل منابع منابع آب تجدید پذیر دنیا دارد. یعنی توزیع آب و جمعیت در کشور ما نسبت به متوسط جهانی در موقعیت نامناسبی قرار دارد.

این امر ایران را برای استفاده از مفهوم آب مجازی در سیاستگذاری امنیت آب، امنیت غذایی و حفاظت محیط زیست به کاندیدای مناسبی تبدیل می کند.

این عضو کابینه دولت ادامه می دهد: در ایران مانند کشورهای دیگر عمده ترین بخش مصرف کشاورزی است؛به طوری که این بخش در سال ۹۲نیاز آبی خود را که نزدیک به ۹۰درصد از استحصال آب بوده ۴۰درصد از آبهای سطحی و ۶۰درصد از آبهای زیرزمینی تامین کرده است.

وی تصریح می کند: باید دقت کرد تجارت آب مجازی برای از میان برداشتن فقر آبی و غذایی نیست، بلکه ابزاری است که استفاده از آن بصورت هوشمندانه به صورت محدود و در یک بازه زمانی چند دهه ای از فشار بر روی آب و ظرفیت تولید غذایی بردارد.

چیت چیان اضافه می کند: نباید به تجارت آب مجازی به عنوان راهکار بنیادی و دراز مدت نگاه کنیم.

راه حل اساسی آن است که هر کشوری و هر منطقه ای بر اساس ظرفیت های اکولوژیک خود باید مصارف را تعریف و تنظیم کند. چاره کار تعادل بخشی به منابع و مصارف است.

به گفته وی، برای به کار گرفتن موفق تجارت آب مجازی به عنوان جزئی از سیاست های مدیریت آبی کشور مولفه های بسیاری لازم است. اعمال سیاست های تجارت آب مجازی علیرغم قدرت نهفته در این مفهوم می تواند بر ساختار اجتماعی و اقتصادی بخش روستایی تاثیرات غیرقابل بازگشت داشته و امنیت غذایی کشور را با چالش مواجه کند.

همچنین می تواند باعث کاهش فعالیت در بخش کشاورزی شود، بی آنکه راه جایگزینی برای مازاد نیروی کشاورزی داشته شود.

وزیر نیرو تاکید می کند: واردات آب مجازی در صورتی که با برنامه های هوشمندانه انجام نشود می تواند کشور وارد کننده را در معرض تهدید کشور صادر کننده قرار دهد.

وی با برشمردن تبعات تمرکز بر تجارت آب مجازی می گوید: تمرکز بیش از اندازه بر مولفه آب در واردات آب مجازی می تواند به نادیده گرفتن مولفه های دیگر مانند اشتغال و مهاجرت روستاییان شده و چالش های جدیدی در برنامه های اقتصادی کشور ایجاد کند. از این رو با توجه به موارد ذکر شده ضروری است با دقت به برنامه ریزی های آب مجازی توجه شود.

به هر صورت باید گفت:یکی از رویکردهایی که در سال های اخیر در راستای کمک به مدیریت منابع آب مطرح شده است،تجارت آب مجازی است.

بر این اساس کشورها یا مناطقی که با کمبود آب مواجه هستند به تولیدمحصولات با محتوای آب مجازی کمتر و واردات محصولات با محتوای آب مجازی بیشتر مبادرت می کنند.

از آنجا که بهبود تراز آب مجازی مقارن با بهبود بهره وری است، لذا هدفمند کردن تجارت آب مجازی دیگر خواسته های مطلوب سیاستگذار را هم تأمین می کند. لازم به ذکر است: در صورتی که ازاین ابزار به شکل مناسب استفاده شود، امنیت غذایی را به مخاطره نمی اندازد، بلکه به شکل مطلوبتر وبا مدیریت کارآمدتر بحران های آب آن را با هزینه فرصت کمتری تأمین می کند.

جمع بندی مطالعات انجام شده نشان می دهد که مفهوم آب مجازی به عنوان یک ابزار سودمند می تواند در مدیریت چالش های منابع آب مطرح باشد و موارد زیر ازجمله مهمترین توصیه هایی است که در مطالعات برای بهبود تراز تجاری آب مجازی و کمک به مدیریت منابع آب باحفظ جوانب امنیت غذایی و مسائل مبتلا به آن بر آن تأکید شده است:

۱ . بهینه سازی ترکیب فعالیت های اقتصادی در راستای حفظ منابع آب داخلی. با توجه به اینکه سبد کالاهای تجاری در هر بخش اقتصادی دارای ارزش افزوده و محتوای آب مجازی متفاوتی هستند،این امکان وجود دارد که از طریق بهینه سازی ترکیب فعالیت ها، ضمن حفظ یا حتی افزایش ارزش افزوده حاصل از تجارت، اتکای به منابع آب داخلی را کاهش داد. در واقع این اقدام از طریق تغییر مبدأ و حجم تولید کالاهای قابل تجارت، تغییر شرکای تجاری و تغییر زمان تجارت امکان پذیر است.

۲ . یکی از گزینه های اصلاح نظام منطقه ای، تولید از طریق جایگزین کردن کشت محصولاتی است که به آب کمتری نیاز دارند، با محصولاتی با نیاز آبی بالا به ویژه برای اصلاح ساختار کشاورزی در مناطق کم آب است.

برای افزایش کارآیی مصرف آب بهتر است محصولاتی با بهره وری آب بیشتر به جای محصولات با بهره وری آب کمتر در مناطق مشخص کاشته شوند و بدین ترتیب آب برای تولیدات دارای ارزش اقتصادی بالاتر و سایر مصارف ضروری داخلی ذخیره شود.

۳ . اصلاح ترکیب صادرات محصولات کشاورزی از طریق کاهش تولید و صادرات محصولاتی که درتولید آنها نیاز به آب زیادی بوده و از طرف دیگر ارزش اقتصادی ناچیزی در بازارهای جهانی دارند وجایگزین کردن آنها از طریق واردات کالاهای مشابه.

۴ . اصلاح اسناد توسعه بخشی به ویژه در بخش صنعت به نحوی که صنایعی در افق توسعه هر استان مد نظر قرار گیرند که ضمن انطباق با پتانسیل های استان و اصول مزیت نسبی، در تعیین و اولویت بندی آنها به منابع آب در دسترس استان و همچنین محتوای آب مجازی تولیدات هم توجه شود. تا از این طریق در بلندمدت، تراز تجاری آب مجازی کشور در بخش صنعت بهبود پیدا کند.

۵ . اصلاح الگوهای کشت محصولات کشاورزی مناطق مختلف کشور به این صورت که الگوهایی مدنظر قرار گیرند که کشت محصولات مختلف در آن منطقه مورد نظر دارای مزیت نسبی بوده و مصرف آب مجازی در تولید محصولات در آنها کمتر باشد تا از این طریق تخصیص بهینه کشت با توجه به محدودیت های آب هر منطقه ایجاد شود.

۶ . با توجه به اینکه عملکرد محصولات کشاورزی یکی از عوامل اثرگذار در کاهش میزان آب مصرفی ویژه محصولات زراعی و باغی و در نتیجه کاهش صادرات حجم آب مجازی آنها است، لذا افزایش مقدار عملکرد در واحد سطح ضمن حفظ توان صادراتی محصولات، از فشار موجود بر منابع آب می کاهد؛بنابراین استفاده از تکنولوژی های نوین کشاورزی و همچنین بذور اصلاح شده و زیستی می تواند در این زمینه راهگشا باشد.

۷ . اگرچه در مباحث تجارت محصولات کشاورزی، بر بهینه سازی ترکیب صادرات و واردات برایکاهش صادرات و افزایش واردات آب مجازی تأکید می شود، ولی باید به این نکته توجه شود که تکیه منحصر به فرد بر چنین امری سبب می شود مجبور به کشت محصولات معدودی شد که آب مصرفی کمتری نیاز دارند که این مسئله باعث کاهش اشتغال خواهد شد، لذا ضروری است ضمن پرداختن به الگوهای مبتنی بر کاهش محتوای آب مجازی، به سیاست های مبتنی بر ایجاد اشتغال جایگزین مانندتوسعه صنایع تبدیلی و سایر فعالیت های اشتغالزا در مناطق روستایی هم پرداخت.

با توجه به راهکارها و توصیه های بیان شده، برای اینکه رویکرد آب مجازی بتواند وارد معادلات آب، کشاورزی و امنیت غذایی شود و به عنوان یک ابزار در مدیریت منابع آب اثرگذار باشد، لازم است چندین اقدام به عنوان مسیر ورود این ابزار در برنامه ریزی های کشور مد نظر قرار گیرد. ازجمله مهمترین این اقدامات می توان به موارد زیر اشاره کرد:

الف) توجه به محتوای آب مجازی علاوه بر هدف کسب ارزش افزوده بالاتر در صادرات محصولات کشاورزی و صنعتی،

ب) توجه به محتوای آب مجازی علاوه بر هدف پوشش خلأهای تولید و مصرف در واردات محصولات کشاورزی و صنعتی،

ج) توجه به محتوای آب مجازی علاوه بر هدف تأمین نیازهای غذایی در برنامه ریزی کشت فراسرزمینی،

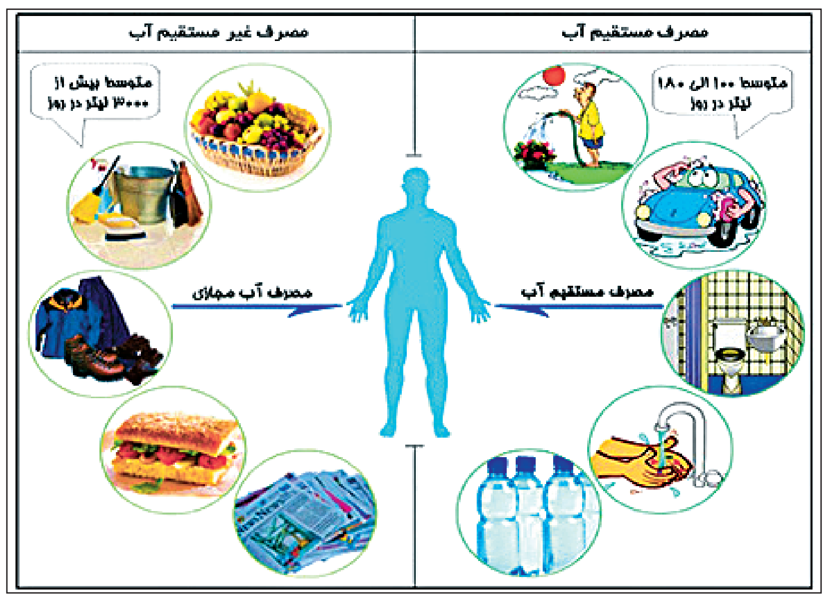
د) توجه به محتوای آب مجازی علاوه بر هدف کاهش ریسک در سیاست های حمایتی از کشاورزان،

ه) توجه به محتوای آب مجازی علاوه بر هدف خودکفایی در پیشنهاد الگوهای کشت محصولات مناطق مختلف.

در نهایت ذکر این نکته ضروری است که موضوع آب مجازی ماهیت چندوجهی داشته و نهادهای مختلفی در آن دخالت دارند. از طرفی در زمینه کاربرد این ابزار در کشور خلأ قانونی وجود دارد. لذا پیشنهاد می شود ضوابط و الزامات قانونی مورد نیاز برای استفاده مناسب از این ابزار در مطالعه ای موردبررسی قرار گیرد.

همچنین به نحوی این الزامات قانونی و اجرای آن مورد توجه قرار گیرد که ماهیت فرادستگاهی داشته و برای تمام ذینفعان و ذی مدخلان قابل اجرا و پیگیری باشد تا مناسب ترین نتیجه در راستای اهداف کلان کشور و افزایش منافع جامعه صورت پذیرد.

در تهیه این مطلب از گزارش های خبرگزاری ایرنا و ایانا و همچنین تلخیصی از گزارش مرکز پژوهش های مجلس استفاده شده است



هدایت بازار سرمایه به سمت افزایش شفافیت

مدیرعامل کارگزاری بانک توسعه صادرات با اشاره به اینکه تغییرات قانونی باعث افزایش شفافیت بازار سرمایه می شود، افزود: رویکردهای جدید سازمان بورس باعث دلگرمی سهامداران و سرمایه گذاران بازار سرمایه می شود و کاهش نارضایتی سهامداران در برخی بخش های قانونی را به همراه خواهد داشت.

هدایت روند بازار سرمایه به سمت اقتصاد باز، اتفاق مثبتی است، اما حرکت به سمت چنین اقتصادی، باید همگام و همراه با بازار و به صورت مرحله ای باشد.

سید رضا علوی مدیرعامل کارگزاری بانک توسعه صادرات در گفتگو با پایگاه اطلاع رسانی بازار سرمایه (سنا)، در باره بازنگری در ریزساختارهای بازار سرمایه گفت: تصمیم های اصلاحی مسئولان سازمان بورس باعث حرکت این بازار به سمت جلو است.

این کارشناس بازار سرمایه با اشاره به تغییرات ساختاری بازار سرمایه و بررسی برای حذف محدودیت هایی مثل حجم مبنا، تغییر دامنه نوسان، بازنگری در قوانین بازگشایی و توقف نمادها و همچنین اختیاری کردن پیش بینی سود، اظهار داشت: مسئولان سازمان بورس و اوراق بهادار با مطالعه و بررسی کامل برای چنین تغییراتی برنامه ریزی کردند.

وی با اشاره به اینکه این تغییرات باعث رضایت و خشنودی سهامداران می شود، تاکید کرد: اما نکته مهمی که در جمع مسئولان سازمان بورس هم مطرح کردیم این است که قوانین و مقررات باید به گونه ای تدوین شود که اجرای سلیقه ای نداشته باشد.

به گفته علوی، منظور از اجرای سلیقه ای این است که برخی قوانین معین دست مجری را باز گذاشته است که بر طبق خواست خود عمل کند و قانون در برخی زمینه ها روشن نیست و سکوت کرده است.

وی با تاکید بر اینکه در بازنگری قوانین باید این موضوع در نظر گرفته شود، اظهار داشت: اما حذف محدودیت ها و بازنگری قوانین اتفاق بسیار مثبت و حرکت بزرگی در جهت توسعه بازار سرمایه است.

مدیر عامل کارگزاری بانک توسعه صادرات با اشاره به اینکه تغییرات قانونی باعث افزایش شفافیت بازار سرمایه می شود، افزود: رویکردهای جدید سازمان بورس باعث دلگرمی سهامداران و سرمایه گذاران بازار سرمایه می شود و کاهش نارضایتی سهامداران در برخی بخش های قانونی را به همراه خواهد داشت.وی با اشاره به اینکه در حال حاضر سهامداران در زمینه توقف های طولانی مدت برخی نمادها اعتراض دارند، گفت: تجدید نظر در قوانین به کاهش نارضایتی ها کمک می کند. ضمن اینکه سهامداران اطمینان پیدا می کنند که پس از بازنگری در قوانین ، اگر سهمی متوقف شد ،حد و حدود توقف آن مشخص است و طی زمان مشخصی نماد بازگشایی می شود.به گفته این کارشناس بازار سرمایه چنین تغییراتی باعث حرکت به سمت اقتصاد آزاد می شود.وی با اشاره به اینکه هدایت روند بازار سرمایه به سمت اقتصاد باز اتفاق مثبتی است، افزود:اما حرکت به سمت اقتصاد باز باید همگام و همراه با بازار به صورت مرحله ای باشد. مدیر عامل کارگزاری بانک توسعه صادرات با تاکید بر اینکه تغییرات یک دفعه ای تبعات منفی به همراه دارد، گفت: نباید یک شبه همه محدودیت ها را حذف کرد. به عنوان مثال باید طبق برنامه ریزی و در مدت زمان های مشخص کم کم دامنه نوسان باز شود و در یک بازه دو الی سه ساله دامنه نوسان مثلا به ۱۰ درصد برسد به این ترتیب علاوه بر باز شدن فضای بازار ، هیجان های کاذب نیز از بازار گرفته می شود .

این کارشناس بازار سرمایه با تاکید بر اینکه حذف پله ای و برنامه ریزی شده محدودیت ها باعث می شود هیجان های کاذب از بازار گرفته شود، افزود: بازار سرمایه کشور ما هیجانی است و ممکن است با حذف یک مرحله ای محدودیت ها مشکلاتی در بازار ایجاد شود اما به طور قطع رفع محدودیت ها در یک بازه زمانی مشخص و پله پله واکنش بسیار مثبتی به همراه خواهد داشت.

بازار در یک نگاه

آمار معاملات آخرین روز معاملاتی (سه شنبه۹۶/۳/۲)

مجموع حجم معاملات	۹۶۱ میلیون سهم
مجموع ارزش معاملات	۲/۹۷۲/۲۰۳ میلیون ریال
جمع تعداد معاملات	۴۹/۴۱۶ معامله
ارزش بازار	۳/۳۲۲/۰۳۵ میلیارد ریال

عرضه فرآورده های نفتی و پتروشیمی

تالار فرآورده های نفتی و پتروشیمی بورس کالای ایران روز سه شنبه خرداد میزبان عرضه ۵۴ هزار و ۳۶۱ تن مواد پلیمری شامل پلی وینیل کلراید، پلی پروپیلن، پلی بوتادین رابر، پلی استایرن، پلی اتیلن و استایرین بوتادین رابر بود.

تالار محصولات صنعتی و معدنی بورس کالای ایران هم شاهد عرضه یک هزار و ۲۲۰ تن شمش هزار پوندی و ۲۰۰ تن بیلت آلومینیوم را تجربه کرد.

به گزارش روابط عمومی بورس کالا، همچنین در دومین روز خرداد مقدار ۲۱ هزار تن وکیوم باتوم، ۱۷ هزار تن لوب کات و ۲ هزار تن گوگرد در تالار فرآورده های نفتی و پتروشیمی به همراه ۲۵ هزار تن انواع قیر در تالار صادراتی بورس کالای ایران عرضه شد.

تالار محصولات کشاورزی بورس کالای ایران در این روز عرضه ۱۳۱ هزار تن گندم خوراکی، ۴ هزار تن گندم دوروم، یک هزار و ۲۷۵ تن شکر سفید و ۳۰۰ تن روغن خام را تجربه کرد.

همچنین ۲ هزار و ۱۹۷ تن جو دامی در قالب طرح قیمت تضمینی و به صورت فیزیکی در این تالار عرضه شد.

بر اساس این گزارش، یک هزار تن کنسانتره فسفات، ۳۰۰ تن شیر خشک، ۲۱۶ تن پودر نارگیل و ۳۵ هزار قطعه جوجه یک روزه در بازار فرعی بورس کالای ایران روی تابلوی عرضه رفت.

تقسیم سود ۲۰۰ ریالی هر سهم فرابورس ایران

مجمع عمومی عادی سالیانه فرابورس ایران برای سال مالی منتهی به ۳۰ اسفند ۹۵ اول خرداد در حالی برگزار شد که سهامداران علاوه بر تصویب صورت‌های مالی از ۷۲ درصد سود قابل تقسیم با تقسیم ۲۰۰ ریال به ازای هر سهم موافقت کردند.



برای نخستین بار در بازار سرمایه این مجمع به طور زنده همزمان از طریق سایت و اینستاگرام فرابورس ایران پخش شد که به اعتقاد مدیرعامل فرابورس ایران این مهم گامی در مسیر برگزاری مجازی مجامع در بازار سرمایه و ارتقای نظام سرمایه‌گذاران خواهد بود.

به گزارش روابط عمومی فرابورس ایران، در مجمع عمومی عادی سالیانه صاحبان سهام شرکت فرابورس ایران که با حضور بیش از ۶۵ درصدی سهامداران برگزار شد، مهرداد نعمتی به عنوان رئیس مجمع، علیرضا عسکری مارانی و علی عباس کریمی به عنوان ناظران و ابوالفضل متین به عنوان دبیر جلسه حضور داشتند. همچنین برای نخستین بار در بازار سرمایه این مجمع به طور زنده همزمان از طریق سایت و اینستاگرام فرابورس ایران پخش شد که به اعتقاد مدیرعامل فرابورس ایران این مهم گامی در مسیر برگزاری مجازی مجامع در بازار سرمایه و ارتقای نظام سرمایه‌گذاران خواهد بود.

امیر هامونی مدیرعامل فرابورس ایران در این مجمع به بررسی و تشریح عملکرد فرابورس در سال مالی ۹۵ پرداخت و مهمترین اقدامات این رکن بازار سرمایه را که شامل راه‌اندازی بازار و ابزارهای نوین معاملاتی بود، برشمرد.

به گفته هامونی اهم عملکرد فرابورس ایران در سال مالی گذشته شامل راه‌اندازی بازار شرکت‌های کوچک و متوسط، رونمایی از صندوق‌های سرمایه‌گذاری جسورانه، پذیره‌نویسی نخستین اوراق رهنی بازار سرمایه، آغاز عرضه‌های اولیه به روش ثبت سفارش، تفکیک هسته معاملاتی فرابورس ایران از بورس تهران، طبقه‌بندی و تفکیک ناشران بازار پایه در سه تابلو معاملاتی مجزا، پذیره‌نویسی اوراق مرابحه گندم و اوراق اجاره ماهان و مواردی از این دست است.

وی همچنین اشاره‌ای به عملکرد فرابورس ایران از بُعد آمار و ارقام داشت و در این باره گفت: در آخرین روز معاملاتی سال ۹۵ ارزش کل بازار فرابورس نسبت به آخرین روز معاملاتی سال ۹۴ رشد ۸ درصدی را تجربه کرد و ارزش کل معاملات در بازارها هم با افزایش ۲ درصدی روبرو شد.

مدیرعامل فرابورس ایران با بیان اینکه در سال ۹۵ شاهد پذیرش ۲۶ شرکت در بازارهای اول و دوم و ۱۱ شرکت در بازار SMEبودیم، اضافه کرد: سال ۹۵ از طریق عرضه اولیه و گشایش نماد در مجموع ۱۸ شرکت جدید وارد تابلوهای معاملاتی بازارهای فرابورس شدند.

افزون بر این مواردی همچون انجام ۱۴ معامله یکجا در بازار سوم، پذیره‌نویسی سهام در دست انتشار دو شرکت سهامی عام در شرف تاسیس، فروش قطعی سه فقره اختراع در بازار دارایی فکری، پذیرش ۸ فقره اسناد خزانه اسلامی یکساله و کوتاه‌مدت، پذیرش ۲۱ فقره صکوک، پذیرش یک صندوق سرمایه‌گذاری قابل معامله و دو صندوق سرمایه‌گذاری جسورانه از دیگر سرفصل‌های عملکردی فرابورس ایران در سال ۹۵ به شمار می‌روند که هامونی به آن‌ها اشاره کرد.

هامونی همچنین به عملکرد فرابورس در بعد بین‌المللی اشاره کرد و عضویت فرابورس ایران در فدراسیون جهانی بورس‌ها و کسب رتبه هشتم این بورس در کسب بالاترین بازدهی شاخص در میان سایر بورس‌ها را قدم‌های این رکن بازار سرمایه در مسیر ارتباط هرچه بهتر با سرمایه‌گذاران بین‌المللی و سایر بورس‌ها دانست.

طبق این گزارش در بخش پایانی مجمع هم سهامداران ضمن تصویب صورت‌های مالی با تقسیم سود ۲۰۰ ریالی برای هر سهم موافقت کردند.

به این ترتیب مبلغ ۱۴۰ میلیارد ریال یا به عبارت دیگر ۲۰۰ ریال به ازای هر سهم بین سهامداران تقسیم شد که ۷۲ درصد از سود قابل تقسیم را شامل می‌شود.در این مجمع همچنین روزنامه اطلاعات به عنوان روزنامه رسمی و موسسه حسابرسی بیات رایان به عنوان بازرس اصلی و حسابرس مستقل این شرکت در سال ۹۶ انتخاب شدند.

آخرین تغییرات قیمت سهام دربورس تهران

نام شرکت	آخرین قیمت (ریال)	میزان تغییرات
سرمایه‌گذاری‌توکافولاد(هلدینگ)	۱۷۶	۱۶
توسعه‌شهری‌توس‌گستر	۲۹۰۴	۱۹۹
مارگارین	۳۰۰۰	۲۷۲
سیمان‌ارومیه	۲۷۵۰	۱۸۳
تولیدی‌کاشی‌تکسرام	۱۹۵۳	۹۳
کاشی‌پارس	۸۸۰۶	۴۱۹
معدنی‌دماوند	۱۰۵۷۲	۵۰۳
دارویی‌لقمان	۶۴۹۷	۳۰۹
لامیران	۴۸۸۰	۲۳۲
سیمان‌کرمان	۱۹۲۱	۹۱
بیمه آسیا	۲۰۶۰	۹۸
تولیدی‌مهرام	۳۰۵۸۳	۱۴۵۶
کارخانجات‌قندقزوین	۳۲۴۱	۱۵۴
کاشی‌الوند	۲۲۷۴	۱۰۸
گروه‌صنایع‌بهشهرایران	۱۳۸۹	۴۳
باما	۶۷۳۶	۳۲۰
س.صنایع‌شیمیایی‌ایران	۴۰۴۴	۱۹۲
مارگارین	۴۰۴۱	۱۹۲
صنایع‌کاشی‌وسرامیک‌سینا	۳۵۰۰	۱۱۹
شهد	۷۶۷۲	۳۶۵
حمل‌ونقل‌توکا	۲۷۴۹	۱۰۰
سیمان‌دورود	۱۱۲۹	۵۳
کارتن‌ایران	۴۸۰۲	۱۷۸
سیمان خوزستان	۳۲۳۸	۱۵۴
شکرشاهرود	۲۰۹۲	۴۵
معادن‌بافق	۱۲۰۶۹	۵۷۴
فرآوری‌موادمعدنی‌ایران	۷۸۳۷	۳۷۳
کنترل‌خوردگی‌تکین‌کو	۱۰۳۹۹	۳۳۶
قنداصفهان	۸۷۶۰	۱۹۲
ایران‌دارو	۳۶۷۰	۱۷۴
سرمایه‌گذاری‌آتیه‌دماوند	۲۵۴۵	۵۵
سایپاشیشه	۲۰۵۰	۸۳
کاشی‌سعدی	۲۰۰۴	۹۵
قندنیشابور	۲۶۲۹	۴۷
نیروکلر	۴۷۱۶	۲۲۴
بانک سینا	۱۰۵۰	۳۲
سخت‌آژند	۳۴۱۸	۱۱۰
بین‌المللی‌محصولات‌پارس	۲۸۵۰	۷۷
موتورسازان‌تراکتورسازی‌ایران	۳۵۱۰	۴۴
پلی‌اکریل	۶۵۴	۲۸
گلتاش	۱۳۸۸۰	-۵۰
داروسازی‌روزدارو	۲۸۰۱	۱۳۳
پمپ‌سازی‌ایران	۳۳۷۵	-۷۸
صنعتی‌بهشهر	۲۷۳۶	۶۳
سرمایه‌گذاری‌البرز(هلدینگ)	۳۷۲۴	۷۳
سرمایه‌گذاری‌صنعت‌بیمه	۴۰۳۳	۹۳
ملی‌سرب‌وروی‌ایران	۲۸۴۹	۷۴
سیمان‌سپاهان	۱۲۲۸	۴۶
توریستی ورفاهی آبادگران ایران	۲۴۶۰	۹۸
سرمایه گذاری پردیس	۱۱۳۷	۳۶
سیمان‌تهران	۲۰۹۲	۳۲
ذغال‌سنگ‌نگین‌طبس	۳۱۶۲	۱
قندشیرین‌خراسان	۱۲۸۲۲	-۲۱۹
قندلرستان	۵۴۳۰	۱۰۶
فرآورده‌های‌نسوزپارس	۴۳۸۰	۶۵
فروسیلیس‌ایران	۲۳۹۱	-۴
قندهگمتان	۳۶۰۰	۴۹
افست	۱۱۹۸۲	۲۴۶
کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران	۴۱۶۰	۱۹
داروسازی‌اکسیر	۵۹۰۰	۶۱
بانک خاورمیانه	۲۹۴۱	۵۴
پلاسکوکار	۱۰۰۳	۱۱
لبنیات‌کالبر	۲۳۵۸	۷
گروه‌صنعتی‌بارز	۳۶۵۳	۱۱۱
مهندسی‌نصیرماشین	۲۶۹۹	۱۰۱
س.نفت وگازوپتروشیمی تأمین	۱۹۵۰	۲۴
عمران‌وتوسعه‌فارس	۲۸۶۸	۵۳
تولیدمحورخودرو	۲۵۲۰	۴۱
لیزینگ رایان‌سایپا	۱۸۲۰	۲۱
لیزینگ ایرانیان	۲۱۶۵	-۲۰
گروه دارویی برکت	۱۹۰۰	۲۵
سرمایه‌گذاری‌صنعت‌ومعدن	۱۴۲۰	۱۰
فرآورده‌های‌غذایی‌وقندپیرانشهر	۷۶۱۲	-۲۷
سیمان‌بهبهان	۱۵۷۹۹	۳۸۱
پتروشیمی‌خارک	۱۵۲۰۰	۲۳۷
سرمایه گذاری ساختمان ایران	۲۶۵۰	-۲
صنعتی‌آما	۴۳۷۸	۲۰۸
فنرسازی‌خاور	۵۵۲۹	۷۳
کالسیمین	۳۳۱۷	-۵
تکنوتار	۲۶۴۰	۴۶
فولادخوزستان	۳۲۲۲	-۱۷
ریخته‌گری‌تراکتورسازی‌ایران	۳۴۵۰	-۱۴
کارخانجات تولیدی شهیدقندی	۲۶۸۷	۴۸
معادن‌منگنزایران	۲۰۶۰	۷
کویرتایر	۴۱۶۵	۳۴
شرکت ارتباطات سیارایران	۳۱۹۰۴	۳۵۲
کیمیدارو	۸۴۶۳	۶۷
سرمایه گذاری اعتبارایران	۱۳۰۹	۱۶
گروه پتروشیمی س.ایرانیان	۱۲۹۰	-۴
داروسازی‌سینا	۲۱۲۱۸	۱۰۱۰
سیمان‌فارس‌وخوزستان	۱۵۰۸	۲۴

نام شرکت	آخرین قیمت (ریال)	میزان تغییرات
بانک‌کارآفرین	۲۶۲۰	۱۱۸
بانک ملت	۱۰۵۰	-۶
بهنوش‌ایران	۵۴۳۸	۸۹
معدنی وصنعتی گلگهر	۲۲۵۱	-۱۱
ایران‌ارقام	۶۸۸۷	۵۴
آبسال	۳۲۸۰	-۱۳
آلومراد	۳۷۵۰	۱۵
فولادمبارکه اصفهان	۱۳۵۵	-۱۱
داروسازی‌امین	۱۷۴۹	۳۶
واسپاری ملت	۱۱۲۸	۱۷
سرمایه گذاری توسعه صنایع سیمان	۱۱۳۵	۹
کشاورزی‌ودامپروری‌مگسال	۷۰۶۰	۵۹
گروه دارویی سبحان	۵۸۸۴	۱۴۸
داده‌پردازی‌ایران	۴۰۰۷	-۵
لیزینگ رایان‌سایپا	۱۷۹۰	-۹
البرزدارو	۹۰۵۶	-۶
بیمه دانا	۳۷۶۶	-۵۳
بیمه البرز	۱۳۶۴	۲۳
فولادآلیاژی ایران	۲۱۴۳	-۳۴
پالایش نفت اصفهان	۳۱۸۱	-۳۲
سیمان‌هرمزگان	۴۷۰۰	۷۲
بهنوش‌ایران	۳۷۵۰	۵
سالمین	۲۱۹۸	۱۰۴
سرمایه‌گذاری‌بهمن	۱۰۷۹	۱
سرمایه‌گذاری‌توسعه‌ملی	۱۳۶۹	۲
نفت‌بهران	۱۰۴۵۰	-۲۳
سرمایه‌گذاری‌ملی‌ایران	۱۶۴۶	۴۴
پاکسان	۵۴۴۷	-۱۶۷
پارس‌دارو	۱۵۷۳۳	۷۳
بانک انصار	۲۲۵۹	۴
نفت‌پارس	۵۰۸۵	۷۳
فولادامیرکبیرکاشان	۱۱۲۰۰	۴۰۶
فولادخراسان	۴۳۹۶	۱۰۱
پتروشیمی جم	۹۶۶۸	۰
فرآورده‌های‌تزریقی‌ایران	۱۲۲۷۰	۴۵۵
بیمه پارسیان	۱۹۶۶	۳۲
موتوژن	۴۶۸۴	-۱۰
بانک‌اقتصادنوین	۱۶۰۰	-۳۳
گروه صنعتی پاکشو	۱۱۵۷۰	۱۷
س.نفت وگازوپتروشیمی تأمین	۱۹۲۱	-۵
رادیاتورایران	۳۲۰۹	۲۵
توسعه‌معادن‌روی‌ایران	۲۲۷۵	۱
نفت سپاهان	۷۵۲۹	۱۰۶
سرمایه گذاری نورکوثرایرانیان	۱۱۹۷	۱
سیمان کردستان	۱۳۴۵	۳۴
سیمان‌مازندران	۴۵۰۰	-۲۳۶
سرمایه‌گذاری‌سپه	۱۲۲۸	-۳
سرمایه‌گذاری‌سایپا	۱۰۳۹	-۱۲
سیمان‌آرتااردبیل	۱۰۹۴۶	-۵۷۶
ایران‌مرینوس	۷۵۰۰	-۵
سرمایه‌گذاری‌توسعه‌آذربایجان	۴۰۰۱	-۱۰۹
سپنتا	۱۳۹۰۳	-۵۳۴
توسعه معدنی وصنعتی صبانور	۳۰۴۰	-۲
پتروشیمی فجر	۵۹۷۹	-۴۹
پتروشیمی فناوران	۱۷۸۶۰	-۳۷
داروپخش(هلدینگ)	۱۳۵۰۰	-۳۳۹
صنایع‌شیمیایی‌سینا	۱۳۵۵۰	-۷۲
سرمایه گذاری گروه توسعه ملی	۲۱۷۰	-۵
کارخانجات‌داروپخش	۶۰۰۱	-۴۶
بیمه ملت	۱۸۹۹	-۱۲
پارس‌مینو	۳۵۶۰	-۱۳۸
سرمایه گذاری صندوق بازنشستگی	۱۴۸۰	-۱۲
الکتریک‌خودروشرق	۲۵۰۰	۱
صنایع‌جوشکاب‌یزد	۱۸۵۰۰	-۱۴۹
سرمایه‌گذاری‌غدیر(هلدینگ)	۱۱۲۱	-۱۳
تولیدمواداولیه‌داروپخش	۸۵۰۰	-۴۵
سرمایه‌گذاری‌مسکن	۸۹۹	-۳
صنایع‌خاک‌چینی‌ایران	۱۴۰۰۰	-۳۴۶
نوسازی‌وساختمان‌تهران	۱۷۶۹	۱۵
کمباین‌سازی‌ایران	۸۰۰	۰
سرمایه گذاری خوارزمی	۷۸۸	-۳
ایران‌ترانسفو	۵۷۹۶	-۷
جام‌دارو	۱۱۴۱۹	-۶۰۰
تراکتورسازی‌ایران	۲۶۵۲	-۴۷
توسعه‌معادن‌وفلزات	۱۲۶۵	-۱۳
سرمایه گذاری دارویی تامین	۶۱۸۰	-۲۸
پالایش نفت تبریز	۴۸۸۶	-۵۸
سرمایه گذاری مسکن شمال شرق	۱۲۰۸	-۱۲
کارت اعتباری ایران کیش	۴۶۰۵	-۱۲۹
حمل ونقل پتروشیمی(سهامی عام)	۵۱۳۰	-۴۶
داروسازی زاگرس فارمدپارس	۶۳۲۰	-۲۸۴
گروه مپنا(سهامی عام)	۷۵۷۵	-۱۷۱
گسترش‌سرمایه‌گذاری‌ایران‌خودرو	۳۶۱۵	-۲۴
ایران‌خودرو	۲۸۰۰	۷
سرمایه‌گذاری توسعه صنعتی ایران	۱۱۹۸	۱۰
سرمایه‌گذاری صنعت‌نفت	۱۹۰۱	-۱۵
ملی‌صنایع‌مس‌ایران	۱۸۶۹	-۲۷
سیمان‌شرق	۱۰۴۶	۴
بانک تجارت	۶۹۰	-۲
توسعه‌صنایع‌بهشهر(هلدینگ)	۱۷۱۰	-۱۹
سیمان‌داراب	۱۵۳۰	-۱۸

نام شرکت	آخرین قیمت (ریال)	میزان تغییرات
گروه‌بهمن	۱۹۸۱	-۴۰
پتروشیمی‌فارابی	۳۸۹۰	-۲۰۰
سرمایه گذاری پارس‌توشه	۳۴۳۸	-۱۱
بین‌المللی‌توسعه‌ساختمان	۱۰۵۰	۳
سرمایه‌گذاری صنایع پتروشیمی	۱۴۶۱	-۱۵
معدنی‌وصنعتی‌چادرملو	۱۶۸۵	-۲۵
دارویی‌رازک	۲۲۸۴۹	۳۰۷
فولادمبارکه اصفهان	۱۳۶۰	-۶
گسترش نفت وگازپارسیان	۱۷۸۰	-۲۶
لابراتوارداروسازی‌دکترعبیدی	۱۸۳۰۰	-۴۵
پتروشیمی پردیس	۶۹۶۲	-۱۵۹
سیمان‌شمال	۱۸۲۱	-۴۴
پتروشیمی شازند	۳۴۵۰	-۴۲
درخشان‌تهران	۳۸۸۱	-۵۲
ایران‌ترانسفو	۴۰۲۰	-۸
نیرومحرکه	۱۹۳۵	-۳۷
محورسازان‌ایران‌خودرو	۲۱۳۵	۱۲
فولادآلیاژی ایران	۱۰۰۵	۱۰
کشت‌وصنعت‌چین‌چین	۷۱۵۵	-۲۰۹
صنایع پتروشیمی خلیج فارس	۴۵۹۲	-۱۳۲
ایران‌ترانسفو	۵۷۶۷	-۳۶
پارس‌خزر	۱۱۸۹۸	-۹۸
سرمایه‌گذاری‌شاهد	۱۲۵۵	-۲۱
لیزینگ‌صنعت‌ومعدن	۱۶۸۶	-۱۷
همکاران سیستم	۵۰۲۰	-۸۴
سیمان‌هگمتان	۲۷۱۰	-۲۷
نوردوقطعات‌فولادی	۵۲۴۴	-۲۷۶
گروه‌صنعتی‌سپاهان	۳۰۸۰	-۱۴۸
ماشین‌سازی‌نیرومحرکه	۱۷۲۵	-۱۴
سرمایه‌گذاری‌ملت	۷۸۲	-۸
سرمایه‌گذاری‌بوعلی	۱۰۰۲	-۱۱
صنایع آذرآب	۳۴۸۰	-۵۶
زامیاد	۸۷۴	-۹
خوراک‌دام‌پارس	۷۱۱۶	-۳۷۴
پالایش نفت اصفهان	۳۱۴۰	-۷۳
گلوکوزان	۳۸۰۰۰	-۶۱۴
سیمان کردستان	۱۱۷	-۱
لبنیات‌پاک	۱۷۶۹	-۱۷
پالایش نفت تهران	۲۶۶۲	-۵۴
کارخانجات‌تولیدی‌شیشه‌رازی	۳۷۱۸	-۶۹
پگاه‌آذربایجان‌غربی	۱۹۱۰	-۳۳
سازه‌پویش	۲۲۷۵۹	۱۹۱
پالایش نفت بندرعباس	۵۶۰۰	-۶۲
بورس اوراق بهادارتهران	۴۱۷۰	-۵۷
سامان‌گستراصفهان	۱۸۰۰	-۴
داروسازی‌کوثر	۱۷۰۰	-۲۱
صنایع پتروشیمی کرمانشاه	۲۵۷۰	-۳۵
سایپاآذین	۱۰۵۷	-۱۷
پتروشیمی‌آبادان	۲۹۰۰	-۷۹
سرمایه‌گذاری‌توکافولاد(هلدینگ)	۱۲۹۰	-۲۰
قطعات‌اتومبیل‌ایران	۱۹۱۰	-۱۴
ایران‌خودرودیزل	۹۳۴	-۱۶
کربن‌ایران	۳۲۶۰	-۶۲
سرمایه‌گذاری‌رنا(هلدینگ)	۱۱۴۰	-۲۹
لیزینگ‌خودروغدیر	۱۲۰۸	-۴۹
تجارت الکترونیک پارسیان	۳۸۰۰	-۱۰۶
شیرپاستوریزه‌پگاه‌خراسان	۴۰۴۶	-۲۱۲
پارس‌خودرو	۱۰۷۰	-۲۶
صنایع‌ریخته‌گری‌ایران	۱۲۳۰	-۱۳
مهندسی‌نصیرماشین	۳۷۰۰	-۷۷
بانک تجارت	۶۶۲	-۳۰
فنرسازی‌زر	۹۰۰	-۷
شهدایران	۱۳۲۲	-۷۷
پتروشیمی‌شیراز	۲۳۱۰	-۷۸
لعابیران	۳۵۹۲	-۱۰
شهدایران	۲۴۹۵	-۱۳۰
مهرکام‌پارس	۱۶۰۰	-۵۱
حمل ونقل بین المللی خلیج فارس	۷۵۸۵	-۱۴۱
آسان پرداخت پرشین	۲۲۷۵۱	-۹۱۰
صنایع‌شیمیایی‌فارس	۲۱۲۴	-۴۹
نوردآلومینیوم	۱۳۵۰	-۱۰
شیشه‌وگاز	۴۷۶۰	-۱۴۵
معدنی‌املاح‌ایران	۱۳۶۰۰	-۴۵۵
لبنیات‌پاک	۵۸۷	-۲۴
سرامیک‌های‌صنعتی‌اردکان	۳۴۴۱	-۱۵۱
گروه‌صنعتی‌بوتان	۳۶۱۸	-۱۴۸
آهنگری‌تراکتورسازی‌ایران	۲۴۱۲	-۱۰۳
سیمان‌صوفیان	۲۷۳۷	-۳
تامین‌ماسه‌ریخته‌گری	۴۷۳۹	-۲۴۹
توسعه‌معادن‌وفلزات	۲۱۲	-۱۱
پست بانک ایران	۲۱۸۰	-۷۸
فیبرایران	۷۸۹۳	-۴۱۵
کابل‌البرز	۲۷۷۱	-۱۰۵
کابل‌البرز	۲۷۵۰	-۱۲۶
پارس‌سرام	۳۰۹۹	-۱۶۳
نیروترانس	۱۰۳۰۰	-۳۲۶
سرماآفرین	۴۵۳۱	-۲۳۸
صنایع‌کاغذسازی‌کاوه	۳۹۲۱	-۲۰۶
فولادخراسان	۴۰۸۱	-۲۱۴
توسعه‌صنایع‌بهشهر(هلدینگ)	۶۲۰	-۲۹
سایپاآذین	۲۶۸	-۲۹

تاریخ انتشار ۹۶/۰۳/۰۳

آگهی دعوت
مجمع عمومی عادی سالیانه (نوبت دوم)
شرکت تعاونی اعتبار کارکنان
شرکت بازرگانی دولتی ایران

از کلیه اعضای محترم شرکت تعاونی اعتبار کارکنان بازرگانی دولتی ایران تقاضا می‌شود در مجمع عمومی عادی سالیانه (نوبت دوم) در روز سه‌شنبه مورخ ۹۶/۳/۱۶ در ساعت ۱۰ صبح در محل نمازخانه ساختمان شماره یک شرکت واقع در تهران میدان فاطمی پلاک ۱۲ حضور به‌هم رسانند.

دستور جلسه:

۱ ـ استماع گزارش هیأت مدیره و بازرس قانونی
۲ ـ رسیدگی و اتخاذ تصمیم درخصوص صورت‌های مالی سال ۹۵ و تقسیم سود
۳ ـ طرح و تصویب بودجه سال ۱۳۹۶
۴ ـ انتخاب بازرسان اصلی و علی‌البدل

تذکر:

ـ آن دسته از اعضای تعاونی که مایل به اعطای وکالت می‌باشند همه روزه از تاریخ انتشار آگهی تا تاریخ ۹۶/۳/۱۳ وکیل و موکل در ساعت اداری به دفتر تعاونی مراجعه و برگه وکالت را تنظیم نمایند.

هیئت مدیره

تاریخ انتشار: ۹۶/۳/۳

آگهی دعوت
مجمع عمومی عادی سالیانه (نوبت دوم)
شرکت تعاونی مصرف کارکنان
شرکت بازرگانی دولتی ایران

از کلیه اعضای محترم شرکت تعاونی مصرف کارکنان بازرگانی دولتی ایران تقاضا می‌شود در مجمع عمومی عادی سالیانه (نوبت دوم) در روز چهارشنبه مورخ ۹۶/۳/۱۷ در ساعت ۱۰ صبح در محل نمازخانه ساختمان شماره یک شرکت واقع در تهران، میدان فاطمی پلاک۱۲ حضور به‌هم رسانند.

دستور جلسه:

۱ ـ استماع گزارش هیأت مدیره و بازرس قانونی
۲ ـ رسیدگی و اتخاذ تصمیم درخصوص صورت‌های مالی سال ۹۵ و تقسیم سود
۳ ـ انتخاب بازرس اصلی و علی‌البدل

تذکر:

ـ آن دسته از اعضای تعاونی که مایل به اعطای وکالت می‌باشند همه روزه از تاریخ انتشار آگهی تا تاریخ ۹۶/۳/۱۶ وکیل و موکل در ساعت اداری به دفتر تعاونی مراجعه و برگه وکالت را تنظیم نمایند.

هیئت مدیره

(نوبت اول)

«آگهی مزایده عمومی»

اداره آموزش و پرورش منطقه۵ تهران در نظر دارد از طریق مزایده به صورت اجاره نسبت به واگذاری فضاها و اماکن ذیل به مدت یک‌سال اقدام نماید. لذا افراد حقیقی و حقوقی دارای شرایط می‌توانند جهت کسب اطلاعات و دریافت اسناد و اوراق مزایده از تاریخ درج آگهی نوبت دوم (به مدت ۴ روز اداری از تاریخ ۹۶/۳/۷) به کارپردازی اداره آموزش و پرورش منطقه۵ واقع در بلوار فردوس، ابتدای ابراهیمی شمالی مراجعه نمایند.

ردیف	مورد مزایده	شرح مختصری از موضوع مزایده	آدرس	قیمت پایه ماهیانه(ریال)
۱	فروشگاه لوازم التحریر	حدود ۱۵متر مربع جهت فروش لوازم التحریر و تکثیر	ستاری بلوار فردوس شرق درب ورودی اداره آموزش و پرورش	۳۰/۰۰۰/۰۰۰
۲	فروشگاه معلم ۱ و ۲	دو فضای مستقل یکی با مساحت حدود ۱۰۰ و دیگری ۲۵متر مربع برای فروش لوازم خانگی	ستاری بلوار فردوس شرق خیابان وفا آذر جنوبی جنب بانک ملی	۱۵۵/۰۰۰/۰۰۰
۳	فروشگاه شماره۱	فضایی حدود ۲۷متر مربع جهت عرضه مواد غذایی	آیت‌اله کاشانی، خ ابوذر، تقاطع پیامبر	۶۷/۰۰۰/۰۰۰
۴	فروشگاه شماره۲	فضایی حدود ۲۳متر مربع جهت عرضه لوازم التحریر و محصولات فرهنگی و خانگی	آیت‌اله کاشانی، خ ابوذر، تقاطع پیامبر	۶۲/۰۰۰/۰۰۰

مدیریت آموزش و پرورش منطقه۵ تهران

آمار تفکیکی آرای ۲ رقیب اصلی انتخابات ریاست جمهوری در استان ها



امروزه انتخابات به عنوان مظهر و نماد دموکراسی از اهمیت ویژه ای در تمامی کشورهای جهان برخوردار است و به هر میزان که مشارکت مردم در انتخابات بیشتر شود، آن نظام از مقبولیت بیشتری نزد مردم خود برخوردار خواهد بود و به تبع آن، جایگاه بین المللی اش هم ارتقا می یابد.

بدون شک مقبولیت و اعتماد از فاکتورهای اساسی حضور در انتخابات محسوب می شود اما مهم تر از این مسائل، علاقه و میل مردم برای مشارکت در سرنوشت خودشان است، در حقیقت مردم علاقه مندند کشورشان با نظر جمعی و نه نظر واحد اداره شود که این مفاهیم امروز در قالب دموکراسی جا گرفته و خود را نشان می دهد. از سوی دیگر کشورهایی هم وجود دارند که نه احترامی برای مردم قائل هستند و نه دوست دارند نظر آنها را بشنوند بلکه فقط و فقط می خواهند با تکیه بر تاج و تخت پادشاهی، بر مردم حکمرانی کنند. در این میان کشور ما با تجربه برپایی انتخابات متعدد در حوزه های مختلف اعم از ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی، مجلس خبرگان و شوراها، کارنامه بسیار قابل قبول و درخشانی در این حوزه دارد و همواره توانسته است قدرت ملی خود را با برگزاری انتخابات های پرشور به رخ جهانیان بکشاند.

نمونه عظمت و شکوه این قدرت ملی در ۲۹ اردیبهشت امسال با حضور گسترده مردم پای صندوق آرا به نمایش گذاشته شد.

مردم در جریان این انتخابات، حجت الاسلام والمسلمین دکتر حسن روحانی را برای یک دوره چهار ساله دیگر برگزیدند تا بار دیگر صدای صلح و دوستی ایران را به گوش جهانیان برسانند. حضور بی سابقه و پرشور ایرانیان مقیم داخل و خارج از کشور در انتخابات در کنار انتخاب راه و مسیر اعتدال، سبب شد اقتدار جهانی ایران بار دیگر افزایش یابد.مردم در انتخاب سکاندار قوه مجریه در دوره دوازدهم،نشان دادند که بی توجه به شعار های عوامفریبانه،به دنبال فرد اصلحی هستند که علاوه بر رفع مشکلات داخلی،به دنبال تقویت ارتباط با کشور های مختلف و روابط بین الملل باشد.

دکتر روحانی در این انتخابات توانست با کسب ۲۳،۵۴۹،۶۱۶ رای، رئیس جمهوری منتخب مردم شود و ۵۷ درصد از کل آرا را به خود اختصاص دهد.

حجت الاسلام والمسلمین سید ابراهیم رئیسی هم به عنوان نفر دوم و رقیب انتخاباتی دکتر روحانی، ۱۵،۷۸۶،۴۴۹ رای به دست آورد و ۳۸،۵ درصد از کل آرا را به خود اختصاص داد.

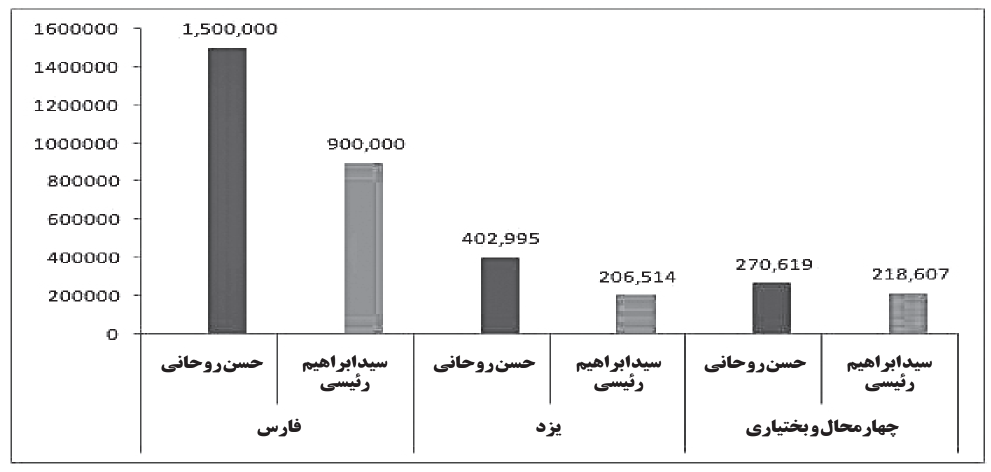
رئیس جمهوری منتخب مردم در مجموع در ۲۳ استان و همچنین در خارج از کشور، اکثریت آرای ماخوذه را به دست آورد.

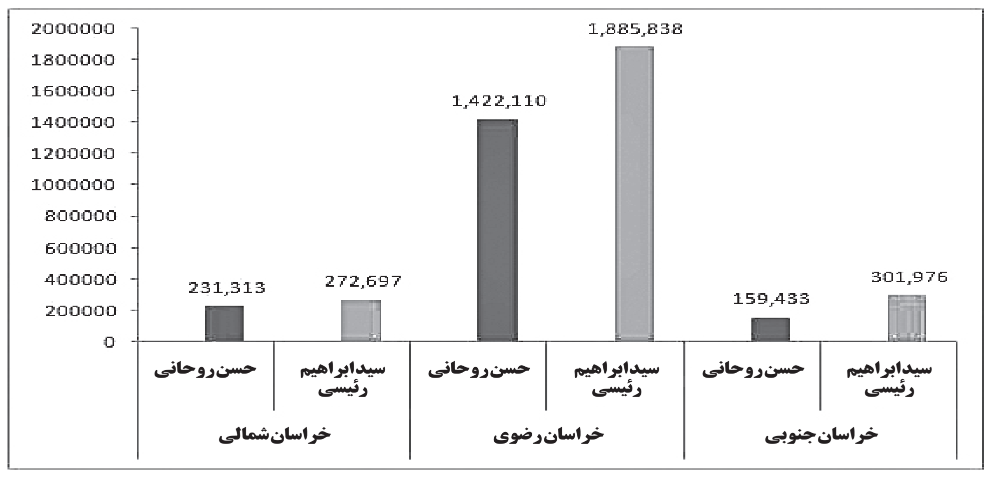
دکتر روحانی در استان تهران ۴،۳۸۸،۰۱۲ رای و رئیسی ۱،۹۱۸،۱۱۶ رای به دست آوردند. همچنین دکتر روحانی در استان زنجان ۲۵۹،۹۸۱رای را به خود

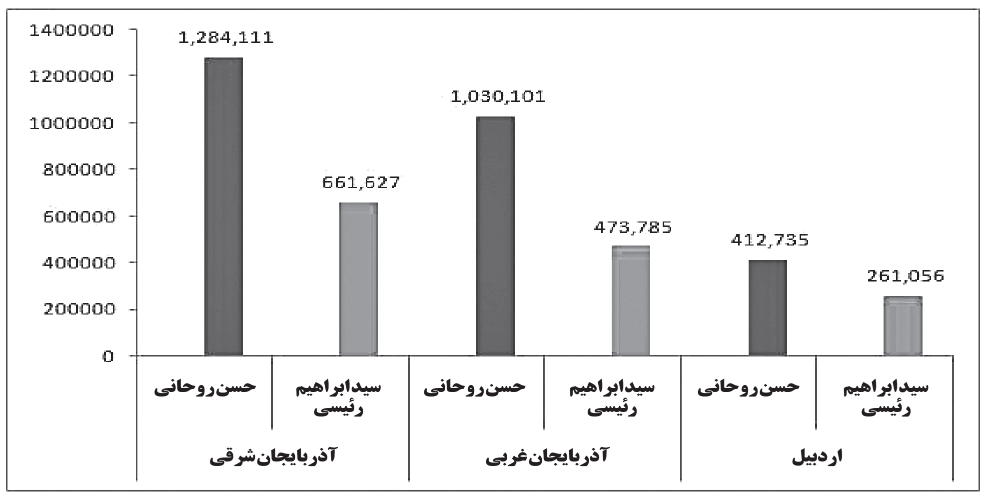


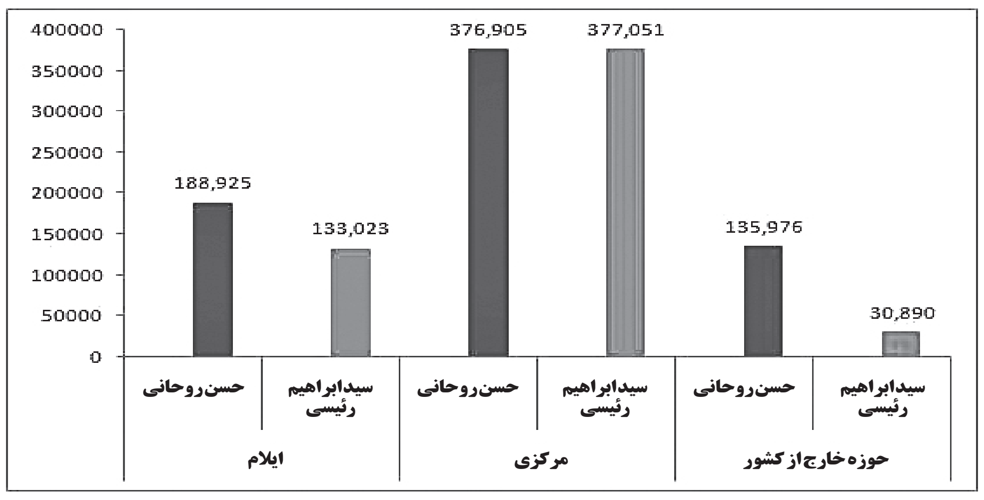
اختصاص داد و رقیب وی ۲۹۴،۴۸۵ رای کسب کرد.

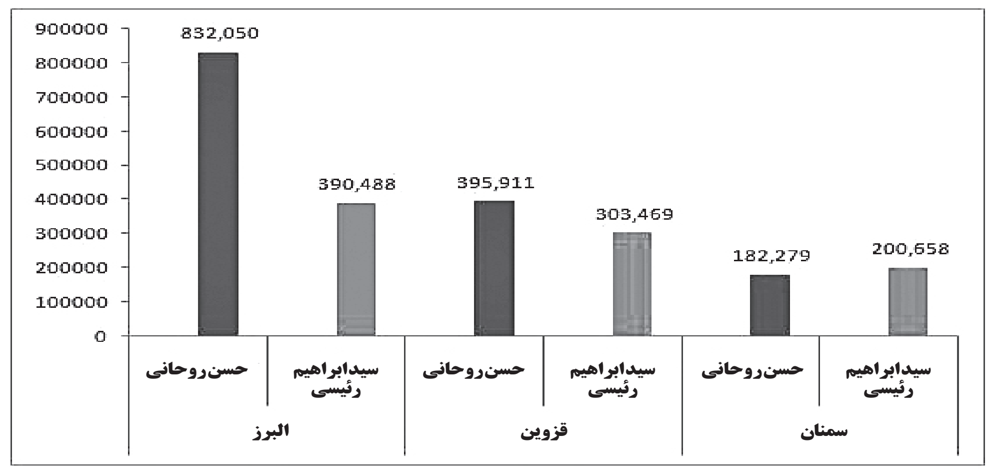
میزان آرای این دو نامزد انتخابات دوازدهمین دوره ریاست جمهوری به نقل از سایت جماران در جداول ذیل آمده است:

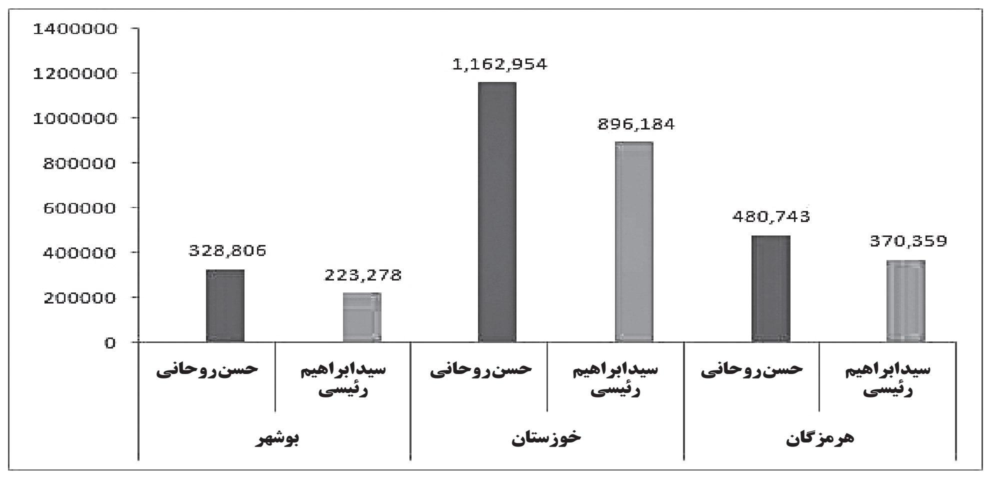


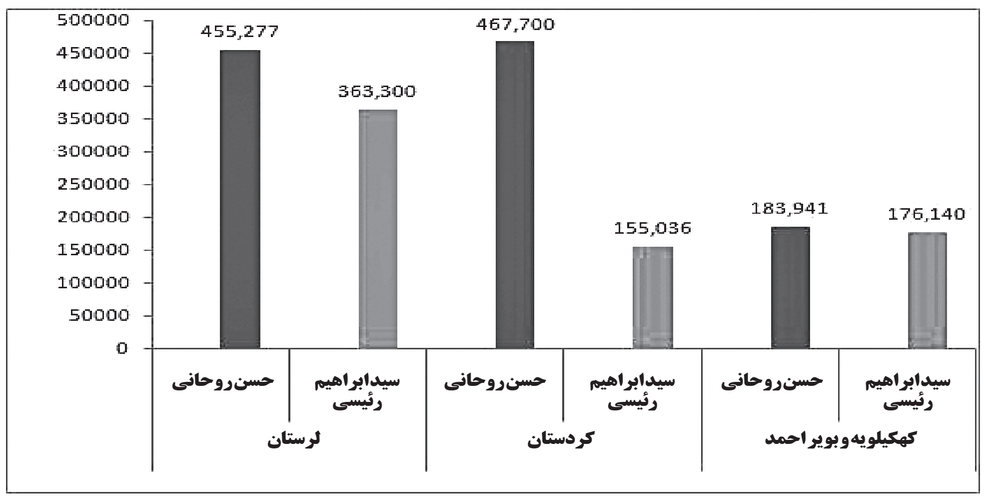


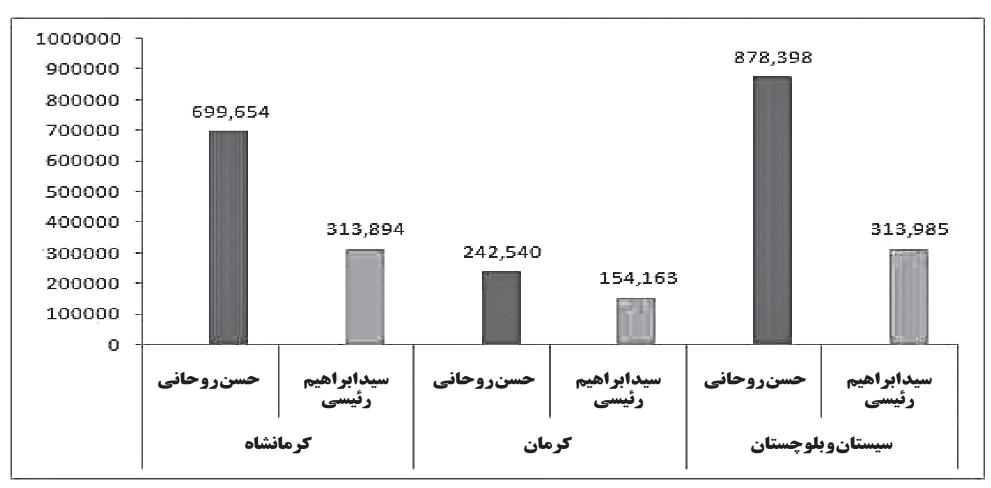


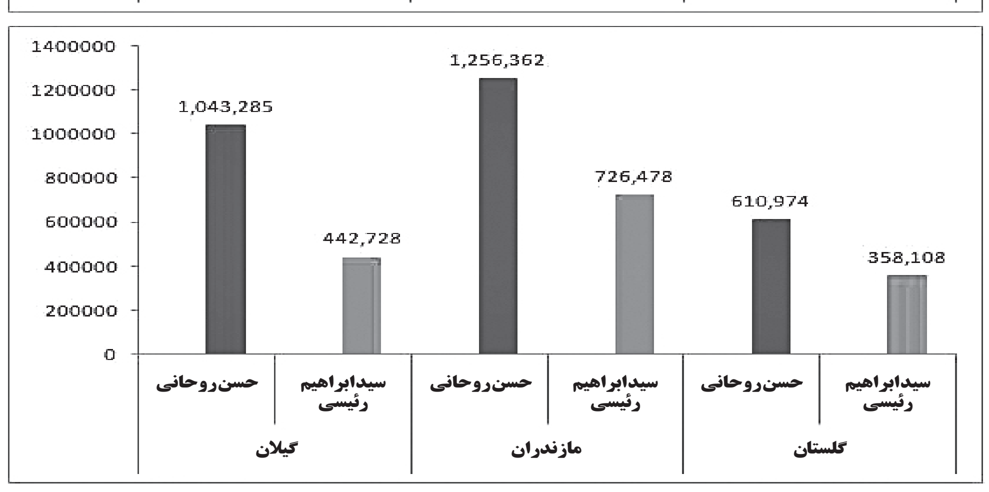


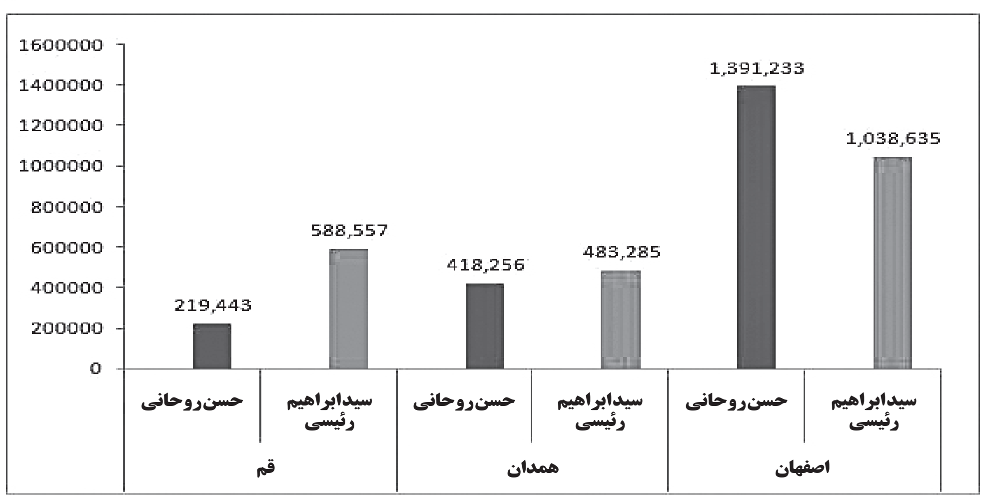












برگزاری هفدهمین نمایشگاه طرح ضیافت در همدان

همدان– خبرنگار اطلاعات: مدیرعامل شرکت نمایشگاه‌های بین‌المللی استان همدان گفت: هفدهمین نمایشگاه مواد غذایی و صنایع وابسته (طرح ضیافت)که از ۳۰ اردیبهشت برپا شده است تا ۵ خرداد در همدان پذیرای همشهریان است.

حسین الماسی افزود : این نمایشگاه با ۱۲۰ غرفه تولیدی و توزیعی برای تنظیم بازار اقلام مورد نیاز مردم در ماه رمضان و عرضه کالاهای اساسی مانند برنج، مرغ، گوشت قرمز و روغن به مصرف‌کنندگان ایجاد شده است.وی گفت : در این نمایشگاه نمایندگانی از ۱۴ استان کشور از جمله تهران، آذربایجان شرقی و غربی، مرکزی، اصفهان و فارس در ۳ سالن ابن سینا، هگمتانه و الوند و محوطه حیاط نمایشگاه حضور دارند.

نصب ۱۱ دستگاه کنترل گر فشار آب در همدان

*معاون بهره‌برداری آب و فاضلاب استان همدان از خریداری و نصب ۱۱ دستگاه کنترل‌گر فشار آب در همدان خبر داد

حمیدرضا نیکداد در جمع خبرنگاران گفت: باخریداری ۱۱ دستگاه کنترل‌گر فشار آب ونصب آنها ،بهتر و بیشترمی توان آب رامدیریت بهینه کرد .وی افزود : پیش‌بینی می‌شود حداقل تا یک ماه آینده سرریز سد اکباتان ادامه داشته باشد.

او با بیان این که سد اکباتان در چند سال اخیر سرریز طولانی‌تری را تجربه کرده است، اضافه کرد : گزارش‌ها حاکی از آن است که در حال حاضر برداشت از آب رودخانه عباس‌آباد نیز انجام می‌شود.

وی گفت : در حال حاضر به علت سرریز شدن آن از سد، برداشت از سد اکباتان نیز برای تأمین آشامیدنی انجام می‌گیرد، از رودخانه عباس‌آباد نیز در فصولی که کشاورزان نیاز نداشته باشند، برداشت می‌شود.

او با تأکید بر این که امسال مشکل کمبود آب نخواهیم داشت، افزود : مصرف آب نیز فعلا افزایشی نداشته و طبق شرایط قبل پیش می‌رود.

نیکداد اضافه کرد :با وجود بارندگی‌های خوبی که در سال آبی گذشته شاهد بودیم، اما همچنان به علت افت آب‌های زیرزمینی باید با برداشت از آب‌های زیرزمینی مانع از کاهش آب‌های زیرزمینی محدودیت داریم.

سفر ۸۶ نفر از زنان تحت حمایت کمیته امداد استان یزد به عتبات عالیات

یزد – خبرنگاراطلاعات: ۸۶ نفر از زنان تحت حمایت کمیته امداد استان یزد با همکاری سازمان حج و زیارت استان به مدت یک هفته به سفر زیارتی عتبات عالیات اعزام شدند.

مطلب بالا را حجت الاسلام والمسلمین علی محمد اسلامی منش معاون امور فرهنگی کمیته امداد استان یزد اعلام کرد و افزود: برگزاری اردوهای زیارتی برای مددجویان تحت حمایت از جمله برنامه های مهم فرهنگی کمیته امداد در سال ۹۶ است که پیش بینی می شود تا پایان سال ۳۱۴ مددجوی دیگر با استفاده از اعتبارات دولتی عازم اماکن زیارتی در کشور عراق شوند.

وی گفت: سرانه اعزام هر مددجوی تحت حمایت به سفر زیارتی عتبات عالیات ۸ میلیون و ۵۰۰ هزار ریال است

معرفی ۵ گونه گیاه دارویی سازگار با اقلیم استان مرکزی

سرویس شهرستانها:رئیس ایستگاه تحقیقاتی گیاهان دارویی علی آباد اراک از معرفی ۵ گونه دارویی سازگار با اقلیم این استان با بیشترین بازدهی خبر داد.محمود حق شناس افزود: برای شناسایی این گونه گیاهان دارویی از نظر نام علمی، جنس، گونه، نام فارسی و محلی گونه، محل پراکنش گیاه، ارتفاع محل جمع‌آوری از سطح دریا، اثر درمانی گیاه، نحوه مصرف و اندام دارویی مورد بررسی قرار گرفت.

او اعلام کرد: در این تحقیق ۳۶ جنس متعلق به ۱۶ خانواده دارای خواص دارویی شناسایی شدند و در زمان رسیدن بذور از نقاط مختلف منطقه جمع‌آوری و پس از ثبت مندرجات شناسنامه استاندارد گیاه، برای حفظ و نگهداری به مرکز تحقیقات و آموزش کشاورزی و منابع طبیعی مرکز منتقل شد.

حق‌شناس افزود: این گیاهان پس از خشک کردن و بوجاری شدن در پاکت های کاغذی با درج اطلاعات کامل برای نگهداری در بانک ژن، به موسسه تحقیقات جنگل ها و مراتع کشور منتقل شدند.

وی ادامه داد: در بانک ژن گیاهی نمونه های بذر برای شکستن خواب (دورمانسی)، در شرایط مختلف شامل دماهای مختلف سرما، روش های فیزیکی و شیمیایی تحت آزمایش قرار گرفتند و بر روی بذور مورد آزمون جوانه زنی در طرح های تکرار دار به روش اتحادیه بین‌المللی تست بذر (ISTA) انجام شد.

افزایش ۲۰۰ درصدی شمار موزه های استان قزوین



قزوین – خبر نگار اطلاعات : شمارموزه های استان قزوین در دولت یازدهم در راستای تحقق اقتصاد مقاومتی ۲۰۰درصد افزایش یافت.

مدیرکل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان قزوین موزه‌ها را نماد تاریخ و فرهنگ ملت‌ها دانست وگفت : امروزه یکی از شاخص‌های گردشگری هر کشور فراوانی موزه‌های آن است.

محمد علی حضرتی با اشاره به افزایش موزه‌های مشارکتی استان قزوین در سال‌های اخیر، افزود : خوشبختانه در دولت یازدهم موفق شدیم با مشارکت سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری کشور ،مجموعه داران خصوصی و نهادهای دولتی و عمومی، تعداد موزه‌های استان را به سه برابر افزایش دهیم و در سه سال اخیر موزه‌های باغستان،عاشورائیان، آثار استاد رضا محمدی، فرهنگ و آموزش، دریچه‌ها و موزه آثار اهدایی دکتر صالحی به مجموعه موزه‌های استان افزوده شد.

وی همچنین در باره روند اجرای پروژه‌های مرمت و احیای بناهای تاریخی استان قزوین گفت: در سال‌های اخیر فعالیت‌های خوبی در حوزه میراث فرهنگی، به ویژه در زمینه مرمت و احیای بناهای تاریخی انجام شده و مهمترین آن پروژه مرمت مسجد– مدرسه صالحیه است که بنیانگذار این بنای باشکوه عالم صالح مرحوم حاج ملاصالح برغانی قزوینی جد اعلای دکتر صالحی بوده و این خانواده یکی از افتخارات ملی استان به شمار می‌آیند. او اعلام کرد: بخشی از هزینه های مرمت فاز دوم مجموعه صالحیه با کمک مرحوم حضرت آیت الله باریک بین(ره) نماینده پیشین ولی فقیه در استان و امام جمعه قزوین تامین شد و ایشان اصرار داشتند تا زمانی که در قید حیات هستند نامی از ایشان برده نشود و امسال نیز با کمک دکتر همتی استاندار قزوین اعتبار ملی برای مرمت این بنای تاریخی اختصاص یافت که همه این اقدام ها می‌تواند استان قزوین را به عنوان یک موزه بدون سقف در سطح کشور مطرح کند.

حضرتی یاد آورشد : در دنیای امروز ایجاد موزه‌ها در چارچوب بناهای تاریخی کمرنگ شده و ایجاد موزه‌های باز بیشتر مد نظر قرار دارد و استان قزوین با توجه به فراوانی و شاخص بودن آثار تاریخی اش، این ظرفیت را دارد که به موزه ای به وسعت یک استان تبدیل شود.

پل دوآب شازند مرمت شد

اراک – خبرنگار اطلاعات: سرپرست اداره میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری شازند گفت: عملیات مرمت پل دوآب شازند که از بناهای در معرض آسیب بود از ابتدای امسال آغاز شده و مراحل پایانی آن در حال انجام است.

محمد اتابکی اظهارکرد: پل دوآب شازند یکی از مهمترین و ارزشمندترین بناهای تاریخی استان مرکزی است که به واسطه قدمت بالا و ویژگی های خاص در مصالح و سازه اهمیت ویژه ای دارد.

او اظهار کرد: وضع اضطراری این بنا از طریق رسانه ها اعلام شد و با پیگیری انجام گرفته سازمان میراث فرهنگی اعتباری را در قالب طرح های امانی برای این پل اختصاص داد و کار مرمت آن کلید خورد.اتابکی اظهار کرد: اقدام مرمتی در حال انجام اهمیت ویژه ای دارد و دهانه پل که تخریب شده بود براساس کار بهسازی مرمت شده است و استحکام بنا را به صورت کامل تضمین می کند.

سرپرست اداره میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری شازند افزود: در کنار این بنای ارزشمند که کار مرمتی آن دنبال شده است.

امامزاده سهل بن علی (ع) از نوادگان امام سجاد(ع) در شهر آستانه نیز نیازمند مرمت است و باید در اولویت کار میراث فرهنگی قرار گیرد.

وی اعلام کرد: قدمت این بنابه اوایل قرن ۱۲ هجری قمری بر می گردد و دیرینه گنبد آن به حدود قرن چهارم هجری قمری و زمان آل بویه می رسد.

اتابکی ادامه داد: این اثر در ۲۰ بهمن ۱۳۱۸ با شماره ثبت ۳۲۳ به‌عنوان یکی از آثار ملی ایران به ثبت رسیده است و در حال نیازمند مرمت است و راهبردهای اولیه مرمتی نظیر تعیین و تامین مصالح و آجرهای متناسب با معماری بنا تهیه شده و در صورت تخصیص اعتبار،کار مرمت سرعت می‌گیرد.شهرستان شازند از توابع استان مرکزی است که در ۳۳ کیلومتری جنوب غرب اراک واقع شده و یکی از بناهای قدیمی آن پل دوآب است که متعلق به اواخر دوره قاجار است.

این بنا در سال ۱۳۷۷ با شماره ۱۹۹۱ در فهرست آثار ملی کشور به ثبت رسیده است.

اشتغالزایی برای ۱۳۷۲ نفر در استان کرمانشاه با حمایت بسیج سازندگی

سرویس شهرستانها:مدیر امور فرهنگی بسیج سازندگی استان کرمانشاه گفت: با حمایت‌های بسیج سازندگی برای ۱۳۷۲ نفر در این استان اشتغالزایی شده است.

فرزاد آقابابایی در بازدید از طرح اشتغالزایی تحت حمایت بسیج سازندگی استان در منطقه آبادانی مسکن کرمانشاه اظهارکرد: حمایت‌های بسیج سازندگی سپاه حضرت نبی اکرم (ص) درسال‌های گذشته چشمگیر بوده و شمار زیادی از خود اشتغالان توانسته اند علاوه بر خود باعث اشتغالزایی چند نفر دیگر شوند .

او گفت: امسال نیز همچون سال‌های گذشته تسهیلات ویژه ای در عرصه اقتصاد مقاومتی در نظر گرفته شده است و برای آموزش کار آفرینان با دانشگاه فرهنگ و هنر شماره یک کرمانشاه تفاهمنامه ای امضاء شده ، اما متاسفانه برای تسهیلات در عرصه اقتصاد مقاومتی سال ۹۶ هنوز مجوز آن داده نشده است.مدیر امور فرهنگی بسیج سازندگی کرمانشاه تسهیلات سال ۹۵ را بیش از ۱۶ میلیارد تومان در استان اعلام کرد و افزود: در این راستا ۱۳۷۲ نفر اشتغال زایی و ۴۰ هزار و ۱۳ نفر نیز پارسال آموزش های لازم از قبیل مهارت‌های فنی و خدماتی، پرورش قارچ، پرورش زنبورعسل، پرورش بلدرچین، پرورش ماهی های خوراکی و زینتی، تهیه صنایع دستی تزئینی، تهیه انواع مربا جات، ترشیجات، عرقیات گیاهی وسبزیهای خشک وغیره را دیده اند.

وی تاکید کرد: برای آموزش هنرجویان زیر پوشش سازمان بسیج سازندگی استان علاوه بر دانشگاه شماره یک فرهنگ و هنر با سازمان جهاد کشاورزی و فنی و حرفه ای نیز قرارداد آموزش داریم.

آقا بابایی افزود: علاوه بر سرکشی های فصلی از کارگاه های تحت حمایت بسیج سازندگی به تعداد ۴۰ نفر در دهکده مقاومتی مکان رایگان جهت تهیه محصولات وعرضه آن قرار داده ایم.

۸۵درصد محصولات کشاورزی استان بوشهر بدون سموم شیمیایی است

سرویس شهرستانها: معاون بهبود تولیدات گیاهی سازمان جهاد کشاورزی استان بوشهر گفت: ۸۵درصد از محصولات کشاورزی استان بوشهر فاقد هرنوع باقیمانده سموم شیمیایی بوده و دارای سلامت کامل است.

خسرو عمرانی افزود: در ۴سال اخیر توسعه سطوح مبارزه تلفیقی و غیرشیمیایی در محصولات باغی و زراعی استان و کاهش مصرف سموم مبارزه بیولوژیک و حذف سموم پرخطر در سطح۸۰ هزار هکتار از مزارع و باغات استان بوشهر انجام گرفته است.او گفت: پایش محصولات زراعی و باغی استان برای نخستین‌بار به تعداد ۱۷۰ نمونه از سطح ۲۰ هزار هکتار از مزارع و باغات استان انجام گرفته که در نتیجه آن بالای ۸۵درصد از محصولات کشاورزی استان فاقد هر نوع باقیمانده سموم شیمیایی بوده و دارای سلامت کامل است.وی گفت: در ۴سال اخیر طرح نجات نخلستان در سطح۳۴هزارهکتار از نخیلات و مزارع شهرستان دشتستان تهیه، تدوین، تصویب و در حال اجراست.

عمرانی اظهار داشت: در این مدت اصلاح و نوسازی نخیلات با ارقام تجاری (مجول، پیارم و برحی) صورت پذیرفته است و برنامه الگوی کشت و مدیریت کاهش میزان مصرف آب در سطح بیش از ۳۰هزار هکتار از مزارع استان بوشهر اجرا شده است.

ایجاد ۵۰۰۰ فرصت شغلی در خوزستان در گرو ایجاد واحد فولادسازی "اکسین"

سرویس شهرستانها: ایجاد اشتغال برای ۵۰۰۰ نفر در خوزستان در گرو ایجاد یک واحد فولاد سازی است ،اما مشکل نامه نگاری اداری تاکنون روند اجرایی آن را کند کرده است.

مطلب بالا را عبدالرضامحمودپور مدیرعامل فولاد اکسین خوزستان اعلام کرد وبا تاکید بر لزوم ایجاد واحد فولادسازی در این شرکت و اهمیت آن در ایجاد اشتغال پایدار در خوزستان افزود: واحد فولادسازی این شرکت از نظر مکان یابی در محلی قرار دارد که توجیه اقتصادی بالایی داشته اما از آنجا که شرکت فولاد اکسین در محدوده شهراهواز قرار دارد، هنوز مجوز لازم ازسوی محیط زیست و سایر بخش های مربوطه برای راه اندازی آن صادر نشده است.

وی اظهار کرد: با این وجود شرکت فولاد اکسین تمام ضمانت‌های لازم را برای حفظ محیط زیست ارائه داده چرا که بر اساس تمهیدات لازم، واحد فولاد سازی این شرکت حتی یک درصد هم آلودگی ایجاد نخواهد کرد.مدیرعامل فولاد اکسین خوزستان ادامه داد: استاندارخوزستان نیز مکاتباتی را با وزیر صنعت و معدن و سازمان محیط زیست داشته تا در این زمینه کمیسیون زیربنایی دولت تصمیم نهایی را در زمینه مجوزهای لازم این واحد فولاد سازی اخذ کند.

وی اعلام کرد: اگر مجوز زیست محیطی این واحد فولادسازی امسال صادرشود، می توانیم عملیات ساخت آن را به سرعت آغاز کنیم که به دنبال آن بیش از ۸۰۰ شغل به صورت مستقیم و بیش از ۵۰۰۰ شغل نیز به صورت غیر مستقیم در خوزستان ایجاد می شود. محمودپوراظهار کرد: اگربه هر دلیلی در این محدوده نیز اجازه راه اندازی واحد فولادسازی به ما داده نشود با این وجود پیشنهاد صدور مجور آن را در مناطق آزاد و یا منطقه اقتصادی دیگری در خوزستان داده‌ایم که امید است در نهایت با این پیشنهادات موافقت شود.

وی اضافه کرد:خوزستان ظرفیت های بالایی برای سرمایه گذاری دارد اما مشکلات کاغذ بازی اداری تا اندازه زیادی روند سرمایه گذاری را کند کرده است. او گفت: بسیاری از شرکت های خارجی و سطح بالا در جهان نیز رغبت زیادی برای مشارکت در این پروژه بزرگ فولاد سازی دارند اما اگر روند اجرایی آن همچنان به طول انجامد، این فرصت سرمایه گذاری از دست می‌رود.



خط ارتباطی مردم با اطلاعات

تلفن ۲۲۲۲۶۰۹۰

ایمیل خط ارتباطی : ertebat@ettelaat.com

ادامه از صفحه۱۳

تبریک

پیروزی آقای روحانی، یاور و یادگار امیرکبیر زمانمان را به رهبر انقلاب و ملت ایران از شهرک پردیسان کرج تبریک می‌گویم.

محمدموسی پور ــ دبیر بازنشسته

آقای هاشمی مظلوم بود

خدا آقای هاشمی رفسنجانی را بیامرزد که بسیار مظلوم واقع شد. خاطرم هست در رقابت انتخاباتی وی با آقای احمدی‌نژاد، آنقدر جو سیاسی را به ناحق علیه ایشان کردند تا مردم به وحشت افتادند و از ترس به آقای احمدی‌نژاد رأی دادند. کسی هم نبود که درست اطلاع‌رسانی کند وگرنه احمدی‌نژاد فردی نبود که بتواند رأی جمع کند.

یک شهروند

تحریف واقعیت چرا؟

۴ فروند هواپیما وارد کشور شد، چرا صدا و سیما در این باره اطلاع‌رسانی نکرد؟ از مسئولان صدا و سیما گلایه‌مندم که واقعیت‌های خبری را به سمع مردم نمی‌رسانند. آیا دنیاداری اینقدر فریبنده است که مسئولان دروغ تحویل مردم دهند و واقعیت‌ها را کتمان کنند؟

م.ن صبور

زنده باد ایران

وقتی رفتار رئیس جمهور و نخست وزیر ترکیه را مقابل ترامپ دیدم، به کشورم افتخار کردم. وقتی دیدم این دو مسئول روبروی ترامپی که هیچ جایگاهی بین مردم آمریکا ندارد، اینقدر سرافکنده هستند، خجالت کشیدم و گفتم زنده باد ایران.

مهرداد

دلیل عدم استقبال از بورس

یکی از دلایل عدم استقبال بورس و سهام در ایران، مسئله میزان کارمزد دریافتی بالای شرکت‌های کارگزاری از مشتریان است. هم‌اکنون هر سهامدار در هر خرید و فروش حداقل یک درصد از ارزش معامله را به کارگزار و شرکت کارگزاری پرداخت می‌کند. جا دارد برای توسعه فرهنگ سهامداری، مجلس شورای اسلامی در این زمینه تجدیدنظر کند.

علیرضا احمدی

آفرین به استاندار کرمان

استاندار کرمان از فعال‌ترین و خستگی‌ناپذیرترین استانداران کشور است و همیشه فعالیت دارد. هر وقت روزنامه اطلاعات را می‌خوانم اسم آقای رزم حسینی برای انجام اقدامات شایسته‌شان وجود دارد. از وزیر کشور انتظار دارم ایشان را برای یک دوره به استان مظلوم و جنگ‌زده کرمانشاه بفرستد شاید فرجی حاصل شود و استان ما را آباد کند.

عبدالله اوحدی

مسئولان اندیمشک رسیدگی کنند

کشاورزان استان خوزستان شهرستان اندیمشک و سایر شهرستان‌های دیگر، بعد از برداشتن کشت خود جای آنها را می‌سوزانند که باعث آلودگی شهرها و از بین بردن منابع محیطی و لانه پرندگان می‌شود. مسئولان استان و شهرستان اندیمشک رسیدگی کنند.

طرفدار محیط زیست از اندیمشک

آبروی سپرده گذاران را بخرید

لطفاً برای سپرده‌گذاران بانک فرشتگان و مؤسسات اعتباری که حساب مشتریان را مسدود کردند، چاره‌جویی شود. اگر مسئولان مربوط اصل پول را نمی‌توانند به سپرده‌گذاران پرداخت کنند، جا دارد همانند سایر بانک‌ها سود را بپردازند؛ زیرا بیشتر این افراد با زحمت پولی پس‌انداز کرده و از طریق سود حاصل از آن امرارمعاش می‌کنند. لطفاً آبروی آنان را بخرید.

تماس با خط ارتباطی

تقاضا از مدیرعامل سازمان بهشت زهرا

از مدیرعامل محترم سازمان بهشت زهرا دو تقاضا داشتم. اول آنکه به آبیاری درختان بهشت زهرا به خصوص در قطعات قدیمی‌تر بیشتر توجه شود؛ زیرا معمولاً آبیاری هفته‌ای یک بار با تانکر آن هم در راسته خیابان اصلی صورت می‌گیرد که ناکافی است و دوم آنکه هر چند وقت یکبار جای رفتگران زحمتکش قطعات عوض شود زیرا بعد از مدتی، کم‌کار می‌شوند.

یک شهروند

استاندار کرمان: سرمایه اجتماعی بزرگی در انتخابات خلق شد



کرمان–خبرنگار اطلاعات: استاندار کرمان گفت: سرمایه اجتماعی بزرگی در انتخابات برای کشور خلق شد که باید آن را به سرمایه اقتصادی تبدیل کرد و در صورتی که این ظرفیت را به میدان بیاوریم، شاهد تحول بزرگ اقتصادی خواهیم بود.

مهندس علیرضا رزم حسینی در نشست هیات امنای دانشگاه فرهنگیان استان کرمان با بیان اینکه باید از ظرفیت مردمی برای خلق درآمد استفاده کنیم گفت: این سرمایه اجتماعی بزرگ برای هر کشوری سرمایه ارزشمندی است.

وی با بیان اینکه میزان مشارکت مردم استان کرمان در انتخابات اخیر از میانگین کشوری بالاتر بوده است گفت: ریاست جمهوری با برنامه های جدید خود می تواند سرمایه های جدیدی را برای کشور فراهم آور د.

استاندار کرمان با اشاره به اینکه انتخابات اخیر در حالی برگزار شد که ۹ کشور در اطراف ما درگیر جنگ و ناامنی هستند افزود: با وجود همه سیاه نمایی ها و تخریب هایی که در کشور صورت گرفت، ۴۱ میلیون نفر پای صندوق ها حاضر شدند و رای خود را به صندوق انداختند.

وی بیان کرد: درایت و هدایت های رهبر معظم انقلاب اسلامی در این دوره انتخابات بسیار تاثیرگذار و تعیین کننده بود.

رزم حسینی با اشاره به اینکه بیش از ۵۰ درصد رای دهندگان جوان بوده اند گفت: جوانان این مرز و بوم امروز حرف های خود را با رای می زنند و این به معنای تقویت بنیه نظام مقدس جمهوری اسلامی است.

وی خاطرنشان کرد: فرایند انتخابات به گونه ای است که کسی نمی تواند تقلب کند و به لطف خداوند در استان کرمان انتخاباتی سالم و قانونی برگزار شد .

استاندار کرمان گفت: در یکسال اخیر بالغ بر ۱۶۰ شخصیت سیاسی از گروه های مختلف وارد استان کرمان شده اند و در فضای رقابتی و آزادانه سخنرانی کرده اند. وی امنیت موجود در صندوق های رای را خوب توصیف کرد و ادامه داد: ساعت ها ایستادن مردم در صف برای رای دادن یک کار بزرگ است.

رزم حسینی گفت: فرایند دموکراسی در کشور پله پله است و به صورت مستمر پیشرفت دارد که بسیار در امنیت کشور موثر است.

وی افزود: با شکوه ترین مراسم را برای روز معلم در سال های بعد از پیروزی انقلاب اسلامی داشته ایم.

وی گفت: در دانشگاه فرهنگیان نیز آمادگی داریم که به سمت طرح های نوگرایانه حرکت کرده و تصدی دولت را در همه زمینه ها کاهش دهیم.

استاندار کرمان با بیان اینکه سیاست دولت خردگرا بر کاهش تصدی گری دولت است گفت: اگر بتوانیم در هیات امنای دانشگاه، طرح جدیدی را ارائه کنیم تا ظرفیت جدیدی برای معلمان فراهم شود، بسیار خوب است.

وی با تاکید بر اینکه آیت الله هاشمی رفسنجانی حق بزرگی بر گردن انقلاب دارد ادامه داد: باید مشی اعتدال آیت الله هاشمی را نهادینه کرده و سیره ایشان را هر چه بیشتر به مردم و به ویژه جوانان مطرح کنیم.

رزم حسینی بیان کرد: برای برگزاری مراسم سالگرد آیت الله هاشمی رفسنجانی همکاری لازم را خواهیم داشت.

وی با اشاره به راه اندازی دانشگاه های مجازی گفت: پیشنهاد می کنم که ظرفیت سایر دانشگاه های استان برای تربیت دانشجویان تربیت معلم مورد استفاده قرار گیرد.

وی خاطرنشان کرد: پیگیری های لازم برای اختصاص زمین به دانشگاه فرهنگیان را انجام داده و برای تعمیر و بهسازی امکانات این دانشگاه نیز باید برآورد هزینه مورد نیاز به استانداری کرمان ارائه شود.

***فعالیت ۳۸۰۰ دانشجو در مراکز دانشگاه فرهنگیان استان کرمان**

رئیس دانشگاه فرهنگیان استان کرمان نیز در ادامه این دیدار با بیان اینکه ریاست هیات امنای دانشگاه فرهنگیان بر عهده ریاست جمهوری است گفت: هیات امنای استان ها با نظر ریاست جمهوری برای حل معضلات و مشکلات دانشگاه فرهنگیان با حضور استاندار شکل می گیرد.

حجت الاسلام عباس توان با اشاره به اینکه در استان کرمان، سه تربیت معلم با هم ادغام شده و در قالب دو پردیس دختران و پسران فعالیت دارند گفت: ۳۸۰۰ دانشجو در این مراکز در حال تحصیل هستند.

وی با تاکید بر اینکه اولویت اول این است که دانشجویان از مقطع دیپلم وارد دانشگاه فرهنگیان شوند گفت: دانشگاه فرهنگیان بخشی از نیاز آموزش و پرورش را از دانشجویان سایر مراکز دانشگاهی تامین می کند.رئیس دانشگاه فرهنگیان استان کرمان خاطرنشان کرد: نیاز آموزش و پرورش بسیار زیادتر از ظرفیت دانشگاه فرهنگیان است و برای تامین نیروی مازاد مورد نیاز باید از ظرفیت سایر دانشگاه ها استفاده شود.وی گفت: در استان کرمان ظرفیت لازم از نظر عضو هیات علمی، فضای خوابگاهی و فضای فیزیکی برای تربیت معلمان مورد نیاز استان وجود ندارد و باید برای ایجاد ظرفیت های لازم، همکاری لازم صورت گیرد.

حجت الاسلام توان بر اختصاص بودجه عمرانی به دانشگاه فرهنگیان و توسعه زیرساخت های خوابگاهی و آموزش این دانشگاه تاکید و اظهار کرد: سال گذشته کمک هایی برای نوسازی دانشگاه فرهنگیان انجام شده است.وی یادآور شد: مصوبات لازم برای برگزاری نکوداشت سالگرد آیت الله هاشمی رفسنجانی را داشته ایم.

***جذب بیش از ۸۰۰۰ معلم**

مدیرکل آموزش و پرورش استان کرمان نیز گفت: سال گذشته ۸۰۰۰ معلم جذب شده اند و در سال جاری نیز یک دوره جذب نیرو را خواهیم داشت. محمد محسن بیگی با بیان اینکه ۳۰ درصد از معلمان در پنج سال آینده بازنشسته می شوند افزود: پایان سال گذشته ۱۹۰۰ معلم بازنشسته شده اند که مجموع ورودی ها به دانشگاه فرهنگیان ۱۰۰۰ نفر بوده است.

وی با اشاره به اینکه روند دانش آموزی در استان کرمان صعودی است، گفت: نیاز آموزش و پرورش در کشور در پنج سال آینده حدود ۴۰۰ هزار نفر است و در استان کرمان ۱۵ هزار معلم نیاز خواهیم داشت. مدیرکل آموزش و پرورش استان کرمان بیان کرد: در استان کرمان ۷۵۰ نیرو به صورت خرید خدمات آموزشی در حال فعالیت هستند.

رونمایی از ۳ کتاب، تقویم دیجیتالی و مجموعه موسیقی حوزه دفاع مقدس در کرمان

کرمان –خبرنگار اطلاعات : آیین رونمایی از سه کتاب، تقویم دیجیتالی و مجموعه کار موسیقی در حوزه دفاع مقدس استان کرمان به مناسبت گرامیداشت سوم خرداد بر گزار شد .

محمدمهدی ابوالحسنی رئیس بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس استان کرمان در جمع خبرنگاران با گرامیداشت سوم خرداد سالروز آزادسازی خرمشهر، افزود : حماسه‌آفرینی‌های سوم خرداد موجب شد تا ما امروز شاهد حضور ده‌ها میلیونی مردم پای صندوق‌های رای به عشق ایران و انقلاب اسلامی باشیم.

وی گفت : در جریان آزادسازی خرمشهر ۶۰۰۰نفر از جوانان کشور به شهادت رسیدند که ۲۰۰ نفر آنها مردان و حماسه‌آفرینان کرمانی بودند.

او همچنین از رونمایی اطلس لشکر ۴۱ ثارالله کرمان خبر داد و گفت: گردآوری این اطلس ۹ سال زمان برده است و ۲۵ عملیات لشکر ۴۱ ثارالله کرمان در دوران دفاع مقدس را شامل می شود.

ابوالحسنی افزود: کتاب «جاده‌های ناهموار امامزاده» که بیانگر نقش بچه‌های کرمان در عملیات فتح‌المبین است و کتاب «تا مرز کوشک» که نشان ازدلاوری‌های رزمندگان کرمانی در عملیات بیت‌المقدس دارد نیز به مناسبت سوم خرداد رونمایی می‌شود.

وی در باره تقویم دیجیتال دفاع مقدس گفت : این تقویم دیجیتال که برای تلفن‌های همراه تهیه شده، مرجع خوبی برای حوزه دفاع مقدس استان کرمان است.

شرکت‌های سهامی زراعی در مناطق محروم توسعه می‌یابند

بندرعباس ـ خبرنگار اطلاعات:شرکت‌های سهامی زراعی غیر دولتی بوده و تحت نظارت و حمایت تعاون روستایی استان‌ها فعالیت می‌کنند.عضو هیات مدیره سازمان مرکزی تعاون روستایی کشور با اعلام این خبر افزود: شرکت‌های سهامی زراعی در مناطق توسعه نیافته که نیاز به تغییر اساسی و بنیادی دارند با هدف کمک به بهره‌برداری در تمام سطوح فنی تشکیل می‌شوند.

عباس علی آبادی در حاشیه بازدید از شبکه تعاون روستایی هرمزگان گفت: توسعه شرکت‌های سهامی زراعی استان از اولویت‌های سازمان است و سازمان مرکزی تعاون روستایی کشور با جدیت موضوع کمک مالی مورد نیاز را پیگیری می کند.

وی اضافه کرد: با توجه به موقعیت جغرافیایی هرمزگان و وجود نعمت دریا باید با برنامه‌ریزی مناسب با جذب سرمایه‌گذاران دارای امکانات و منابع مالی، زیرساخت‌های مورد نیاز از جمله احداث پایانه حمل و نقل و بازرگانی کالاها را در استان شروع کرد.

علی آبادی افزود: در سال اقتصاد مقاومتی، تولید و اشتغال با ایجاد تشکل‌ها امیدواریم تحول خوبی در مسایل اقتصادی رخ دهد.

مدیر تعاون روستایی هرمزگان نیز در این بازدید با تشریح موفقیت‌های این سازمان اظهار داشت: شبکه زیر پوشش سازمان تعاون روستایی استان در زمینه خرید تضمینی گندم، کلزا، خرید حمایتی گوجه فرنگی، توزیع انواع کودهای شیمیایی بین بهره برداران، توزیع میوه شب عید و تنظیم بازار باهدف جلوگیری از افزایش قیمت‌ها موفق عمل کرده است.

اسدپور گفت: شاخص فعالیت شرکت‌های سهامی زراعی از بین بردن پراکندگی اراضی زراعی و یکپارچه سازی اراضی برای مکانیزه کردن آنها است.وی افزود: به زودی دومین شرکت سهامی زراعی استان هرمزگان به ثبت خواهد رسید.

کشف آثار تاریخی با قدمت ۳ هزار سال در شهرستان بهار

همدان– خبرنگار اطلاعات: رئیس میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری شهرستان بهار از کشف آثار تاریخی با قدمت ۳۰۰۰سال در شهرستان بهار بخش صالح‌آباد خبر داد.

مصطفی پاشایی افزود : نقوش کشف شده بخشی به شکل کاروان و شتر مربوط به دوره صفویه بوده و بخشی مربوط به ۳۰۰۰سال پیش است که بر روی تخته سنگ‌هایی نقش بسته است.وی اضافه کرد: گزارش اولیه کشف این اثر توسط دوستداران انجمن میراث فرهنگی از افراد بومی همان محدوده اطلاع‌رسانی شده است.

بهره‌برداری از زورخانه گرمسار تا پایان تابستان امسال

سرویس شهرستان ها :مدیر کل ورزش و جوانان استان سمنان گفت: بزودی پنج خانه ورزش روستایی در شهرستان‌های گرمسار و آرادان راه‌اندازی می‌شود.

فرزاد فتاحی افزود : افتتاح این پروژه‌ها به خاطر نگاه عدالت محور دولت و با هدف توزیع امکانات ورزشی در سطح استان و بهره‌مندی روستاییان از امکانات و تجهیزات ورزشی است .

وی ادامه داد: ایجاد و افتتاح این خانه‌های ورزش روستایی گامی بلند در زمینه ترویج فرهنگ ورزش و همگانی کردن این امر خطیر و همچنین ارتقاء سطح سلامت و تندرستی مردم ساکن روستاها است.

او اضافه کرد : با توجه به اعتبارات سال ۹۶ خانه‌های ورزش روستایی به خوبی و در شان مردم تجهیز خواهد شد.

فتاحی گفت: خانه ورزش روستاهای قاطول و فند هرکدام به مساحت ۱۴۰ متر مربع از بهترین و مناسب‌ترین فضاهای ورزشی سطح استان هستند که با تجهیز میز پینگ‌پنگ، فوتبال دستی، تاتامی، تخته دارت تا ۱۰ روز دیگر افتتاح خواهند شد.

وی یادآوری کرد: ظرف چند روز آتی از پنج خانه ورزش روستایی و یک سالن جانبازان و معلولین در مناطق روستایی شهرستان‌های گرمسار و آرادان بهره‌برداری می‌شود.

او همچنین از روند ساخت و تکمیل پروژه زورخانه گرمسار بازدید کرد و گفت: با توجه به تصویب اعتبارات ساخت و اتمام این پروژه، زورخانه گرمسار تا پایان تابستان امسال آماده افتتاح می‌شود.

۵۰ هکتار جنگلکاری مشارکتی در رزن

همدان– خبرنگار اطلاعات: رئیس منابع طبیعی شهرستان رزن از اجرای ۵۰ هکتار جنگل‌کاری مشارکتی در این شهرستان خبرداد.

ناصر محققی گفت : ۵۰ هکتار جنگل‌کاری مشارکتی در این شهرستان اجرا ودر این زمینه ۱۰ هزار اصله درخت بادام یارانه‌ای توزیع شد .

وی افزود: همچنین ۵۰ هکتار جنگل‌کاری مشارکتی دیگر در شهرستان رزن در دست پیگیری است که امسال کشت خواهد شد.

رئیس منابع طبیعی شهرستان رزن با بیان این که اداره منابع طبیعی زمین و نهال در اختیار متقاضیان جنگل‌کاری مشارکتی قرار می‌دهد، یادآور شد: جنگل‌کاری مشارکتی در اراضی ملی شیب‌دار اجرا می‌شود

وی با اشاره به این که جنگل‌کاری مشارکتی اشتغالزایی و سوددهی بالایی دارد، گفت: جنگل‌کاری مشارکتی در اراضی شیب دار علاوه برجلوگیری از فرسایش خاک، درافزایش نفوذپذیری خاک و ایجاد فضای سبز در شهرستان موثر است.

محققی اضافه کرد: در شهرستان رزن ۳۵۸ هکتار جنگل دستکاشت و ۱۰۰ هکتار جنگل‌کاری مشارکتی اجرا شده است.

رئیس منابع طبیعی شهرستان رزن یاد آوری کرد پارسال ۶۰۰ کیلوگرم بذر یونجه برای علوفه‌کاری مشارکتی در اختیار کشاورزان و متقاضیان شهرستان رزن قرار گرفت و امسال نیز ۳۰۰ کیلوگرم بذر یونجه به کشاورزان داده شد .

راهیابی نمایش «خون و ماتیک» به سومین جشنواره دفاع مقدس استان بوشهر

کاکی ـ خبرنگار اطلاعات: نمایش «خون و ماتیک» به کارگرانی حمید ظریف خواه کاری از گروه هنری آوا وابسته به انجمن هنرهای نمایشی کاکی به سومین جشنواره نمایشنامه‌خوانی دفاع مقدس استان بوشهر(شهرستان دیلم) راه یافت.سرپرست نمایندگی اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی بخش کاکی گفت: نمایش«خون و ماتیک» بعد از یک ماه تمرین در فرهنگسرای بعثت کاکی، توانست از بین ۱۴ اثر ارسال شده به دبیرخانه جشنواره، به همراه ۱۱ کار برگزیده و در کنار شهرهای بوشهر، دیلم، گناوه و دیر به سومین جشنواره نمایشنامه‌خوانی دفاع مقدس استان بوشهر(شهرستان دیلم) راه پیدا کند.

عبدالرضا نصیری افزود: قصد و هدفمان این است که با برنامه‌ریزی و با برپایی نشست‌های فرهنگی این انجمن و برگزاری کارگاه‌های تئاتر برای علاقه‌مندان، در آینده‌ای نزدیک شاهد ترقی و پیشرفت هنر زیبای تئاتر بخش کاکی در استان و حتی فراتر از آن باشیم.

وی ادامه داد: بخش کاکی در مبحث هنر زیبای تئاتر، دارای پتانسیل‌ها و علاقه‌مندان زیادی است که یقیناً با ایجاد دلگرمی و فراهم کردن بستر و امکانات لازم برای آنها و از همه مهم‌تر حمایت مسئولین، می‌تواند در آینده افتخارات بیشتری را در این زمینه کسب کند.

کارگردان این نمایش نیز گفت: نمایشنامه‌خوانی نوعی از اجراست که نمایشنامه توسط بازیگران بدون داشتن گریم و لباس، بدون داشتن حرکت و میزانسن، در شرایطی که حتی نیازمند حفظ کردن دیالوگ‌ها نیستند و با روخوانی از روی متن نمایشنامه صورت می گیرد و معمولاً ساختار کارگردانی پیچیده‌ای ندارد.حمید ظریف خواه ادامه داد: اجرای نمایشنامه‌خوانی به دور از طراحی صحنه و دکور انجام می گیرد و تنها اکسوار این اجرا متن‌هایی است که در دست بازیگران قراردارد و نمایش را از روی آن خوانش می کنند.

وی افزود: نمایش «خون و ماتیک» با موضوع دفاع مقدس و در راستای ارج نهادن به مقام والای شهدا و به قلم صحرا رمضانیان است.

ظریف خواه اضافه کرد: خوانش گران این نمایش یاسر در تاج، حسین محمودی، مصطفی قاسم‌نژاد، محمدمهدی کشوری، معصومه جوادی، فرزانه قاسم‌نژاد و حمید ظریف خواه و طراح پوستر محمدمهدی کشوری هستند. سومین جشنواره نمایشنامه‌خواهی دفاع مقدس، هفته نخست خرداد در شهرستان دیلم برگزار می‌شود.

فعالیت دوباره شرکت پلی اکریل اصفهان تا ۲ ماه آینده

اصفهان – خبرنگار اطلاعات: فرماندار مبارکه از فعالیت دوباره شرکت پلی اکریل اصفهان تا ۲ ماه آینده خبر داد و گفت: کارگران این شرکت نیز که به طور موقت زیر پوشش بیمه بیکاری قرار گرفته‌اند به محل کار خود باز می گردند.

علی اصغر ذاکری هرندی در مراسم افتتاح، رونمایی و بهره برداری از ۹ طرح عمرانی، خدماتی و فرهنگی در شهر مبارکه با اشاره به انتخاب یک کارگزار برای حل مشکل شرکت پلی اکریل افزود: برای فعالیت دوباره این شرکت، قرارداد تولید ۴۰۰۰ تن اکرولیک با سرمایه گذار بخش خصوصی امضا شده است که با گشایش ال – سی، امیداوریم فعالیت این شرکت در ۲ ماه آینده به طور کامل آغاز شود.

او با اشاره به این که ۱۲۰۰ نفر از کارگران شرکت پلی اکریل به طور موقت زیر پوشش بیمه بیکاری قرار گرفته‌اند گفت: این کارگران با فعالیت دوباره شرکت به محل کار خود باز می گردند.

فرماندار مبارکه با اشاره به فعالیت ۳۸۰ شرکت در این شهرستان افزود: به جز شرکت پلی اکریل که سال گذشته دچار مشکل شد، دیگر صنایع شهرستان فعال هستند.محمد شُرفا شهردار مبارکه در ادامه به طرح مترو مبارکه – اصفهان اشاره کرد و افزود: ۱۲ کیلومتر از مسیر اجرای این طرح در شهر مبارکه آزاد سازی شده است.

او افزود: شهرداری مبارکه بر اساس صورتجلسه تنظیم شده، آزاد سازی مسیر مترو را تا میدان دفاع مقدس ادامه خواهد داد و در صورتیکه برای آزاد سازی مسیر طرح به اعتبار نیاز بود، شرکت فولاد مبارکه کمک خواهد کرد.

در این مراسم علاوه بر افتتاح و بهره برداری از باغ بانوان شهر مبارکه، بلوار سردار شهید حمزه بابایی، سامانه پایش تصویری شهر مبارکه، زیباسازی و احداث آب نمای شهر، ایستگاه پلیس شهدای راهور، پارک محله اباذر، مجموعه تجاری فتح المبین و احیا و مرمت فاز اول ارگ تاریخی نهچیر، از طرح ساماندهی گلزار شهدای مبارکه نیز رونمایی شد.

روایت فرمانده نیروی دریایی ارتش از حماسه تکاوران در آزادی خرمشهر

مرد اول نیروی دریایی راهبردی ارتش جمهوری اسلامی ایران که این روزها از سواحل مکران و خلیج فارس تا آب‌های دور پرچم اقتدار کشورمان را برافراشته، رشادت‌های بسیاری در زمین هم داشته است.

امیر دریادار حبیب الله سیاری سابقه ۹۴ ماه حضور در جبهه‌های نبرد و انجام ۳۲ ماموریت جنگی و اعزام به مناطق عملیاتی به ویژه آبادان و خرمشهر را دارد.

وی متولد سال ۱۳۳۴ است. پس از پایان تحصیلات دبیرستان، در ارتش استخدام شد و پس از طی دوره مقدماتی در رسته تکاوری در دانشکده افسری نیروی زمینی، مشغول به تحصیل و پس از پایان تحصیلات، در نیروی دریایی ارتش مشغول خدمت شد. دوره‌های کلاه سبزی، دافوس و علوم استراتژیک را در دانشگاه عالی دفاع ملی گذراند،وی دارای درجه نظامی دریاداری، مدرک تحصیلی دکترا و عضو هیات‌علمی دانشگاه دفاع ملی است.

فرماندهی آموزش تفنگداران دریایی منجیل، فرماندهی تیپ یکم تفنگداران دریایی بندرعباس، جانشین فرمانده منطقه یکم دریایی، فرمانده آموزش تخصص‌های دریایی رشت و منطقه چهارم دریایی نداجا از مسئولیت‌های وی بوده است. امیر سیاری پس از آن به ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران منتقل شد و به عنوان جانشین معاون هماهنگ‌کننده، مشاور نظامی و معاون امور اجرایی و پشتیبانی خدمات رزمی ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران به ایفای نقش پرداخت. وی در سال ۱۳۸۴ به عنوان جانشین فرمانده نیروی دریایی به نداجا (نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی) منصوب شد و از مرداد ماه سال ۱۳۸۶ با حکم رهبر معظم انقلاب به سمت فرماندهی نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران منصوب شد. او هفتمین فرمانده نیروی دریایی ارتش است که پس از پیروزی انقلاب این مسوولیت را برعهده دارد. در دوران فرماندهی وی، نیروی دریایی به موفقیت‌ها و دستاوردهایی مانند ساخت ناوشکن جماران ۱ و ۲، ساخت انواع شناورهای سطحی و زیرسطحی، حضور و پیشروی در آب‌های آزاد، تامین امنیت کامل ناوگان حمل‌ونقل دریایی و مقابله با دزدان دریایی دست یافته است.

فرا رسیدن سوم خرداد ماه سالروز آزادسازی خرمشهر بهانه ای است تا پای صحبت های این پیشکسوت دفاع مقدس و از فاتحان خرمشهر بنشینیم.

امیر سیاری در مصاحبه با دفاع پرس ، به بیان مطالبی از حضورش در حماسه مقاومت ۳۴ روزه خرمشهر و عدم محاصره کامل آبادان می پردازد.

*** با آغاز تجاوز رسمی عراق به مرز ایران، شما چه زمانی به خوزستان و خرمشهر آمدید؟**

من قبل از آغاز جنگ در خرمشهر بودم. برخی از دوستان بیان می‌کنند که پیش از آغاز رسمی جنگ، می‌دانستیم که دشمن قصد حمله به ایران را دارد. گزارش‌ها هم به مقامات داده می‌شد اما آن وقت شورایی که در راس کار بود و هدایتش با بنی صدر بود، این گزارش‌ها را مورد توجه قرار نمی‌داد.

اما در روز آغاز جنگ من در خرمشهر نبودم و در فرودگاه مهرآباد تهران بودم. قبل از آغاز جنگ ما را از خرمشهر به اهواز بردند و سپس به تهران آوردند و از اینجا به منجیل رفتیم. به محض این که به منجیل رسیدیم، گفتند سریع تجدید سازمان کنید و تجهیزات بگیرید که فردا صبح حرکت است. نمی‌دانستیم مقصد کجاست. صبح ما را به تهران برگرداندند.

ساعت ۲ بعد از ظهر در فرودگاه مهرآباد سوار بر یک هواپیمای c130شدیم. ما سوار بر هواپیما آماده پرواز بودیم که به یکباره فرودگاه بمباران و جنگ آغاز شد. هواپیمای ما آسیب دید و ما را به هواپیمایی دیگر منتقل کردند.

*** مقصدتان کجا بود؟**

پس از ۲ ساعت پرواز، پس ازپیاده شدن ازهواپیما ، متوجه شدیم که در فرودگاه بندرعباس هستیم. گفتند دشمن تهدید کرده است که می‌خواهد جزایر را بگیرد، لذا ماموریت ما دفاع از جزایر بود. همان شب به بوموسی اعزام شدیم. ۲۴ ساعت آنجا بودیم که اعلام کردند بلافاصله برگردید و نیروهایی از قرارگاه منطقه یکم دریایی که هنوز اسم تیپ تفنگداران دریایی امام حسین(ع) به خودش نگرفته بود جایگزین ما شدند.

شبانه به بندرعباس آمدیم. پس از دریافت آب و غذا آماده پرواز به مقصدی نامعلوم شدیم. پس از گذشت زمانی، متوجه تیراندازی به سمت خود شدیم. هواپیما نشست، به سرعت پیاده شدیم. آنجا شیراز بود. نیروهای پدافند به اشتباه به سوی ما تیراندازی کرده بودند. در آنجا سوار بر هواپیمایی دیگر شدیم و پرواز کردیم.

به منطقه‌ای رسیدیم که وضع قرمز بود. یک هواپیمای



c130که پر از مهمات و سلاح بود هم پشت سر ما آمده بود. پیاده شدیم و سلاح و مهمات هواپیمای دیگر را سریع جابجا کردیم و در ساختمان‌های اطراف متفرق شدیم. آنجا دزفول بود.

شب ما را به مسجد پایگاه هوایی دزفول بردند و در آنجا استراحت کردیم. صبح ما را به باشگاه افسران دزفول احضار کردند. من فرمانده دسته بودم. فرمانده گروهان ما هم علی صالحی فشمی بود. ظهیرنژاد و بنی صدر آنجا بودند. هر دو نفرآنان داخل یک اتاق بودند. یک میز در اتاق بود. بنی صدر در گوشه‌ای از اتاق روی صندلی به خواب رفته بود. با ظهیرنژاد صحبت کردیم. گفت: تا ظهر نشده، خودتان را به شوش برسانید. اگر دیر برسید ممکن است شوش را بگیرند. تجهیزات‌مان را گرفتیم و به سمت شوش حرکت کردیم. پشت رودخانه کرخه نور، از حدفاصل پل نادری(روبروی دزفول و شمال شوش) تا پایین‌تر از شوش مستقر شدیم و خط پدافندی تشکیل دادیم. دشمن تا آن سوی رودخانه آمده بود.

نیروی دریایی بودیم اما قایقی هم به همراه نداشتیم و تنها سلاح و مهمات همراه‌مان بود. فردی بود به نام "علی کلک چی". او یک کلک برای ما درست کرد و سوار بر این از عرض رودخانه عبور کردیم و به شناسایی پرداختیم. چند شبی که ما آنجا بودیم، به شناسایی می‌رفتیم، گاهی وقت‌ها هم تک می‌زدیم. اطلاعات به دست آمده را به پست فرماندهی نیروی هوایی دزفول می‌دادیم و آنها صبح زود مواضع دشمن را بمباران می‌کردند. پس از چند روز، خط را به نیروی زمینی تحویل دادیم و ما دوباره به خرمشهر بازگشتیم.

استعداد تکاوران نیروی دریایی که در خرمشهر بودند، ۷۰۰ نفر نیروی کادر در قالب یک گردان بود و هیچ نیروی وظیفه‌ای نداشتیم. یعنی آشپز و راننده گردان هم کلاه سبز و چترباز بودند. ما هم در قالب یک گروهان از منجیل به گردان ملحق شده بودیم که نیروهای این گروهان مربی بودند.

تمامی نیروهای گردان در خط مقدم نبودند اما گردان به فرماندهی ناخدا صمدی در پایگاه دریایی خرمشهر مستقر بود. در خرمشهر علاوه بر ما نیروهای دیگری از مردم، عشایر، شهربانی، ژاندارمری، سپاه، فدائیان اسلام و کمیته بودند. شهید سیدمجتبی هاشمی فرمانده فدائیان اسلام لباس تکاوری به تن داشت . او هم یک کلاه سبزی بود.

از مجموعه نیروهایی که آنجا بودند، فقط گردان تکاوران آموزش جنگ شهری دیده بود. چون تکاوران علاوه بر آموزش‌های مختلف در زمین، هوا و دریا، جنگ شهری را هم آموزش می‌بینند. ما در این باره استاد و مربی بودیم و دیگران به طور نامنظم می‌جنگیدند. سیستمی هم نبود که بتواند همه این‌ها را کنترل کند. فرمانده ما در خرمشهر ناخدا صمدی بود. فرمانده کل منطقه هم امیر حسنی سعدی و در آبادان مستقر بود. محمد جهان آرا هم فرمانده سپاه خرمشهر بود.

از ژاندارمری هم سرگرد آریایی فرمانده بود که شعری هم در وصف دفاع از خرمشهر گفته بود.

به همت نیروهای گردان تکاوری که در شلمچه با دشمن بعثی درگیر شدند و سایر نیروهایی که در گوشه‌ای از خرمشهر می‌جنگیدند، مقاومت خرمشهر ۳۴ روز به طول انجامید.

*** دانشجویان دانشکده افسری هم در آن حماسه حضور داشتند؟**

دانشجویان دانشکده افسری هم در روزهای آخر به ما پیوستند و از پل عبور کردند و به میدان فرمانداری آمدند و چند روزی هم بودند. فیلم روز سوم بخشی از رشادت‌های یکی از شهدای این مقاومت را به تصویر کشیده است.

فاصله شلمچه تا پل نو حدود ۱۵ کیلومتر است. آن وقت این جاده‌ای که اکنون بزرگراه است، خاکی بود. حداکثر زمانی که تانک و نفربر این مسیر را طی می‌کند، ۲۴ ساعت است. پل " نو" نخستین محل استقامت بود، چون هم رودخانه، هم نهر و هم پل بود. حال از اینجا تا پل خرمشهر چقدر راه است؟

در این بین، گمرک، راه آهن، کشتارگاه، اماکن اداری و فضای بازی که هیچ کس در آن نیست، وجود دارد و پس از آن هم خیابان خرمشهر است و در این منطقه هیچ پادگان نظامی نیست. دشمن بعثی از پل نو تا پل خرمشهر، ۳۴ روز معطل شد. کاری که می‌خواستند در یک روز انجام بدهند، ۳۴ روز معطل شدند.

برآورد آنها این بود که یک روزه خرمشهر را می‌گیرند و در سه روز خوزستان را از ایران جدا می‌کنند و در نهایت در روز هفتم، صدام در تهران مصاحبه می‌کند. ما می‌گوئیم هرکس در خرمشهر جنگید، در همان روز اول دشمن را شکست داد چون راهبرد دشمن شکست خورد و وادار شد مسیر و راهبردش را تغییر دهد. این شکست بزرگی برای دشمن بود. به طوری که پل خرمشهر را تخریب کرد. ما می‌خواستیم از آن سو، پل را تخریب کنیم اما دیدیم خودشان زودتر پل را تخریب کردند.

در روزهای آخر مقاومت دو گردان از لشکر ۷۷ ارتش هم آمدند، از پل عبور کردند و تا میدان فرمانداری هم آمدند اما وقتی فضا تنگ شد، ادوات و تجهیزاتشان ماند.

*** درباره روز اشغال خرمشهر هم خاطره‌ای بیان کنید**

صبح روز چهارم آبان، ساعت ۴ صبح بود. ناخدا صمدی دستور داد که از عرض رودخانه عبور کنیم و به آن سوی خرمشهر برویم. ده، پانزده نفری بودیم. با چشمان گریان سوار بر قایق‌ها شدیم و از عرض رودخانه کارون عبور کردیم و در آن سوی کارون نشستیم به امید این که شاید دوباره به آن سوی رودخانه برگردیم. خیلی از نیروهای مردمی قایق نداشتند



*** به همت نیروهای گردان تکاوری که در شلمچه با دشمن بعثی درگیر شدند و سایر نیروهایی که در گوشه‌ای از خرمشهر می‌جنگیدند، مقاومت خرمشهر ۳۴ روز به طول انجامید**

و در جریان عبور از رودخانه به شهادت رسیدند.

پل تحت تسلط دشمن بود. برخی هم از مسیر کارخانه صابون سازی که به سمت دارخوین ادامه پیدا می‌کند، از شهر خارج شدند.

دشمن اگر یک روزه خرمشهر را تصرف می‌کرد، قطعا خوزستان را می‌گرفت. حماسه مقاومت مردم و نیروها در خرمشهر اینجا معنا پیدا می‌کند و چه شد که ۳۴ روز دشمن پشت دروازه خرمشهر ماند؟ آنجا بود که دشمن فهمید برآوردهایش غلط بوده است.

من افتخارم این بود که جزو یکی از نیروهای گردان تکاوران نیروی دریایی ارتش در خرمشهر بودم. گردان در ۳۴ روز مقاومت، حدود ۸۰ شهید داد و نزدیک به ۲۰۰ نفر هم مجروح شدند. اما نتیجه این ایثارگری‌ها نتیجه‌ای ارزشمند بود. نیروهای ما در خرمشهر سازمان یافته نبودند. گردان ما، به اضافه یک گروهان از ژاندارمری و یک گروهان از شهربانی و نیروهای سپاه، کمیته و مردمی بودند. گردان دژ خرمشهر هم در بیرون شهر مستقر بود. در مجموع توان ما یک تیپ هم نمی‌شد. اما دشمن با همه تجهیزات و نیروهایش آمده بود. جنگ در خرمشهر، در جهان نمونه ندارد. در خرمشهر لحظه‌ای نبود که صدای خمپاره، رگبار و تیربار نیاید. آنقدر گلوله بر سر خرمشهر ریختند تا مقاومت را زودتر بشکنند اما نتوانستند. خیابان به خیابان، قدم به قدم، متر به متر این شهر خون شهیدی ریخته شده و حق است که می‌گویند با وضو وارد خرمشهر شوید. حماسه مقاومت خرمشهر اینگونه شکل گرفت.

*** آبادان چگونه محاصره شد؟**

دشمن دومین ضربه و شکست را وقتی خورد که نتوانست محاصره آبادان را کامل کند. دشمن وقتی نتوانست از پل خرمشهر عبور کند، رفت دور زد و ۹ آبان با نصب پل بر روی بهمن شیر به کوی ذوالفقاری آمد و وارد نخلستان‌ها شد. در آنجا ما به همراه گردان کهتری و نیروهای مردمی بلایی بر سر عراقی‌ها آوردیم. ابتدا پل را زدیم و سپس هر کسی از دشمن که در این سو مانده بود به همراه نفربرها و خودروهایشان زدیم. در آنجا دشمن تار و مار شد. این دومین شکست عراق پس از آغاز جنگ بود.

دشمن وقتی از شلمچه وارد خاک کشور شد، نخستین جاده، جاده خرمشهر – اهواز روبرویش بود که قطع کرد. بعد از آن جاده آبادان – خرمشهر بود که آن هم قطع کرد. جاده سوم، آبادان –ماهشهر بود که آن را هم قطع کرد. ادامه مسیرشان باتلاق و شنزار بود که از آن نتوانستند عبور کنند.

شهید تندگویان در موقعیتی اسیر شد که راه‌ها را بسته بودند. وقتی خواستند از آن مسیر عبور کنند، بچه‌های ما بهشان گفتند که از اینجا عبور نکنید. آنها گفتند ما از بی‌راهه می‌رویم اما متاسفانه در کمین دشمن افتادند و اسیر شدند.

دشمن تمامی راه‌های مواصلاتی به آبادان را بسته بود. اما چه شد که محاصره آبادان کامل نشد؟ دشمن چون نتوانسته بود از سوی خرمشهر به سوی آبادان بیاید، لذا دور زده بود و می‌خواست آبادان را محاصره کند. یک سوی آبادان بهمن شیر است که عراقی‌ها بودند. سمت غربی آبادان هم اروند و خاک عراق است. شمالش هم کارون و خرمشهر است. لذا باید یک راه وجود می‌داشت تا ما بتوانیم نیرو، تجهیزات، آذوقه و مهمات جابجا کنیم و آن هم راه دریا بود. عراق نمی‌توانست بر دریا تسلط داشته باشد. ما هم با یکان شناور نتوانستیم کاری کنیم منتهی دو وسیله به کمک ما آمد تا محاصره آبادان کامل نشود. یکی هواناوها(هاوکرافت) و دیگری هم بالگردهای آر.اچ بودند که به اندازه شنوک بزرگی دارند. با پشتیبانی که از طریق بندر امام و ماهشهر گرفتیم، توانستیم خط تدارکات آبادان را حفظ کنیم تا این شهر محاصره کامل نشود.

دشمن بعثی طی این مدت، سه ضربه خورد که در هر سه این‌ها نیروی دریایی نقش داشته است. از این سه حماسه خیلی جاها گفته نشده است. بارها هم به دوستان گفته‌ام که درباره کامل نشدن محاصره آبادان کتابی نوشته شود.

*** شما در عملیات بیت المقدس و آزادسازی خرمشهر هم بودید؟**

افتخارم این بود که در گوشه‌ای از این عملیات هم حضور داشتم. عملیات آزادسازی خرمشهر(بیت المقدس) سه یا چهار مرحله بود. ما در مرحله نخست و آخر حضور داشتیم. در مرحله نخست در جریان عبور از رودخانه ما کمک شایانی کردیم. همه قایق‌ها و تعدادی از هواناوهایمان آنجا بودند که توانستند نیروها را از عرض رودخانه عبور دهند. یکی از ویژگی‌های خاص این عملیات، عبور از رودخانه است و این کار یکی از سخت‌ترین کارهای نظامی‌ست. ایران به خاطر سرعت عمل در عبور از رودخانه توانست دشمن را غافلگیر کند. در یک شب تا صبح، ۲۰۰ هزار نفر از رودخانه عبور کردند. در گوشه یکی از کتاب‌ها به حضور ۳۰۰ قایق برای انتقال نیروها اشاره شده است که چیزی حدود ۳ یا ۴ گردان دریایی این کار را انجام داده بودند. انجام این کار در مدت زمان ذکر شده، نیاز به هنر خاصی دارد تا نیروها به سرعت سرپل‌ها را بگیرند که دشمن حتی فرصت نکند، سرپل‌ها را بزند.

در آخرین مرحله عملیات هم از منطقه حفار با همان گردان تکاوران وارد عملیات شدیم. ما در آن مرحله همه ساحل رودخانه کارون، از حفار تا اروند را پاکسازی کردیم. سپس از رودخانه عبور کردیم و وارد خرمشهر شدیم و در آنجا نماز شکر خواندیم و باردیگرچشمانمان گریان شد. اما آن چیزی که نمود داشت این بود که خدا خرمشهر را آزاد کرد. به اسارت گرفتن ۱۹ هزار نیروی بعثی، عبور از موانع مصنوعی و طبیعی و ۲۴ روز مقاومت نیروها نشان از خواست خدا بود. نیروها ۲۴ روز به طور مداوم جنگیدند و استراحت نکردند و در تاریخ جنگ‌های جهان این مداومت سابقه نداشته است. امیر حسنی سعدی می‌گفت وقتی وارد خرمشهر می‌شدیم خیلی‌ها اصلا خواب نبودند و به سختی و در خواب و بیداری ، سلاح به دست راه می‌رفتند.

رژیم بعث عراق و حمایت قدرت های جهانی

بخش دوم و پایانی

اشاره: «**حمایت قدرت های جهانی از رژیم بعث عراق درجنگ تحمیلی علیه ایران**» عنوان مقاله‌ای است که بخش اول آن در شماره قبل به چاپ رسید. بخش دوم و پایانی این مقاله را می‌خوانیم.

کمک های شوروی

شوروی بزرگترین صادرکننده ادوات و تجهیزات نظامی به عراق بود واغلب تجهیزات مورد استفاده عراق در جنگ تحمیلی ساخت کشور شوروی بود در ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰، طارق عزیز وزیر امور خارجه عراق در سفری که به مسکو داشت توانست موافقت شوروی را برای اعطای کمک‌های تسلیحاتی به رژیم بعث عراق جلب کند. در آن زمان شوروی امکان ارسال مستقیم تسلیحات نظامی را به عراق نداشت. از این رو تصمیم گرفت این کار را با کمک چند واسطه انجام دهد. کشورهای بلغارستان، آلمان شرقی و لهستان کشورهایی بودند که تسلیحات شوروی از طریق آنها به دست عراق می‌رسید. نخستین محموله از سلاح های مدرن شوروی در زمستان همان سال به عراق تحویل داده شد. بعد از آن که شوروی نخستین محموله از تانک‌های تی–۵۵ خود را که بالغ بر ۱۴۰ عدد بود، در بصره به عراق تحویل داد؛ فوراً طی نامه‌ای به حکومت وقت ایران، اطمینان خاطر داد که در جنگ میان ایران و عراق جانب بی‌طرفی را رعایت می‌کند. برخی از کمک‌های نظامی شوروی به عراق عبارتنداز: ۳۵۰ موشک زمین به زمین از نوع اسکاد ، ۱۰۰۰ تانک تی۶۲ ، ۴۰۰ تانک تی۵۵ ، تانک تی۷۲ ، ۷۰ فروند میگ۲۱ ، ۷۰ فروند میگ۲۳ ، ۲۳ فروند میگ۲۵ ، ۲۵ فروند میگ۲۹ ، ۴ فروند هواپیمای سوخت رسان توپولف۷۲،۷۳ فروند سوخو۲۵،۵۰ فروند سوخو۱۷ .

کمک های فرانسه

فرانسه درمقایسه باسایرکشورهای اروپایی، پیشرفته ترین تسلیحات را به کشور عراق واگذار کرد. این کمک ها که ازسال۱۳۵۹ تاسال۱۳۶۷ ادامه داشت که ارزش تقریبی آن۱۱میلیارد دلاربود و حدود ۷میلیارد دلار آن درقالب وام واعتبارات به دولت عراق واگذار شد . هواپیماهای سوپراتاندارد،موشک های اگزوست am۳۹، موشک های هوابه هوای ماژیک۱ از دیگر تسلیحاتی بود که فرانسه در اختیار صدام قرار داد.

کمک های انگلیس

فروش بیش از ۳۱/۵ میلیارد دلار ابزار ماشین انگلیسی و۱/۲ میلیارد جنگ افزار درسال ۱۹۸۷ بیانگر جهش همکاری نظامی انگلیس با عراق بود . در ژوئن ۱۹۸۲ صدام تصمیم گرفت برنامه پر هزینه ساخت شبکه پناهگاه های زیر زمینی را به اجرا بگذارد تا بتواند منابع استراتژیک خود را از خطر حملات هوایی مصون بدارد . بر این اساس شرکت های انگلیسی طرحی را ارائه کردند که به موجب آن برای ۴۸ هزار سرباز پناهگاه امن ساخته می شد . هر پناهگاه تونل پولادین داشت و می توانست تا ۱۲۰۰ نفر را در خود جا دهد .

کمک های کویت و عربستان: کشورهای عربی به ویژه کویت و عربستان با ارسال کمک‌های مالی و نظامی شان به عراق بخشی از هزینه‌های این کشور را در دوران جنگ تحمیلی علیه ایران متحمل می‌شدند. برابر گزارش محرمانه‌ای که در آن مقطع زمانی منتشر شد، دو کشور یاد شده در مجموع ۲۵ تا ۵۰ میلیارد دلار را به طور قرض یا وام بلاعوض در اختیار عراق قرار دادند. بعدها، پس از بروز اختلاف میان عراق و کویت و اظهارات مقام های عراقی مبنی بر "جنگ با ایران به تنهایی"،ابوغزاله، معاون اسبق رئیس جمهوری و وزیر دفاع مصر، ادعای عراق را به عنوان یک دروغ بزرگ تعبیر کرد و گفت: "تنها کویت و عربستان بیش از ۶۰ میلیارد دلار به عراق کمک کردند.همزمان، "شیخ الصباح" سفیر کویت در واشنگتن هم در پاسخ به اظهارات عراقی‌ها گفته بود : "کویت ۱۴ میلیارد دلار کمکهای نقدی و بیش از ۱۶ میلیارد دلار از طریق کمک های خدماتی و غیره به ماشین جنگی عراق مساعدت کرده است ؛ کویت در زمان جنگ بیش از نیاز نفت صادر می‌کرد تا به صدام در جنگ کمک کند." بعدها کویتی‌ها اعلام کردند، افزون بر کمک های مالی، پایگاه نیروهای هوایی در اختیار عراق قرار دادند که همین امر به عراقی‌ها برای حمله به جزیره خارک، پایانه‌های نفتی ایران و نفتکش‌ها کمک شایانی کرده بود.

نتیجه گیری

تاریخ معاصر ایران همواره در پی بروز هر جنگی، شاهد جدایی بخش هایی از این سرزمین پهناور به دست بیگانگان بوده است. اما به رغم پشتیبانی قدرت های بزرگ از عراق، روند مذکور در جنگ ایران و عراق ادامه پیدا نکرد و سرفصل جدیدی از تاریخ ایران را در صفحات تاریخ به ثبت رساند. در این جنگ نه فقط یک وجب از خاک ایران در دست نیروهای عراقی باقی نماند، بلکه عراق به عنوان کشور متجاوز به نظام بین الملل معرفی شد.جنگ تحمیلی فقط جنگ بین ایران و عراق نبود بلکه جنگی بود که کشورهای اروپایی و عربی هم در کنار صدام و بر علیه جمهوری اسلامی صف آرایی کرده بودند و هدف نهایی جنگ ، نابودی نظام اسلامی بود. در مجموع بسیاری از آمارها و گزارش ها درباره حمایت جهان عرب و برخی از کشورها از جمله کویت، عربستان و اردن از عراق در جریان جنگ تحمیلی علیه ایران، به روشنی نشانگر آن است که عراق از جنبه‌های چشمگیر نظامی و اقتصادی از حمایت بی‌دریغ بسیاری از این کشورها، بهره‌مند بوده است. همچنین تعدادی از کشورهای منطقه هم حضور مستقیم در جنگ داشتند و با اعزام نیروهای خود به عراق رژیم بعثی را در مقابل ایران حمایت می کردند این جنگ تنها جنگی بود که بلوک های شرق و غرب بر علیه یک کشوری متحد شدند ولی انتظارشان و هدف گذاری شان نتیجه نداد و جمهوری اسلامی همچنان به حیات خود ادامه می دهد و اکنون قدرت برترمنطقه است و درعرصه های بین المللی هم ازکشورهای مطرح جهان به شمار می‌آید.امام خمینی(ره) محوری ترین عاملی بود که در طول هشت سال دفاع مقدس، سبب اتحاد و همدلی نیروهای مردمی در راستای جهاد و دفاع از سرزمین و کیان انقلاب اسلامی ایران محسوب می شود . شخصیتی محبوب و دوست داشتنی بود که با نفوذ معنوی خود در بین مردم ایران و جوانان به آن ها شور و شوق و اعتماد به نفس می بخشید.

این مسأله منجربه حضور مداوم و پرصلابت مردم و رزمندگان در جبهه های جنگ شد. حضور گسترده و مردمی ما در دوران دفاع مقدس و حتی پیروزی های ما در جنگ تحمیلی مرهون رهبری لایق و شایسته او است.



پزشک در ردای نخست وزیر

یادداشت‌های دکتر «ماهاتیر محمد»
نخست وزیر مالزی طی ۲۲ سال (۲۰۰۳ـ۱۹۸۱م.)
ترجمه: محمّد مقدّس

۱۱۴

پزشکان در آمریکا معمولاً از بیم تعقیب قضایی، از معالجه قربانیان حوادث یا داوطلب شدن برای این کار و ارائه کمک به کسانی که در حین پرواز در هواپیما دچار ناراحتی می‌شوند، خودداری می کنند و برای پیشگیری از این تعقیب، خواهان آزمایش‌های پاتولوژی پرهزینه و غیرضروری می‌شوند. متأسفانه جنبه انسانی موضوع فراموش شده و درمان بیماران نیز همچون یکی از حرفه‌های دیگر شده است.

به طور کلی، جرّاحی، آرامش بزرگی نصیبم ساخته است. هنوز هم دو دستانم کاملاً ثابت و بدون لرزش هستند، هرچند می‌دانم با توجه به اینکه بیش از ۳۰ سال است از فعالیّت‌های جرّاحی گسسته‌ام، دیگر آماده انجام عمل جراحی نیستم. مشتاق بازگشت به کار پزشکی هستم ولی شور و شوقم به جراحی، فراتر از هر چیز دیگری است. با این حال مطمئن نیستم که بتوانم یا مایل باشم اقدام به جراحی‌های پیچیده‌ای کنم که امروزه با بهره‌گیری از ابزارهای فوق‌العاده پیچیده صورت می‌گیرد. به نظرم جراحی، مهارتی انسانی است که به من امکان داده چیزهای زیادی به دیگران تقدیم کنم: زندگی، شفا و سلامت.

من در سال ۱۹۵۷م. یعنی سال استقلال [مالزی]، خدمت دولتی را ترک و مطب شخصی خود را افتتاح کردم. هرچند شماری از همکاران و دوستان به من توصیه کردند که چنین نکنم ولی من قدم به قدم در پروژه خود پیش می‌رفتم. در آن ایام در "آلورستار"، مطب‌های خصوصی زیادی وجود نداشت و مطب من در واقع اولین مطبی بود که یک پزشک مالایایی در ایالت افتتاح کرده بود. مطب خود را "محا" نامیدم، مخفّف دونام "ماهاتیر" و "حاسمه"؛ هرچند همسرم هرگز با من در مطب کار نکرد و ترجیح داد به عنوان پزشک مسئول با دولت قرارداد همکاری داشته باشد و بنا به دلایلی هرگز در هیچ صندوق بازنشستگی شرکت نکرد لذا با وجودی که سالهای متمادی برای دولت کارکرده، هیچ حقوق بازنشستگی دریافت نمی‌کند. من وقتی نخست وزیر شدم، مطب خود را ترک کردم و شریکم دکتر "محمد یعقوب" عهده‌دار اداره آن شد و هنوز هم "محمد" هست و هم مطب.

من با وجود موفقیّت‌هایی که در حرفه پزشکی داشتم، قادر به اداره مطلوب مطب خود نبودم لذا مدیریت و دریافت هزینه‌ها را به دو تن از دامادهایم واگذار کردم. آنها اموال مطب را به دوستان قرض می‌دادند. من حدود ۲۰۰۰ دلاردر ماه درآمد داشتم که البته مبلغ زیادی نبود ولی از دریافتی‌ام بابت کار به عنوان پزشک کشیک دولتی بیشتر بود. پزشکان دولتی درآغاز حقوقی به مبلغ ۷۳۰ دلار در ماه می‌گرفتند و هنگامی که من مشغول به کار در این حرفه شدم مبلغ ۳۰ دلار به آن افزوده شد و بعبارت دیگر من در سال ۱۹۵۷م. مبلغ ۷۶۰ دلار در ماه دریافت می‌کردم لذا درآمد مطب خصوصی‌ام، نقطه عطفی به شمار می‌رفت. من پزشک مشهوری بودم و شمار بیماران ـ چینی و مالایایی و هندی‌ام ـ رو به افزایش بود و تا هر زمان که بیمارانم چشم انتظارند، هرگز مایل به استراحت نبوده‌ام. در اندک ماههای اول می‌توانستم پیش از وقت ناهار، همه بیمارانم را معاینه کنم و پس از آن ناهارم را نه در خانه بلکه در اتاق مشاوره صرف می‌کردم. ناهار هر روز من چند قطعه مرغ بود. همین که ناهارم را می‌خوردم، به دنبال بیماران جدید بودم زیرا با منتظر نگه داشتن آنها، احساس گناه می‌کردم. من نمی‌توانم درک کنم که چگونه کارمندان پذیرش بیماران می‌توانند با یکدیگر صحبت کنند و افراد منتظر را نادیده بگیرند. هنگامی که شمار بیمارانم افزایش می یافت، خیلی ساده ساعات کار خود را اضافه می کردم و پس از آن بود که سراغ بیمارانی می‌رفتم که از خانه‌های خود تلفنی با من تماس گرفته و احضارم کرده بودند. یکبار فرد بیماری با حسن نیت تمام به من گفت که نمی‌خواهد زیاد مزاحم شود زیرا بیماری خطرناکی ندارد لذا تصمیم گرفت به جای آمدن به مطب، مرا به خانه خود فرا بخواند. معاینه او در مطب، تنها ۱۰ دقیقه به طول می‌انجامید ولی برای رفتن به خانه او ناگزیر شدم مدت دو ساعت رانندگی کنم! گاهی آدم از این نوع محبت دیگران، دیوانه می‌شود.

ادامه دارد

جدال آمریکا و روسیه در آوردگاه سوریه

بخش اول



«تغییر نظام در سوریه اولویت اول آمریکا نیست» جمله ای بود که مقام‌های آمریکایی در تشریح مواضع خود درباره سوریه آن را مطرح می کردند، اما شلیک موشک‌های تام‌هاوک از دریای مدیترانه به سمت پایگاه الشعیرات، روی دیگر سکه را در اقدام یکجانبه واشنگتن نشان داد.برخی از کارشناسان غیر قابل پیش بینی بودن مرد اول کاخ سفید را ویژگی اصلی او قلمداد می کردند؛ حال اینکه چرخش مواضع ترامپ در قبال سوریه یکی دیگر از مواردی بود که حمله شیمیایی در ادلب بهانه خوبی را برای ورود واشنگتن به عرصه سوریه مهیا کرد. ورودی که رئیس جمهوری آمریکا آن را یک دستاورد بزرگ برای خود می داند.

گرچه ۱۰۰ روز اول ترامپ برای او پر از چالش برای تحقق شعارهای انتخاباتی خود بود، اما وجود این چالش‌ها سبب شد، ترامپ تا حدودی از مواضع خود عقب نشینی کند و در این صدد باشد تا نگاه‌ها را در داخل به سوی خود جلب کند. خبرگزاری خبرآنلاین طی مناظره ای با حضور دکتر جاوید قربان اوغلی مدیر کل پیشین خاورمیانه وزارت خارجه و حسن‌هانی زاده کارشناس مسایل خاورمیانه به بررسی ابعاد و زوایای ورود آمریکا در عرصه سوریه می پردازد که در ادامه می خوانید :

– چه عواملی باعث چرخش مواضع آمریکا در قبال سوریه شد؟ مقام‌های آمریکایی قبل تر اعلام کرده بودند که برکناری بشار اسد اولویت ما نیست، اما در ادامه دیدیم که ترامپ با حمله شیمیایی در ادلب دستور حمله به پایگاه الشعیرات را صادر کرد و به یکباره برخی از کارشناسان معتقدند که این اقدام ترامپ تهدیدی تو خالی بوده و برخی دیگر معتقدند که رئیس جمهور آمریکا تحت فشار افکار عمومی در داخل و برای فرار از این فشار دست به این اقدام زده است. ارزیابی شما در این باره چیست؟

* هانی‌زاده: وضعیت سوریه در حال حاضر بسیار پیچیده شده است. از پیروزی انقلاب اسلامی این کشور همپیمان استراتژیک جمهوری اسلامی ایران بوده و مرحوم حافظ‌اسد یک نگاه راهبردی به ایران داشت. حتی او در وصیت نامه ای که برای فرزندان خود و پسر ارشدش باسل الاسد که به طور مشکوکی کشته شد برجا گذاشت تاکید کرد که هیچگاه با ایران قطع رابطه نکنند. باسل‌الاسد گرایش‌های شیعی داشت و به همین خاطر توسط آمریکا ترور شد. وقتی که در سال ۱۹۹۵ خبرنگار نیویورک تایمز از حافظ‌اسد می پرسد که چرا سوریه ۲۲ کشور را رها کرده و فقط به ایران وابسته است، وی پاسخ می دهد که زمانی همه این کشورهای عربی علیه سوریه وارد جنگ می شوند و تنها ایران است که از کشور من دفاع می کند. حافظ اسد به دلیل کاریزما و سیاس بودن و همچنین داشتن تجربه نسبت به رخدادهای منطقه آگاه و هوشیار بود. برخی می گویند به دلیل این که آنها علوی هستند کشورهای سنی منطقه در صدد براندازی نظام سوریه هستند. ارتباط نزدیک ایران و سوریه منجر به شکل گیری محوری به نام مقاومت شد که شامل حزب الله، حماس و جهاد اسلامی است. بنده شخصا به حماس اعتقاد زیادی ندارم اما حضور آن را در عرصه مقاومت نمی توان انکار کرد. بعد از جنگ ۳۳ روزه، آمریکایی‌ها و غرب به شدت نگران شدند که حزب الله با وجود امکانات کم معادلات منطقه را به نفع شیعیان، محور مقاومت و ایران تغییر داده است.در همین راستا شکست رژیم صهیونیستی از حزب الله در تاریخ جنگ اعراب و اسرائیل بی سابقه بوده است.در جنگ شش روزه سال ۱۹۶۷ میان رژیم صهیونیستی و فلسطین، این رژیم ۸۰هزار کیلومتر مربع، از اراضی اعراب را اشغال کرد، اما در جنگ ۳۳ روزه این رژیم نتوانست حتی یک کیلومتر پیشروی کند و برای آنها یک سابقه خطرناکی از نظر آنها محسوب می شود. بنابراین ضربه زدن به محور مقاومت از زمان جورج بوش و خانم کاندولیزا رایس رقم خورد و در ادامه تصمیم گرفتند که ضعیف ترین حلقه این محور یعنی سوریه را از این محور قطع کنند. پس از اتمام جنگ ۳۳ روزه جورج بوش از ملک عبدالله پادشاه عربستان دعوت به عمل می آورد تا در مورد این مساله با یکدیگر رایزنی کنند. به غیر از ملک عبدالله، سعودالفیصل وزیر امور خارجه و بندر بن سلطان سفیر عربستان در آمریکا نیز در این گفتگو در مزرعه شخصی جورج بوش حضور داشتند. در این دیدار از قدرت حزب الله و تهدید اسرائیل صحبت شد.

ملک عبدالله در این دیدار ضرب‌المثلی را تحت این عنوان مطرح می کند "لا یفل الحدید الا الحدید" بدین معنا که آهن تنها با آهن پاره می شود و اگر بخواهیم با حزب‌الله مقابله کنیم باید تشکل جدیدی به موازات حزب الله با ایدئولوژی وهابیت تشکیل دهیم. در ادامه، این ماموریت به بندر بن سلطان واگذار می شود که از همان جا اقدام به جمع‌آوری نیرو از ۸۰ کشور مختلف جهان می کنند و این افراد را در پادگان" الرمسه" اردن آموزش می دهند. ماموران سیا و افسران پنتاگون در آموزش این افراد که از سال ۲۰۰۷ آغاز شد،دخیل بودند و تمامی هزینه‌های مربوط را نیز عربستان سعودی پرداخت کرد. سپس این افراد آموزش دیده به درعا منتقل می شوند و این وضعیت اسفناک را برای سوریه ایجاد می کنند. شواهد نشان می دهد که عربستان در این زمینه چیزی بالغ بر ۳۶ میلیارد دلار هزینه کرده است. ترکیه، قطر، انگلستان، فرانسه، آمریکا، اسرائیل و اردن از دیگر کشورهایی هستند که از جریان‌های تکفیری حمایت می کنند. هدف تمامی این کشورها در وحله اول مبارزه با محور مقاومت است و لذا با وجود بشاراسد مقابله با محور مقاومت برای آنان امکان پذیر نیست. در نتیجه این کشورها در این صدد هستند که دولت را در سوریه سرنگون کنند و به جای آن دولتی دست نشانده را در آنجا مستقر کنند. اولویت‌های بعدی آنان نیز از بین بردن حزب الله و سپس مقابله با ایران است.اما حمله موشکی آمریکا حاوی پیامی بود. هدف آنان این بود که با ورود به بحران سوریه بتوانند معادلات را در سوریه تغییر دهند. یعنی روسیه را از این معادله خارج، بشار اسد را برکنار کنند. در نهایت عرض کنم که آمریکا درصدد ایجاد نقشه‌ای جدید در خاورمیانه است.

* قربان‌اوغلی: بنده معتقدم که حمله موشکی آمریکا به سوریه متاثر از سه مولفه است.۱-تغییر در سیستم تصمیمگیری آمریکا و روی کار آمدن دونالد ترامپ.ترامپ و تیم او با این اقدام که بدون کسب مجوز از شورای امنیت و بدون نیاز به ائتلاف جهانی نشان داد که دوره اوباما در موضوعات جهانی به پایان رسیده است .۲-مهار روسیه که در دوران اوباما که طی چند سال گذشته گام‌های متهورانه ای را در بحران‌های منطقه ای و در تقابل با غرب برداشته است و تاثیر گذاری بر روند میدانی بحران سوریه که به نفع اسد و متحدانش روسیه و ایران در حال تغییر بود. ۳-مهار مخالفت‌های داخلی با توسل به ایجاد بحران در خارج و تغییر جهت افکار عمومی آمریکا.

به نظر من حمله موشکی به سوریه در نقطه ای از پازل بزرگترورویارویی غرب با روسیه جدید قرار دارد.بحران سوریه موضوعی نیست که فقط در چارچوب منطقه تفسیر شود. ورود روسیه به بحران سوریه و حمایت جدی نظامی این کشور و حفظ تنها پایگاه نظامی خود در خاورمیانه یعنی پایگاه "طرطوس" واقع در سوریه از دیگر موضوعاتی است که در تحلیل رویدادهای خاورمیانه امری مهم به شمار می رود. خاورمیانهHeartland یعنی قلب سرزمین دنیاست و هیچ ابرقدرت یا قدرت بزرگ، بدون داشتن جاپایی محکم در این منطقه نمی تواند ادعای ابرقدرتی کند. روس‌ها پس از تحولاتی که از سال ۱۹۹۰ آغاز شد تبدیل به یک قدرت درجه دو شدند، با روی کار آمدن پوتین بازسازی قدرت روسیه و احیا آن را در پی داشت. برای تحقق این امر فقط بازسازی اقتصادی برای روس‌ها کافی نبود.حضور و نقش آفرینی منطقه وجهان از ضروریات تحقق این هدف بود. در بحران اوستیا ،روسیه با قدامات خود چنگ و دندانی به دنیا نشان داد.سپس مساله اوکراین به میان آمد که منجر به اشغال شبه جزیره کریمه از سوی روسیه شد و دیدیم که غرب در مقابل این اقدام آچمز شد. به عقیده من روس‌ها با هوشمندی کامل و با دو هدف وارد سوریه شدند. مورد اول همانطور که عرض کردم روس‌ها باید به عنوان قدرت برتر در سوریه سهیم باشند تا بتواند قدرت چانه زنی خود در برابر غرب و بخصوص آمریکا را در موضوعات بین‌المللی بالا برند. سوریه مهمترین گزینه برای این کار بود. مورد دوم و مهمی که در این زمینه وجود دارد هوشمندی و تفکر امنیتی ولادیمیر پوتین است که حضور و تثبیت خود در منطقه قصد دارد در معادلات جهانی تغییر ایجاد کند.حمله موشکی آمریکا در رابطه با اقدامات روسیه وایجاد مانعی درمقابل آن بود.تصور می کنم تیم جدید کاخ سفید با حمله موشکی به سوریه ترمز روسیه را کشید؛ به تعبیر بهتر آمریکای ترامپ مدعی بازگشت به دوران ریگان است.آمریکا قصد دارد این پیام را به کرملین بدهد که بر خلاف دوره اوباما،آمریکا آماده واردشدن به فاز جنگ سرد با روسیه است و روسیه باید آماده پرداخت هزینه‌های رویارویی سیاسی و نظامی باشد.در واقع این اقدام ترامپ بازگشت به یکجانبه گرایی دوره نئوکان‌هاست. کاخ سفید تنها چند ساعت قبل از حمله موشکی روسیه را مطلع کرد تا فرصت داشته باشد نیروها و ادوات خود را خارج کنند.

سوالی که در اینجا پیش می آید این است که چرا روس‌ها واکنش جدی به این قضیه نشان ندادند؟ در مساله سرنگونی سوخو دیدیم که آنها تا کجا پیش رفتند و اردوغان را به ذلت کشاندند. اما در واقعه حمله موشکی وقتی تیلرسون نیز به روسیه سفر کرد، روس‌ها ابتدا اعلام کردند که در برنامه‌ها وی با پوتین دیداری نخواهد داشت ولی در ادامه دیدیم که وزیر امور خارجه در نهایت به کرملین رفت و با پوتین نیز دیدار کرد. بنابراین حمله آمریکا به سوریه برای روس‌ها حاوی پیام بود، هم در قضیه سوریه و هم در مساله جهانی.مخاطب دیگر پیام حمله موشکی ،ایران به عنوان یکی از طرفین سوریه بود.اما در بعد میدانی همانطور که آقای‌هانی زاده اشاره کردند، این حمله تغییری در معادله قدرت نداد. آن طور که آمریکایی‌ها ادعا می کنند ۲۰درصد توان هوایی در این حمله از بین رفته است. البته باید بررسی کرد که آیا واقعا چنین بوده یا خیر. اما در نهایت هدف آمریکایی‌ها این بود تا معادله قدرت را در سوریه که به نفع این کشور و متحدانش یعنی ایران و روسیه در جریان بود را دچار چالش جدی کند و به عقیده من تا حدودی نیز موفق عمل کردند.

– آقای‌هانی زاده آیا تغییر موضع آمریکا در قبال سوریه و حمله موشکی این کشور به سوریه حاوی پیامی به ایران بود؟ آیا می‌توان پنداشت که احتمال حمله به ایران نیز جنبه دیگر این اقدام بود؟

* هانی‌زاده: هزینه حمله موشکی آمریکا را عربستان سعودی از قبل تعیین کرده بود و طی آن صد میلیون دلار بابت آن پرداخت. در جریان سفر محمد بن سلمان به آمریکا از قبل برنامه ریزی صورت پذیرفت. من هم موافق هستم که این حمله حاوی پیامی برای ایران، حزب الله، و روسیه است. روس‌ها در قضیه کره شمالی و در جهت برقراری موازنه و تعادل می توانند در برابر آمریکا نقش‌آفرینی کرده و از آن به عنوان یک چکش استفاده کنند. اما باید در نظر داشته باشیم که وضعیت ایران با روسیه کاملا متفاوت است. هدف اصلی نیز از بین بردن محور مقاومت در منطقه است. وجود چنین عاملی باعث می‌شود که در آینده کسی نتواند برای اسرائیل دردسرساز شود. آمریکایی‌ها نیز خواستار این هستند تا کلید طلایی خاورمیانه در دست اسرائیل باشد. بر اساس طرح خاورمیانه جدید، اسرائیل به عنوان قدرت برتر و دارای تعامل فرادستی با همه کشورهای عربی است. برای مثال دیدیم که "لیبرمن" پیش تر وزیر امورخارجه بود ولی در حال حاضر وزیر جنگ اسرائیل است. وی اعلام کرده بود که آنقدر درخواست برقراری ارتباط از سوی کشورهای عربی به ما رسیده است، اسرائیل هنوز فرصت بررسی و بازنگری پیدا نکرده است. بنابراین به نظر من عربستان یکی از محورهای تشکیل جبهه عبری- عربی و عثمانی خواهد بود. عربستان، ترکیه و اسرائیل به عنوان پاشنه آشیل جمهوری اسلامی ایران جبهه قدرتمندی را تشکیل خواهند داد و مزاحمت‌هایی را برای ما ایجاد خواهند کرد. در آینده نیز شاهد خواهیم بود که سفارتخانه‌های رژیم صهیونیستی در شش کشور عضو شورای همکاری‌های خلیج فارس افتتاح خواهند شد. در وضعیت کنونی ایران در معرض تهدید قرار دارد و باید جدی گرفته شود. حمله موشکی ترامپ به سوریه و اعمال تحریم‌های آمریکا علیه ایران به دلیل فشار لابی صهیونیستی و عربستان است که وضعیت را تغییر دهند. در حال حاضر همه بازیگران بحران سوریه بر این عقیده هستند که در شش سال گذشته، نتوانسته‌اند تاثیری در وضعیت شطرنج میدانی و نظامی سوریه ایجاد کنند و بایستی کار را یکسره کنند. حتی اخیراً یکی از رهبران معارضان سوری، شخصی به نام "کمال‌اللبوانی" در راس هیاتی به اسرائیل رفت و قراردادی بین طرفین امضا شد که اگر قدرت را دست بگیرند، حزب الله را نابود می کنند و جولان را برای همیشه در اختیار اسرائیل قرار می دهند. وضعیت سوریه در حال حاضر بیش از پیش پیچیده شده است و ایران در تصمیم گیری‌های خود باید هوشمندانه عمل کند. در مورد روسیه نیز باید هوشیار باشیم؛ این کشور همیشه در آخرین لحظه منافع خود را در نظر می گیرد و همپیمانان خود را کنار می گذارد. امیدوار هستیم که پوتین از وضعیت عراق و لیبی تجربه‌هایی کسب کرده باشد و دیگر دوستان و همپیمانان خود را تنها نگذارد. اگر این امر محقق شود احتمال حذف محور مقاومت کمتر می شود. اما اگر روسیه در مواجهه با آمریکا و برای مثال در مساله شبه جزیره کریمه بتواند امتیازی را از این کشور بگیرد و توافقات بیشتری انجام دهد، کار ما سخت تر خواهد شد.

ادامه دارد

مولاوردی :اراده مردم در واگذاری مسئولیت به زنان بیشتر از اراده مسئولان است

شهیندخت مولاوردی معاون رئیس جمهوری در امور زنان و خانواده نوشت: نتایج اولیه شمارش آرای انتخابات شوراهای شهر و روستا از ورود شایان توجه زنان به این پارلمان های محلی در اقصی نقاط کشور حکایت دارد، این اتفاق مبارک را نباید دستکم گرفت و راحت از کنار آن عبور کرد.

به گزارش ایرنا شهیندخت مولاوردی درکانال تلگرامی نوشت: زنان و دختران در چهار دوره فعالیت این شوراها، هم در مرحله ثبت نام ها و کاندیداتوری و هم در مرحله انتخاب شدن و عضویت در این سازوکارهای مدیریت شهری و روستایی گام به گام و آهسته و البته پیوسته، حضور و قدرت نمایی خود را به رخ کشیده اند. در این دوره هم شاهد افزایش درصد کاندیداهای زن از ۲،۴ به ۳،۶ درصد بودیم که هر چند این نسبت فاصله معناداری با قابلیت های زنان و دختران کشور دارد، اما از تقویت و ارتقای اعتماد به نفس و خودباوری آنان پرده بر میدارد.

از سوی دیگر افزایش تعداد منتخبان زن در شوراهای شهر و روستا که نشانه تقویت و ارتقای اعتماد عمومی و باور جامعه به توانمندی و شایستگی و صلاحیت زنان برای اداره امور است، رابطه مستقیمی با افزایش تعداد مدیران زن و انتصاب زنان در پست های کلیدی و جایگاه های تصمیم گیری دارد .

مولاوردی افزود: اراده ای که از پایین به بالا شکل گرفته و در حال پیش روی است، می رود تا گوی سبقت را از تصمیم گیرانی که هنوز در واگذاری مسئولیت ها به زنان و جوانان دست و دلشان می لرزد، برباید و با تمرین و ممارست زنان در این شوراها و با تجربه اندوزی و کسب مهارت لازم، راه را برای ایفای نقش آنان در عرصه های ملی و کلان تر هموار نماید و از اینجاست که سقف ها و حصارهای شیشه ای به مرور شروع به ترک برداشتن می کنند .

معاون رئیس جمهوری در امور زنان و خانواده ادامه داد: شکستن رکورد حضور زنان در شورای شهر تهران، کسب رتبه نفر اولی در برخی حوزه‌های انتخابیه، راهیابی ۴۱۵ زن به شوراهای استان سیستان و بلوچستان، انتخاب تمام اعضای شورای یک روستا از بین زنان در بخش مرکزی خاش و در مجموع انتخاب ۷۰ زن در شوراهای روستاهای آن بخش، نمونه ای از پدیده های دهمین دوره انتخابات شوراهای شهر و روستا تا این روز است و باید برای تحلیل و جمع بندی نهایی چند روزی منتظر بمانیم، ضمن آنکه ثبت نام صرفا زنان از دو روستای دورافتاده استان های سیستان و بلوچستان و هرمزگان نیز در این چارچوب قابل ارزیابی است. این دستاوردهای ارزنده و چشمگیر را به منتخبان شوراهای شهر و روستا که مسئولیت حفظ این اعتماد بیش از همه بر دوش آنان سنگینی می کند و بر همه زنان و دخترانی که جانانه و با اعتماد به نفس ستودنی پا به عرصه مبارزات انتخاباتی گذاشتند، اما فرصت حضور در شوراها را در این دوره نیافتند و به مردم شریف ایران که با اعتماد خود راه را برای تحقق «حق زنان بر شهر و روستا» هموار کردند، تبریک عرض می کنم.

جهانگرد آلمانی پس از ۵ سال پیاده روی ، به مشهد رسید



سرویس شهرستانها: جهانگرد آلمانی در سفر پنج ساله با پای پیاده، پیام صلح و دوستی را به مشهد رساند.

«توماس‌هاینریش اشموکل» جهانگرد آلمانی که تحصیلکرده رشته اقتصاد است، گفت: سال‌ها به امور بیمه اشتغال داشتم و در پنجاه سالگی سفرم را از آلمان به مقصد خاور دور با هدف صلح جهانی آغاز کرده‌ام.

وی افزود: برای شروع سفر، کار را رها کردم و در زمینه‌های صلح، ادیان، عرفان و اسلام به تحقیق و بررسی پرداختم.

وی با بیان این که حدود ۵ سال است که‌هامبورگ را ترک کرده ام، افزود: تاکنون به کشورهای سوریه، ترکیه، ارمنستان و ایران سفر کرده‌ام و مسیر حرکت خود را در کشورهای افغانستان، پاکستان، هندوستان، تبت و میانمار ادامه خواهم داد.

این جهانگرد گفت: در این مدت ۲۰ هزار کیلومتر را در ۳ سال پیمودم و ۲ سال نیز برای انجام فعالیت‌های صلح‌طلبانه در کشور ارمنستان به سر بردم.

او افزود: در سفر به مشهد صحن و سرای حرم مطهر رضوی مرا مجذوب کرد و تحت تاثیر شکوه این بارگاه منور قرار گرفتم زیرا حرم حضرت امام رضا (ع) همانند آینه‌ای است که زیبایی‌های درون انسان‌ها را منعکس می‌کند.

محدودیت‌های رانندگی برای «نوگواهینامه‌ها»

سرویس حوادث: رئیس پلیس راهور ناجا در تشریح محدودیت‌های رانندگی نو گواهینامه‌ها گفت: این افراد تا ۳ماه اجازه ندارند به تنهایی و بدون حضور افراد دارای گواهینامه رانندگی کنند.

سردار تقی مهری با اعلام این مطلب که یک میلیون و ۶۲۵هزار گواهینامه جدیدالصدور صادر شده است، به محدودیت‌هایی که برای گواهینامه‌های جدید پایه۳ تعلق می‌گیرد، اشاره کردو اظهار داشت: برابر دستورالعمل‌های جدید برای این دسته از رانندگان محدودیت‌هایی اعمال خواهد شد.

وی اضافه کرد: این افراد از ساعت ۱۲ شب تا ۵ صبح نیز اجازه رانندگی ندارند؛ همچنین اجازه رانندگی در جاده‌های برون‌شهری را نیز ندارند.

رئیس پلیس راهورناجا به نصب علامت احتیاط راننده مبتدی اشاره کردوگفت: این افراد باید مثلثی به نام راننده جدید را در جلو و عقب شیشه خودرو نصب کنند تا دیگر رانندگان بدانند که این افراد تازه گواهینامه دریافت کرده‌اند و احتیاط‌های لازم را در برخورد با آنها داشته باشند.

او تاکید کرد: دستورالعمل‌های جدید نیمه اول امسال اجرا می شود.

رئیس جمعیت هلال احمر: کشور فاقد طرح ملی پیشگیری از سوانح است



سرویس سیاسی –اجتماعی:رئیس جمعیت هلال احمر گفت: فقدان طرح ملی پیشگیری و پاسخ به سوانح، کاهش خطرپذیری و بازسازی بعد از سوانح یک خلاء مهم و جدی در کشور حادثه خیز ایران است، در حالی که بسیاری از کشورهای پایین‌تر از سطح ایران این طرح را دارند.

امیر محسن ضیایی در گفتگو با ایرنا افزود: باید بپذیریم که ایران یک کشور حادثه خیز است و علاوه بر انواع حوادث طبیعی مانند سیل، زلزله و خشکسالی، با حوادث انسان ساز زیادی مانند تصادفات رانندگی که هر سال هزاران نفر را به کام مرگ می‌برد و دهها هزار نفر را معلول می‌کند، مواجه هستیم.

وی گفت: مساله مهم در این عرصه، این است که نسبت به موضوع با اهمیت پاسخ به موقع به سوانح در کشور، به خصوص حوادث بزرگ، کم اطلاع هستیم و هنوز بین ما اعم از مردم، مسئولان و تصمیم سازان و تصمیم‌گیران کشور، این باور به وجود نیامده است که باید از سوانح پیشگیری کنیم در حالی که راههای بسیاری برای پیشگیری از وقوع سوانح و کاهش آسیب‌های آن وجود دارد.

ضیایی افزود: گویی نمی‌خواهیم در کشور برای پیشگیری و کاهش خطرات سوانح و حوادث قابل پیشگیری و کاهش آسیب‌های آن کاری کنیم و روزآمد شویم و نمی‌خواهیم توسعه یابیم.

رئیس جمعیت هلال احمر گفت: باید تلاش کنیم که بین مردم و مسئولان تغییر نگرش ایجاد کنیم. موضوع پیشگیری از حوادث و کاهش خطرات و بازسازی پس از حادثه باید جدی گرفته شود، تا زمانی که این تغییر نگرش صورت نگیرد، فقط حرف‌های احساسی می زنیم و واقعا در این زمینه کارهای انجام نشده زیادی وجود دارد.

وی ادامه داد: مشکل اصلی کشور ما این است که طرح ملی پاسخ به سوانح، کاهش خطرپذیری و بازسازی سوانح نداریم، بسیاری از کشورهای حتی پایین تر از ما هم چنین طرحی را دارند و مطابق آن وظیفه هر دستگاه برای کنترل بحران مشخص است.

وی گفت: باید گروهی از متخصصان و صاحبنظران از طرف دولت مامور شوند تا طرح ملی پاسخ به سوانح را با توجه به اسناد بالادستی و سیاست‌های کلان کشور تدوین کنند، این طرح حداقل باید در چهار فاز پیشگیری، کاهش خطر، آمادگی برای زمان بحران و پاسخ به سوانح بعد از حادثه و فاز بازسازی طراحی شود.

ضیایی افزود: با وجود برخی قوانین موجود در کشور هنوز تقسیم بندی مشخصی برای اقدام در این چهار فاز کنترل بحران نداریم، البته همزمان روزآمد شدن قانون مدیریت بحران در مجلس دنبال می شود اما طرح ملی پیشگیری از سوانح و کاهش خطرپذیری و بازسازی حوادث،موضوع دیگری است که یک نیاز مهم ملی است و نبود آن یک خلاء جدی در کشور است.

اجرای موفق طرح آزمایشی توانمندسازی کودکان کار

سرویس شهرستانها: معاون امور اجتماعی سازمان بهزیستی با اشاره به این‌که بیش از ۹۵ درصد کودکان کار و خیابان با خانواده‌هایشان زندگی می‌کنند، گفت: نتایج اجرای طرح آزمایشی توانمندسازی این کودکان بیانگر موفقیت‌آمیز بودن آن در کشور است.

حبیب‌الله مسعودی فرید درآیین گشایش مرکز حمایتی و آموزشی کودک و خانواده در کرج افزود: برنامه کاری سازمان بهزیستی در ۲ سال گذشته در زمینه کودکان خیابانی تغییر یافته و به سمت رویکردهای مبتنی بر توانمندسازی و خروج کودکان از چرخه کار رفته است.

وی اضافه کرد:تحقق این امر بدون توجه به خانواده‌های کودکان کار امکانپذیر نیست و به همین منظور طرح مرکز حمایتی آموزشی کودک و خانواده را در استان‌های تهران، البرز، خوزستان، همدان و چهارمحال و بختیاری به صورت آزمایشی اجرا کردیم.

علت فوت الینا کودک ۶ ساله گرگانی قصور پزشکی اعلام شد



سرویس شهرستانها: رئیس کل دادگستری استان گلستان قصور پزشکی در فوت الینای ۶ ساله را مورد اشاره قرار داد و گفت: در این زمینه ۲ پزشک متخصص، ۲ پرستار و مسئول فنی بیمارستان مقصر شناخته شدند.

هادی‌هاشمیان افزود: پس از تکمیل تحقیقات و اعلام نظر هیأت تجدید نظر انتظامی نظام پزشکی استان گلستان، نخستین جلسه رسیدگی به پرونده مرگ الینا فروتن در شعبه ۱۰۲ دادگاه کیفری گرگان برگزار شد.

رئیس کل دادگستری گلستان ادامه داد: در نخستین جلسه دادگاه، خانواده الینا فروتن که به ریاست قاضی حمید رضا فیروزیان برگزار شد، نماینده دانشگاه علوم پزشکی استان و متهمان این پرونده همراه با وکلای خود حضور داشتند که از شاکی، متهمان و وکلای آنها تحقیق و دفاعیات آنان اخذ شد.

هاشمیان اضافه کرد: به دلیل طولانی شدن روند رسیدگی، دادگاه تنفس اعلام کرد و ادامه تحقیق و اخذ اظهارات طرفین پرونده را به جلسه بعدی که۱۰ روز دیگر برگزار می‌شود، موکول کرد.

رئیس کل دادگستری گلستان با بیان این که طبق نظریه هیات تجدید نظر انتظامی نظام پزشکی استان، در فوت این کودک ۶ ساله قصور پزشکی انجام گرفته است افزود: در این نظریه ۲ پزشک متخصص بیمارستان طالقانی هر کدام به میزان ۳۰ درصد و مسئول فنی شیفت شب بیمارستان به میزان ۲۰ درصد و ۲ پرستار دیگر این بیمارستان نیز۲۰ درصد در این حادثه مقصر شناخته شدند.

الینا فروتن دختر ۶ ساله گرگانی، ۱۴ اردیبهشت پارسال پس از انجام عمل جراحی لوزه در بیمارستان طالقانی گرگان به کما رفت و۲۲ مرداد همان سال از دنیا رفت.

کاهش ۲ ساعته طرح زوج و فرد تهران در ماه رمضان

سرویس خبر: رئیس پلیس راهور تهران از کاهش دو ساعته طرح تردد زوج و فرد خودرو همزمان با آغاز ماه مبارک رمضان خبر داد.

سردار محمدرضا مهماندار افزود: با آغاز ماه مبارک رمضان به منظور تسهیل در رفت و آمد به ویژه در زمان افطار اجرای طرح تردد زوج و فرد خودرو با ۲ ساعت کاهش تا ساعت ۱۷ خواهد بود.

وی تاکید کرد: با این احتساب طرح تردد زوج و فرد خودرو در ماه مبارک رمضان از ساعت ۶ و ۳۰ دقیقه آغاز می‌شود و ساعت ۱۷ پایان می‌یابد.

او اضافه کرد: این کاهش دو ساعته تا پایان ماه مبارک رمضان اجرا می‌شود و پس از آن به روال قبل برمی‌گردد.جریمه ورود به طرح‌های ترافیک و زوج و فرد ۴۰۰ هزار ریال است.

اعتراف یکی از شرکای بابک زنجانی در پرونده نفتی

سرویس حوادث: رئیس کل دادگستری استان تهران از اعتراف یکی از شرکای بابک زنجانی در پرونده نفتی خبر داد.

غلامحسین اسماعیلی افزود: این فرد که پس از گذشت فرآیند پیگیری‌های قضایی پرونده نفتی و صدور حکم متهمان ردیف اول تا سوم این پرونده، دستگیر شده است در مرحله بازپرسی اعتراف کرد.

وی گفت: این فرد در مرحله تحقیقات، اطلاعات خوبی ارائه کرده که در سرنوشت پرونده نفتی و تصمیات قضایی برای دیگر همدستان بابک زنجانی هم تاثیرگذار است.

رئیس کل دادگستری استان تهران اضافه کرد: با توجه به این که بخشی از رای صادر شده در پرونده نفتی در دیوان عالی کشور نقض و به شعبه هم عرض ارجاع شده است ادامه رسیدگی در همان شعبه دنبال خواهد شد.

آتش‌سوزی در پارس جنوبی مهار شد

بوشهر: رئیس واحد ایمنی، بهداشت و محیط زیست پالایشگاه اول پارس جنوبی گفت: آتش‌سوزی در پالایشگاه اول پارس جنوبی در کمتر از ۲۰ دقیقه مهار شد.

محمد محمودی در ارتباط با حادثه بامداد دیروز در بخش کوره MRU پالایشگاه اول پارس جنوبی اضافه کرد: این حادثه در ردیف نخست پالایشگاه اول رخ داد که در کمتر از ۲۰ دقیقه توسط آتش‌نشانان مجتمع مهار شد.

او با اشاره به این‌که این واحد از مجتمع گازی پارس‌جنوبی در حال انجام تعمیرات اساسی بوده است، اضافه کرد: آمادگی بسیار خوب آتش‌نشانان سبب شد تا حادثه در سریع‌ترین زمان کنترل و مهار شود.

رئیس پلیس مبارزه با موادمخدر فسا جان باخت

سرویس حوادث: سرگرد قربانی، رئیس پلیس مبارزه با موادمخدر فسا، هنگام انجام ماموریت در محور فسا ـ استهبان دچار حادثه شد و جان خود از دست داد.

فرمانده انتظامی فسا اعلام کرد: حادثه هنگام تعقیب و گریز خودرو قاچاقچی مواد مخدر رخ داد و دو همراه رئیس پلیس مبارزه با موادمخدر شهرستان فسا هم مجروح شدند.

سرهنگ علی شیبانی افزود: اکیپ پلیس مبارزه با مواد مخدر که با برقراری تور ایست و بازرسی در پلیس‌راه فسا – شیراز اقدام به کنترل خودروهای عبوری در آن محور می‌کرد، به ۲ خودرو پژو مشکوک شد.

وی ادامه داد: ماموران مستقر با علائم هشداری دستور توقف دادند که رانندگان خودروها بی‌توجه به دستور ایست، با سرعت زیاد به سمت شهرستان همجوار فرار کردند.

فرمانده انتظامی فسا ادامه داد: ماموران اقدام به تعقیب خودروها کردندوهنگام تعقیب آن، خودرو ماموران با یک تریلر که از سمت مقابل در حرکت بود، برخورد کرد.

خط ارتباطی مردم با اطلاعات

تلفن ۲۲۲۲۶۰۹۰

ایمیل خط ارتباطی : ertebat@ettelaat.com

چند نکته درخور توجه خوانندگان گرامی

توجه خوانندگان محترم را در ارتباط با پیام‌های تلفنی به نکات زیر جلب می کنیم:

- موضوع پیام‌ها جنبه های خصوصی، حقوقی و یا قضایی نداشته باشد.
- پیام‌ها مختصر و دقیق باشد و از تکرار آن‌ها خودداری شود.
- خوانندگان محترم شهرستانی در پیام‌هایشان، نام شهرستان مربوطه را بیان فرمایند .
- چاپ پیام‌ها براساس نوبت است.

با تشکر– سرویس ارتباطات مردمی

سجده شکر به جا آوردم

به عنوان یک بازنشسته که حقوق آنچنانی دریافت نمی‌کنم، به آقای روحانی رأی دادم، شب و روز برای موفقیت ایشان دعا کردم و این پیروزی را به ایشان تبریک می‌گویم. سجده شکر به جا می‌آورم که آقای روحانی رئیس جمهور شد و امیدوارم در دوره پیش‌رو همان‌طور که وعده دادند به وضعیت حقوقی بازنشستگان رسیدگی کنند.

یک بازنشسته

نصیحت به کاندیداها

آرای مردم به ثمر نشست و حامی مظلومان و مستضعفان، آقای روحانی منتخب مردم بیداردل و هوشیار ایران شد. این پیروزی را بر دولت کار و کرامت، سید محرومان، آقای میرسلیم منتقد دولت، تبریک می‌گویم و نصیحت می‌کنم که اگر دلسوز مملکت هستند، از این به بعد دولتمردان را یاری کنند.

شهروندی از خلخال

ضرورت تعامل سازنده بین مقامات و مردم

امیدوارم این بار آقای روحانی بتوانند شرایط یک جامعه سالم و پیشرو را فراهم کنند. اول از همه تعامل مثبت و سازنده بین مقامات با مردم به خصوص زنان و جوانان که مطالبات به حق و نادیده گرفته شده‌ای دارند، ضروری است و سپس تعامل مثبت و سازنده با منطقه و دنیا ضرورت دارد.

ما نمی‌توانیم با جهان تعامل نداشته باشیم. امیدوارم بعد از سال‌ها جامعه به سوی اجرای قانون و حق و عدالت پیش رود و ریشه فقر ریشه‌کن شود.

یک حقوقدان

درخواست از آقای روحانی

پیروزی آقای روحانی را تبریک می‌گویم و با توجه به حمایت گسترده مردم از ایشان که اکثراً قشر کارگر و کارمند بودند، خواهشمندم رئیس جمهور جلوی رانت‌خواری را بگیرد و از قِبَل پول آن، حداقل حقوق همه اقشار چه کارمند، چه کارگر و چه بازنشسته را به سطح ۲ میلیون تومان برساند.

همچنین جا دارد رسیدگی به وضعیت کارتن‌خواب‌ها و مستضعفان سرلوحه کار دولت قرار گیرد. لطفاً سیاستمداران جنگ و دشمنی را کنار بگذارند و به وضعیت اقتصادی مردم توجه کنند.

یک شهروند

برای اتحاد مردم قلم بزنید

از آقای خانی سردبیر روزنامه اطلاعات خواهشمندم مقاله‌هایی بنویسند که مردم به یکدیگر نزدیک شوند و به اتحاد برسند. همچنین از ایشان انتظار دارم برای قشر کارگر و مستضعف بیشتر قلم بزنند.

خواننده روزنامه اطلاعات

آقای روحانی از حمایت مردم بهره ببرد

به آقای روحانی تبریک می‌گویم. من به عنوان یک جوان ۳۵ ساله ایرانی که قصد رأی دادن نداشتم، اما به این امید که آقای روحانی فقر و تنگدستی و مشکلات جوانان را کاهش دهد، رأی دادم و اگر نتیجه مطلوب نبود دولتمردان بدانند ما همان جوانانی هستیم که شاه و داعش را بیرون کردیم. روحانی از پتانسیل حمایت مردم و به خصوص جوانان استفاده کند.

یک جوان

شرکت مخابرات توضیح دهد

در قبض تلفن ثابت اینجانب مبلغی تحت عنوان هزینه تلفن هوشمند آمده بود که مرا به تعجب وا داشت، زیرا تاکنون چنین هزینه‌ای نداشتم. در پیگیری معلوم شد فرد ناشناسی با سوءاستفاده از شماره اینجانب، تماس گرفته و مبلغی از حسابم کسر شده است.

شماره فرد را از مخابرات محله خود در میدان اعدام شعبه قندی پیگیری کردم، اما پاسخ مشخصی دریافت نکردم.

از واحد فنی مخابرات می‌خواهم درباره این هزینه توضیح دهد و اعلام کند چگونه می‌توانم شماره آن فرد را پیدا کنم.

مداح

به داد جانبازان ارتش برسید

لطفاً مسئولان به داد جانبازان ارتش برسند. من یک جانباز ۴۲درصد هستم که مدت ۷ سال در جبهه‌ها و ۴ سال در اسارت بودم و برای رهبر معظم، تمام رئیس‌جمهورهای پیشین و بنیاد شهید نامه نوشتم و از مشکلات خود گفتم و بسیار پیگیری کردم، اما هنوز پاسخی دریافت نکرده‌ام.

یک جانباز

تبعیض ممنوع!

از رئیس‌جمهور منتخب انتظار ندارم دست بازنشستگان را به عنوان طبقه محروم جامعه بگیرد و به طبقه متوسط برساند، اما خواهش می‌کنم تبعیض را بین محرومان از بین ببرد. همگی بازنشسته‌ایم، اما آن دسته که قبل از سال ۷۹ بازنشسته شده‌اند، نصف حقوقشان را دریافت می‌کنند و گروه دوم تمام حقوق را. این تبعیض باید از بین برود.

یک بازنشسته

یارانه‌ام را بدهید

ضمن تبریک به رئیس‌جمهور محترم، از ایشان می‌خواهم شرایطی فراهم کنند تا یارانه من که همسری بیکار و بدون درآمد دارم و از بیمه سلامت استفاده می‌کنم، برقرار شود.

بازنشسته آموزش و پرورش

رویه اعلام آرا تغییر کند

در دوره‌های پیشین انتخابات ریاست جمهوری، ابتدا آراء شهرهای کوچک و سپس تهران اعلام می‌شد، اما در این دوره تعداد بیشماری از آراء را جمع کرده و حدود ۱۰ ساعت بعد اعلام کردند. برخی افراد گمانه‌زنی‌های نادرستی کردند و از نبود صداقت سخن گفتند. ای کاش در دوره‌های بعدی رویه تغییر کند.

یک شهروند

آقای سردبیر خدا به قلم قسم خورده

روزنامه اطلاعات عزیز! یادداشت سردبیر محترم درباره «دوباره می‌سازمت وطن» مورخه ۹۶/۲/۲۷ نوشداروی زخم‌های هشت سال جنگ بر جسم و جان این خلبان بازنشسته بود. سپاس فراوان. آقای سردبیر! بنویس که خدا به قلم تو قسم خورده است.

خواننده روزنامه اطلاعات

اخبار مراسم را روز قبل چاپ کنید

از کارکنان روزنامه اطلاعات برای انعکاس اخبار تشکر می‌کنم. خبری تحت عنوان مراسم حافظ‌خوانی با حضور دکتر علی فردوسی مورخ ۲۷ اردیبهشت ۹۶ در همان روز چاپ شد. از آنجایی که برخی خوانندگان روزنامه را ظهر یا عصر مطالعه می‌کنند، خواهشمندم برپایی چنین مراسمی را روز قبل به اطلاع برسانید تا علاقه‌مندان بتوانند شرکت کنند.

سعید ناطقی

به مسایل دیگر بپردازید

لطفاً در ارتباط با انتخابات دیگر بحث نکنید. ذهن بسیاری از مردم خسته از اخبار انتخاباتی صدا و سیما و مطبوعات است. انتخابات برگزار و فردی به عنوان رئیس‌جمهور انتخاب شد. لطفاً به مسائل دیگر بپردازید.

یک شهروند

پاسخ مسئولان

پاسخ‌های روابط عمومی شهرداری منطقه۶

* پیرو درج پیام یکی از شهروندان محترم در مورخ ۱۳۹۶/ ۰۲/۰۶ مبنی بر «قطع درختان خشک خیابان ولی‌عصر»، ضمن تقدیر از دغدغه این شهروند گرامی به اطلاع می‌رساند: موضوع نگهداری و پیشگیری از شیوع بیماری‌های مربوط به درختان این خیابان ذیل پروژه‌ای در سازمان پارکها و فضای سبز شهر تهران دنبال می‌شود.»

* پیرو درج پیام یکی از شهروندان محترم در مورخ ۹۶/۰۲/۳ مبنی بر «حفر چاه‌های عمیق در پارک هنرمندان»، ضمن تقدیر از دغدغه این شهروند گرامی به اطلاع می‌رساند: برطبق بازدید به عمل آمده از سوی کارشناس۳ ناحیه۱ در مکان مدنظر شهروند محترم، حلقه چاه موجود در بوستان هنرمندان مربوط به شرکت آب و فاضلاب شهر تهران می‌باشد و شهرداری منطقه۶ هیچگونه بهره‌برداری و دخالتی در نگهداری از این چاه‌ها ندارد.

بقیه در صفحه ۹

تساوی پرسپولیس برابر نماینده قطر

شاگردان برانکو ایوانکوویچ در مرحله رفت یک هشتم لیگ قهرمانان آسیا دیروز در حالی که هوادارانش با محرومیت مواجه بودند، به مصاف تیم قدرتمند لخویا رفتند.

به گزارش "ورزش سه"، پرسپولیس که به عنوان تیم دوم و در روز آخر توانست به مرحله یک هشتم لیگ قهرمانان صعود کند دیروز لخویای قطر را روبروی خود داشت یکی از تیمهای پر مهره آسیایی که چند بازیکن ملی‌پوش وخارجی را درترکیب خود داشت بود.

ترکیب پرسپولیس: علیرضابیرانوند، سیدجلال حسینی، صادق محرمی، محمد انصاری، حسین ماهینی، محسن ربیع‌خواه، محسن مسلمان(علی علیپور ۶۹)، فرشاد احمدزاه، سروش رفیعی(احسان الوان زاده ۹۰)، وحید امیری و مهدی طارمی.

نیمه نخست: سکوت آزادی در غیاب طرفداران پرسپولیس باعث شده بود تا این تیم در نیمه نخست نتواند از انگیزه حمایتی آنها برای رسیدن به دروازه حریف سود ببرد و همین مساله هم باعث شد تا حملات آنها زهر لازم برای گشودن دروازه لخویا را نداشته باشد.با توجه به محرومیت تماشاگران از حضور در استادیوم، پرسپولیس بدون حضور بزرگترین حامی خود بازی را آغاز کرد و توانست همچون دیدارهای قبلی خود از حیث در اختیار داشتن توپ نسبت به حریف در شرایط بهتری قرار داشته باشد. دو تیم بازی فشرده وتک ضرب را در دستور کار داشتند. چند فرصت ایده آل توسط فرشاد احمدزاده، مهدی طارمی و سروش رفیعی در این نیمه به دلیل عجله و بی دقتی در نواختن ضربات آخر به هدر رفت . البته حمله فوق العاده لخویا در دقیقه ۱۵ روی ضربه راه دور که تیرک دروازه بیرانوند را به لرزه در آورد ماحصل تلاش یک نیمه‌ای دو تیم بود که با گلی همراه نشد.

دقیقه ۴۶:نخستین موقعیت در دقیقه نخست نیمه دوم شکل گرفت که دریبل دو طرفه صادق محرمی و در ادامه ارسال زمینی او با عبور از جلوی پای دو بازیکن در نهایت با ضربه طارمی نیز در آستانه دروازه خالی همراه نشد تا آه از نهاد پرسپولیسی ها بلند شود.



دقیقه ۵۰: ارسال بلند روی دروازه لخویا که با اشتباه دروازه بان این تیم توپ را در شش قدم در اختیار مسلمان قرار داده بود با ضربه پای راست این بازیکن راهی به دروازه نیافت تا دومین خطر جدی پرسپولیس در نیمه دوم هم از دست برود.

دقیقه ۵۵: ارسال از سمت چپ پرسپولیس از روی ضربه ایستگاهی این بار به قصد دروازه را کیم تائه هی نواخت که در آستانه ورود به دروازه توسط بیرانوند راهی کرنر شد.

دقیقه ۶۲: ارسال از سمت راست در حالی که پرسپولیسی ها در آفساید دچار اشتباه شده بودند، فرصت خوبی نصیب اسماعیل محمد کرد که کنترل ناقص کاپیتان لخویا در ادامه با خطای او روی بیرانوند همراه شد تا داور او را با کارت زرد جریمه کند.

دردقیقه ۸۲ ارسال از سمت چپ و روی پرتاب اوت وحید امیری، مهدی طارمی با زرنگی خاصی توانست از کاپیتان لخویا پنالتی بگیرد.مهدی طارمی با قرار گرفتن پشت این ضربه مامور نواختن پنالتی شد که این بار سمت چپ دروازه لخویا را نشانه گرفت که قاسم برهان آن را مهار کرد.پرسپولیس در دقایق پایانی بر فشار حملات خود افزود اما این دیدار درنهایت با بد شانسی نماینده کشورمان با نتیجه تساوی به پایان رسید تا تکلیف این دو تیم در بازی برگشت در قطر مشخص شود . کار پرسپولیس دشوارتر خواهد بود.

پیروزی ارزشمند استقلال با پنالتی در دقیقه ۹۰

همچنین تیم فوتبال استقلال با گل «کاوه رضایی» که در لحظات پایانی از روی نقطه پنالتی به دست آمد برابر العین امارات به پیروزی ارزشمند یک بر صفر دست یافت.

تیم فوتبال استقلال تهران، دوشنبه شب در دور رفت از مرحله یک هشتم نهایی لیگ قهرمانان آسیا به مصاف العین امارات نایب قهرمان فصل گذشته رفت و در پایان به پیروزی مهم یک بر صفر دست یافت.

این دیدار در حضور حدود ۶۰ هزار تماشاگر ورزشگاه آزادی و با قضاوت تیم داوری از چین برگزار شد.

پس از گذشت دقایق ابتدایی شاگردان «زوران مامیچ» در تیم العین با اتکاء به خط هافبک توانمند خود، روند بازی را به تعادل کشیدند.

در ادامه العین عملکرد بهتری داشت و بیشتر زمان بازی را در زمین استقلال دنبال کرد. در نهایت نیمه نخست با تساوی صفر بر صفر به اتمام رسید تا نماینده ایران امید خود را به نیمه دوم معطوف کند.

در دقیقه ۷۶ «فو مینگ» داور این دیدار، «سعید جمعه» مدافع العین را با کارت قرمز از زمین بازی اخراج کرد تا استقلال شرایط بهتری در دقایق پایانی داشته باشد.

در دقیقه ۸۵ داور این دیدار که تصمیمات عجیبی اتخاذ می کرد، «فرشید اسماعیلی» را با کارت قرمز از زمین اخراج کرد.

در دقیقه ۹۱ ارسال «خسرو حیدری» به دست مدافع العین برخورد کرد تا داور نقطه پنالتی را به سود نماینده ایران نشان دهد.

«کاوه رضایی» این ضربه پنالتی را به راحتی تبدیل به گل ارزشمند استقلال کرد تا شاگردان «علیرضا منصوریان» این دیدار سخت را با برتری یک بر صفر به پایان رسانده و امید زیادی برای صعود به مرحله یک چهارم نهایی داشته باشند.

دیدار برگشت دو تیم روز دوشنبه هفته آینده به میزبانی العین برگزار می شود.

دو و میدانی قهرمانی آسیا؛ ۵ مدال رنگارنگ سهم نوجوانان ایران

تیم ملی دو و میدانی نوجوانان ایران با کسب ۱ مدال نقره و ۴ مدال برنز در دومین دوره مسابقات قهرمانی نوجوانان آسیا به کار خود پایان داد.

به گزارش فدراسیون دوو میدانی، تیم ملی دو و میدانی نوجوانان ایران که به مسابقات قهرمانی نوجوانان آسیا در تایلند اعزام شده بود، با کسب ۱ مدال نقره و ۴ مدال برنز در پایان این دوره از رقابت ها به کار خود خاتمه داد.



علی سلامتیان، علی سلیمانی، تکتم دستاربندان، بهاره جهان تیغ، محمدرضا دهقانی، محمد حاصلی، سیدامیر زمان پور، آرمین شاه ملکی، مریم خوش نیت، امیرحسین درویشی، ریحانه مبینی، امیرحسین رحمانی، رضا کفایتی، ریحانه آرانی، نگین بیگمی، مریم محبی، کیمیا پورخلخال، پردیس عبدالمحمدی، حمید رضا کیا، علیرضا نوری و دانیال صفی ۲۱ ملی پوشی بودند که در این دوره از رقابت ها حضور داشتند.

به این ترتیب یکی از بزرگترین کاروان های تیم ملی ایران که در رده سنی نوجوانان با ۲۱ دو و میدانی کار به دومین دوره از مسابقات قهرمانی نوجوانان آسیا به تایلند اعزام شده بود، توانست به ۵ مدال رنگارنگ توسط بهاره جهان تیغ (۱۵۰۰ متر – مدال نقره)، ریحانه آرانی (پرتاب چکش – مدال برنز)، رضا کفایتی (دهگانه – مدال برنز)، مریم محبی (۴۰۰ متر – مدال برنز) و سید امیر زمان پور (۳۰۰۰ متر – مدال برنز) دست یابد.

امیدهای فوتسال ایران در اندیشه المپیکی شدن

تیم ملی فوتسال زیر بیست سال ایران برای راهیابی به المپیک جوانان تیم ملی تایلند را در مسابقات آسیایی پیش‌رو دارد.

به گزارش ایسنا، تیم ملی فوتسال زیر بیست سال ایران با هدایت علی صانعی در نخستین دوره مسابقات آسیایی شرکت کرده و بعد از صعود مقتدرانه از گروهش، در مرحله یک چهارم نهایی مسابقات از سد لبنان گذشت و در جمع چهار تیم برتر قرار گرفت. این دوره از مسابقات، انتخابی المپیک ۲۰۱۸ جوانان آرژانتین محسوب می‌شود و تیم‌های قهرمان و نایب قهرمان جواز حضور در المپیک را کسب خواهند کرد. این نخستین باری است که فوتسال به المپیک راه یافته و فوتسال به عنوان یکی از رشته‌های مدال‌آور، می‌تواند برای کشورمان افتخار آفرینی کند. حال امیدهای فوتسال ایران این فرصت را دارند تا با پیروزی در مرحله نیمه نهایی مسابقات قهرمانی آسیا، خود را به عنوان نخستین بازیکنان راه یافته به المپیک مطرح کنند.

تیم ملی فوتسال زیر بیست سال ایران امروز به مصاف تایلند، میزبان رقابت‌ها خواهد رفت. تایلندی که در سال‌های اخیر پیشرفت بزرگی در فوتسال داشته و به تازگی نیز "رودریگو" مربی برزیلی مطرح را به استخدام خود در آورده است. هم‌چنین تماشاگران تایلندی در بازی‌های قبلی تیم خود نشان دادند، می‌توانند با ایجاد جو سنگین برای تیم حریف، کمک زیادی در پیروزی تایلند داشته باشند.

از طرفی بازی تیم‌های ملی ایران و تایلند در ورزشگاهی برگزار خواهد شد که فوتسال ایران خاطره تلخی از آن دارد چرا که تیم ملی در مرحله یک هشتم نهایی جام جهانی ۲۰۱۲ با سرمربی‌گری علی صانعی در ورزشگاه بانکوک آرنا از مسابقات خداحافظی کرد. امروز هم بازیکنان جوان و آینده‌دار ایران کار سختی را مقابل دوازده هزار طرفدار تایلندی خواهند داشت اما بدون شک استعداد و تجربه آنها به حریف می‌چربد و می‌توانیم شاهد صعود آن ها به فینال باشیم.

روحیه بالای ملی‌پوشان جوان فوتبال ایران برای شکست زامبیا

بازیکنان تیم ملی فوتبال جوانان ایران بعد از شکست کاستاریکا با روحیه بیشتری به کار ادامه می‌دهند.

به گزارش ایسنا، تیم ملی فوتبال زیر ۲۰ سال ایران در نخستین دیدارش در جام جهانی موفق شد با یک گل از سد کاستاریکا بگذرد و شانس خود را برای صعود به مرحله حذفی بالا ببرد. بازیکنان تیم ملی پس از این برد با روحیه بیشتری به کار ادامه می‌دهند و انگیزه بالای آنها در صحبت‌هایشان هویدا است.

نیما مختاری درباره پیروزی تیم جوانان ایران در بازی مقابل کاستاریکا در جام جهانی گفت: در بازی مقابل کاستاریکا عملکرد متفکرانه‌ای داشتیم. امیدوارم این روند ادامه داشته باشد تا بتوانیم در دو بازی آینده هم مثل مسابقه قبلی به پیروزی برسیم. او درباره مسابقه امروز با زامبیا هم گفت: هر تیمی در جام جهانی حضور پیدا می‌کند مطمئنا تیم قدرتمندی است. هیچ تیم ضعیفی در مسابقات نیست. علی شهسواری هم درباره دیدار تیم جوانان ایران مقابل زامبیا گفت: شناخت خوبی از این تیم داریم. کادر فنی دو بار این تیم را آنالیز کرده است. زامبیا تیم خوب و قدرتی است اما امیدواریم بتوانیم نتیجه بگیریم. پیش بینی من این است که در این بازی یک بر صفر برنده می‌شویم.

صعود کره‌جنوبی و ونزوئلا به یک‌هشتم نهایی

همچنین تیم‌های ملی کره جنوبی با برد دو بر یک برابر آرژانتین و ونزوئلا هم با نتیجه پرگل ۷ بر صفر نماینده کم نام و نشان اقیانوسیه یعنی وانوآتو را از پیش رو برداشت راهی مرحله یک هشتم نهایی جام جهانی جوانان شدند و آرژانتین و وانوآتو از گردونه رقابت‌ها حذف شدند.

در ادامه این رقابت‌ها امروز ۴ بازی در گروه‌های C و D برگزار می‌شود.

ایران – زامبیا، ساعت ۱۲:۳۰
آفریقای جنوبی – ایتالیا، ساعت ۱۲:۳۰
اروگوئه – ژاپن، ۱۵:۳۰
کاستاریکا – پرتغال، ۱۵:۳۰

اخبار کوتاه داخلی

ضیافت اهالی فوتبال با دکتر روحانی و تجلیل از روسای سابق فدراسیون

اهالی فوتبال و بازیکنان تیم ملی ایران پیش از بازی با ازبکستان با دکترحسن روحانی رئیس جمهور دیدار خواهند کرد.

به گزارش مهر، با انتخاب مجدد دکتر حسن روحانی به عنوان رئیس جمهور ایران و با هماهنگی فدراسیون فوتبال، بازیکنان تیم ملی و اهالی فوتبال در ضیافتی با حضور رئیس جمهوری شرکت خواهند کرد. قرار است این ضیافت پیش از بازی تیم ملی ایران با ازبکستان برگزار شود.

فدراسیون فوتبال همچنین از دکتر اسحاق جهانگیری معاون رئیس جمهور دعوت کرده است تا برای تماشای بازی ایران و ازبکستان به ورزشگاه بیاید.دیگر برنامه فدراسیون فوتبال برای این مسابقه، تجلیل از روسای سابق فدراسیون است که پیش از مسابقه، صورت می گیرد. تیم های ملی فوتبال ایران و ازبکستان در چارچوب مرحله نهایی انتخابی جام جهانی روسیه روز ۲۲ خردادماه در ورزشگاه آزادی به مصاف هم می روند. ایران در صورت پیروزی در این مسابقه، به جام جهانی راه خواهد یافت.

طلای دانشور در کایرین کاپ دوچرخه‌سواری چین



رکابزن تیم پیشگامان در ماده کایرین کاپ چین موفق به کسب عنوان قهرمانی شد.

به گزارش ایسنا، تیم دوچرخه‌سواری پیشگامان در کاپ چین شرکت کرده است. در بخش سرعت محمد دانشور در ماده کایرین توانست به فینال راه یابد و در نهایت هم در رقابت با رکابزنان چینی توانست مدال طلا را کسب کند.

دوچرخه سواری به عشق بیماران خاص

همچنین دو دوچرخه سوار ایران در اقدامی نمادین و در حمایت از کودکان مبتلا به بیماری های خاص مسیر تهران تا باکو پایتخت جمهوری آذربایجان را رکاب می زنند.

فدراسیون ورزش های کارگری از این دو ورزشکار دوچرخه سوار حمایت می کند. این دو ورزشکار «هادی علی یاری» و «محسن بهادری» نام دارند و شعار خود را برای این اقدام نمادین، «همه با هم، برای شادی کودکان» برگزیدند و در نخستین مرحله از سفر خود با دوچرخه عصر دیروز به دیدار کودکان بستری در موسسه خیریه حمایت از کودکان مبتلا به سرطان «محک» در تهران می روند و سپس مسیر تهران تا باکو را رکاب می زنند.

پتروشیمی در آستانه تکرار قهرمانی در لیگ برتر بسکتبال

تیم بسکتبال پتروشیمی با کسب دومین برد خود مقابل نفت آبادان در فینال لیگ برتر فقط یک پیروزی دیگر برای قهرمانی در این فصل احتیاج دارد.

به گزارش فارس، دومین بازی فینال لیگ برتر بسکتبال دیروز باز هم همانند بازی نخست به میزبانی پتروشیمی برگزار شد.

در این بازی پتروشیمی برخلاف دیدار گذشته برتری محسوسی داشت و توانست در زمین خود پیروزی ۸۴ بر ۶۲ را جشن بگیرد.در بازی نخست این تیم ۸۰ بر ۷۴ به برتری رسیده بود. با این نتیجه پتروشیمی دومین برد خود را کسب کرد و برای کسب عنوان قهرمانی فقط به یک پیروزی دیگر احتیاج دارد. بازی سوم دو تیم فردا در آبادان برگزار خواهد شد.

این دو تیم سال گذشته هم در فینال به مصاف هم رفتند که پتروشیمی توانست عنوان قهرمانی را از آن خود کند.

ترکیب تیم ملی تکواندو بانوان اعلام شد

ترکیب تیم ملی بانوان کشورمان برای حضور در بیست و سومین دوره مسابقات قهرمان جهان مشخص شد.

به گزارش روابط عمومی فدراسیون تکواندو، بیست و سومین دوره مسابقات قهرمانی جهان ۲۰۱۷ (G12)، از سوم تیر به مدت ۷ روز در "موجو" کره جنوبی برگزار می‌شود.

با اعلام مهرو کمرانی سرمربی تیم‌ملی بانوان کشورمان، ناهید کیانی در وزن ۴۹- کیلوگرم، طیبه پارسا در وزن ۵۷- کیلوگرم، کیمیا علیزاده در وزن ۶۲- کیلوگرم، ملیکا میرحسینی در وزن ۶۷- کیلوگرم، زهرا پوراسماعیل در وزن ۷۳- کیلوگرم و اکرم خدا بنده در وزن ۷۳+ کیلوگرم ترکیب تیم‌ملی کشورمان را تشکیل می‌دهند.هدایت تیم‌ملی زنان برعهده مهرو کمرانی به عنوان سرمربی و فاطمه صفرپور و ریحانه فولادی به عنوان مربیان است.

این تیم از ۹ خردادماه به مدت یک هفته تمرینات مشترکی را با تیم‌ملی صربستان در این کشور برپا می‌کند که پریسا جوادی هم این تیم را همراهی خواهد کرد.گفتنی است؛ بیست و سومین دوره مسابقات قهرمانی جهان (G12) است و به نفر اول ۱۲۰ امتیاز، نفر دوم ۷۲ امتیاز و نفرات سوم ۴۳/۲۰ امتیاز در چارچوب کسب سهمیه المپیک تعلق خواهد گرفت.

اخبار کوتاه خارجی

امشب؛ برگزاری فینال لیگ اروپا با تدابیر شدید امنیتی

اتحادیه فوتبال اروپا (یوفا) پس از حمله تروریستی (دوشنبه) در منچستر و در آستانه دیدار امشب تیم های منچستریونایتد و آژاکس در فینال لیگ اروپا اعلام کرد که خطر حمله تروریستی این دیدار را تهدید نمی کند.

به گزارش تارنمای انگلیسی گل، اتحادیه فوتبال اروپا (یوفا) اعلام کرد که در پی انفجار بمب درشب گذشته در منچستر و کشته شدن دستکم ۲۲ نفر، تدابیر امنیتی برای دیدار فینال لیگ اروپا امشب تشدید شده است.در اثر انفجار بمب در سالن کنسرت منچسترآرنا دستکم ۲۲ نفر کشته و ۵۹ نفر زخمی شدند. تیم‌های منچستریونایتد و آژاکس از ساعت ۲۳:۱۵ امشب در فینال لیگ اروپا در ورزشگاه فرندز آره‌نا شهر استکهلم سوئد به مصاف هم می روند.یوفا به هواداران اطمینان داد که تدابیر امنیتی برای برگزاری این دیدار افزایش خواهد یافت و از تماشاگران خواست تا بدون تاخیر در ورزشگاه حاضر شوند.

طارمی و جهانبخش در فهرست برترین‌های آسیا

مجله معتبر فورفورتو اقدام به معرفی برترین بازیکنان سال ۲۰۱۷ آسیا کرده است که قسمت دوم آن دیروز منتشر شده است.

به گزارش ایسنا، مجله معتبر فورفورتو طبق سنت هر سال اقدام به معرفی ۵۰ بازیکن برتر آسیا در سال می‌کند. در این بین و در قسمت اول از رتبه ۳۱ تا ۵۰ این رده بندی روز گذشته منتشر شد که نام کریم انصاری فرد در رده ۴۶ دیده شد. اکنون درقسمت دوم این رده بندی نام علیرضاجهانبخش بازیکن آلکمار و مهدی طارمی از باشگاه پرسپولیس به چشم می خورد.

حیرت گواردیولا از رقم انتقال پدیده برزیلی به رئال

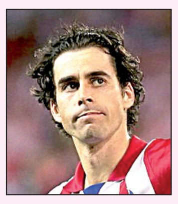


وینیسیوس جونیور، پدیده ۱۶ ساله برزیلی در آستانه انتقال به رئال مادرید قرار دارد.

به گزارش "ورزش سه"، رئال مادرید و فلامینگو بر سر انتقال وینیسیوس ۱۶ ساله به توافق رسیده اند و فقط یکسری جزئیات باقی مانده تا همه چیز رسمی شود.

وینیسیوس با درخشش در رقابت های جوانان آمریکای جنوبی و کسب آقای گلی این تورنمنت به شهرت رسید و بسیاری او را نیمار آینده فوتبال برزیل می دانند. گفته شده است که رئال برای خرید او ۴۶ میلیون یورو به فلامینگو پرداخت خواهد کرد.پپ گواردیولا، سرمربی سیتی در تشریح سیاست های نقل و انتقالاتی تیمش در تابستان آتی به انتقال وینیسیوس اشاره کرد و گفت:« رئال برای جذب یک بازیکن ۱۶ ساله برزیلی ۴۶ میلیون یورو هزینه کرده است و شما خودتان حدس بزنید که جذب بازیکن در نقل و انتقالات چقدر دشوار شده است.

تیاگو دستیار سیمئونه می‌شود



هافبک پرتغالی در کادرفنی اتلتیکومادرید حضور خواهد داشت.

به گزارش آس، خداحافظی تیاگو با اتلتیکومادرید یکی از زیباترین لحظات آخرین بازی رسمی روخی بلانکو در ویسنته کالدرون بود.

با این حال تیاگو خیلی از اتلتیکو دور نمی‌شود. او به جای دیگری نخواهد رفت چون به کادرفنی دیگو پابلو سیمئونه خواهد پیوست. این تصمیم با توافق دوجانبه گرفته شد. در روزهای آینده صحبت‌هایی انجام خواهد شد تا نقش دقیق تیاگو در کادر فنی مشخص شود. بازیکن پرتغالی در نخستین روزهای حضورش در فوتبال حرفه‌ای در مصاحبه با روزنامه آبولا گفته بود که خود را در آینده به عنوان یک سرمربی نمی‌بیند. با این حال اتلتیکو سرنوشت تیاگو را تغییر داد یا بهتر است بگویم چولو سیمئونه این کار را انجام داد. تیاگو در این‌باره گفت: ابتدا فکر می‌کردم تا ۳۲ سالگی بتوانم بازی کنم و هیچ وقت سرمربی نشوم اما زمانی که ۳۰ ساله شدم، به مربیگری فکر کردم. سیمئونه هم به من پیشنهاد داد مربی شوم شاید او چیزی درون من دیده است که چنین پیشنهادی را به من ارائه کرده است.

رئیس‌جمهوری: مردم تصمیم گرفتند همه اقشار و افکار به قطار انقلاب باز گردند

بقیه از صفحه ۲

وی همچنین توسعه روابط مردم و گردشگری میان ایران و فرانسه را حائز اهمیت برشمرد و بر تلاش برای تسهیل در صدور روادید به ویژه برای تجار و فعالان اقتصادی دو کشور تأکید کرد.

رئیس جمهوری با اشاره به ضرورت مقابله همه‌جانبه با تروریسم، گفت: ایران آمادگی دارد در همه سطوح برای مبارزه با تروریسم و حل بحران سوریه با دیگر کشورها از جمله فرانسه همکاری کند. روحانی خاطر نشان کرد: مطمئناً با گسترش همکاری‌ها می‌توانیم شرایط بهتری را برای مردم منطقه فراهم کنیم. وی ادامه داد: باید آرامش و ثبات را به منطقه بازگردانیم و امیدواریم اروپا گرفتار دام تفسیرهای نادرست نسبت به منطقه که از سوی برخی کشورها مطرح شده است، نشود.

رئیس جمهوری فرانسه هم در این تماس تلفنی با تبریک پیروزی دکتر روحانی در انتخابات ریاست جمهوری، حضور حداکثری و رأی قاطع رئیس جمهوری کشورمان را مهم و برجسته خواند و بر ضرورت توسعه روابط و همکاری‌های دو کشور در زمینه‌های مختلف تأکید کرد.

وی، برجام را قراردادی مهم در تامین امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی دانست و گفت: برای توسعه اقتصادی و افزایش سطح همکاری‌ها با ایران همه باید از این توافق حمایت کنیم. مکرون افزود: اجرای دقیق قرارداد برجام بسیار حائز اهمیت است و می‌تواند در آینده همکاری‌های بین‌المللی تاثیر گذار باشد.

رئیس جمهوری فرانسه همچنین خواستار توسعه روابط و همکاری‌های ایران و فرانسه در بخش‌های مختلف تجاری،اقتصادی،روابط بانکی،ارتباطات فرهنگی، گردشگری و علمی‌و دانشگاهی شد.

وی با اشاره به نقش برجسته ایران درحل بحران سوریه و مقابله با تروریسم در منطقه، تاکیدکرد: همه باید برای ایجاد ثبات و آرامش درمنطقه و مبارزه با تروریسم جدیت داشته باشند و تلاش کنند.

بنابرگزارش دیگر، به دنبال پیروزی دکترروحانی درانتخابات،ارسال پیام‌های تبریک خطاب به رئیس جمهوری منتخب ادامه دارد.دراین زمینه جامعه روحانیت مبارز پیامی‌صادرکرد که به این شرح است: «بسم الله الرحمن الرحیم
وَكانَ حَقًّا عَلَينا نَصرُ المُؤمِنينَ(قرآن کریم)

خداوند منان را شاکریم که ملت بزرگ، مؤمن و فهیم ایران را در خلق حماسه‌ای دیگر سرافراز کرد. به این ملت درود می‌فرستیم و خاضعانه از محضر حضرت حق جل و علا بهروزی، سربلندی، رفاه و تعالی مادی و معنوی مردم عزیز را خواستاریم.

به رئیس جمهور منتخب جناب آقای دکتر حسن روحانی تبریک می‌گوییم و اعتماد مجدد مردم شریف ایران به ایشان را موهبتی بزرگ دانسته و انتظار داریم ایشان و دولت محترمشان نسبت به اجرای تذکرات مقام معظم رهبری و وظایف قانونی و وعده‌های مطرح شده و خواسته‌های به‌حق مردم جدی و کوشا باشند و دوران جدید را که خود وعده داده‌اند با سرعت و کارایی بیشتر و اشتباه کمتر تداوم بخشند و به خصوص در رابطه با محرومیت‌زدایی، اشتغال، رونق تولید، افزایش اقتدار ملی و توسعه اخلاق و فرهنگ دینی گامی‌بلند و تأثیرگذار بردارند.

دوران پس از انتخابات، زمان وحدت، یکدلی، حسن‌ظن، تلاش و کوشش مضاعف است. لذا همه با هم ایستادگی در برابر دشمنان و دوستی و محبت به دوستان و مؤمنان را وجهه همت خود قرار دهیم و همه از قانون تمکین کنیم. صادقانه در خدمت هم باشیم، به آرمان‌های بلند انقلاب اسلامی‌وفادار بمانیم، سیاست‌های کلی ابلاغی مقام معظم رهبری را نقشه راه خود قرار دهیم و با نظارت صحیح به دولت و مجریان و سایر خدمتگزاران کمک کنیم. ان‌شاءالله

جامعه روحانیت مبارز از مراجع عظام تقلید، حوزه‌های علمیه، روحانیت معظم و سایر نخبگان، مسئولین اجرایی، نظارتی، کاندیداها و فعالان سیاسی و رسانه‌ها و قاطبه ملت شریف ایران علی‌الخصوص مقام معظم رهبری دام عزه که در خلق این حماسه عظیم و ماندگار نقش‌آفرین بوده‌اند، صمیمانه سپاسگزاری می‌نماید. والسلام علیکم و رحمت الله و برکاته

محمدعلی موحدی کرمانی
دبیرکل جامعه روحانیت مبارز.»

دبیر کل سازمان ملل هم در پیامی، برگزاری موفق انتخابات ریاست جمهوری و انتخاب حسن روحانی را به دولت و مردم ایران تبریک گفت.

به گزارش تارنمای سازمان ملل، استفان دوژاریک، سخنگوی دبیرکل سازمان ملل، در نیویورک ضمن آن که تبریک آنتونیو گوترش را به خبرنگاران اطلاع داد، گفت: دبیر کل سازمان ملل مشتاق است به همکاری با رئیس جمهوری ایران و دولت وی در مورد مسائل مورد علاقه ادامه دهد.

'تونی تن کنگ یام' رئیس جمهوری سنگاپور هم درپیامی به‌دکترحسن روحانی، رئیس جمهوری اسلامی‌ایران، انتخاب مجدد وی را تبریک گفت و آن را نشان دهنده سطح بالایی از اعتماد مردم ایران دانست.

به گزارش ایرنا، در پیام رئیس جمهوری سنگاپور، تاکید شده است: انتخاب ر وحانی از سوی مردم ایران 'نشاندهنده سطح بالایی از اعتماد مردم ایران و تلاش‌های خستگی ناپذیر برای ادغام مجدد ایران در جامعه بین المللی و اقتصاد جهانی' است.

ترحیم

انا لله و انا الیه راجعون

درگذشت **علویه مکرمه صبیه محترمه حضرت آیت‌الله العظمی آقای سید ابوالقاسم خویی (ق‌س) و متعلقه حضرت آیت‌الله العظمی آقای سیدنصرالله مستنبط (ق‌س)** را به اطلاع می‌رساند.

بدین‌منظور مجلس ختم زنانه پنجشنبه مورخ ۱۳۹۶/۳/۴ از ساعت ۶ الی ۸ واقع در حسینیه بنی‌فاطمه (سه راه امین‌حضور، سرچشمه) برگزار می‌گردد.

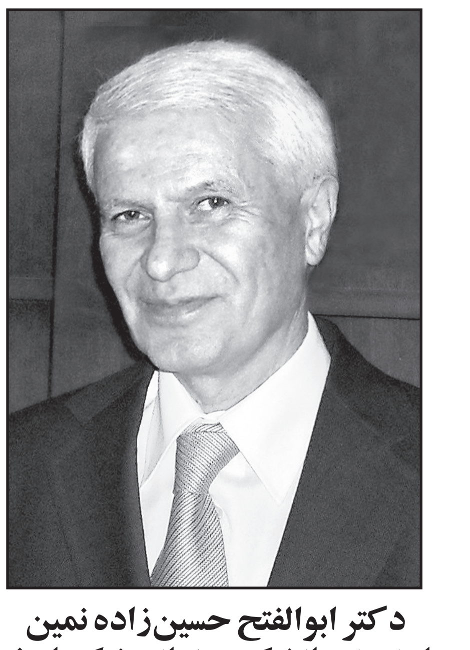
بیوت آیات عظام خویی، مستنبط، گلپایگانی

انالله و انا الیه راجعون

بای ذنب قتلت

در مسلخ عشق جز نکو را نکشند
روبه صفتان زشت خو را نکشند

بانهایت تأسف و تألم درگذشت جانگداز و ناباورانه



دکتر ابوالفتح حسین‌زاده نمین
(استاد نمونه دانشکده دندانپزشکی اصفهان)

را به اطلاع کلیه آشنایان و بستگان می‌رساند

به همین مناسبت مراسم یادبود آن فقید سعید روز پنجشنبه ۹۶/۳/۴ از ساعت ۱۴ الی ۱۵:۳۰ در مسجد نور واقع در میدان فاطمی (جهاد) منعقد می‌گردد

حضور شما سروران گرامی موجب شادی روح آن سفر کرده و آرامش و تسلی دل بازماندگان خواهد بود

از طرف همسر: منیر تیرگری
فرزندان: دکتر اشکان حسین‌زاده نمین و دکتر هومن حسین‌زاده نمین
عروس: دکتر گلنار خدابندلو
برادران: دارا حسین‌زاده نمین، مهندس حسین حسین‌زاده نمین، دکتر داور حسین‌زاده نمین
تنها خواهر: دکتر منیر حسین‌زاده نمین
خانواده‌های معزا: حسین‌زاده نمین - تیرگری - گیلان‌پور - خدابنده‌لو - فرخی - کریمی‌شهیدی - خواجوی‌نژاد - شرقی نمین - رمضانی نمین و سایر بستگان و آشنایان

بانهایت تأثر و تأسف درگذشت همکار عزیزمان **مهندس فریبرز پارسی** را به اطلاع می‌رساند. مراسم ترحیم از ساعت ۱۶:۰۰ الی ۱۷:۳۰ روز پنجشنبه ۹۶/۳/۴ در مسجد نور واقع در میدان فاطمی برگزار خواهد شد. شرکت دوستان و آشنایان موجبات شادی روح آن مرحوم و تسلی خاطر بازماندگان خواهد شد.

شرکت ایران سیستم - شرکت صنایع الکترونیک ایران سیستم - شرکت ارتباطی کام کارسیستم - شرکت فناوران ایده پرداز صبا.

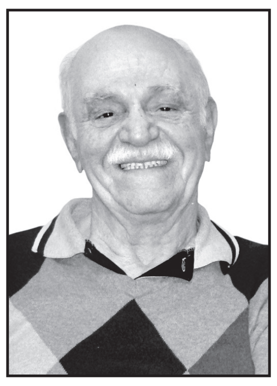
هو الباقی

مرحوم **مهندس حاج سید رضا انگجی (فرزند آیت‌الله سید مهدی انگجی)** به دیار باقی شتافت.

به‌همین مناسبت مجلس بزرگداشت آن مرحوم روز جمعه ۵ خرداد از ساعت ۱۷:۳۰ تا ۱۹ در مسجد الغدیر واقع در بلوار میرداماد برگزار می‌گردد.

الاقل سید علی انگجی، دکتر سید هادی انگجی، مهندس مصطفی انگجی. دکتر سید جواد انگجی

در گردش گردونه روزگار
نوبت به اسوه انسانیت رسید



با اندوه فراوان **«سرهنگ منوچهر شفیعی»** از عالم خاکی به ملکوت اعلی پیوست. محل سوگ آن روانشاد جمعه ۵ خرداد ساعت ۱۰ تا ۱۱/۳۰ در مسجد جامع شهرک قدس واقع در ابتدای بلوار فرحزادی نبش خیابان حسن سیف برگزار خواهد شد.

حضور سبز دوستدارانش را پاس می‌داریم و سر تعظیم بر آستان مقدمشان می‌سائیم.

خاندان شفیعی، حجت‌زاده و سایر بستگان

انا لله و انا الیه راجعون

بـا نهایت تأسف و تأثر درگذشت **خواهر گرامی سهامدار محترم آقای دکتر ابراهیم ناصری‌فر** را به اطلاع می‌رساند.

مجلس ترحیم آن مرحومه روز پنجشنبه ۱۳۹۶/۰۳/۰۴ از ساعت ۱۶/۴۵ الی ۱۸ در مسجد الرسول (ص) واقع در سعادت‌آباد میدان کاج برگزار می‌گردد.

هیات‌مدیره و مدیرعامل شرکت داروسازی آریا

بازگشت همه بسوی اوست

بانهایت تأسف و تألم در گذشت **خواهر گرامی همکار ارجمند جناب آقای دکتر ناصری‌فر** را به اطلاع کلیه دوستان و همکاران می‌رساند. مجلس ترحیم آن مرحومه در روز پنجشنبه ۱۳۹۶/۰۳/۰۴ از ساعت ۱۶:۴۵ تا ۱۸:۰۰ در مسجد الرسول(ص) واقع در سعادت‌آباد میدان کاج برگزار می‌گردد. حضور سروران گرامی موجب تسلی خاطر بازماندگان و شادی روح آن شادروان خواهد شد.

هیئت‌مدیره - مدیران و کارکنان شرکت داروسازی بهوزان

بازگشت همه بسوی اوست

با کمال تأسف و تأثر درگذشت پدری مهربان و پزشکی متعهد **دکتر بهمن سهرابی** را به اطلاع می‌رساند. به همین مناسبت مجلس یادبودی روز پنجشنبه مورخ ۱۳۹۶/۳/۴ از ساعت ۱۴ الی ۱۵/۳۰ در مسجد جامع شهرک غرب منعقد می‌گردد.

از طرف خانواده سهرابی و سایر بستگان

بازگشت همه به سوی اوست

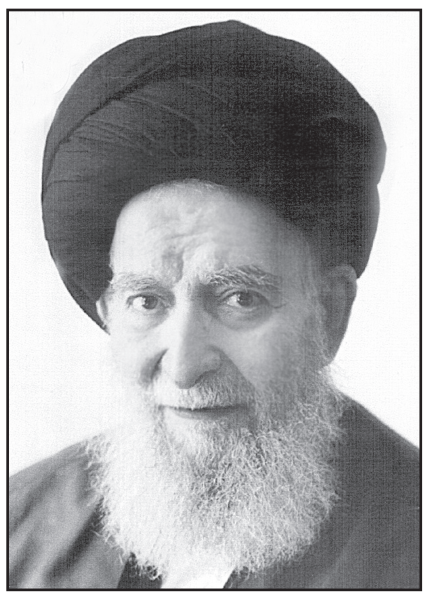
با کمال تأسف درگذشت **جناب آقای دکتر بهمن سهرابی** پدر همکار گرامیمان سرکار خانم دکتر فلور سهرابی را به اطلاع دوستان و همکاران می‌رسانیم.

مجلس یادبود روز پنجشنبه مورخ ۹۶/۳/۴ از ساعت ۱۴ الی ۱۵/۳۰ در مسجد جامع شهرک غرب واقع در میدان صنعت ابتدای خیابان سیف برگزار می‌گردد.

گروه بیهوشی بیمارستان آتیه

یادبود

العلماء باقون ما بقی الدهر



در یازدهمین سالگرد ارتحال عالم ربانی و خدمتگزار مرحوم‌مغفور **آیت‌الله حاج‌سید محمدحسین علوی طباطبائی بروجردی (قدس سره)** در حسینیه آن فقید سعید به تجلیل از مقام شامخ روحانیت و پاسداری از حریم مقدس اهل بیت علیهم‌السلام می‌نشینیم.

شرکت دوستان و عزیزان، بزرگداشت نام و یاد کسانی است که سالیان دراز در این راه گام برداشتند و تمام تلاش خود را در تحصیل رضایت مولای خود حجةابن‌الحسن‌المهدی(عج) بکار گرفتند.

زمان: جمعه ۵ خرداد ۱۳۹۶ مصادف با ۲۹ شعبان ۱۴۳۸ ساعت ۱۱ صبح

مکان: حسینیه آن فقید سعید، خیابان ابوسعید، کوچه شهید بهروز

امناء و کارگزاران حسینیه علوی



چهارم خرداد نهمین سال عروج ملکوتی مرحوم **امیرقلی امیری** پدربزرگ بی‌نظیر ماست. هزاران دریغ و افسوس، همین که فهمیدیم چه گنج گرانبهایی داریم، پر کشید، رفت و ما را در حسرت نبودش گذاشت. روح **بابا امیر و مامان پروین عزیزمون** هم که ۱۶ ساله رفته شاد.

نوه‌ها: یاسمن، میراحمد، شهریار، پریا، کیمیا، آرش و پدر و مادرانشان

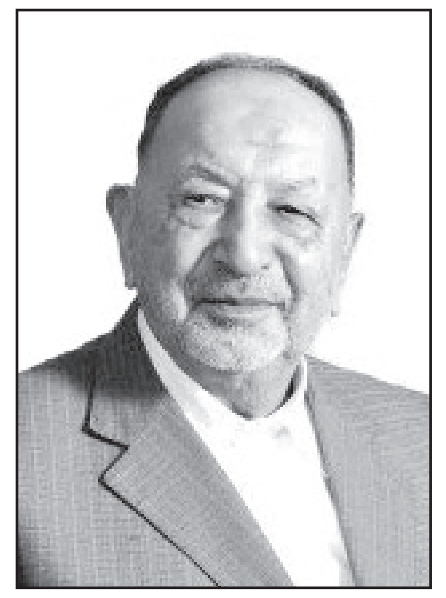


چهل روز است که دلتنگی غروب را با بودن در کنار مزار مرحوم **مهندس تیرداد شادمان** سپری می‌کنیم. به همین مناسبت در روز پنجشنبه مورخ ۱۳۹۶/۳/۴ از ساعت ۹ الی ۱۱ صبح در بهشت زهرا(س) چهاربیشه شهر مسجد سلیمان، سپس از ساعت ۱۱ الی ۱۴ بعدازظهر در مسجد امام حسین(ع) واقع در منطقه نفتون جهت قرائت فاتحه گردهم می‌آئیم.

از طرف خانواده‌های: شادمان - مهدی‌پور - شریفی - صابریان‌زاده و طایفه دهناشی

النعمةُ اذا فُقِدَت عُرِفت

آنچنان زی که چو از حادثه برباد روی
حسن معنی نگذارد که تو از یاد روی

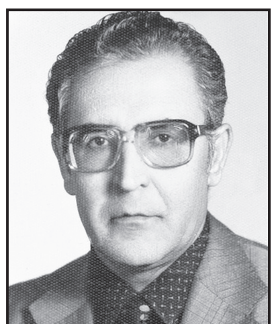


مراسم دومین سالگرد فقدان رادمرد نیکوکار و مشوق خیرین مرحوم **آقای حاج سید عبدالمهدی آل طعمه (موسوی)** روز پنجشنبه مورخ ۱۳۹۶/۳/۴ از ساعت ۱۸ الی ۲۰ در مسجد الغدیر واقع در بلوار میرداماد منعقد می‌گردد. حضور دوستان، علماء و هیأت مذهبی موجب امتنان است.

خانواده آل طعمه (موسوی)

«به نام خدا»





سالروز درگذشت زنده یاد

خانم ایران نعیمی (اقوامی)
همسر شادروان سیدرضا اقوامی

مادر، بهشت من همه آغوش گرم توست
گوئی سرم هنوز به بالین گرم توست
پیوسته در هوای تو چشمم به جستجوست
هر لحظه با خیال تو جانم به گفتگوست

روز پنجشنبه مورخ ۹۶/۳/۴ مصادف با اولین سالگرد دوری از تو مهربان‌ترین مادر را گرامی می‌داریم.

یگانه فرزند داغدارتان
«شیرین اقوامی»

تسلیت

سرکار خانم دکتر فلر سهرابی

مصیبت درگذشت پدر بزرگوارتان را تسلیت عرض نموده، بقاء و سلامتی خانواده محترمتان را از ایزدمنان خواهانم.

دفتر پرستاری - بیمارستان رسالت تهران

سرکار خانم دکتر فلر سهرابی

مصیبت درگذشت پدر بزرگوارتان را تسلیت عرض نموده، بقاء و سلامتی خانواده محترمتان را از ایزدمنان خواهانم.

حسابداری بیمارستان رسالت تهران

همکار ارزشمند
جناب آقای دکتر ناصری‌فر

با کمال تأسف و تألم مصیبت وارده را تسلیت عرض نموده خود را در این غم بزرگ سهیم می‌دانیم:

دوستان و همکاران شما: دکتر آذرنوش - دکتر آزادیان - دکتر آل محمد - دکتر افسر الهی - دکتر احمدی کاشانی - خانم باقرزاده - دکتر بیات - دکتر تقوی - دکتر تقی‌پور - دکتر پاکباز - دکتر تولایی - دکتر ثاقبی - دکتر جزایری - دکتر جعفری کرمانی - دکتر جعفری آشتیانی - دکتر حاج‌رضا تهرانی - دکتر خداخواه - دکتر خلیل‌زاده - دکتر روشنایی‌مقدم - دکتر زراعت‌طلب - دکتر سعیدواقفی - دکتر ساغری - دکتر شریفی یزدی - دکتر شاهرکنی - دکتر صفوی - دکتر عقیقی - دکتر غضنفرپور - دکتر فراهت - دکتر فروهشی - دکتر کاشانی - دکتر کشتکار - دکتر کوچکی - دکتر کیان کریمی - دکتر مخدومی - خانم فریدا قادری‌نژاد - دکتر معینی - دکتر مشایخی - دکتر مدرسی - دکتر موسوی - دکتر میرمطلبی - دکتر میرقاسمی - دکتر نیاکی - دکتر نیرومند - دکتر نیک‌کار - دکتر نیلفروشان - دکتر یزدی - فاطمه هیدجی - دکتر هندی

جناب آقای رفیع جوادی شجونی

بانهایت تأسف فقدان خواهر گرامیتان را تسلیت عرض می‌نمایم، از خداوند متعال برای آن مرحومه آمرزش و برای بازماندگان صبر و شکیبایی خواستارم.

بیژن فرهی

همکار گرامی
جناب آقای دکتر ابراهیم ناصری‌فر

با نهایت تأسف و تأثر در گذشت خواهر گرامیتان را تسلیت عرض نموده، از درگاه احدیت برای آن مرحومه علو درجات و برای شما و خانواده محترمتان صبر و شکیبایی خواستاریم.

هیأت مدیره و کارکنان شرکت داروسازان ماد

جناب آقای دکتر داور حسین‌زاده نمین

با نهایت تأسف و تأثر در گذشت بـرادر گرامیتان را تسلیت عرض می‌نماییم.

هیئت مدیره، پزشکان و پرسنل بیمارستان تخصصی مادران

جناب آقای دکتر داور حسین‌زاده نمین

با نهایت تأسف و تأثر در گذشت بـرادر گرامیتان را تسلیت عرض می‌نماییم.

گروه پزشکان بیهوشی بیمارستان تخصصی مادران

سرکار خانم دکتر فلر سهرابی

مصیبت درگذشت پدر بزرگوارتان را تسلیت عرض نموده، بقاء و سلامتی خانواده محترمتان را از ایزدمنان خواهانم.

محمود جلیلی
مدیرمالی بیمارستان رسالت تهران

سرکار خانم دکتر فلر سهرابی

مصیبت درگذشت پدر بزرگوارتان را تسلیت عرض نموده، بقاء و سلامتی خانواده محترمتان را از ایزدمنان خواهانم.

دکتر محمد امامی و بانو

آگهی تغییرات شرکت سرمایه گذاری فروشگاه‌های زنجیره‌ای خونه به خونه سهامی خاص به شماره ثبت ۲۹۵۴۵۷ و شناسه ملی ۱۰۱۰۳۳۱۲۰۸۴

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ ۱۳۹۵/۱۱/۱۸ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: موسسه حسابرسی احراز ارقام به شناسه ملی ۱۰۳۲۰۲۹۴۷۴۹ به سمت بازرس اصلی و مؤسسه حسابرسی اطمینان بخش و همکاران به شناسه ملی ۱۰۳۲۰۸۵۳۳۴۹ به سمت بازرس علی البدل برای مدت یک سال مالی انتخاب شدند. ترازنامه و حساب سود و زیان سال ۹۴ بتصویب رسید. روزنامه اطلاعات به عنوان روزنامه کثیرالانتشار جهت درج آگهی های شرکت انتخاب گردید.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیر تجاری تهران (۴۱۹۶۷)

آگهی تغییرات
شرکت کارگزاری توسعه سرمایه دنیا سهامی خاص به شماره ثبت ۱۶۰۹۸۸ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۰۳۶۲۹۱

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۴/۱۰/۳۰ و مجوز شماره ۱۲۲/۶۱۳۵ مورخ ۹۵/۰۱/۲۵ سازمان بورس و اوراق بهادار تصمیمات ذیل اتخاذ شد: ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی منتهی به ۱۳۹۴/۰۶/۳۱ مورد تصویب قرار گرفت. - حسنعلی بشارت احسانی به کد ملی ۱۵۳۲۴۲۵۱۵۵ به سمت مدیر عامل و رئیس هیئت مدیره و میررضا صادقی اصل به کد ملی ۰۰۵۹۹۱۹۳۹۶ به سمت نائب رئیس هیات مدیره و محسن خطیب به کد ملی ۰۰۴۵۴۷۹۸۵۲ به سمت عضو هیات مدیره برای مدت دو سال انتخاب گردیدند. - کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهد آور شرکت با امضاء رئیس هیئت مدیره و مدیرعامل همراه با مهر شرکت دارای اعتبار می باشد. - موسسه حسابرسی و خدمات مالی همیار حساب شناسه ملی ۱۰۱۰۰۳۱۳۹۷۰ به سمت بازرس اصلی و موسسه حسابرسی آزمون پرداز ایران مشهود به شناسه ملی ۱۰۸۶۱۶۸۷۶۲۵ به سمت بازرس علی البدل برای مدت یک سال مالی انتخاب شدند - روزنامه اطلاعات بعنوان روزنامه کثیرالانتشار جهت درج آگهی های شرکت انتخاب گردید.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیر تجاری تهران (۴۱۹۶۹)

آگهی تغییرات شرکت لیزینگ پارسیان سهامی خاص به شماره ثبت ۱۷۰۹۳۱ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۱۳۳۹۶۲

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۴/۱۲/۰۸ و مجوز شماره ۹۵/۱۶۵۴۱۵ مورخ ۹۵/۵/۲۶ اداره مجوزهای بانکی بانک مرکزی تصمیمات ذیل اتخاذ شد: روزنامه اطلاعات به عنوان روزنامه کثیرالانتشار برای درج آگهی های شرکت انتخاب گردید. مؤسسه حسابرسی آزمون پرداز ایران مشهود به شناسه ملی ۱۰۸۶۱۶۸۷۶۲۵ به عنوان بازرس اصلی و مؤسسه حسابرسی هوشیار ممیز به شماره ملی ۱۰۱۰۰۴۳۹۶۴۵ به عنوان بازرس علی البدل شرکت برای ۱ سال مالی انتخاب شدند. ترازنامه و صورت های مالی شرکت برای دوره مالی ۱۲ ماهه منتهی به ۱۳۹۴/۱۰/۳۰ مورد تصویب قرار گرفت.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیر تجاری تهران (۴۱۹۷۱)

آگهی تغییرات شرکت سرمایه گذاری تولیدی بین المللی گروه پرواز تجارت ایرانیان سهامی خاص به شماره ثبت ۲۰۳۷۲۲ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۴۵۴۱۲۵

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۵/۰۷/۲۸ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: - محل شرکت در واحد ثبتی تهران به آدرس خیابان شهید بهشتی - خیابان شهید احمد قصیر خیابان نهم - پلاک ۲ - واحد ۳ - کدپستی ۱۵۱۳۷۳۶۳۱۱ تغییر یافت

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیر تجاری تهران (۴۱۹۷۲)

آگهی تغییرات
شرکت دریا دانش فناور پارس سهامی خاص به شماره ثبت ۴۰۵۶۰۳ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۵۷۰۷۶۴

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۵/۰۴/۲۹ و تاییدیه شماره ۲۰/۲۰۷۰۹ مورخ ۱۳۹۵/۹/۲۸ سازمان خصوصی سازی تصمیمات ذیل اتخاذ شد: موسسه حسابرسی امین محاسب روش به شماره ملی ۱۰۱۰۰۵۳۸۲۰۳ به عنوان بازرس اصلی و موسسه حسابرسی بهراد مشار به شماره ملی ۱۰۸۴۰۰۱۷۹۹۹ به عنوان بازرس علی البدل برای مدت یکسال مالی انتخاب گردیدند. روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت درج آگهی های شرکت تعیین شد. ترازنامه و حساب سود و زیان منتهی به ۱۳۹۴/۱۲/۲۹ به تصویب رسید.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیر تجاری تهران (۴۱۹۸۸)

آگهی تغییرات شرکت فناوران مبین خاور سهامی خاص به شماره ثبت ۳۶۱۸۱۵ و شناسه ملی ۱۰۱۰۴۰۸۶۵۳۰

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۵/۰۳/۱۹ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: صورتهای سال مالی منتهی به ۱۳۹۴/۱۲/۲۹ مورد تصویب قرار گرفت. - مؤسسه حسابرسی بهراد مشار با شناسه ملی ۱۰۸۴۰۰۱۷۹۹۹ بعنوان بازرس اصلی و موسسه حسابرسی آزموده کاران با شناسه ملی ۱۰۱۰۰۴۶۸۶۰۰ به عنوان بازرس علی البدل برای مدت یک سال مالی تعیین گردیدند. روزنامه اطلاعات بعنوان روزنامه کثیرالانتشار جهت درج آگهی های شرکت انتخاب گردید.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیر تجاری تهران (۴۱۹۸۶)

آگهی تغییرات شرکت سرمایه گذاری کشاورزی کوثر سهامی خاص به شماره ثبت ۴۷۹۹۱ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۹۳۱۹۰۳

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۵/۰۲/۱۳ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: غلامحسین آقایا کد ملی ۱۱۹۸۹۴۴۱۳۷ به نمایندگی از شرکت سرمایه گذاری سبحان (سهامی عام) به شناسه ملی ۱۰۱۰۰۹۴۶۵۷۵ به عنوان رئیس هیات مدیره و محمد احمدی بافنده کد ملی به شماره ۱۹۷۱۹۰۶۲۳۹ به نمایندگی از شرکت سرمایه گذاری توسعه صنایع و معادن کوثر (سهامی عام) به شناسه ملی ۱۰۱۰۱۱۰۸۴۸۰ به عنوان عضو هیات مدیره برای باقی مانده مدت تصدی انتخاب شدند

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیر تجاری تهران (۴۱۹۸۷)

آگهی تغییرات شرکت پتروشیمی میاندوآب سهامی خاص به شماره ثبت ۲۹۵۰۲۹ و شناسه ملی ۱۰۱۰۳۳۰۹۷۷۲

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۵/۰۸/۱۸ و با کسب اجازه از مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۳۹۵/۰۴/۲۶ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: - سرمایه شرکت از مبلغ ۲۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال به مبلغ ۴۱۰۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال، منقسم به تعداد ۴۱۰۰۰۰۰۰ سهم ۱۰۰۰ ریالی با نام از محل مطالبات حال شده سهامداران افزایش یافت و ماده مربوطه در اساسنامه اصلاح و ذیل ثبت از لحاظ افزایش سرمایه در تاریخ فوق الذکر تکمیل امضاء شد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیر تجاری تهران (۴۱۹۸۹)

تاسیس شعبه شرکت خارجی متکا ای جی ان لیمیتد در تاریخ ۱۳۹۵/۰۶/۲۴ به شماره ثبت ۳۱۱۰ به شناسه ملی ۱۴۰۰۶۱۷۳۴۴۴ ثبت و امضا ذیل دفاتر تکمیل گردیده که خلاصه آن به شرح زیر جهت اطلاع عموم آگهی میگردد

- نام و نوع شرکت مادر: متکا ای جی ان لیمیتد با مسئولیت محدود - مرکز اصلی شرکت مادر و نشانی کامل آن: قبرس نیکوزیا ۱۰۶۶ خیابان اواگورو شماره ۳۱ ساختمان اواگوراس طبقه چهارم دفتر ۴۲ ۴۱- - تابعیت شرکت: تابعیت شرکت قبرسی - مقدار سرمایه شرکت و تقویم شده آن به یورو: در تاریخ ۱۳۹۵/۶/۱۱ تقاضا ۱۰۰۰ یورو معادل ۳۹۸۵۰۰۰۰ ریال - تاریخ و محل ثبت شرکت مطابق قوانین کشور اصلی: شرکت اصلی مطابق قوانین کشور خود. قبرس - نیکوزیا به تاریخ ۱۳۹۴/۲/۲۸ - نزد کدام مقام صلاحیتدار ثبت شده است: اداره ثبت شرکتها نیکوزیا - موضوع شرکت مادر: صرفاً درج یک بند از موضوع شرکت اصلی: مطالعات دقیق و بویژه مطالعات دقیق امکان سنجی در مورد فرآیندهای بهره برداری تمام انواع نیروگاه های برق و حرارت (حرارتی، سیکل ترکیبی، برقی آبی (هیدروالکتریک)، هیبرید، نیروگاه های بادی، نیروگاه های خورشیدی و غیره) و نیز مطالعات دقیق برای بازاریابی برق و به عهده گیری فعالیت های تحقیق و توسعه در مورد محصولات جدید با تأکید خاص بر روی محصولات، خدمات و فرآیندهای نوآورانه، (بقیه موضوع طبق اساسنامه شرکت مادر). - نوع فعالیت شعبه شرکت در ایران: - اجرای قراردادهای منعقده توسط شرکت با اتباع ایرانی - همکاری با شرکت های فنی و مهندسی ایرانی به منظور به عهده گرفتن کار در کشورهای ثالث - ارائه خدمات فنی مهندسی و انتقال دانش و مهارت فنی - نام و نشانی نماینده عمده شرکت در ایران: نیکولائوس سوکوس با کد فراگیر ۱۰۰۵۸۰۱۹۰ به نشانی تهران خیابان ولیعصر خیابان شهید عباسپور (توانیر) خیابان نظامی گنجوی کوچه احتشام پلاک ۱۴ کد پستی ۱۴۳۴۸۳۵۳۶۳. - نشانی کامل شعبه شرکت در ایران: تهران خیابان ولیعصر خیابان شهید عباسپور (توانیر) خیابان نظامی گنجوی کوچه احتشام پلاک ۱۴ کد پستی ۱۴۳۴۸۳۵۳۶۳ - اختیارات نماینده عمده به موجب اختیار نامه شماره ۹۲۲ مورخ ۱۳۹۵/۰۳/۲۷ تایید شده توسط سفارت جمهوری اسلامی ایران در نیکوزیا شرکت مادر به نماینده عمده به شرح ذیل می باشد: دریافت کلیه اخطاریه های قانونی ابلاغی به شرکت در ایران – تعیین و تغییر نشانی قانونی شرکت در ایران ـ اقدام به عنوان نماینده اصلی شرکت در ایران و انجام کلیه اقدامات لازم برای ثبت شعبه ـ دریافت کلیه اخطاریه های قانونی ابلاغی به شعبه و تعیین یا تغییر نشانی قانونی شعبه در ایران ـ گشایش حساب های جاری و سپرده به ارز ایرانی و خارجی در بانک های ایران به نام شعبه و ادار حساب های مزبور تحت امضای منحصر به فرد خود، با توجه به این که به اسپایریدون پتراتوس (دارنده گذر نامه صادره از جمهوری یونان به شماره ۰۹۲۲۰۹۴ آ ان) نیز بدینوسیله اختیار داده میشود که حساب های مزبور را تحت امضای منحصر به فرد خود اداره نماید، ـ خرید، فروش، اجاره دادن یا اجاره کردن اموال منقول و غیر منقول در ایران به نام شعبه ـ امضاء قرار دادها از طرف شعبه ـ صدور، ظهر نویسی، تنزیل و پرداخت کلیه اسناد تجاری ـ استخدام و برکنار نمودن کارمندان و تعیین نمایندگانی از طرف و به نام شعبه در ایران ـ ترخیص مرسولات ارسالی برای شعبه از اداره پست و اخذ یک صندوق پستی به نام شعبه در ایران - دریافت و ترخیص گمرکی کالاهای ارسالی برای شعبه ـ تعیین وکلای دادگستری با اختیار اقامه دعاوی و دفاع دعاوی از طرف شعبه در ایران و انجام اقدامات قانونی لازم یا مقتضی جهت محافظت از منافع شرکت در ایران ـ به طور کلی، نمایندگی و اقدام به نام و از طرف شعبه در کلیه موارد ناشی از جریان عادی فعالیت های شعبه در ایران، از جمله ثبت شعبه نزد کلیه مراجع ذیربط ـ واگذاری تمام یا بخشی از اختیارات اعطایی به اشخاص ثالث پس از اخذ رضایت کتبی و قبلی شرکت به شرح پیش بینی شده در این سند ـ اجرای هر گونه عمل یا اقدام لازم به منظور انجام موضوع این وکالتنامه

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران (۴۱۹۷۸)

صاحب امتیاز: شرکت ایرانچاپ (مؤسسه اطلاعات)
مدیر مسئول: سیدمحمود دعائی
سر دبیر: علیرضا خانی
نشانی: تهران - بلوار میرداماد - خیابان نفت‌جنوبی - ساختمان اطلاعات - کد پستی ۱۵۴۹۹۵۳۱۱۱ (تهران)
پست تصویری تحریریه ۲۲۲۵۸۰۲۲
تلفن: ۲۹۹۹۹
نمابر آگهی‌ها ۲۱ و ۲۲۲۵۸۰۱۹
تلفن پذیرش آگهی‌ها ۱۸-۲۲۲۵۸۰۱۴
نشانی اینترنت: http://www.ettelaat.com
پست الکترونیکی: ettelaat@ettelaat.com
منشور اخلاقی: http://www.ettelaat.com/ftp/manshoor.pdf

اطلاعات

سال نود و یکم

تقویم اطلاعات

چهار شنبه ۳ خرداد ۱۳۹۶
۲۷ شعبان ۱۴۳۸ ـ ۲۴ مه ۲۰۱۷

ظهر شرعی	۱۳ و ۰۱ دقیقه
غروب آفتاب	۲۰ و ۰۹ دقیقه
اذان مغرب	۲۰ و ۳۰ دقیقه
نیمه شب شرعی (پایان وقت ادای نماز عشا)	۰۰ و ۱۰ دقیقه
اذان صبح (فردا)	۴ و ۱۱ دقیقه
طلوع آفتاب (فردا)	۵ و ۵۳ دقیقه

۲۲ انگلیسی در انفجار تروریستی منچستر کشته شدند



سرویس خارجی: انفجار در یک سالن کنسرت در شهر «منچستر» در شمال انگلستان، ۲۲ کشته و ۵۹ زخمی بر جا گذاشت و در پی آن تبلیغات انتخاباتی احزاب سیاسی متوقف شد.

پلیس انگلیس اعلام کرد انفجاری قدرتمند در سالن سرپوشیده «منچستر آرنا»، جایی که کنسرت خواننده آمریکایی با حضور کودکان و نوجوانان در حال برگزاری بود، رخ داد. پلیس منچستر اضافه کرد: فردی که این بمب‌گذاری را انجام داده خودش نیز کشته شده است. شاهدان عینی هم گفتند اغلب قربانیان این حادثه کودک و نوجوان بودند. از سوی دیگر، مقامات پلیس انگلیس اعلام کردند بمب دیگری در نزدیکی محل انفجار اول در محل سالن منچستر آرنا کشف شد [illegible] ایستگاه «ویکتوریا منچستر» [illegible] متوقف شد.

از طرفی، یک مرکز خرید در مرکز شهر منچستر هم ساعاتی بعد از حمله تروریستی به کنسرت منچستر آرنا تخلیه شد و برخی شاهدان از شنیدن صدای مهیبی خبر دادند. پلیس مسلح با حضور در مرکز خرید «آرندیل» فردی را دستگیر کرد. هنوز معلوم نیست که آیا این حادثه با حادثه محل کنسرت در ارتباط بوده است یا خیر. محوطه اطراف مرکز خرید آرندیل توسط پلیس محاصره شد.

موج محکومیت ها

ملکه بریتانیا در پیامی درباره حمله منچستر با قربانیان این حمله تروریستی ابراز همدردی کرد.«ترزا می»، نخست وزیر انگلیس و رهبران دیگر احزاب سیاسی این کشور نیز با تروریستی عنوان کردن این انفجار، فعالیت ستادهای انتخاباتی خود را به حال تعلیق درآوردند. می همچنین از تلاش برای آگاهی از جزئیات این واقعه سخن گفت و با سانحه دیدگان و خانواده قربانیان ابراز همدردی کرد.ترزا می پس از برگزاری جلسه اضطراری با افسران و فرماندهان پلیس، نیروهای امنیتی و وزرای کابینه در کنفرانس خبری گفت: ۲۲ نفر به اضافه فرد بمب‌گذار کشته شدند که مجموع کشته‌ها ۲۳ نفر بوده و ۵۹ نفر دیگر زخمی و تحت درمان درهشت بیمارستان منچستر هستند. نخست‌وزیر انگلیس گفت: سطح هشدار امنیتی در انگلیس افزایش یافته است، این به معنای احتمال وقوع حوادث تروریستی در هر زمانی در این کشور است. وی تصریح کرد:تروریسم هیچگاه موفق نخواهد بود و مردم و دولت انگلیس بر آن چیره خواهند شد. در همین رابطه، وزیر کشور انگلیس یک جلسه اضطراری برگزار کرد و ضمن ابراز همدردی با قربانیان گفت: حمله وحشیانه منچستر کودکان و نوجوانان را هدف قرار داد که آسیب‌پذیرتر از دیگران هستند. وی ضمن محکوم کردن این حادثه گفت برای خانواده‌های قربانیان و تمامی کسانی که از این حادثه آسیب دیده‌اند، دعا می‌کند. خانم رود گفت: مردم باید هوشیار باشند اما اضطراب نداشته باشند و اگر مساله‌ای هست که باید گزارش کنند، با پلیس تماس بگیرند. در عین حال، «تیم فارون» رهبر حزب لیبرال دموکرات انگلستان نیز در پی این حادثه، فعالیت ستاد انتخاباتی خود را تعلیق کرد. وی این حادثه را وحشتناک و شوک برانگیز توصیف و هدف از آن را آسیب رساندن به کودکان و جوانان حاضر در محل عنوان کرد.«جرمی کوربین» رهبر حزب کارگر انگلستان نیز این حادثه را وحشتناک توصیف و با بازماندگان قربانیان ابراز همدردی کرد.«دیوید کامرون» نخست وزیر سابق انگلیس هم با قربانیان ابراز همدردی و از نیروهای امدادی به دلیل شجاعت در ارائه خدمات قدردانی کرد.در ادامه واکنش‌ها، پرچم‌های «داونینگ استریت» مقر نخست‌وزیری دولت انگلیس و پرچم‌های مقابل کمیسیون اروپا در بروکسل برای همدردی با منچستر به حالت نیمه افراشته درآمدند. پرچم‌ها در ساختمان مرکزی پلیس لندن هم به حالت نیمه‌افراشته درآمد.

سفارت آمریکا در لندن هم در توییتر خود نوشت: پرچم ما به نشانه احترام به کسانی که از حمله تروریستی متاثر بودند، پایین کشیده شد.بعد از حمله تروریستی در شهر منچستر، تدابیر امنیتی در لندن پایتخت انگلیس هم افزایش یافت. «صادق خان» شهردار لندن طی بیانیه‌ای درباره حادثه منچستر ضمن وحشیانه خواندن این حمله نوشت، لندن در کنار منچستر است. وی با خانواده قربانیان و تمامی کسانی که از این حادثه آسیب دیده‌اند ابراز همدردی کرد.«اندی برنهام» شهردار منچستر هم اعلام کرد: هر آنچه لازم باشد برای خانواده قربانیان و حادثه دیدگان انجام می‌دهد. وی از همه حمایت‌ها تشکر کرد و گفت این حادثه اقدامی شرورانه بود. «سر ریچارد لیس» رئیس شورای منچستر گفت:این حادثه مردم منچستر را از هم نمی‌پاشد و تروریسم هیچ وقت پیروز نخواهد شد. «آریانا گراندی» خواننده کنسرت منچستر هم در توییتر خود ضمن ابراز ناراحتی عمیق از این حادثه نوشت «از اعماق قلبم متاسفم. هیچ واژه‌ای نمی‌توانم به زبان بیاورم.»از سوی دیگر، گروه تروریستی داعش در پیامی که در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد، مسئولیت انفجار منچستر را بر عهده گرفت. در همین حال حامیان داعش در پی انفجار منچستر در فضای مجازی به جشن و شادی پرداختند.

در چنین شرایطی،رهبران و مقامات کشورهای مختلف جهان، با انتشار پیام هایی، تاثر خود را از حمله شهر منچستر نشان دادند و این حمله را به شدت محکوم کردند.«بهرام قاسمی» سخنگوی وزارت امور خارجه ایران حمله تروریستی در منچستر انگلیس را به شدت محکوم کرد و ریشه و منشاء فکری حوادث تروریستی که در «میرجاوه» ایران و در منچستر انگلیس دست به اقدامات خشونت‌بار و غیرانسانی می‌زنند را یکی خواند.«ژان کلود یونکر»، رئیس کمیسیون اروپا هم در بیانیه‌ای ناراحتی بسیار و بهت خود را از حادثه وحشیانه منچستر بیان کرد. وی ضمن ابراز همدردی عمیق با نخست وزیر و مردم انگلیس افزود، چنین حملات بزدلانه‌ای به تقویت تعهد برای شکست عاملان جنایت منجر می‌شود.«فدریکاموگرینی»مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا نیزدر واکنش به حادثه منچستر گفت: امروز روز خیلی ناراحت کننده‌ای برای اروپا است و از سوی خودش و کل اتحادیه اروپا به انگلیس و نخست وزیر و مقامات این کشور تسلیت می‌گوید. همچنین «دونالد تاسک» رئیس شورای اتحادیه اروپا در حساب کاربری خود در توییتر نوشت با منچستر و با قربانیان این حادثه همدردی می‌کند.«ادوار فیلیپن» نخست وزیر جدید و «امانوئل مکرون» رئیس جمهوری جدید فرانسه هم این اقدام تروریستی را محکوم کردند. فیلیپن گفت: بزدلانه‌ترین شکل حمله تروریستی اتفاق افتاد و مانند حادثه سال گذشته پاریس، تروریسم این بار در منچستر دختران نوجوان را هدف قرار داد. وی با ابراز ناراحتی عمیق ازاین حادثه گفت که مردم فرانسه در کنار مردم انگلیس هستند. مکرون هم در بیانیه‌ای گفت: فرانسه برای مقابله با تروریسم با انگلیس همکاری می‌کند.«آنگلا مرکل» صدر اعظم آلمان هم در بیانیه‌ای گفت:گزارش‌های منچستر را با ناراحتی بسیار دنبال می‌کند و کشورش شانه به شانه کنار انگلیس می‌ایستد. «فرانک والتر اشتاین مایر» رئیس جمهوری آلمان هم ضمن شوکه کننده خواندن حادثه منچستر، با قربانیان و مجروحان آن ابراز همدردی کرد. «دونالد ترامپ»، رئیس جمهوری آمریکا هم که در کرانه باختری به سر می‌برد گفت: عاملان حمله منچستر، بازنده هستند.ترامپ تاکید کرد:نمی‌توان کشتار مردم بیگناه را تحمل کرد و تروریسم باید از بین برود. همسر وی «ملانیا ترامپ» هم با قربانیان این حادثه ابراز همدردی کرد. ترامپ همچنین در گفت‌وگویی تلفنی با ترزا می، درباره حادثه منچستر صحبت کردو به او تسلیت گفت.«ولادیمیر پوتین» رئیس جمهوری روسیه هم حادثه منچستر را به نخست وزیر انگلیس تسلیت گفت. همچنین ، کاخ کرملین استاندارد دوگانه غرب در قبال حادثه منچستر را محکوم کرد. «جاستین ترودو» نخست وزیر کانادا هم با تسلیت به انگلیس حادثه منچستر را وحشتناک خواند و از همه خواست قربانیان و خانواده‌هایشان را به یاد داشته باشند.«شی جین پینگ» رئیس جمهوری چین بعداز حادثه منچستر در پیامی خطاب به الیزابت دوم ملکه انگلستان، ضمن ابراز همدردی گفت در شرایط سخت، چین محکم در کنار انگلیس می‌ایستد. «ملکولم ترنبال» نخست وزیر استرالیا نیز این حمله را اقدامی جنایی خواند و گفت هیچ چیز بدتر از حمله به کودکان و نوجوانان نیست. «شینزو آبه»، نخست وزیر ژاپن هم در تماسی با ترزا می نخست وزیر انگلیس، همراهی توکیو با لندن را اعلام کرد.«یوشیهیده سوگا» سخنگوی دولت ژاپن هم این حادثه را محکوم کرد و گفت چنین حوادثی اصلا توجیه ندارند. از طرفی، «ناراندا مودی»، نخست وزیر هند هم شدیدا این حادثه را محکوم کرد و با خانواده‌های قربانیان و با مجروحان این حادثه ابراز همدردی کرد.«مولود چاووش‌اوغلو» وزیر خارجه ترکیه هم طی توئیتری انفجار تروریستی در شهر منچستر انگلیس را محکوم کرد. چاووش‌اوغلو ضمن تسلیت گفتن به انگلیسی‌ها نوشت:من حمله تروریستی در منچستر را محکوم می کنم. تسلیت صمیمانه خود را به دولت و مردم انگلیس عرض می‌کنم.«نفیس زکریا» سخنگوی وزارت خارجه پاکستان ضمن پیامی انفجار تروریستی منچستر را محکوم کرد و گفت:مردم و دولت پاکستان در این لحظات در کنار مردم انگلیس خواهند ماند.«محمد بن عبدالرحمان آل ثانی» وزیر خارجه قطرهم در توییتر خود ضمن محکومیت انفجار در منچستر انگلیس، نوشت: قطر در کنار دولت و ملت انگلیس ایستاده است.دولت اردن هم انفجار تروریستی در شهر منچستر انگلیس را محکوم کرد.«محمد المومنی» وزیر مشاور در امور رسانه و سخنگوی دولت اردن اعلام کرد: اردن انفجار فجیع تروریستی در شهر منچستر انگلیس را محکوم می‌کند.

***فرانسه**

نخست‌وزیر فرانسه در پی وقوع انفجاری در سالن «منچستر آرنا» انگلیس، به شهروندان کشورش هشدار داد تا هوشیارانه عمل کنند.او پس از نشست امنیتی در پاریس با صدور بیانیه‌ای گفت: من از شهروندان کشورم درخواست دارم تا هوشیارانه عمل کنند. ما با تهدیدی روبرو هستیم که نزدیکتر از همیشه است.

***سوئد**

فرودگاه بین‌المللی شهر «گوتنبرگ» سوئد به دنبال کشف بسته‌ای مشکوک با نشانه‌هایی از وجود مواد منفجره در آن، تخلیه شد. مقامات فرودگاه بین‌المللی گوتنبرگ به عنوان دومین شهر بزرگ سوئد، به دنبال این اتفاق پروازهای خروجی این فرودگاه را لغو کرده و سالن پروازهای ورودی را تخلیه کردند. این بسته مشکوک در نزدیکی کانتر اطلاعات پیدا شده و نشانه‌هایی روی این کیف بوده که از وجود بمب و مواد منفجره در آن حکایت داشته است.

آغاز به کار نشست امنیتی ۱۰۰ کشور در روسیه با حضور دریابان شمخانی

سرویس خارجی: دریابان علی شمخانی دبیر شورای عالی امنیت ملی کشورمان که دیروز وارد مسکو شد، در نشست امنیتی با حضور هیات‌های بیش از ۱۰۰ کشور در روسیه، مواضع و راهبردهای ایران در عرصه به ویژه مبارزه با تروریسم را مطرح می کند.

شمخانی هنگام ورود به فرودگاه مورد استقبال مهدی سنایی سفیر جمهوری اسلامی ایران در فدراسیون روسیه و هیات روسی قرار گرفت.براساس برنامه تنظیم شده، شمخانی در [illegible]

[illegible] جمهوری اسلامی ایران با محور پیشبرد ابتکارهای مشترک سیاسی - نظامی در اجلاس مبارزه با تروریسم دیدار و مذاکره می کند.

تجمع بزرگ شیعیان پاکستان علیه پیوستن اسلام آباد به ائتلاف سعودی

سرویس خارجی: هزاران نفر از شیعیان پاکستان با حضور در یک همایش بزرگ در شهر «کراچی»، از دولتمردان کشورشان خواستند تا به طور رسمی از ائتلاف نظامی تحت رهبری آل سعود خارج شده و از اتخاذ اقدامات خطرناک علیه امنیت ملی پاکستان اجتناب کنند. این همایش با عنوان «ثبات پاکستان و امام مهدی (عج)» از طرف حزب مجلس وحدت مسلمین، بزرگترین و شناخته شده ترین حزب سیاسی- مذهبی شیعیان پاکستان در شهر کراچی مرکز ایالت «سند» در جنوب این کشور برگزار شد.تقریبا رهبران و مسئولان اکثر گروه ها و سازمان‌های شیعه پاکستان و جمع کثیری از شخصیت های اهل تسنن در این همایش شرکت کردند.علامه «راجا ناصر عباس جعفری» دبیرکل مجلس وحدت مسلمین پاکستان سخنران اصلی این همایش بود.

وی از برخی سیاست های دولت نواز شریف انتقاد کرد. از سوی دیگر، رهبر حزب «تحریک انصاف» پاکستان گفت: اسلام‌آباد باید در نشست ریاض بی‌طرفی خود را حفظ و از ایران حمایت می‌کرد.

ترامپ: آمریکا از راهکار سیاسی برای حل بحران یمن حمایت می کند

سرویس خارجی:رئیس جمهوری آمریکا بر حمایت کشورش از گروه‌های یمنی جهت دستیابی به راه‌حلی مسالمت‌آمیز برای پایان دادن به درگیری‌ها در این کشور تاکید کرد.

در این رابطه، دونالد ترامپ تاکید کرد: آمریکا از یمن حمایت و همه طرف‌ها در این کشور را به همکاری جهت دستیابی به راه‌حلی مسالمت‌آمیز در این کشور و همکاری با یکدیگر برای خدمت به مردم تشویق می‌کند. در همین حال، نماینده ویژه سازمان ملل در امور یمن به ائتلاف تحت فرماندهی عربستان علیه یمن هشدار داد که نباید حمله ای به بندر الحدیده یمن انجام شود و این بندر باید از امنیت برخوردار باشد. در تحولات میدانی نیز، تک تیراندازهای ارتش و کمیته های مردمی یمن، چهار نظامی سعودی را در نوار مرزی یمن و عربستان در نجران به هلاکت رساندند.

کوتاه از سراسر جهان

فهرست هدایای نجومی شاه عربستان به ترامپ

ایسنا: شاه عربستان هدایای گرانبهایی از طلا و الماس را تقدیم دونالد ترامپ در سفر رئیس جمهوری آمریکا به ریاض کرد. شاه عربستان، هفت‌تیری از طلای خالص و کمیاب در جهان را که تصویر خود وی بر روی آن حک شده و همچنین شمشیری از طلای خالص به وزن ۲۵ کیلوگرم که با طلا تزئین و با الماس و سنگ‌های قیمتی ساخته شده، تقدیم دونالد ترامپ کرد. ارزش این شمشیر به بیش از ۲۰۰ میلیون دلار می‌رسد. ملک سلمان همچنین ۲۵ عدد ساعت مچی که همگی از الماس و طلا ساخته شده‌اند و ارزش این ساعت‌ها به ۲۰۰ میلیون دلار می‌رسد را تقدیم ترامپ کرد. شاه عربستان بیش از ۱۵۰ عبا را هم که با سنگ‌های قیمتی مزین شده در اندازه‌های مختلف تقدیم ترامپ و خانواده‌اش کرد. همچنین بزرگترین جاده ریاض به نام دونالد ترامپ نامگذاری شد و تندیسی از ترامپ ساخته شده و در ابتدای این جاده قرار داده خواهد شد. ترامپ همچنین مجسمه کوچک آزادی در آمریکا را که از طلا، الماس و یاقوت ساخته شده از شاه عربستان دریافت کرد. عربستان این مجسمه را با هواپیمای خصوصی به کاخ سفید منتقل خواهد کرد. شاه عربستان همچنین بزرگترین کشتی تفریحی جهان را که شامل ۸۰ اتاق با ۲۰ بخش فرعی مخصوص شاهزادگان است و بیشتر بخش‌های آن از طلای خالص ساخته شده است تقدیم ترامپ کرد. ارزش این کشتی ۸۰۰ میلیون دلار است. شاه عربستان تأکید کرده که این هدایا به خود ترامپ تقدیم شود و در موزه‌های آمریکا قرار نگیرند.

هشدارسازمان ملل درباره وضعیت کودکان میانمار

ایسنا: سازمان ملل هشدار داد که حدود ۲/۲ میلیون کودک ساکن مناطق دورافتاده و جنگ زده میانمار با خطر به حاشیه رانده شدن در جریان تحولات سریع این کشور بعد از چند دهه حکومت نظامی مواجه هستند. آژانس حمایت از کودکان سازمان ملل (یونیسف) خواهان افزایش دسترسی به کمک‌های انسانی در این مناطق میانمار شد تا به موجب آن کودکان این مناطق آینده‌ای بهتر داشته باشند. یونیسف افزود: این خطر وجود دارد که بسیاری از کودکان و خانواده‌هایشان از توسعه دور بیفتند.

رئیس جمهوری سودان جنوبی آتش‌بس یک‌جانبه اعلام کرد



ایسنا: «سلوا کر» رئیس جمهوری سودان جنوبی آتش‌بس یک‌طرفه اعلام کرد و قول داد زندانیان سیاسی را آزاد کند. با این وجود به دلیل اینکه توافقی سیاسی با شبه نظامیان صورت نگرفته، نمی‌توان گفت که آیا آتش بس اجرایی می‌شود یا خیر. سودان جنوبی از ۲۰۱۳ درگیر جنگ داخلی است و طرفداران سلوا کر با حامیان «ریک مچار» معاون سابقش درگیر هستند.

۱۳ نیروی افغان در حملات طالبان به «قندهار» و «بادغیس» کشته شدند

سرویس خارجی: وزارت دفاع افغانستان اعلام کرد: درحملات نیروهای طالبان به پایگاه نیروهای ارتش در ولایات قندهار و بادغیس ۱۳ نظامی کشته و ۹ تن دیگر زخمی شدند.مقامات امنیتی افغان در این باره گفتند: درحمله طالبان به ورودی پایگاه نیروهای ارتش در شهرستان «شاولیکوت» ولایت قندهار ۱۰ سرباز ارتش کشته و ۹ سرباز دیگر زخمی شدند.

همچنین مقامات محلی بادغیس از سقوط سه پاسگاه امنیتی این ولایت واقع در منطقه «دره بوم» در شهر «قادس» به دست طالبان و کشته شدن سه نیروی نظامی خبر دادند. از سوی دیگر، طالبان نیز گفتند که در حمله جداگانه به نیروهای امنیتی افغان در شهرستان «شورابک» یک پاسگاه امنیتی دیگر را تصرف کرده که در پی آن ۱۵ نیروی امنیتی افغان هم کشته شدند.

از طرفی،معاون شاخه انشعابی طالبان به سرکردگی مولوی «محمد عبدالرسول» از آغاز عملیات «اسامه بین زید» در برابر عملیات «منصوری» گروه اصلی طالبان به رهبری «هبت الله آخندزاده» خبر داد و افزود که عملیات آنان در غور افغانستان آغاز شده است.

در همین حال،فرمانده پلیس هلمند در نشستی با بزرگان قومی این ولایت اعلام کرد:نیروهای محاصره شده پلیس در شهرستان مارجه با کمبود مواد غذایی و تجهیزات نظامی روبرو هستند اما مقامات ارتش افغانستان همکاری نمی‌کنند.

در چنین شرایطی،رئیس جمهوری افغانستان طی گفتگویی با سران ناتو اعلام کرد که کشورش تمایل ندارد نیروهای ناتو بار دیگر وارد میدان جنگ افغانستان شوند.

دولت تونس در پی بالا گرفتن اعتراضات در مناطق جنوبی اتاق بحران تشکیل داد

سرویس خارجی:نخست وزیر تونس در پی اعتراضات اخیر از تشکیل اتاق بحران جهت بررسی شرایط امنیتی در استان تطاوین خبر داد.

به نوشته الیوم السابع مصر، به دنبال اعتراضات مردمی در جنوب تونس و خارج شدن آن از کنترل نیروهای امنیتی، یوسف الشاهد، نخست وزیر این کشور تصمیم به تشکیل اتاق بحران گرفته است.

همچنین برخی خبرها حاکی از احتمال اجرای ممنوعیت رفت و آمد در استان تطاوین از ساعت پنج عصر هستند.در همین رابطه،وزارت بهداشت تونس اعلام کرد:در درگیری میان نیروهای امنیتی و پلیس با تظاهرکنندگان در جنوب این کشور، یک شهروند تونسی کشته و ۷۰ نفر دیگر از جمله ۲۰ نیروی امنیتی زخمی شدند.وزارت بهداشت تونس افزود: ۵۰ نفر دیگر نیز به خاطر استشمام گاز اشک آور و یا شکستگی، در منطقه الکامور و تطاوین به بیمارستان منتقل شدند.

انفجارهای همزمان تروریستی در زینبیه دمشق و حمص سوریه

سرویس خارجی: منابع محلی از وقوع انفجار تروریستی در منطقه سیده زینب در جنوب شرق دمشق و در مسیر فرودگاه بین‌المللی این شهر خبر دادند.

این انفجار در ورودی یک ایست بازرسی در منطقه سیده زینب دمشق رخ داد. منابع رسانه ای اعلام کردند این انفجار توسط خودروی بمب گذاری شده صورت گرفت و باعث زخمی شدن چند تن شد.از طرفی همزمان با این اقدام تروریستی، منابع سوری از وقوع انفجار بزرگ در شهر حمص خبر دادند که دو تروریست انتحاری یک خودروی بمب‌گذاری شده را در محله الزهراء منفجر کردند. دستگاه‌های امنیتی پس از کشف اطلاعات مربوط به ورود این خودرو به حمص آن را تعقیب کردند که خودروی بمب‌گذاری شده پیش از رسیدن به محل انفجار، منفجر شد. در نتیجه این انفجار تروریستی چهار غیرنظامی جان باختند و ۴۰ نفر دیگر هم زخمی شدند.

در همین حال منابع خبری اعلام کردند که یک مستشار نظامی روسیه حین عملیات ضدتروریستی در سوریه کشته شد. در خبری دیگر جان اف لودریان وزیر خارجه فرانسه گفت که بحران سوریه فقط از طریق نظامی حل می‌شود. لودریان با بیان اینکه ضرورت دارد راه حل سیاسی بحران سوریه نیز دنبال شود، افزود: فرانسه معتقد است که راه حل سیاسی موقت نیازمند پایبندی به آتش‌بس است و ما امیدواریم که این آتش‌بس توسعه یابد اما معتقدم که بحران سوریه فقط راه حل نظامی دارد. وی همچنین اعلام کرد، بازگشایی سفارت کشورش در سوریه را در دستور کار ندارد.

انتقاد اپوزیسیون ترکیه از تمدید حالت فوق العاده توسط اردوغان

سرویس خارجی: حزب اپوزیسیون ترکیه از «رجب طیب اردوغان» به دلیل اعلام ادامه وضعیت فوق‌العاده تا زمان برقراری صلح به طور کامل انتقاد کرد.«اوزگور اوزل»، از اعضای ارشد حزب اپوزیسیون «مردم جمهوری خواه» ترکیه در کنفرانس خبری خطاب به اردوغان، رییس جمهوری ترکیه اعلام کرد: در ابتدا شما اعلام کردید که وضعیت فوق‌العاده را به مدت یک ماه اعلام می‌کنید، اما اکنون ۱۰ ماه شده است و حالا می‌گویید که این وضعیت تا زمان برقراری صلح کامل ادامه خواهد یافت. این شرایط راه‌های دموکراسی را مسدود می‌کند. او افزود: مردم در کشور به دلیل نبود دموکراسی، بی‌عدالتی‌ها و رفتارهای نادرست نمی‌توانند نفس بکشند. در چنین شرایطی تنها کسی که احساس ایمنی، خوشحالی، آرامش می‌کند، رجب طیب اردوغان است. از سوی دیگر، مقام‌های ترکیه اقدام به صدور حکم بازداشت برای ده‌ها نفر از کارکنان سازمان‌های مرتبط با مخابرات و بازار سرمایه این کشور کردند.

چین: کره‌شمالی به قطعنامه‌های سازمان ملل پایبند باشد

سرویس خارجی: وزیر خارجه چین از کره شمالی خواست قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل درباره برنامه‌های موشکی و اتمی پیونگ‌یانگ را نقض نکند و به آنها پایبند باشد.

پس از آنکه پیونگ‌یانگ اعلام کرد با موفقیت یک موشک بالستیک میانبرد را آزمایش کرده، «وانگ یی» در بیانیه‌ای گفت: ما از کره‌شمالی می‌خواهیم تا مجددا قطعنامه‌های شورای امنیت را نقض نکند. در همین حال امیدواریم تمامی طرفین خوشیتنداری باشند و با هر اقدامی تحت تاثیر قرار نگیرند و بر اجرای قطعنامه‌های شورای امنیت علیه کره‌شمالی پافشاری کرده و این قطعنامه را به عنوان اقدامی صلح‌آمیز در کنار مذاکره و رایزنی حفظ کنند.

این در حالی است که شورای امنیت سازمان ملل آزمایش موشکی جدید کره‌شمالی را محکوم و نسبت به رفتار به شدت بی‌ثبات کننده و سرپیچی آشکار و تحریک‌آمیز پیونگ‌یانگ از قطعنامه‌های این شورا ابراز نگرانی کرد.در همین رابطه، منابع نظامی کره جنوبی گفتند موشکی که اخیراً کره شمالی آزمایش کرده، از نوع میان‌برد بوده و قادر نیست به خاک آمریکا برسد.

*** کره جنوبی**

رئیس‌جمهوری برکنار شده کره‌جنوبی در اولین جلسه دادگاه خود، تمامی اتهامات مرتبط با فساد را رد و تاکید کرد مرتکب اشتباه حقوقی نشده است. «پارک گئون‌های»، رئیس‌جمهوری سابق کره‌جنوبی خطاب به قاضی پرونده تاکید کرد که موضع او هم همانند وکلایش است و باور دارد که مرتکب اشتباه حقوقی و قانونی نشده است.

یورش مزدوران آل خلیفه به منزل شیخ قاسم یک کشته و ۱۰۰ زخمی بر جا گذاشت



سرویس خارجی: یورش وحشیانه مزدوران رژیم آل خلیفه به منزل شیخ عیسی قاسم در منطقه «الدراز»، یک کشته و ۱۰۰ زخمی در پی داشت .

در همین رابطه، منابع محلی اعلام کردند: مزدوران این رژیم برای بازداشت رهبر معنوی انقلاب بحرین، از چند محور به منزل شیخ عیسی قاسم و تحصن کنندگان در منطقه «الدرّاز»، محل زندگی ایشان یورش بردند و به تحصن کنندگان و فدائیان آیت الله عیسی قاسم که کفن پوش برای دفاع از رهبر خود در این منطقه حضور داشتند، حمله کردند که به کشته شدن یک تن و زخمی شدن دست کم ۱۰۰ نفر دیگر انجامید. این منابع گفتند: نیروهای رژیم بحرین اقدام به شکستن درب منزل آیت‌الله عیسی قاسم کردند و با شلیک گاز اشک آور به داخل منزل ایشان، وی را به شدت مسموم و زخمی کردند. نیروهای امنیتی بحرین همچنین با استقرار در اطراف منزل آیت‌الله عیسی قاسم و محل تحصن‌کنندگان، این منطقه را به محاصره کامل خود درآوردند. رژیم آل خلیفه همچنین از ورود آمبولانس‌ها به منطقه الدراز برای امدادرسانی به شهروندان مجروح جلوگیری کرد. منابع محلی افزودند: در حمله رژیم آل خلیفه به منطقه الدراز، کماندوهای ارتش که مجهز به سلاح‌های خودکار و جنگی هستند نیز مشارکت داشتند.از سویی، همزمان با یورش مزدوران رژیم آل خلیفه به منطقه «الدراز»، بالگردهای رژیم آل خلیفه نیز در ارتفاع پایین در اطراف منزل آیت‌الله عیسی قاسم به پرواز درآمدند. رژیم آل خلیفه همچنین با هدف تشدید خفقان علیه ساکنان محله الدراز، محل سکونت آیت‌الله شیخ عیسی قاسم، اینترنت این منطقه را قطع کرد. در همین حال، خبرهای ضد و نقیض، از بازداشت شیخ عیسی قاسم و تمامی ساکنان منزل وی توسط نیروهای امنیتی بحرین حکایت دارد. در چنین شرایطی، رژیم آل خلیفه از آغاز اقامت اجباری آیت‌الله شیخ عیسی قاسم خبر داد.در این رابطه، وزارت کشور رژیم آل خلیفه رسما اعلام کرد: اقامت اجباری آیت‌الله عیسی قاسم آغاز شده است. وزارت کشور رژیم آل خلیفه همچنین از دستگیری ۱۵۰ تن از هواداران این روحانی برجسته خبر داد. این وزارتخانه در بیانیه‌ای مدعی شد: شماری از متهمان فراری از زندان «جو» در منطقه «الدراز» و منزل آیت‌الله عیسی قاسم بازداشت شده‌اند.

وزارت کشور بحرین همچنین در بیانیه خود مدعی شد: یورش نیروهای امنیتی به منطقه محاصره شده «الدراز» با هدف برقراری امنیت در این منطقه بوده است. در همین حال، علمای بحرین در بیانیه‌ای و در واکنش به حمله مزدوران رژین آل خلیفه به منزل شیخ عیسی قاسم ضمن اعلام فراخوان عمومی برای قیام علیه این رژیم، تأکید کردند: رژیم آل خلیفه اگر صحنه را کربلا می‌خواهد، ما فرزندان کربلاییم و در تمامی مناطق، زن و مرد، پیر و جوان، کفن‌پوش به خیابان‌ها می آییم و در تمامی مناطق میدان فدائیان بر پا خواهیم ساخت و به «میدان فدائیان» بزرگ در الدراز کفایت نخواهیم کرد. علمای بحرین ضمن اعلام فتوای شرعی درباره حضور مردم در خیابان‌ها و میادین برای دفاع از دین و علما تأکید کردند: دیگر، باقی ماندن مردم در خانه‌ها جایز نیست.علمای بحرینی همچنین اعلام کردند: تمامی کسانی که حامی آیت‌الله عیسی قاسم هستند باید فورا خود را به میدان الفداء برسانند و تا پای جان از آیت‌الله عیسی قاسم حمایت کنند. در همین حال، دکتر ظریف،وزیر خارجه کشورمان در توییتی نوشت،حمله مرگبار به اعتراض‌های مسالمت آمیز مردم از سوی رژیم بی پروای بحرین اولین نتیجه آشکار رفیق بازی رئیس جمهوری امریکا با خودکامگان در ریاض بود. از طرفی سخنگوی وزارت خارجه کشورمان نیز حمله نظامیان بحرین به منزل شیخ عیسی قاسم و تحصن کنندگان در منطقه "الدراز" را به شدت محکوم کرد. مدیر حوزه علمیه بحرین در قم نیز اعلام کرد: پادشاه بحرین مسئول حفظ جان آیت‌الله عیسی قاسم است.از سوی دیگر، جنبش جوانان «۱۴فوریه» بحرین نیز با صدور بیانیه ای از تمامی مردم این کشور خواست تا به سمت منطقه «الدراز» حرکت کنند. جمعیت «الوفاق» بحرین نیز از جامعه جهانی برای توقف جنایات رژیم آل خلیفه در منطقه الدراز درخواست کمک کرد. جمعیت «العمل الأسلامی» بحرین نیز در بیانیه ای مسئولیت هر گونه تعرض به آیت‌الله عیسی قاسم رهبر شیعیان بحرین را متوجه پادشاه این کشور دانست. در چنین شرایطی، مردم بحرین با ریختن به خیابان ها و تظاهرات علیه رژیم بحرین، حمایت خود را از شیخ عیسی قاسم اعلام کردند . منابع خبری گفتند: دامنه اعتراضات و تظاهرات مردمی به نزدیکی کاخ پادشاهی بحرین در منامه کشیده شده است.

کریستین ساینس مانیتور: قرارداد تسلیحاتی آمریکا و عربستان، خاورمیانه را بی ثبات می کند

سرویس خارجی: نشریه «کریستین ساینس مانیتور» با اشاره به سفر ترامپ به عربستان، نوشت، قراردادهای تسلیحاتی منعقد شده واشنگتن با ریاض، خاورمیانه را بی‌ثبات تر می‌کند.

در همین رابطه، این نشریه در گزارشی با موضوع قرارداد تسلیحاتی سنگینی که میان آمریکا و عربستان امضا شد، نوشت،توافق ۱۱۰ میلیارد دلاری تسلیحاتی که آمریکا با عربستان سعودی امضا کرد، به همان میزان که برای تجارت و اقتصاد ایالات متحده خوب است، خاورمیانه را بی‌ثبات تر می کند. ساینس مانیتور در ادامه آورده است، با وجود آنکه ترامپ در عربستان گفت که هدفش تقویت صلح در منطقه است، اما این توافق می‌تواند عربستان را در جنگ ویرانگرش در یمن بیش از پیش تقویت کند. این نشریه همچنین نوشت، ایالات متحده با امضای این توافق، عملا خود را در یک سوی منازعه منطقه قرار داد و با عربستان در تقابل با ایران همپیمان شد.به نوشته این نشریه، اولین پیامد این قرارداد تسلیحاتی، می‌تواند وخیم‌تر شدن اوضاع یمن باشد. از سوی دیگر، روزنامه جروزالم پست نیز تاکید کرد: قرار داد تسلیحاتی آمریکا و عربستان توازن منطقه ای را بر هم می زند.

واشنگتن پست: ترامپ در حال عقب گرد تاریخی است

سرویس خارجی:یک روزنامه آمریکایی رفتار خودسرانه و اشتباهات ترامپ را عامل سقوط اعتبار واشنگتن نزد متحدان خارجی آمریکا توصیف کرد و نوشت: ترامپ در حال برداشتن گام‌هایی تاریخی رو به عقب است.

واشنگتن پست در گزارشی آورده است: رفتار خودسرانه رئیس جمهوری آمریکا و افزایش مشکلات قانونی و سیاسی باعث سقوط اعتبار آمریکا از دید دولت های خارجی به حساب می آیند. بر اساس این گزارش، اشتباهات ترامپ، چه آنها که اجرایی شده و چه آنها که برنامه ریزی شده اند، همگی به طرز چشمگیری موجب تشدید تردید و نگرانی های متحدان واشنگتن به سیاست دولت آمریکا شده است و به نظر می رسد که رویکرد توسعه‌ای دولت ترامپ و حکومت کلی آن یک گام تاریخی رو به عقب باشد. از سوی دیگر،«الیجا کامینگز» به عنوان عضو ارشد اصلی‌ترین کمیته تحقیقات مجلس نمایندگان آمریکا اعلام کرد: این کمیته اسنادی در اختیار دارد که نشان می‌دهد ژنرال فلین به بازپرسان پرونده که در سال ۲۰۱۶ از وی بازجویی می‌کردند، دروغ گفته است.بنا بر این گزارش، ظاهرا راشاتودی، مبلغ ۴۵ هزار دلار به فلین پرداخت کرد تا در جلسه دیدار با پوتین سخنرانی کند. همچنین فلین که برای شهادت در مجلس سنا فراخوانده شده، از حضور در کمیته اطلاعات سنا خودداری کرده است.

در همین حال، به دنبال درخواست های مکرر «ال گرین» یکی از نمایندگان سیاهپوست مجلس آمریکا مبنی بر استیضاح دونالد ترامپ، گروهی از حامیان رییس جمهوری آمریکا او را تهدید کردند که در صورت پافشاری بر این درخواست او را بدون محاکمه به دار خواهند کشید.

معترضان ونزوئلایی خانه دوران کودکی چاوز را به آتش کشیدند

سرویس خارجی: همزمان با برگزاری اعتراضات به افزایش اقدامات خصمانه دولت سوسیالیست ونزوئلا، معترضان، خانه دوران کودکی هوگو چاوز رئیس‌جمهوری فقید این کشور را به آتش کشیدند.

در حالی که معترضان، نیکلاس مادورو رئیس‌جمهوری کنونی ونزوئلا را به خاطر تورم سه رقمی، افزایش جنایت و کمبود غذا و دارو به باد انتقاد گرفته اند، پنج بنای یادبود هوگو چاوز، مربی مادورو را تخریب کردند.معترضان خانه دوران کودکی هوگو چاوز در شهر باریناس و چند ساختمان دولتی دیگر از جمله دفتر منطقه‌ای شورای ملی انتخابات را به آتش کشیدند.این آتش سوزی‌ها تنها بخشی از یک روز خشونت آمیز در شهر باریناس بود که در جریان آن معترضان با گارد ملی درگیر شده، مغازه‌ها و فروشگاه‌ها تعطیل شدند و جاده‌ها با موانع آتشین مسدود شدند.یک جوان ۱۹ ساله در جریان یکی از اعتراضات به ضرب گلوله کشته شد. مرگ وی شمار کشته شدگان در اعتراضات ضد دولتی در دو ماه اخیر را که خواستار برگزاری انتخابات جدید هستند به ۴۹ تن رساند.

***برزیل**

رئیس جمهوری برزیل که با درخواست‌های مردم این کشور برای کناره‌گیری به اتهام رسوایی فساد روبروست، گفته اگر توسط دادگاه عالی هم محکوم شود از سمتش کناره‌گیری نمی‌کند. میشل تمر گفت: من از سمتم استعفا نمی‌دهم چون اگر من کناره‌گیری کنم یعنی به جرمم اعتراف کرده‌ام.

شهر راهبردی «القیروان» عراق به دست الحشدالشعبی از اشغال داعش آزاد شد

سرویس خارجی: دبیرکل سازمان بدر عراق از آزادسازی کامل شهر راهبردی «القیروان» عراق در غرب استان نینوا، به دست نیروهای الحشد الشعبی خبر داد.

در این رابطه، «هادی العامری» دبیرکل سازمان بدر عراق و از فرماندهان اصلی الحشد الشعبی در بیانیه‌ای اعلام کرد: نیروهای الحشد الشعبی با پشتیبانی جنگنده‌های ارتش عراق توانستند منطقه و شهر «القیروان» را از اشغال داعش آزاد کنند.نیروهای الحشد الشعبی همچنین توانستند تروریست‌های داعش را از روستاهای «خنیسی»، «ام عامر» و «هزیل» بیرون برانند. در همین حال، گروه تروریستی داعش، ۱۵نفر از مردم عراق را به اتهام همکاری با ارتش و الحشد الشعبی، به طرز فجیعی در کرکوک اعدام کرد.

شاه عربستان پیام دوستی برای نتانیاهو فرستاد

سرویس خارجی: رسانه‌های اسرائیلی گزارش دادند که رئیس جمهوری آمریکا پیامی را از شاه عربستان به نخست وزیر اسرائیل داد.

رسانه‌های اسرائیلی گزارش دادند که دونالد ترامپ، رئیس جمهوری آمریکا این پیام را از سلمان بن عبدالعزیز، پادشاه عربستان به بنیامین نتانیاهو، نخست وزیر اسرائیل با این مضمون انتقال داده که "زمان تحقق صلح فرا رسیده است".در همین حال، هاآرتص گزارش داد که ترامپ به نتانیاهو گفته است جهان عرب به تحقق صلح با اسرائیل تمایل دارد و وی معتقد است که محمود عباس نیز خواهان صلح است.این روزنامه عبری زبان نوشت، ترامپ از رهبران عرب و شاه عربستان این مساله را به نتانیاهو انتقال داد که آنها به پیشبرد روند سیاسی میان اسرائیل و فلسطینی‌ها تمایل دارند. هاآرتص نوشت، رهبران عرب در ریاض از ترامپ خواستند برای پیشبرد روند صلح میان فلسطینی‌ها و اسرائیلی‌ها تلاش کند.در این حال رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین در کنفرانس مطبوعاتی مشترک با رئیس‌جمهور آمریکا تاکید کرد مشکل آنها با اسرائیل دینی و مذهبی نیست بلکه اشغالگری، شهرک سازی‌ها و به رسمیت نشناختن فلسطین است. ترامپ نیز نسبت به تحقق صلح ابراز امیدواری کرد. محمود عباس، رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین در کنفرانس مطبوعاتی مشترک که پس از دیدار و گفتگو با دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا برگزار شد، با اشاره به اینکه قدس شرقی پایتخت فلسطین است، بر آمادگی فلسطین برای همکاری با طرف آمریکایی در زمینه مبارزه با تروریسم تاکید کرد و گفت: مردم فلسطین و منطقه به تحقق صلح امیدوار هستند. از سویی وزیر خارجه آمریکا گفت که دونالد ترامپ حاضر است شخصا برای دستیابی به صلح در خاورمیانه تلاش کند. رکس تیلرسون تاکید کرد: ترامپ حاضر است تلاش های شخصی برای دستیابی به صلح در خاورمیانه انجام دهد، البته اگر رهبران فلسطینی و اسرائیلی نسبت به مشارکت در روند صلح جدی باشند. وی افزود: یک نشست سه جانبه بین رهبران آمریکا، اسرائیل و فلسطین در یک زمان دیگر انجام خواهد شد. این درحالی است که دهها نفر از مردم غزه در اعتراض به ادعاهای اخیر رئیس جمهوری آمریکا مبنی بر تروریستی بودن جنبش حماس، دست به برگزاری تظاهرات گسترده علیه وی زدند. دهها نفر از مردم غزه همزمان با سفر رئیس جمهوری آمریکا به اراضی اشغالی، دست به برگزاری تظاهرات گسترده علیه وی زدند. تظاهر کنندگان با سر دادن شعارهایی علیه ترامپ خواستار خروج فوری وی از اراضی اشغالی شدند. گفتنی است، پیشتر ترامپ ضمن تروریستی توصیف کردن گروه مقاومت مردمی حماس، این گروه را با گروه های تروریستی نظیر داعش و القاعده مقایسه کرده بود. در همین ارتباط، سخنگوی حماس نیز ضمن مردود دانستن ادعاهای ترامپ گفت: این ادعاها با هدف خدمت به اشغالگران صهیونیست مطرح شده است.از طرفی همزمان صدها آمریکایی-اسرائیلی علیه سفر رئیس‌جمهوری آمریکا به فلسطین اشغالی در تل‌آویو و قدس تظاهرات کردند. بیش از ۵۰۰ معترض به حضور ترامپ در فلسطین اشغالی، ضمن تجمع مقابل سفارت آمریکا در تل‌آویو و کنسولگری این کشور در شهر قدس اشغالی، شعار «ترامپ را استیضاح کنید» و «ترامپ برگرد به خانه» سر دادند. معترضان گفتند: ترامپ مایه شرمساری همگان است. تظاهرکنندگان نسبت به مسائل مختلف از جمله برخورد دوستانه ترامپ با حکام سعودی، سیاست‌های او در قبال اسرائیل و روابط ادعایی با روسیه اعتراض داشتند. خبر دیگر اینکه ارتش رژیم صهیونیستی از اصابت یک موشک به فلسطین اشغالی همزمان با سفر ترامپ خبر داد. ارتش رژیم اسرائیل اعلام کرد که یک فروند موشک از صحرای سینای مصر به فلسطین اشغالی شلیک شد که به یک منطقه باز و غیرمسکونی اصابت کرد و تلفات و خسارت به همراه نداشت.



بی‌توجهی ترامپ به نتانیاهو سوژه رسانه ها شد

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا پس از دیدار با بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل زمانی که دوربین‌های خبری در انتظار عکس‌گرفتن از آنها در حال دست‌دادن با یکدیگر بودند، بدون توجه به رسم معمول سیاستمداران، به‌سمتی دیگر رفت. او که گویا فراموش کرده بود، در نهایت با یادآوری افراد حاضر به مقابل دوربین‌ها بازگشت و با نتانیاهو دست داد اما تصاویر این گاف ترامپ از چشم رسانه ها دور نماند و در سطح وسیعی در رسانه ها و پایگاههای خبری انتشار یافت.

ویژهٔ فرهنگ، تاریخ و تمدن ایران و جهان

فرهنگی ۳۱۰

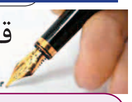
چهارشنبه ۳ خرداد ۱۳۹۶ / ضمیمه فرهنگی روزنامه اطلاعات / سال نود و یکم ـ شماره ۲۶۷۲۷

آموزه



آندره مالرو

غرب یعنی اصالت فرد
و این اصالت فرد هم مسیح
مصلوب است، هم
رآکتور اتمی!



قلم‌انداز

ذهن، کارگاه زندگی

ذهن در یک چنین شرایط سخت و صعبی حق دارد، گذشـــته را تغییر دهد و گفتارهایی از نوع « فغان زجغد جنگ و مرغ وای او » را به نفع خویش متحول کند و بگوید: فغان ز جغد ذهن. برای کســـی که چنین فضایی را برای ذهن قائل نباشد، می‌توان خودش را مثال زد و ذهن خودش را به میان کشید.

در دنیای امروز، کدام ذهن را می‌توان یافت که ثابت باشد و ساکن؟ کدام ذهن را می‌توان یافت که درگیر نباشـــد و کدام ذهن درگیر را می‌توان یافت که دچار اندیشه‌های گسترده و بی‌شمار و عجیب و غریب نشود؟ کدام ذهن متنوع اندیش را می‌توان یافت که از حجم زاید اندیشه‌های خویش به حیرت فرو نرود؟

آری، ذهن امروز انسان، به صورتی که طبیعی است و غیر طبیعی نیست، دو هزار سال اندیشه خوب و بد و عالی و سافل را در ذهن خویش دارد و با باری، سنگینی آن هزاران برابر کوه‌های عظیم است، درحال پیمودن راه است و شتافتن از امروز به فردا تا این قطار از کوچه‌ای دیگر به سر و با سپردن مسافرین خسته از اندیشه و ذهن خویش به اعماق خاک مسافرینی دیگر را پذیرا باشد.

حکایت قطار انســـانی ، در گذر از مراحل گوناگون فکری، تنهـــا حکایت مرگ و زندگی نیست، حکایت ذهن است و ذهن در گذرگاه زمان که تاریخ را می‌سازد و ذهن‌تر می‌شود. بگذارید، ســـخن را با این عبارت به پایـــان ببرم که ذهن امروزی ، ذهن نیست ذهن‌تر است.

آری، اگر ذهن خود مصداق عجیب نباشد و امری عجیب و شگفت به شمار نیاید، نوع ارتباط انســـان با ذهن، تا حدود زیادی عجیب است و شگفت‌آور. اگر تأمل‌های درست و دارای ضابطه و معیار صورت بگیرد، خواهیم دید که نوع ارتباط انسانها با ذهن، به واقع اعجاب‌آور است.

از آن رو که در بسیاری از موارد این ارتباط یا وجود ندارد و یا بسیار جزئی و کم‌جان است و این جزئی و کم جانی تا به آن حد است که می‌توان از نبود ارتباط انسان با ذهن سخن گفت.

توضیح این نکته ضروری است که: انسان‌ها روی ذهن خویش می‌ایســـتند و راه می‌روند. به دیگر سخن، انسان متکی به ذهن است. از این رو، زندگی انسانی، تابعی از ذهن انسانی است. فرض زندگی و تداوم آن بدون اتکاء و اســـتناد به ذهن امری است محال.

به همین جهت، بـــا قاطعیت می‌توان گفت که ذهن، کارگاه زندگی انســـانی است، به این معنی که نوع زندگی انسان در این کارگاه ساخته می‌شود. مفهوم این ســـخن این نیست که وقتی می‌گوییم: میان انسان و ذهن ارتباط وجود ندارد، می‌خواهیم بگوییم که انسانها زندگی نمی‌کنند و فاقد زندگی‌اند.

انســـان ملازم زندگی است و زندگی ملازم انســـان. این موضوع در جای خودش به اثبات رسیده اســـت. در این مجال، نگاهمان به مراتب زندگی هم نیست و نمی‌خواهیم بگوییم که کسانی که واجد نوع خاصی از زندگی نیستند، در واقع و عملاً زندگی نمی‌کنند.



مانی و مانایی

حسین‌بهروزی‌پور

مانی پیام آور ایرانیِ بود که نفوذ افکارش بیش از یک هزارسال در خطهٔ وسیعی از چین تا اروپای مرکزی و شمال آفریقا حادثه آفریده. وی در آخرین سال‌هایِ حکومت اشکانیان به دنیا آمد. پدر و مادرش احتمالاً از دودمان نجبای اشـــکانی و پیرو مذهب ماندایی‌ها یا صابئین بودنـــد که پس از مهاجرت از فلسطین در دشت میشـــان از نواحی خوزستان می‌زیستند. مانی کسی است که او را به عنوان نگارگر چیره دست که کتاب ارژنگ [ارتنگ] را به تصویر کشیده، معرفی کرده اند؛ ولی هیچ اثر تصویری از وی به جای نمانده است.

او پیام آور آیینی جدید بود. در آسیای غربی و آسیای مرکزی به تبلیغ کیش خود پرداخت وپیروانی بســـیار گرد آورد. نوعی ثنویت پایه اندیشه مانی را می‌ســـاخت. او می‌گفت: عالم از دو عنصر متضاد روشنایی و تاریکی پدید شده؛ و از این رو، بر خوبی و بدی استوار است. همواره نبردی میان روشنایی و تاریکی جریان دارد، ولی در پایان، با جدایی روشنایی از تاریکی، صلح ابدی همه جا را فرا خواهد گرفت.

اگرچه نقاش بودن مانی بیشتر جنبه افسانه‌ای دارد، بر اساس شواهد و مدارک عینی– به خصوص آثار مکشوف در تورفان[ترکستان] توسط لوکک – می‌توان به وجود سنت قوی تصویری و کتاب آرایی در میان مانویان پی برد. مانی در بابل در یک خانواده اشکانی تبار زاده شـــد، محتملا او با سنت نقاشی اشکانی باختری آشنا بوده و شالوده تصویرگری اش را برهمین سنت نهاده است. سرانجام به فرمان بهرام اول ساسانی در ایران اعدام شد.

بعدها، پیروان مانی در آسیای میانه با اثرپذیری از سنت‌های دیگر عناصر هنر بودایی در هنر مانوی شده اما باید توجه داشت که هنر بودایی آسیای میانه خود تا اندازه‌ای از سنت‌های ایرانی تأثیر گرفته بود. پیروزی شاهان ساسانی بر کوشانیان راه نفوذ هنر ایرانی را به مراکز آیین بودایی باز کرد.

ادامه در صفحه ۳

از خاطرات دکتر سیاسی
من جدّ وجَد

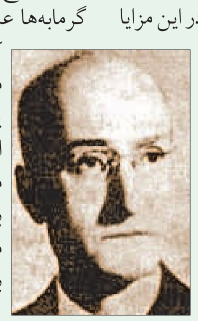
برادران بزرگم غلامرضا و احمد که ناراحتی مادر و حالت زار مرا دیدند اطمینان دادند که مشکل را حل خواهند کرد. احمد خطـــاب به غلامرضا گفت: «ما کوشش می‌کنیم و موفق می‌شویم، «من جد وجَد»، این طور نیست؟» غلامرضا سری تکان داد و گفت: «همین طور است.»

دو هفته از این ماجرا نگذشته بود که مرا از مکتب «آشیخ علی» درآوردند و به مدرسه‌ی خرَد که جنب خانه‌مان بود گذاشـــتند. من البته از شادی در پوست نمی‌گنجیدم. از محمود آقا دیگر چیزی کسر نداشتم. کلاس درس، تخته سیاه، سیدعلی‌اصغر و زنگ تنفس اختصاص به او نداشتند. از این پس من هم در این مزایا با او شریک بودم.

این معجزه را فکر کوچک من به آن جمله‌ای که احمد به غلامرضا گفته بود و آن رادعایی سحرانگیز می‌دانستم نسبت می‌داد. از برادرم خواستم آن دعا را در کتابچه‌ام بنویســـد. چنین کرد و گفت می‌خواهی معنی آن را هم بنویســـم؟ گفتم مگر این دعا معنی هم دارد؟ گفت: اولاً جمله «من جد وجد» دعا نیســـت، ثانیاً معنی هم دارد و معنی فارسیش این است «جوینده یابنده است» و آن را در برابر جمله‌ی عربی یادداشت کرد. من در آن موقع نمی‌توانستم این جمله‌ها را بخوانم ولی آن‌ها را حفظ کردم و در زندگی راهنمای خود قرار دادم.

آخرین حمام

رویداد دیگری از دوران خردسالی که خاطره‌اش هنوز زنده است منظره‌ی آخرین باری است که با مادرم به حمام رفته بودم. باید دانست که در آن روزگاران یعنی قریب هشتاد سال پیش، حمام‌های خصوصیِ به اصطلاح نمره یا انفرادی وجود نداشـــت. همه‌یِ گرمابه‌ها عمومی بودند. حتی حمام‌های اختصاصی که در خانه‌ی بعضی از متمکنین ساخته می‌شـــد، دارای یک خزانه‌ی آب گرم و یک خزانه‌ی آب ســـرد بود که همه‌ی افراد خانواده و بســـتگان از آن استفاده می‌کردند. گرمابه‌ها بعضی روزها مردانه بودند و بعضی روزها زنانه. گرمابه‌هایی که منحصراً اختصاص به مردها یا زنها داشته باشند، نادر بودند.



ادامه در صفحه ۶

تاریخ

از خاطرات دکتر شیرین بیانی

نه گلبانگ مسلمانی



اشاره: آنچه می خوانید بخش هایی از خاطرات دکتر شیرین بیانی (اسلامی ندوشن) استاد رشــته تاریخ دانشگاه تهران اســت که در کودکی شاهد و ناظر آنها بوده است.

در بخــش هــای قبل مطالبی را از زبان خدمتکاری به نام «کوکب سلطان»خواندید. این مطالب فارغ از جنبه خاطره یا داســتان و شرح حال یک نفر، به لحاظ جامعه‌شناســی و مطالعه تحولات تاریخی و اجتماعی نیز حائز اهمیت است.

بشنویم از زبان همان شخص که وقایع زندگی خودش را با زبانی عامیانه چنین شرح می‌دهد.

یک زنی رو که به اوآغاباجی قابِله می‌گفتن آوردن، و اوگفت: امشب تا صبح حتماً می‌زاد. من هرچه می‌خواستم درازبکشم‌و بخوابم، زنها می‌گفتن باید راه بری تا بچّه پائین بیاد و دائم توی حلق‌من بدبخت روغن و کاچی می‌ریختن.

هرچه مــن می‌گفتم میل ندارم،گرســنه نیستم، کســی گوشــش بدهکار نبود. بالاخره منوسرخشت‌نشاندندو بعد از مدتی که مرگ رو به چشم دیدم یک پســر زائیدم که‌ای کاش یک «مار» زاییده بودم و این نمک نشناس ورپریده را گوشهٔ‌جگرم جا نداده بودم !

از این حرف کوکب هم خنده ام گرفت و هم متأثر شــدم. با خود گفتم: آیا این بچّه از وقتی که بدنیا آمد حق‌ناشناس بود؟ او که موجودی‌بی‌دست و پائی بود که توانایی‌کاری را نداشت. آیا بیش از این‌می‌فهمید که هنگام گرسنگی گریه کند و در مقابل نوازش لبخند زند؟ این گناه بچّه تو نیست که حق‌ناشناس بارآمد، بلکه گناه اجتماع ماست‌که نوجوان چهارده ساله‌ای را که هنوز خود احتیاج به تربیت دارد و ازشوهرش ناراضی است، عهده‌دار به بــار آوردن موجود دیگری می کنند.تو که تا دو سال پیش عروسکت را کتک می‌زدی که چرا با تو حرف‌نمی‌زند، آیا می‌توانستی به کسی حقّ‌شناسی و نمک‌شناسی وتشخیص خوب از بد و هزاران نکته دیگر را بیاموزی؟ پس به آن‌بدبخت‌گمراه و قربانی اجتماع ناسزا مگو و نفرین نکن .

کوکب ادامه داد: مخلص کلوم، تا این جوون مرگ شدهٔ ورپریده دوسالش شد، من توی خونهٔ حســین کج‌دار و مریز راه آمدم. امّا همین‌حسین بود که منوبدبخت کرد. بعــدش هم آنقدر این پسر اذیتش کرد که او هم خیر از جوونیش ندید. شــوهرم پس از چندی که از عروسی ماگذشت، روزها می گفت:«لباسهای خوب منو بیار می‌خوام برم‌بیرون».

لباس می‌پوشید و می‌رفت و ساعت ده، یازده شب مست‌لایعقل برمی‌گشت خونه. اونوقت مگر کسی جرأت داشت بپرسه ازصبح تا حالا کجا بودی؟ من هم هرچه پیش مادر و مادر شوهرم جزمی‌زدم که بابا این مردِخونه و زندگی نیست و سرش جای‌دیگه بنده، مگر کَسی به خرجش می‌رفت؟ همه می گفتن: « توباهاش بساز کم‌کم‌سرش توی حساب می‌آد».

بالاخره این وضع گذشــت و گذشــت تا یک‌روز صبح مارو منزل عموی شــوهرم دعوت کردن. حسین به من گفت: من امروز خیلی‌کار دارم و نمی‌تونم کار مو ول کنم بیام. تو برو، من‌خودم شب موقع شام می‌آم.

من هم که بچّه و کم سنّ و سال و کم‌عقل، باور کردم و گفتم خیلی خــوب پس یک ذرّه شــب زودتر بیا. من هم‌به خیال از همه جا بچّه‌ام را ورداشتم و رفتم مهمونی. حالانگو حسین‌پیش خودش فکر کرده بود که حتماً اونها شب من رو پیش خودشــون‌نگه می دارند و اون هم با خیال راحت هرکار دلش بخواد می‌کنه! چه‌دردسر، شام خوردیم و همه مهمونها رفتن، ولی از حسین خبری نشد.منکه دلم شور افتاده بود، بلند شدم برم خونه.

این را هم بگم که آن وقت‌ها از ســاعت ده شب«بگیر و ببند» بود. مثل حالا که می‌گن‌حکومت نظامی، اونوقت می‌گفتن«بگیــر و ببند». هر چه عموی‌شوهرم و زن و بچه‌هایش اصرار کردن که امشب اینجا باش، توی راه‌گرفتار می‌شی، کو گوش شنوا؟ گفتم من باید برم.

به اوّلیــن چهار راه که‌رســیدم،دیدم یکی می‌گه«ایست». من که خیلی ترسیده‌بودم، ایستادم‌و دیدم یک پاســبان آمدجلو. امّا از خوش‌شانسی من، با هم آشنادرآمدیم، او پسر عمه مادر شوهرم بود. گفت:«عروس عمه شــمایی،اینجا چه کار می‌کنی؟».گفتم: «آره برای حسین دلم شور افتاده دارم‌می‌رم خونه» و داستان رو برایش گفتم. او گفت: «خوب، اگر من شــمارو نمی‌دیدم که کارت زار بود، حالا بیا ببرمت به خانه». ما رسیدیم‌خونه و من تعارف کردم که او بیاد تو یک چای بخوره. اونم که خیلی‌خسته بود و خواب چشمهاش رو گرفته بود، قبول کرد وآمد تو.

اتفاقاً همین اواخر که می‌رفتم چهار راه عبّاسی پیش خاله جانم،همین خویشاوندم رو سر یکی از چهارراهها دیدم. او هم بدتر از من‌پیر و شکســته شده‌بود؛ خیلی دلم می‌خواست با او سلام و علیک واحوالپرسی کنم، ولی راستش از ترس آبرو و از اینکه زندگی‌ام بهم‌خورد و آواره شــدم، بروی خودم نیاوردم و از او گذشتم. برگردیم‌برسرماجرا، ما اومدیم تو حــالا من هر چه می‌خوام برم توی اطاق‌می‌بینــم در از تو چفته. خدایا این دیگه چه وضعی است؟ هر چه صدامی‌زنم حسین، حسین، کسی جواب نمی‌ده. هرکار کردیم، درباز نشد.

بالاخره بالای در یک گوشه از شیشه شکسته بود و مقوا چسبونده‌بودیم، این پاسبانه پاشو گذاشت روی دســتگیره در و از سوراخ شیشه‌چفتو کشید پائین، در واز شــد. من تو اطــاق رو نگاه کردم. شخصی را دیدم که نباید می دیدم .

من هم فوری‌بچّه‌رو که خواب بود گذاشتم زمین و لنگه کفش پاشنه ســنّاری‌ام رادرآوردم و افتادم به جونش. تا می‌خورد زدمش. بیچاره زبونش بندآمده بود. دستهاش رو گذاشته بود روی سرش و ایستاده بود، کتک‌ها رونوش جان می‌کرد. بعد هم دادمش دست پاسبونه و گفتم: تااینجاش با من بود،


زنان نایب‌حسین کاشی

بقیه‌اش هم با شما، حاشا به غیرت و جوانمردی‌ات. او هم یکی زد توی سرش و ورش داشت بردش نظمیّــه. در این‌موقع از داد و قال ما بچّه از خواب بیدار شد و دست گذاشت به‌شار و شیون.

حســین مثل اینکه از صدای بچّه از خواب بیدار شده،سرش را از زیر لحاف بیرون آورد، توی رختخواب نیم خیز شد، یک‌ذرّه چشماش رو مالید. امّا اگر به این دیوار رنگ بود، به چهرهٔ او هم‌رنگ مونده بــود. گفت:«چیه، چه‌خبره، چرا نمی‌زارین بخوابم؟» منومی‌گی ، دیگه نتونستم جلوی خودمو بگیرم و شروع کردم به دادوبیداد کردن و فحش و ناسزادادن و دق دلی چند سال رو خوب درآوردم؛ ولی او هم نامردی نکرد و آب پاکی رو روی دستم ریخت وگفت:«هرکار دلم می‌خواد می‌کنم، به تو هم هیچ مربوط نیست».

این‌رو که گفت، منم پایــم رو یک کفش کردم و گفتم: یا الله همین الان‌پاشو بریم مرا طلاق بده. اهل خانه مادر شــوهر و خواهرشوهرم که ازجنجال بیدار شده بودن، دورم را گرفتن، دل داریم دادن‌وگفتن:«حالاصبرکن، بگذار صبح بشه، شاید باهم آشتی کردید. طلاق‌خوب نیست». گفتم: «از این به بعد اگر من پشت گوشم رو دیدم، روی‌این مردیکه رو هم خواهم دید. یک کلام و السلام».

«حالا کاش کارهمون یک شب بود. هر شب همین بساط برپا بود. یک‌باغ داشتیم که نزدیک خانه ما قرارداشت. هر شب صدای ساز و آواز وعربدهٔ مستها از پس دیوارهای اون بلند بود. من وقتی از شوهرم می‌پرسیدم شبها توی این باغ چه‌خبره؟، می‌گفت:

«چند تا دوســت دارم که می‌آن از من اجازه می‌گیرن‌که برن توی این باغ خوش باشن. من هم خواهش دوستان رو ردنمی‌کنم». من نفهم هم تا یک مدتی باور کرده بودم، ولی بعدها کم‌کم فهمیدم که اوضاع از چه قرار بوده.

چه دردسر من آن شب چادر از سرم برنداشتم همین طور نشستم تاصبح شد، و این مردک رو بلند کردم رفتیم محضر. مهرم رو حلال‌کردم و طلاق گرفتم و یک راست از آنجا رفتم به خانهٔ پدرم.

یک ماه بود که پدرم برای فروش چای از قم بیرون رفته بود و از او خبری‌نداشتیم، تا یک روز غروب ماه رمضان که نشسته بودیم افطارمی‌کردیم، دیدیم در خانه به صدا درآمد. من در رو باز کردم، دیدم‌پدرم با ریشهای درآمده، چشمهای گود رفته، لباسهای پاره و لاغر، باوضع اسفناکی‌وارد خونه شد. نه شتری، نه ســاربانی، نه باری. حالادیگر ما چه حالی شدیم، بماند.

پدرم بعد از اینکه سرو صورتش روشست و لباسهاشو عوض کرد، دست گذاشت به تعریف ماجرا وگفت: «ما قم رو به قصد کاشون ترک کردیم. نرسیده به کاشون یک‌دفعه دیدیم یک عده سوار تفنگدار دور مارو گرفتن. گفتن: ایست! ماهم که دیدیم چاره‌ای نداریم و مسلح نیستیم، ایستادیم. اونها آمدن،چشمهای مارو بستن و هر کدوم از ما رو روی یکی از اسبهای جلوی‌خودشان سوار کردن و شترها رو هم جلو انداختن و ما رو بردن.

یه دوساعتی ما توی راه بودیم تا بالاخره ما رو پیاده کردن. چشمهامون روباز کردن. ما به اطرافمون نگاه کردیم دیدیم توی یک غاری هســتیم. ماکه بکلی بهت‌زده شده بودیم و ترسیده بودیم، کلمه‌ای حرف نزدیم.اونها هم مثــل اینکه اصلاً همه لال هستن، بارهای چای مارو از روی‌شترها برداشتن آوردن توی غار، دوباره چشــمهای ما رو بستن و رواسبهاشون سوارمان کردن و بردن. بعد از مدتی ســواری، مارو پیاده‌کردن و به تاخت از آنجا دور شدن. ما چشمهامون رو باز کردیم دیدیم‌نه آبی، نه آبادانی، نه گلبانگ مسلمانی! توی صحرای لم‌یزرع ول‌شــده‌ایم. نه از شــترها خبری بود و نه از بار شترها».

به کوکــب گفتم این‌حکایت به داســتان امیرارســلان و حسین کرد بیشــتر شبیه است، گفت:«آره چه خوب گفتی»؛ و اضافه کرد: «بالاخره پدرم و همکارهاش به‌هزار جان کندن خودشونو به یک آبادی سر راه رســانده بودن. اونجا لباس هاشون رو فروخته بودن و آب و نونی گیر آورده بودن و با این‌وضع به قم برگشــتن. بعدها معلوم شد که همهٔ این بدبختی هارو«نایب‌حسین کاشی» که لابد حکایت‌هاشو زیاد شنیدی و می‌دونی که هزارتا از این خانواده‌ها رو مثل ما بدبخت کرده، به سر ما آورد. تا بالاخره شاه شر این یاغی رو از سر همهٔ‌مردم منطقه کند و روانهٔ جهندمش کرد!

دیگر مدتها بود که صدای زنگ شــترها و هوهوی ساربونها شنیده‌نمی‌شد. برادرم مرا کول نمی‌کرد و به اســتقبال پدر نمی‌بــرد. پدرم منو بغل نمی‌کرد و نوازش نمی‌داد و روی شــترها نمی‌گذاشت. دیگه همه‌چیز تموم شده بود و بخت از ما برگشته بود. درو همسایه به ما اعتنا نمی‌کردن. کم‌کم پدرم مریض شد و افتاد در بستر. پول دوا و غذا و دکتر کجا بود؟

همیشه سحرها هنگام نماز، پدرم بلند می‌شد و همهٔ‌اهل خانه رو بیدار می‌کرد تا نماز بخوانیم؛ ولی یکی از این روزهاآفتاب دمید و از پدرم خبری نشد. وقتی به اطاقش رفتیم دیدیم کنار جانماز افتاده و به خواب رفته. خوابی که دیگر بیداری نداشت. پدرم برای همیشه به خواب رفت و زندگی آبرومند ما هم به خواب رفت.

ادامه دارد

ایران

ادامه از صفحه اول

مانی و مانوی

شمار زیادی از مانویان به سبب سختگیری و آزار روحانیان زردشـــتی به نواحی خاوری کوچ کردند. آنان در سغد اقلیمی مستقل و آزاد را تشکیل دادند و به ترویج آیین خود پرداختند. در میانه سده هشتم میلادی، مانویت در آسیای میانه به اوج گسترش خود رسید و به عنوان مذهب رسمی ترکان ایغور شناخته شد.

ارتباط دین مانی با نگارگری

با اندکی تأمل در ادیان مختلف که توسط پیامبران برای هدایت و ارشاد مردم جامعه خویش به خداپرستی و انجام امورات دینی در این دنیا آورده شده بود، به روشنی در می‌یابیم که هر یک از این پیامبران یه نوعی احکام و تعلیمات دینی خویش را تبلیغ می‌کردند؛ طوری که مورد نظر انسانها در جوامع مختلف قرار گرفته و پیروان بیشتری را به سوی دین خویش دعوت کنند. مثلا حضرت داوود با صدای خوشی که داشت، آموزه‌های دینی و تعالیم دینی خویش را با صدای اهورایی و خوش الحانی که داشت برای مردم می‌خواند و به این ترتیب مردم را بیشتر به دین خود دعوت می‌کرد.

همینطور پیامبر عظیم الشأن اسلام با صوتی زیبایی قرآن را تلاوت می‌کردند و همین صوت زیبا به همراه جملات و کلمات زیبا و دلنشینی که از سوی حضرت حق بر قلب پاک پیامبر(ص) نازل می‌شد، باعث می‌شـــد که روز به روز بر پیروان دین مبین اسلام افزوده شود. قبل از اسلام، در کشور ایران مانی که پیام‌آور و بنیان‌گذار کیش مانوی در ایران بود، با استفاده از نقاشی و نگارگری دستورات و تعالیم دینی خویش را به مردم نشان می‌داد تا از این راه مردم را به کیش خود هدایت کند. مانی همیشه در ایران به عنوان نقاشی مافوق تصور یاد می‌شده است و حتی آنهایی که پیروان او را آزار می‌داده اند، این حقیقت را انکار نکرده اند.

شواهدی از غنای تصاویر کتابهایشان را در نقل قول سنت اگوستین می‌توان مشاهده کرد. او از خط نوشته‌های زیبای آنها که ســـوزانده شـــده نام می‌برد. در واقع تعالیم ضد اصول رایج اجتماعی و مخفیانه مانویان به همراه موفقیت در فراخواندن مردم ســـرزمین‌های مختلف به کیش خود منجر به ایذا و آزار پیروان او شد. چند فقره‌ای که توسط لوگک کشف شده جزء ناچیزی هستند که از آنها هم کتابهای مصور مانی باقی مانده است. آنها بی شک ایرانی‌اند.

در ادبیات فارســـی، مانی «نگارگر» به مراتب برجسته‌تر از مانی پیام‌آور بوده است. فردوسی، سعدی، حافظ و بسیاری دیگر به چیره دستی مانی اشاره کرده و کتاب ارژنگ او را نمونه عالی زیبایی نقش و رنگ دانسته اند. از میانه سده هفتم میلادی، هنر بودایی ترکستان شرقی تحول دیگری را آغاز کرد. این زمانی بود که تحت نفوذ سیاســـی و فرهنگی چین، مرکز فعالیت هنری از کوچا به ناحیه شرقی‌تر به نام تورفان منتقل شد. در نقاشی بودایی تورفان تأثیر چینی دوره تانگ توأم با پیکرنگاری ســـنخ مغولی غالب آمد. پس از آنکه ترکســـتان شرقی به دست ترکان ایغور افتاد، دستاوردهای هنری تورفان در میان پیروان مذاهب مختلف گسترش یافت.

بدین سان مانویان تحت حمایت حاکمان جدید از این دستاورد بهره کافی گرفتند. تورفان که تا سده یازدهم میلادی نیز همچون منبعی غنی از سنت‌های هنری آسیا ی میانه باقی ماند، از یک سو هنر خاور و از سوی دیگر هنر ایرانی-اسلامی را تغذیه کرد.

تقریبا تمامی اسناد نقاشی مانوی - اعم از آنچه بر دیوارها تصویر شده یا بر صفحات کاغذ و طومارهای پارچه‌ای -از ناحیه تورفان به دســـت آمده و عمدتا به سده نهم میلادی(قرن سوم هجری قمری) متعلق‌اند. کاوشگران در یارخوتو، تختگاه تورفان در روزگار چیرگی سلسله‌هان و تانگ، نسخه‌ای با متن معروف خواســـتوانیف (khuastuanift) پیدا کردند. در تویوق، درون یک سلول رهبانی کهن تعدادی نسخ خطی کشف شده که بیشتر آنها متون مانوی و سریانی‌اند و از قطعات پراهمیت السنه ترکی برشمرده می‌شوند. تویوق نام ترکی است یعنی «سنگربندی» اما در اینجا مشابه اصطلاح قرون وسطایی ایتالیایی serravalle است که به یک دره کوهستانی محصور اشاره دارد.

بررسی این آثار تا حدی شیوه و اسلوب کار نقاشان مانوی را برای ما روشن کرده است. به پیروی از آموزه‌های مانی، نقاشی برای مانویان یک وســـیله تعلیم و تبلیغ بود. نقاشان مانوی غالبا مفاهیم نمادین را به مدد نقش مایه‌های قراردادی بیان می‌کردند.

نگاره‌ها(نقاشی‌ها) را به طرزی خلاصه با خطوط موزون و رنگهای درخشان می‌ساختند و با نقوش انتزاعی می‌آراستند. گزینه رنگی آنها مشتمل بود بر لاجوردی، آبی روشن‌فام، نارنجی، سرخ وسبز. رنگ بکدست آبی یا سبز یا سرخ را در پس زمینه تصویر به کار می‌بردند.

برای اجرای هر طرح ابتـــدا خطوط اصلی را با رنگ قرمز یا ســـیاه بر روی صفحه صاف صیقلی می‌کشیدند، سپس درون شکل‌ها را با رنگ ماده یا برگ زر می‌پوشانیدند و سرانجام برخی قسمت‌ها را قلم‌گیری می‌کردند.

برخی تأثیرات هنر هندو بر نقاشی مانوی، و نیز پیوند این نقاشی با دیوار نگاره‌های سغدی قابل ملاحظه است. ولی اثرپذیری آن از هنـــر بودایی بارزتر به نظر می‌آید. غالبا، شـــخصیت‌های برگزیده مانوی بر اورنگ گل لوتوس(نیلوفر آبی) نشســـته اند. هبه کنندگان مانوی شبیه نمونه بودایی تصویر شده اند. سیمای تمام رخ (همچون بدر کامل) وهاله‌ای بر گرد سر همانندی چهره نگاری مانوی و بودایی را نشان می‌دهد.از دیگر ویژگیهای محلی، طراحی پیکرها بر اســـاس یک الگوی نژادی(اندام کوتاه و سر بزرگ) است.

کاربســـت خطوط منحنی اهمیت اساسی در پیکرنگاری و جامه پردازی مانـــوی دارد و همین نوع خطوط نرم در طراحی جانوران، گلها و گیاهان نیز به کار رفته است. نکته جالب توجه آنکه شیوه پیکرنگاری مانوی با مختصر تغییراتی در نقاشی عهد سلجوقی نیز ظاهر می‌شود. بی شک مانویان به پیروی از مانی به کار تصویر و تذهیب کتاب می‌پرداختند، اما هنر آنان به خصوص



در دربار اویغورها مجال رشد و توسعه یافت. نگاره‌های مکشوف در تورفان - گرچه تصاویر پاره پاره‌ای بیش نیســـتند- این نکته را تأکید می‌کنند. برای کتاب نگاران مانوی ایجاد ارتباط صوری و معنایی میان تصویر و متن بســـیار مهم بود. در واقع، آنان به پیروی از پیامبرشان خوشنویسی و نگارگری را هنرهای مکمل یکدیگر می‌دانستند. هر نسخه مصور می‌بایست این سخن مانی را به یاد آورد که «برای همه رسولان و برادران من که پیش از من آمده‌اند،[به نوشتار درنیاورند] خرد خویش را چنان که من؛ و نه به تصویر کشیده‌اند خرد خویش را چنان که من [کشیده‌ام]». سنت کتاب‌نگاری مانوی تا مدت‌ها در آسیای میانه پایدار ماندو سپس توسط سلجوقیان در سراسر ایران گسترش یافت. جوهر زیبایی شناختی مانوی را حتی در نسخه‌های مصور سده‌های بعدتر نیز می‌توان باز شناخت. تأثیر و نفوذ این سنت در نگارگری ایرانی دوره اسلامی قابل توجه می‌باشد.

....

منابع و مأخذ:

پاکباز، روئین، ۱۳۸۵، دایرةالمعارف هنر، تهران: انتشارات فرهنگ معاصر

گری، بازل، ۱۳۸۵، نقاشی ایران، تهران: نشر دنیای نو

پوپ، آرتور ابهام، ۱۳۷۸، ســـیر و صور نقاشی ایران، ترجمه دکتر یعقوب آژند، چاپ اول، تهران: انتشارات مولی

پاکباز، روئین، ۱۳۸۶، نقاشی ایران، تهران: انتشارات زرین و سیمین

زبانزد/شمامه ملکزاده



«ن»

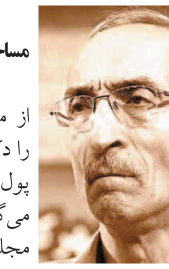
با چوب چوپانی هم

*نه هر که جوید یابد.
*نه هر که داشت عصا بود موسی عمران.
*نه هر که در مجادله چُست در معامله درست.
*نه هر که دوید آهـــو گرفت و نه هرکه آهو گرفت دوید!
*نه هر که رفت رسید و نه هر که کشت درود.
*نه هر که رفت رسید و نه هر که گفت شنود.
*نه هر که زادهٔ مصر است شیخ ذوالنون است.
*نه هر که سر بتراشد قلندری داند.
*نه هرکه کارد درود.
*نه هر که گوش کند معنی سخن داند.
*نه هر که لاف سخن می‌زند سخندان است.
*نه هر که مقنعه بر سر فکند شد بانو.
*نه همین لباس زیباست نشان آدمیت.
*نیابد کسی گنج نابرده رنج.
*نیابد مراد آن که جوینده نیست.
*نیابد مغز هر کو پوست نشکست.
*نیابد هیچ‌کس عمر دوباره.
*نیابی تو بر بند یزدان کلید.
*نیارد شاخ بد جز تخم بدبار.
*نیاید باز تیر رفته از شست.
*نیاید به جو باز آبی که رفت.
*نیاید رهبری از مردم کور.
*نیاید زترسندگان هیچ‌کار.
*نیاید زگفتار بسیار سود.
*نیاید زمرد خردکار بد.
*نیاید کار شیطان از فرشته.
*نیّت خیر مگردان که مبارک فالی است.
*نیرزدکام صدساله به یک ننگ.
*نی‌زن اگر نی‌زن باشـــد با چوب چوپانی هم نی می‌زند.
*نیست بالاتر از سیاهی رنگ.
*نیست برلوح دلم جز الف قامت دوست.
*نیست بی‌رنج راحت دنیا.
*نیست خون مرده را پروای زخم نیشتر.
*نیست سزاوار جغد خانه آباد.
*نیست غیر از زود رفتن عذر بی‌جا آمدن.
*نیست گرمابه جای خر بستن.
*نیســـت لالـــه بـــی‌داغ و شـــکر بی‌مگس و گل بی‌خار.
*نیستی آگه از نرخ لوبیا.
*نیشتر خوری اگر بیشتر خوری حلوا.
*نیـــش عقرب نه از ره کین اســـت/ اقتضای طبیعتش این است.
*نیش قلم تیزتر از تیغ دو دَم است.
*نیشم زن و بیشم زن، برجان پریشم زن.
*نیش و دم مار و دم کژدم بستن/ بتوان، نتوان زبان مردم بستن.

حکیم الهی‌قمشه‌ای به قلم استاد اکبر ثبوت

با مثنوی و آفریننده‌اش

اشاره: در شماره پیشین با بخش هایی از زندگی، آثار و شاگردان زنده‌یاد آیت الله الهی قمشه‌ای آشنا شدیم و اینک ادامه سخن که پس از ذکر شاگردان آن مرحوم، شـامل دیدگاه‌های آن مرحوم از نگاه استاد ثبوت است. «ضمیمه فرهنگی»



دگرگونی در ماهیّت مساجد

سخن از این بود که برخی از مسئولان مساجد، خانهٔ خدا را دکّانی برای به دست‌آوردن پول قـرار داده‌اند و مثلاً مبلغی می‌گیرند تا اجازه دهند در مسجد مجلس فاتحه برگزار شود و دیگر خلاف‌کاری‌هایی که با حرمت مسجد منافات تام دارد.

استاد فرمودند: امام علی(ع) در نکوهش چنین رفتارهایی است که به عنوان پیش‌بینی فرموده: یأتی علی الناس زمان لایبقی فیه من القرآن الاّ رسـمه، و من الاسلام الا اسمه، مساجدهم یومئذ عامره من البناء خراب من الهدی. سُکّانها و عمّارها شرّ اهل الارض؛ منهم تخرج الفتنه و الیهم تأوی الخطیئه؛ یردّون من شذّ عنها فیها، و یسوقون من تأخّر الیها. یقول الله تعالی «فبی حلفت لابعثنّ علی اولئک فتنهٔ اترک الحلیم فیها حیران» و قد فعل.

ترجمه: روزگاری بر مردم بیایـد که در آن، از قرآن جز نشانی و از اسـلام جز نامی نمانَد. در آن هنگام بنیادِ مسجدهاشان آبادان است و بنای هدایت در آن ویران. ساکنان و بناکنندگان آن مسجدها بدترین مردم روی زمین‌اند؛ فتنه از میان آنان برخیزد و پناهگاه خطاها آنان‌اند. هر که را از فتنه برکنار باشد، به درون آن بازگردانند و هر که را از آن عقب افتد، به سوی آن سوق دهند. خداوندِ برتر می‌گوید: سوگند به خدائی خودم، فتنه‌ای در میانِ آنان برپا کنم که بُردباران در آن سَرگردان شوند.» و چنین کرده است.

در خطبهٔ دیگری هم که در ذیقار ایراد فرمود، از روزگاری سخن می گوید که مسجدیان و قاریان به گمراهی دچار گشته و با رفتارهای ناروایشان هویّت مسجدها را دگرگون ساخته‌اند:

«مساجدهم فی ذلک الزمان عامره من الضلالهٔ، خربه من‌الهدی، قد بُدّل فیها من الهدی، فقرّاؤها و عمّارها أخائب خلق‌الله و خلیقته، من عندهم جرت الضلاله و إلیهم تعود، فحضور مساجدهم و المشی إلیها کفرٌ بالله العظیم إلاّ من مشی إلیها و هو عارف بضلالهم؛ فصارت مساجدهم من فعالهم علی ذلک النحو خربهٌ من الهدی عامرهٔ من الضلاله؛ قد بدّلت سنّه‌الله و تعدّیت حدوده، و لایدعون إلی الهدی و لا یقسمون الفییء و لایوفون بذمّه، یدعون القتیل منهم علی ذلک شـهیداً؛ قد أتوا الله بالافتراء و الجحود و استغنوا بالجهل عن العلم، و من قبل ما مثّلوا بالصالحین کلّ مثله و سمّوا صدقهم علی‌الله فریه و جعلوا فی الحسنه‌العقوبه‌السیّئه.

ترجمه: در مسجدهایشـان در آن روزگار، بنای گمراهی آبادان و بنای هدایت ویران اسـت و دین و هدایت در آنها دگرگون گشـته. قاریان مسجدها و بناکنندگان آن، کافرترین و زیانکارترین مردمان و آفریدگان‌اند. گمراهی از نـزد آنان جریان می‌یابد و به سوی آنان بازمی‌گردد. رفتن به مسجدهای آنان و حضور در آنها، کفر ورزیدن به خدای بزرگ است، مگر کسی از گمراهی آنان آگاه باشد.

با رفتاری بدان گونه، در مسجدهاشان بنای هدایت ویران و بنای گمراهی آبادان است و سنّت خدا دگرگون شده و فرمان‌های او در معرض تعدّی قرار گرفته. مردم را به راه هدایت نخوانند و حقوق مالی خلق را به آنان نرسانند و بر هیچ پیمانی وفا نکنند. کسان خود را که در جنگهای ناروا به قتل رسند، شهید خوانند و بدین‌گونه، با افترا به خدا و انکار او به محضر او روند و با دلخوش داشتن به جهل، از دانش بی‌نیازی جویند. پیش از آن، بدنهای صالحان را تکّه‌پاره کردند و سخنان راستِ آنان را دروغزنی بر خدا نام نهاده و کار نیک آنان را با بدیِ پاداش دادند.

بامثنوی و آفرینندهٔ آن

استاد الهی به گفتهٔ خود، همچون استاد جلال‌الدین همایی، در محضر شیخ محمد خراسانی ـ از مدرّسان عالی‌رتبهٔ حوزهٔ اصفهان ـ مثنوی را فراگرفت و علاقه به مثنوی را از او به ارث برد؛ چنان‌که شـیخ نیز از استاد خود جهانگیرخان قشقایی ـ معلّم بزرگ اخلاق و مدرّس بلندپایهٔ نهج‌البلاغه و کتاب‌های فقه و اصول و ریاضی و هیئت و فلسفه و منطق و طب ـ که مثنوی را نیک می‌شـناخت و گاه در ضمن درس ابیاتی از آن را می‌خواند، مثنوی را آموخت و شـاگرد دیگر جهانگیرخان، حاج‌آقا رحیم ارباب نیز که در حکمت و فقه و ریاضی و هیئت یگانهٔ دوران بود، در تبیین دقایق مثنوی تسلّطی کم‌نظیر داشت.

الهی به تبع استاد خود خراسانی، مثنوی را «صیقل ارواح» و «بانگَ توحیـد» و «دکّان فقر» می‌نامید، و دلبستگی‌اش به مثنوی چندان بود که حتی در ضمن تدریس متون فلسـفی همچون منظومه و اشارات و اسفار، و در تفسیر و تحلیل‌های کتبی خود از موضوعات حکمی و دینی، غالباً سخن را با ابیاتی از این منظومهٔ عظیم می‌آراست و از مضامین بلند آن استمداد می‌نمود؛ و از مولانـا با تعبیراتی همچون «عارف رومی قدّس سرّه القیّومی در این مقام فرماید»، «عارف قیّومی، ملای رومی، فرماید» یاد می‌کرد.

یک جا ضمن توضیح روایـات ائمّه(ع) دربارهٔ علم حق، می‌گوید: «عارف رومی از آن امامان گرفته»؛ و جای دیگر پس از نقلِ گفتگوی پیامبر(ص) با زید (کیف اصبحت...) می‌نویسد: «این حدیث شریف نبوی را عارف رومی قدّس سـرّه با بیانی شیوا و شیرین و شورانگیز شرح کرده، اینجا ذکرش مناسب است.»

از جمله حقوق بسیاری نیز که استاد الهی بر ذمّهٔ این ناچیـز دارد، یکی هم یاری به من برای فُرجه در جزیرهٔ مثنوی بود که از سـر حسن ظنّ به این مرید مخلص، به «غرق شدن در بحر معنوی» تعبیر می‌فرمود؛ و گاه این نیازمند را بر آن می‌داشت تا با تکیه بر صوت ـ و البتّه نه با آوایی چندان دلنشین ـ مثنوی را قرائت کند؛ و من در آشنایی با ژرفای مثنوی، بیش از هر کس مدیون اویم.



وقتی هم قرار شـد مثنـوی را در خدمت ایشـان بخوانیم، فرمودند: «در جلسات درس، کتاب مناقب‌العارفین را هم که دربردارندهٔ معتبرترین گزارش‌ها از زندگـی و احوال مولانا و گفتگوهای او با دیگران است، همراه داشته باش تا برای فهم پاره‌ای از ابیات مثنوی از آنها کمک بگیریم.» البته مشرَب عرفانی الهی و حرمتی کـه به عرفا از جمله مولوی و به مثنَوی او می‌نهاد، در دیدهٔ برخی از ظاهربینان و دنیاطلبانِ مدّعیِ دینداری پسندیده نبود؛ چنان‌که شیخی بی‌مایه و حَسود، یک بار به عزم معرکه‌گیری، الهی را در برابرِ جمعی فرومایه هدف زخم زبان‌ها و طعنه‌ها قرار داد؛ و پاسخ او نیز این بود که:

ای شـیخ! مزن طعنه به گفتار الهی
هر عالم ربّانی و هر صوفیِ صافی است
پاک از حسدَ و شـید، بوَد یار الهی

گاهی نیز در پاسخ مدّعیان، این ابیات مثنوی را بر زبان می‌راند:

پیش از آنک این قصّه تا مَخلَص رسد
دود و گنـدی آمد از اهل حسـد
من نمی‌رنجـم از این، لیک این لگد
خاطـر سـاده‌دلی را پـی کند

این هم چند نکته از افادات الهی در درس مثنوی:

تسلیم‌دربرابرِ تقدیر؟

وقتی به این دو بیت رسیدیم:

جهـد می‌کـن تـا تـوانی ای کیا
در طریـق انبیـا و اولیـا
با قضـا پنجـه‌زدن نبـوَد جهـاد
زانکـه این را هم قضا بـر ما نهاد

استاد گفتند: چه کسی می گوید: «عرفا مروّج نظریّهٔ جبر و بی‌اختیاری انسان بوده‌اند؟» سپس این دو جَمله را از قول عارف بزرگ شیخ عبدالقادر گیلانی ـ همان که مولانا از وی با عنوان خواجه گیلئی یاد می‌کند؟ ـ نقل کردند: «لیس الرجل الذی یستسلم للاقدار؛ و انما الرجل الذی یدفع الاقدار بالاقدار»، مرد آن نیست که در برابر مقدّرات تسلیم شود؛ بل مرد آن است که مقدرات را به کمک مقدّرات دفع کند. نیز این جمله را: «نازعت اقدار الحقّ بالحقّ للحقّ، فالرّجل هو المنازع للقدر المذموم لا الموافق له»: به یاری حق و برای حق، با تقدیرهای حق مقابله کردم. مرد آن است که با تقدیرهای نکوهیده مقابله کند، نه با آن سازگاری نماید.

سوءاستفاده‌ازحبل‌الله

در توضیح این دو بیت:

زانکه از قـرآن بسـی گمـره شدند
زان رسـن قومی درونِ چَه شدند
مر رسـن را نیست جرمی ای عنود
چون تو را سـودای سـر بالا نبود

اسـتاد گفتند: این دو بیت اشاره است به آیهٔ ۲۶ از سورهٔ بقره که حاکی است کافران می گفتند مَثَل‌های قرآن بسیاری را گمراه می‌کند و خداوند در پاسخ آنان فرمود: جز تبهکاران را گمراه نمی‌کند.

تشبیه قرآن به رسن نیز بارها در احادیث معصومان آمده است. از جمله در حدیث رسول(ص): «کتاب‌الله حبلٌ ممدود من (یا: بین) السّماء الی (یا: و) الارض» و در کلام امیر مؤمنان: «و تمسّـک بحبل القرآن و استنصحه»: به ریسمان قرآن چنگ‌زن و از آن پند گیر و «هذا القرآن فانّه حبل‌الله المتین و سببه الامین»: این قرآن، ریسمان استوار خداوند و وسیلتِ امین اوست.

شفاعت‌امام‌علی(ع)ازابن‌ملجم؟

یک بار کسی این ایراد را از قول مرحوم مجلسی به مولانا گرفت که: «چرا گفته است: امام علی(ع) در قیامت از ابن‌ملجم شفاعت می‌کند؟» استاد در پاسخ گفت: اولاً بر فرض که سخن مولانا در این مورد نادرست باشد، مگر چه کسی است که هیچ کلام ناصوابی بر زبانش جاری نشده باشد؟ ثانیاً مولانا این سخن را از شدّت ایمانی که به کریمی و بخشندگی و بزرگواری و عفو و گذشت امام علی(ع) داشته، بر زبان رانده و آنچه او را به این اعتقاد رسانیده، رفتار خود امام(ع) بوده است که در این دنیا شفاعت ابن‌ملجم را فرموده و در وصیّت‌نامهٔ خود، از بازماندگانش خواستار شده است که همان‌سان که می‌خواهند خدا از آنان بگذرد، آنان نیز از گناه قاتل او درگذرند: «فاعفوا، الا تحبّون ان یغفر الله لکم؟»

مولانـا مخالف معتزله و اشـاعره

دیدگاه او دربارهٔ رؤیت خدا و اختیار

در دفتر دوم مثنوی به ابیات ۴ـ۶۱ رسیدیم:

چشم حس را هست مذهب اعتزال
دیدهٔ عقل اسـت سـنّی در وصال
سُـخرهٔ حس‌انـد اهـل اعتزال
خویش را سـنّی نمایند از ضلال
هر که بیرون شد ز حس، سنّی وی است
اهل بینش چشم عقلِ خوش پی است
گر بدیـدی حسّ حیوانَ شـاه را
پـس بدیـدی گاو و خـر الله را

استاد گفتند: در این ابیات، مولانا هم معتزلی‌مذهبان (روشنفکرانِ اهل سنّت) را سخت تخطئه می‌کند و هم عقیده به رؤیت باری تعالی با چشـم حسّی را که از اصول مسلّم اشعریان است، مردود می‌شمارد؛ و چون عموم اهل سنّت، یا معتزلی بوده‌اند یا معتقد به رؤیت باری تعالی، می توان فهمید که مراد مولانا از سُنّی، کسانی که به این نام شناخته شده‌اند، نبوده؛ بلکه این عنوان را بر کسانی اطلاق کرده که آنان را پیروان حقیقی سنّت رسول(ص) می‌شناخته است. البته در این مورد که مولانَا مخالف سرسخت معتزله بوده، هیچ‌کس تردید نکرده؛ امّا مخالفت‌های او با اصولِ مسلّم مذهب اشاعره نیز جایی برای این احتمال که او پیروَ این مذهب باشد، نمی گذارد. چنانکه در جای دیگر نیز با استناد به دو آیهٔ «لا تدرکهُ الابصار» و «فلمّا تجلّی ربّه للجبل جعلهُ دکّاً و خرّ موسی صعقا» که دومی به دنبال ردّ درخواستِ رؤیت از جانب موسی(ع) با عبارت مؤکّدِ «لن تَرانیِ» آمده، همان نظریّهٔ عدم امکان رؤیتِ ذات باَری را تقریر می کند و می گوید:

پس نهـانی‌هـا، به ضـدّ پیدا شـود
چونک حق را نیست ضد، پنهان بود
نور حق را نیسـت ضدی در وجود
تا به ضـد او را توان پیـدا نمود
لاجـرم ابصـارُنـا لا تُـدرکـه
و هو یُدرک بین تو از موسـی و کُه

و البته این امر مانـع از اعتقاد به رؤیت قلبی و روحانی که در احادیث معصومان نیز مرحلهٔ اعلای ایمان به شمار آمده، نیست.

نیز می‌دانیم که نفی اختیار انسان، از اصول مسلّم اشاعره است و آنگاه مولانا بارها به مختار بودنِ انسان تصریح کرده و انکار اختیار را مستلزم اعتقادِ به جبر شمرده که بطلان آن بر کسی پوشیده نیست؛ از جمله در ضمن حکایتی با این عنوان «در جوابِ جبری و اثبات اختیار و بیان آنکه عذر جبری در هیچِ ملّتی و در هیچ دینی مقبول نیست...»، اَز گناهکاری سخن می گوید که خود را در ارتکاب گناه، بی‌اختیار و مجبور می‌پنداشت و چون او را بزدند و گفتند: ما هم در زدنِ تو بی‌اختیار و مجبوریم، به خود آمد و:

گفت توبـه کـردم از جبر ای عیار
اختیار اسـت، اختیار است، اختیار
اختیـارش اختیـار مـا کنـد
امر شـد بـر اختیاری مسـتند
حـاکمی بـر صـورتِ بـی‌اختیـار
هسـت هر مخلـوق را در اقتدار
تـا کشـد بـی‌اختیـاری صیـد را
تا بَـرَد بگرفته گـوش او زید را
لیـک بـی‌هیـچ آلتـی صنـع صمد
اختیـارش را کمنـد او کنـد
اختیـارش زیـد را قیـدش کند
بی‌سـگ و بی‌دام، حق صیدش کند
نادر این باشـد کـه چندین اختیـار
سـاجد اندر اختیـارش بنده‌وار

ادامه دارد

کهن

دانش نجوم به‌قلم رحیم‌زاده صفوی/۶

تقویم‌های نجومی

در صفحه راست کنارهٔ راست از تقویم‌ها ستون فراخی است که در آنجا اتصالات ستارگان را با همدیگر نشـان می‌دهد و نظرهای پنجگانه بدین‌طریق نموده می‌شـود. برای تثلیث (ث) ولی بی‌نقطه زیرا چیز دیگری نیسـت که به آن مشتبه گردد برای تسدیس (س) کشکولی ـ برای مقابله (له) برای تربیع (ع) برای مقارنه(نه) ولی اگر مقارنه با آفتاب باشد (ق) می‌نویسند که علامت احتراق است برای تحویل از یک برج به برج دیگر (بل) ـ برای نشان دادن رجعت ستاره (عت) و برای نشان دادن استقامت (مت) می‌نویسند.

نیز سیارات را با حرف آخر آنها نشان می‌دهند مثلاً تحویل مریخ از میزان به‌عقرب اینگونه نوشته می‌شود (یل خ ر مدح یا) تحویل مریخ به برج (ز) یعنی هفتم که عقرب است(میم) یعنی یوم(د) چهارشنبه(ح) هشت ساعت (یا) یازده دقیقه.ایضاً برای مثل می‌نویسیم (تثلیث زحل و زهره لیل یکشنبه نه ساعت و ۵۷ دقیقه چنین نوشته می‌شود (ب ل ه لا ط نر).

در صفحهٔ چپ تقویم ستون اول روزهای هفته و ستون دوم ماه عربی و ستون سوم و چهارم انتقال ماه را از برجی به برج دیگر نشان می‌دهد مثلاً در ستون انتقالات نوشـته (ه لب ل) یعنی پنج ساعت و ۳۲ دقیقه لیل و در ستون بروج نوشته (ح) یعنی در ساعت مزبور قمر وارد قوس می‌شود‌ـ ستونهای بعد هرکدام متعلق است به یک سیاره و نشان می‌دهد که قمر با آن سیارات چه اتصالی دارد.

مثلاً در مقابل (و) از ستون ایام که جمعه باشد وقتی پیش می‌روید به ستون شمس که رسیدید نوشته (تع ه نا م) یعنی تحت‌الشعاع پنج ساعت و ۵۱ دقیقهٔ یوم ـ یا نوشـته (خع ی مط م) یعنی خروج از تحت‌الشعاع ده ساعت و ۴۹ دقیقهٔ یوم در ستون مشتری نوشته (س ه که ل) یعنی تسدیس پنج ساعت و ۲۵ دقیقهٔ لیل به عبارت دیگر یعنی پنج ساعت و ۲۵ دقیقه از شب جمعه گذشته قمر با مشتری تسدیس خواهد داشت.

آشنایی کامل با این خط و با اصطلاحات تقویم‌ها محتاج است به این که شخص یک تقویم رقمی را برداشته چند ساعت مطالعه کند به شرطی که قواعد مجملی را که در این رساله آمده به حد کافی فرا گرفته باشد.

این بود خلاصهٔ بسیار موجزی از احکام نجومی و اصولی که در خواندن مطالب عمدهٔ تقویم‌ها به‌کار می آید.

ضمناً مناسب دید صورتی از یک زایجهٔ نجومی که منجمین برای نوزادها یا وقایع دیگر طرح می‌کنند با شرح نکات آن در پایان این مبحث افزوده آید و نیز یک مثال هم برای استفاده از تقویم رقمی نوشته شود‌ـ البته به نظر رسیده که در تقویم رقمی به هیچ‌وجه از خوب و بد ساعت‌ها چیزی نمی‌نویسند برخلاف تقویم‌های معمولی که چون به عقیدهٔ منجمین برای عوام و توده نوشته می‌شد در مقابل هر روز توضیحی به‌طور کلی ثبت می‌گشت.

مثل: (مناسب است سـفر را) یا (مناسب است نکاح را) یا (کاری را نشاید) و از این قبیل، ولیکن این ترتیب دقیق نیست و طالع و ساعت اقدام در آنها معین نمی‌باشد و مکرر اتفاق می‌افتد که چند ساعت آخر روز حکمش غیر از ساعات اول آن روز است و اما چون برای توده بوده منجمین توجهی چندان نداشته‌اند و می گفتند هرکس می‌خواهد از روی دقت وقت را به شناسـد به تقویم رقمی مراجعه کند. اینک ما برای خوانندگان گرامی اصول خواندن تقویم رقمی را شرح دادیم و برای تکمیل راهنمایی و نشان دادن طرز عملی که معتقدین به احکام نجومی در انتخاب وقت مناسـب روا می‌دارند مثالی می‌آوریم:

فرضاً هنگامی که سفر دریا در پیش است از روی همین رسـاله خوانده‌ایم که مناسب است قمر در برج ذوجسدین و ناظر به مشتری باشد ـ ما چون در مهرماه هسـتیم ورق مهرماه را از تقویم رقمی می‌گیریم و در صفحه سمت چپ که اتصالات قمر را نشان می‌دهد نگاه می‌کنیم در بین ۱۲ برج که قمر بیست و هشت روزه تقریباً آنها را می‌پیماید چهار برج ذوجسدین هست و هر برجی را قمر میانه دو تا سه روز طی می‌کند.

پس در ستون انتقالات قمر هر روز که ماه در (ب) که برج جوزا یعنی ذوجسدین است یا (هـ) که سنبله است یا (ح) که قوس است یا (یا) که حوت است داخل شده، در سطرهای مقابل آن ایام انگشت را کشیده بستونی که مخصوص مشتری است میرسیم و اگر چیزی نوشته شده باشـد می‌خوانیم هرگاه (ب) یا (س) که علامت تثلیث یا تسدیس است یافتیم و البته ساعت و دقیقه آن را به علاوه روز یا شب نیز معین کرده است.

پس ساعت مناسب را برای سفر دریا شناخته‌ایم همچنین است دانستن ساعت سعد برای زفاف که نظر قمر به‌زهره شرط آنست و سایر امور به همین قرار.

ضمناً باید متذکر باشیم که مقصود از وقت مناسب برای سـفر خشکی یا دریا ساعتی است که شخص از مسکن خود و از شهر خارج می‌شود والا ساعت حرکت کشتی یا کاروان یا ترن در اختیار ما نیست و به همین جهت بود که قدما بعد از تعیین وقت شایسته بخارج شهر نقل مکان می‌کردند تا وسایل سفر قافله فراهم آید.

اینک صورت زایجه به قاعده نجومی، در خانه اول که طالع است(الف ـح) نوشته شده یعنی طالع ثور است در هشت درجه هرگاه در برج ثور یکی از سیارات در آن حال موجود باشد حرف آخر آن سیاره را با تعیین درجه در همان خانه اول می‌نویسـند فرضاً (ی ده) یعنی مشتری به چهار درجه و پنج دقیقه همچنین در هر یک از خانه‌های بعدی اگر کوکبی موجود باشد به ترتیب مذکور ثبت می‌افتد.

سـایر خانه‌ها را نیز از روی اصطرلاب معین می‌کنند که کدام برج است به چند درجه زیرا حساب دقیق اصطرلابی با حساب انگشت شماری در تقسیم خانه‌ها غالباً تفاوتی دارد.

آن وقـت از روی این صورت زایجه اتصال و نظر ستارگان را به همدیگر سنجیده با در نظر گرفتن منسوبات بروج و منسوبات خانه‌های طالع و مدلولات ستارگان و اتصال ستارگان حکم‌هایی استخراج کرده پیش‌بینی‌می‌نمایند.

سپاس آفریدگار توانا و مهربان را که توفیق بخشید تا این رساله را با خوشی و فرهی به پایان رسانیدیم.

طهران مهر ۱۳۱۵

رحیم‌زاده‌صفوی

....

به نقل از: سالنامه پارس

لوح

در کوچه باغ اندیشه -۳۷

بهشتِ آزادی

تبدیل «بهشت» به «جهنم» آسان ترین کار ممکن است. کافی است نیت تان بد باشد و فکرتان منفی!

❊

کسـی که تعادل انسان را به هم بزند دوستش نیسـت حتی اگر مادر انسان باشد. تعادل خط قرمز حیات است.

❊

در نابسامانی یک جامعه همین بس که اشخاص بجای اعتماد و اطمینان، از هم بترسند.

❊

افکار چونان طوفان هایی از راه می رسـند و انسـان را چونان امواجی حقیر بلند می کنند و بر صخره زمین و سنگ زمان می کوبند.

❊

اگر پای ماجراجویی در میان نبود، انسانها خیلی از کارها را نمی کردند، به خیلی از جاها نمی رفتند و خیلی از حرفها را نمی زدند.

❊

حضور غرب در شـرق و بخصوص ایران، حاصلی جز بسط بی عدالتی و نابرابری نداشته است از آن رو که شرقی ها با ابزارهای غربی همدیگر را می‌کوبند و کنار می گذارند.

❊

جهان سـنگین اسـت و هر روز سنگین تر می‌شود. کسی که راهی برای سبکی و سبکبالی پیدا نکند، زیر بار جهان به زانو در خواهد آمد.

❊

مراقبه یا به قول امروزی ها «مدیتیشن» در لحن و صدای شـما و میمیک صورتتان اثر می گذارد. با مدیتیشن مرتب و اصولی می توانید صدایتان را زیبا و جذاب کنید و گرفتگی را از صورت و چهره تان دور کنید.

❊

حاصل حضور شرق در غرب، تنوع و ثروت بوده است و حاصل حضور غرب در شرق، تشتت و فقر.

❊

غرب با شرق قوی شده و شرق با غرب تضعیف شده است.

❊

زمان پیش می افتد از کسـانی که چشـم بر واقعیت‌ها می بندند.

❊

زمان هرگز عقب نمی افتد. تنها راه جلو افتادن از زمان، عقب نماندن از آن است.

❊

علامت جامعه استبدادی، وجود رابطه معکوس بین اضطراب و آرامش است: هرچه مردم اضطراب بیشـتری دارند زمامداران آرامترند. و هرچه مردم آرامترند، حاکمان مضطربند.

❊

در جامعه استبدادی بین آرامش و اضطراب مردم و حاکمان رابطه معکوس برقرار است: اضطراب مردم موجب آرامش حکام می شود و آرامش مردم موجب اضطرابشان.

❊

در جامعه ای که مرده بد و زنده خوب نداشته باشد، یک مسئله واضح قابل درک است و آن عوض شدن جای «ظلم» و «عدل» است.

❊

از خدای زنده دین مرده صادر نمی شـود و از دین مرده نمی توان به خدای زنده رسید. همچنانکه که خدای مرده خدا نیست، دین مرده هم نمی تواند حقیقی باشد.

❊

صنعت توفیقی اسـت و عرفان توفیقی دیگر. آنطور که پیداست ایرانی ها توفیق عرفان را از دست داده اند و توفیق صنعت را به دست نیاورده اند.

❊

دیندار واقعی جاهل نمی شود و جاهل حقیقی هم دیندار نمی شود. با این حال، اگر بین دین و جهل ترکیب صورت بگیرد، بدترین ترکیب عالم را شاهد خواهیم بود.



❊

متعصب نمی تواند متفکر باشد. کسانی که در دفاع از عقیده ای یقه پاره می کنند، متعصبند نه متفکر. متفکر واقعی هرگز در دام تعصب نمی افتد.

❊

تمام آنچه از ذهـن می گذرد، مصداق عقل و تعقل نیست. بسیاری از آنچه انسانها می اندیشند، توهم محض است هرچند آمادگی شنیدنش را ندارند.

❊

آنچه بر ذهن شـما می گذرد، در کوتاه ترین زمان ممکن، از روح شما در می گذرد و وجودتان را تسخیر می کند.

❊

قطره کوچکی که به سادگی وارد ذهن می شود، وقتی به روح می رسـد به طوفانی سهمگین مبدل می‌شود. طوفان روح از «طوفان نوح» عظیم تر است.

❊

اهمیت تمرکز غیر قابل توصیف است. تمرکز تنها چیزی است که می تواند ذهن را مهار کند. مهار ذهن از مهار چموش ترین حیوان های جهان دشوارتر است.

❊

ذهن بی قرارترین عضو عالم است. هیچ چیزی در جهان به اندازه ذهن ناآرام نیسـت و ناآرامی را تجربه نمی کند.

❊

با تمرکز ذهن، تن به آرامش می رسـد و طعم زندگی را می چشـد و آنگاه ذهـن از گرداب و سیلاب‌های طوفانی نجات می یابد.

❊

بهشت در اثر انتخاب حاصل می شود. بنابراین، در جایی کـه آزادی و امکان انتخاب وجود ندارد، بهشت بی معنی است.

❊

جامعه ای که بویی از آزادی نبرده باشد، بویی از بهشت نمی برد، چون بهشت در اثر انتخاب و آزادی حاصل می شود و بدون آزادی بهشتی وجود ندارد.

❊

جامعه ای که آزادی نداشته باشد، شاخه ای از جهنم است، حتی اگر در آن بهشت تبلیغ شود. بهشت اثر آزادی و خود آزادی است.

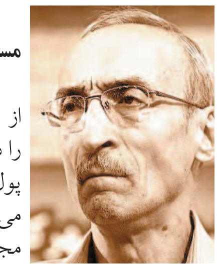
کریم‌فیضی

اشاره: در شماره پیشین با بخش هایی از زندگی، آثار و شاگردان زنده‌یاد آیت الله الهی قمشه‌ای آشنا شدیم و اینک ادامه سخن که پس از ذکر شاگردان آن مرحوم، شـامل دیدگاه‌های آن مرحوم از نگاه استاد ثبوت است. «ضمیمه فرهنگی»

حکیم الهی‌قمشه‌ای به قلم استاد اکبر ثبوت

با مثنوی و آفریننده‌اش





دگرگونی در ماهیّت مساجد

سخن از این بود که برخی از مسئولان مساجد، خانهٔ خدا را دکّانی برای به دسـت‌آوردن پول قـرار داده‌اند و مثلاً مبلغی می گیرند تا اجازه دهند در مسجد مجلس فاتحه برگزار شود و دیگر خلاف‌کاری‌هایی که با حرمت مسجد منافات تام دارد.

استاد فرمودند: امام علی(ع) در نکوهش چنین رفتارهایی است که به عنوان پیش‌بینی فرموده: یأتی علی الناس زمان لایبقی فیه من القرآن الّا رسـمه، و من الاسلام الا اسمه، مساجدهم یومئذ عامره من البناء خراب من الهدی. سُکّانها و عمّارها شرّ اهل الارض؛ منهم تخرج الفتنه و الیهم تأوی الخطیئه؛ یردّون من شذّ عنها فیها، و یسوقون من تأخّر الیها. یقول الله تعالی «فبی حلفت لابعثنّ علی اولئک فتنهٔ اترک الحلیم فیها حیران» و قد فعل.

ترجمه: روزگاری بر مردم بیایـد که در آن، از قرآن جز نشانی و از اسـلام جز نامی نمانَد. در آن هنگام بنیادِ مسجدهاشان آبادان است و بنای هدایت در آن ویران. ساکنان و بناکنندگان آن مسجدها بدترین مردم روی زمین‌اند؛ فتنه از میان آنان برخیزد و پناهگاه خطاها آنان‌اند. هر که را از فتنه برکنار باشد، به درون آن بازگردانند و هر که را از آن عقب افتد، به سوی آن سوق دهند. خداوندِ برتر می گوید: سوگند به خدائی خودم، فتنه‌ای در میانِ آنان برپا کنم که بُردباران در آن سَرگردان شوند.» و چنین کرده است.

در خطبهٔ دیگری هم که در ذیقار ایراد فرمود، از روزگاری سخن می گوید که مسجدیان و قاریان به گمراهی دچار گشته و با رفتارهای ناروایشان هویّت مسجدها را دگرگون ساخته‌اند:

«مساجدهم فی ذلک الزمان عامره من الضلالهٔ، خربه من‌الهدی، قد بُدّل فیها من الهدی، فقرّاؤها و عمّارها أخائب خلق‌الله و خلیقته، من عندهم جرت الضلاله و إلیهم تعود، فحضور مساجدهم و المشی إلیها کفرٌ بالله العظیم إلاّ من مشی إلیها و هو عارف بضلالهم؛ فصارت مساجدهم من فعالهم علی ذلک النحو خربهٌ من الهدی عامرهٔ من الضلاله؛ قد بدّلت سنّه‌الله و تعدّیت حدوده، و لایدعون إلی الهدی و لا یقسمون الفییء و لایوفون بذمّه، یدعون القتیل منهم علی ذلک شـهیداً؛ قد أتوا الله بالافتراء و الجحود و استغنوا بالجهل عن العلم، و من قبل ما مثّلوا بالصالحین کلّ مثله و سمّوا صدقهم علی‌الله فریه و جعلوا فی الحسنه‌العقوبه‌السیّئه.

ترجمه: در مسجدهایشـان در آن روزگار، بنای گمراهی آبادان و بنای هدایت ویران اسـت و دین و هدایت در آنها دگرگون گشـته. قاریان مسجدها و بناکنندگان آن، کافرترین و زیانکارترین مردمان و آفریدگان‌اند. گمراهی از نـزد آنان جریان می‌یابد و به سوی آنان بازمی‌گردد. رفتن به مسجدهای آنان و حضور در آنها، کفر ورزیدن به خدای بزرگ است، مگر کسی از گمراهی آنان آگاه باشد.

با رفتاری بدان گونه، در مسجدهاشان بنای هدایت ویران و بنای گمراهی آبادان است و سنّت خدا دگرگون شده و فرمان‌های او در معرض تعدّی قرار گرفته. مردم را به راه هدایت نخوانند و حقوق مالی خلق را به آنان نرسانند و بر هیچ پیمانی وفا نکنند. کسان خود را که در جنگهای ناروا به قتل رسند، شهید خوانند و بدین گونه، با افترا به خدا و انکار او به محضر او روند و با دلخوش داشتن به جهل، از دانش بی‌نیازی جویند. پیش از آن، بدنهای صالحان را تکّه‌پاره کردند و سخنان راستِ آنان را دروغزنی بر خدا نام نهاده و کار نیک آنان را با بدیِ پاداش دادند.

با مثنوی و آفرینندهٔ آن

استاد الهی به گفتهٔ خود، همچون استاد جلال‌الدین همایی، در محضر شیخ محمد خراسانی ـ از مدرّسان عالی‌رتبهٔ حوزهٔ اصفهان ـ مثنوی را فراگرفت و علاقه به مثنوی را از او به ارث برد؛ چنان‌که شـیخ نیز از استاد خود جهانگیرخان قشقایی ـ معلّم بزرگ اخلاق و مدرّس بلندپایهٔ نهج‌البلاغه و کتاب‌های فقه و اصول و ریاضی و هیئت و فلسفه و منطق و طب ـ که مثنوی را نیک می‌شـناخت و گاه در ضمن درس ابیاتی از آن را می‌خواند، مثنوی را آموخت و شـاگرد دیگر جهانگیرخان، حاج‌آقا رحیم ارباب نیز که در حکمت و فقه و ریاضی و هیئت یگانهٔ دوران بود، در تبیین دقایق مثنوی تسلّطی کم‌نظیر داشت.

الهی به تبع استاد خود خراسانی، مثنوی را «صیقل ارواح» و «بانگِ توحیـد» و «دکّان فقر» می‌نامید، و دلبستگی‌اش به مثنوی چندان بود که حتی در ضمن تدریس متون فلسـفی همچون منظومه و اشارات و اسفار، و در تفسیر و تحلیل‌های کتبی خود از موضوعات حِکمی و دینی، غالباً سخن را با ابیاتی از این منظومهٔ عظیم می‌آراست و از مضامین بلند آن استمداد می‌نمود؛ و از مولانـا با تعبیراتی همچون «عارف رومی قدّس سرّه القیّومی در این مقام فرماید»، «عارف قیّومی، ملای رومی، فرماید» یاد می‌کرد.

یک جا ضمن توضیح روایـات ائمّه(ع) دربارهٔ علم حق، می‌گوید: «عارف رومی از آن امامان گرفته»؛ و جای دیگر پس از نقلِ گفتگوی پیامبر(ص) با زید (کیف اصبحت...) می‌نویسد: «این حدیث شریف نبوی را عارف رومی قدّس سـرّه با بیانی شیوا و شیرین و شورانگیز شرح کرده، اینجا ذکرش مناسب است.»

از جمله حقوق بسیاری نیز که استاد الهی بر ذمّهٔ این ناچیـز دارد، یکی هم یاری به من برای فُرجه در جزیرهٔ مثنوی بود که از سـر حسن ظنّ به این مرید مخلص، به «غرق شدن در بحر معنوی» تعبیر می‌فرمود؛ و گاه این نیازمند را بر آن می‌داشت تا با تکیه بر صوت ـ و البتّه نه با آوایی چندان دلنشین ـ مثنوی را قرائت کند؛ و من در آشنایی با ژرفای مثنوی، بیش از هر کس مدیون اویم.

وقتی هم قرار شـد مثنـوی را در خدمت ایشـان بخوانیم، فرمودند: «در جلسات درس، کتاب مناقب‌العارفین را هم که دربردارندهٔ معتبرترین گزارش‌ها از زندگـی و احوال مولانا و گفتگوهای او با دیگران است، همراه داشته باش تا برای فهم پاره‌ای از ابیات مثنوی از آنها کمک بگیریم.» البته مشرَب عرفانیِ الهی و حرمتی کـه به عرفا از جمله مولوی و به مثنوی او می‌نهاد، در دیدهٔ برخی از ظاهربینان و دنیاطلبانِ مدّعیِ دینداری پسندیده نبود؛ چنان‌که شیخی بی‌مایه و حَسود، یک بار به عزم معرکه‌گیری، الهی را در برابرِ جمعی فرومایه هدف زخم زبان‌ها و طعنه‌ها قرار داد؛ و پاسخ او نیز این بود که:

ای شـیخ! مزن طعنه به گفتار الهی
هر عالم ربّانی و هر صوفیِ صافی است
پاک از حسدِ و شـید، بوَد یار الهی

....

گاهی نیز در پاسخ مدّعیان، این ابیات مثنوی را بر زبان می‌راند:

پیش از آنک این قصّه تا مَخلَص رسد
دود و گنـدی آمد از اهل حسـد
من نمی‌رنجـم از این، لیک این لگد
خاطـر سـاده‌دلی را پـی کند

این هم چند نکته از افادات الهی در درس مثنوی:

تسلیم در برابرِ تقدیر؟

وقتی به این دو بیت رسیدیم:

جهـد می‌کـن تـا توانی ای کیا
در طریـق انبیـا و اولیـا
با قضا پنجـه‌زدن نبوَد جهـاد
زانکـه این را هم قضا بـر ما نهاد

استاد گفتند: چه کسی می گوید: «عرفا مروّج نظریّهٔ جبر و بی‌اختیاریِ انسان بوده‌اند؟» سپس این دو جَمله را از قول عارف بزرَگ شیخ عبدالقادر گیلانی ـ همان که مولانا از وی با عنوان خواجه گیلئی یاد می‌کند؟ ـ نقل کردند: «لیس الرجل الذی یستسلم للاقدار؛ و انما الرجل الذی یدفع الاقدار بالاقدار»، مرد آن نیست که در برابر مقدّرات تسلیم شود؛ بل مرد آن است که مقدرات را به کمک مقدّرات دفع کند. نیز این جمله را: «نازعت اقدار الحقّ بالحقّ للحقّ، فالرّجل هو المنازع للقدر المذموم لا الموافق له»: به یاری حق و برای حق، با تقدیرهای حق مقابله کردم. مرد آن است که با تقدیرهای نکوهیده مقابله کند، نه با آن سازگاری نماید.

سوءاستفاده از حبل‌الله

در توضیح این دو بیت:

زانکه از قـرآن بسـی گمـره شدند
زان رسـن قومی درونِ چَه شدند
مر رسـن را نیست جرمی ای عنود
چون تو را سـودای سـر بالا نبود

اسـتاد گفتند: این دو بیت اشاره است به آیهٔ ۲۶ از سورهٔ بقره که حاکی است کافران می‌گفتند مَثَل‌های قرآن بسیاری را گمراه می‌کند و خداوند در پاسخ آنان فرمود: جز تبهکاران را گمراه نمی‌کند.

تشبیه قرآن به رسن نیز بارها در احادیث معصومان آمده است. از جمله در حدیث رسول(ص): «کتاب‌الله حبلٌ ممدود من (یا: بین) السّماء الی (یا: و) الارض» و در کلام امیر مؤمنان: «و تمسّـک بحبل القرآن و استنصحه»: به ریسمان قرآن چنگ‌زن و از آن پند گیر و «هذا القرآن فانّه حبل الله المتین و سببه الامین»: این قرآن، ریسمان استوارِ خداوند و وسیلتِ امین اوست.

شفاعت امام علی(ع) از ابن ملجم؟

یک بار کسی این ایراد را از قول مرحوم مجلسی به مولانا گرفت که: «چرا گفته است: امام علی(ع) در قیامت از ابن‌ملجم شفاعت می‌کند؟» استاد در پاسخ گفت: اولاً بر فرض که سخن مولانا در این مورد نادرست باشد، مگر چه کسی است که هیچ کلام ناصوابی بر زبانش جاری نشده باشد؟ ثانیاً مولانا این سخن را از شدّت ایمانی که به کریمی و بخشندگی و بزرگواری و عفو و گذشت امام علی(ع) داشته، بر زبان رانده و آنچه او را به این اعتقاد رسانیده، رفتار خود امام(ع) بوده است که در این دنیا شفاعت ابن‌ملجم را فرموده و در وصیّت‌نامهٔ خود، از بازماندگانش خواستار شده است که همان‌سان که می‌خواهند خدا از آنان بگذرد، آنان نیز از گناه قاتل او درگذرند: «فاعفوا، الا تحبّون ان یغفر الله لکم؟»

مولانـا مخالف معتزله و اشـاعره
دیدگاه او دربارهٔ رؤیت خدا و اختیار

در دفتر دوم مثنوی به ابیات ۴ـ۶۱ رسیدیم:

چشم حس را هست مذهب اعتزال
دیدهٔ عقل اسـت سـنّی در وصال
سُـخرهٔ حس‌انـد اهـل اعتزال
خویش را سـنّی نمایند از ضلال
هر که بیرون شد ز حس، سنّی وی است
اهل بینش چشم عقلِ خوش پی است
گر بدیـدی حسّ حیوانْ شـاه را
پـس بدیـدی گاو و خـر الله را

استاد گفتند: در این ابیات، مولانا هم معتزلی‌مذهبان (روشنفکرانِ اهل سنّت) را سخت تخطئه می‌کند و هم عقیده به رؤیت باری تعالی با چشـم حسّی را که از اصول مسلّم اشعریان است، مردود می‌شمارد؛ و چون عموم اهل سنّت، یا معتزلی بوده‌اند یا معتقد به رؤیت باری تعالی، می توان فهمید که مراد مولانا از سُنّی، کسانی که به این نام شناخته شده‌اند، نبوده؛ بلکه این عنوان را بر کسانی اطلاق کرده که آنان را پیروان حقیقی سنّت رسول(ص) می‌شناخته است. البته در این مورد که مولانَا مخالف سرسخت معتزله بوده، هیچ‌کس تردید نکرده؛ امّا مخالفت‌های او با اصولِ مسلّم مذهب اشاعره نیز جایی برای این احتمال که او پیروَ این مذهب باشد، نمی گذارد. چنانکه در جای دیگر نیز با استناد به دو آیهٔ «لا تدرکهُ الابصار» و «فلمّا تجلّی ربّه للجبل جعلهُ دکّاً و خرّ موسی صعقا» که دومی به دنبال ردّ درخواستِ رؤیت از جانب موسی(ع) با عبارت مؤکّد «لن تَرانی» آمده، همان نظرّیهٔ عدم امکان رؤیتِ ذات بارِی را تقریر می کند و می گوید:

پس نهـانی‌هـا، به ضـدّ پیدا شـود
چونک حق را نیست ضد، پنهان بود
نور حق را نیسـت ضدی در وجود
تا به ضـد او را توان پیـدا نمود
لاجـرم ابصـارُنـا لا تُـدرکـه
و هو یُدرک بین تو از موسـی و کُه

و البته این امر مانـع از اعتقاد به رؤیت قلبی و روحانی که در احادیث معصومان نیز مرحلهٔ اعلای ایمان به شمار آمده، نیست.

نیز می‌دانیم که نفی اختیار انسان، از اصول مسلّم اشاعره است و آنگاه مولانا بارها به مختار بودنِ انسان تصریح کرده و انکار اختیار را مستلزم اعتقاد به جبر شمرده که بطلان آن بر کسی پوشیده نیست؛ از جمله در ضمن حکایتی با این عنوان «در جوابِ جبری و اثبات اختیار و بیان آنکه عذر جبری در هیچ ملّتی و در هیچ دینی مقبول نیست...»، اَز گناهکاری سخن می گوید که خود را در ارتکاب گناه، بی‌اختیار و مجبور می‌پنداشت و چون او را بزدند و گفتند: ما هم در زدنِ تو بی‌اختیار و مجبوریم، به خود آمد و:

گفت توبـه کـردم از جبـر ای عیار
اختیار اسـت، اختیار است، اختیار
اختیـارش اختیـار مـا کنـد
امر شـد بـر اختیاری مسـتند
حـاکمی بـر صـورتِ بـی‌اختیـار
هسـت هر مخلـوق را در اقتدار
تـا کشـد بـی‌اختیـاری صیـد را
تا بَـرَد بگرفته گـوش او زید را
لیـک بـی‌هیـچ آلتـی صنـع صمد
اختیـارش را کمنـد او کنـد
اختیـارش زیـد را قیـدش کند
بی‌سـگ و بی‌دام، حق صیدش کند
نادر این باشـد کـه چندین اختیـار
سـاجد اندر اختیـارش بنده‌وار

ادامه دارد

کهن

دانش نجوم به قلم رحیم‌زاده صفوی/۶

تقویم‌های نجومی

در صفحه راست کنارهٔ راست از تقویم‌ها ستون فراخی است که در آنجا اتصالات ستارگان را با همدیگر نشـان می‌دهد و نظرهای پنجگانه بدین‌طریق نموده می‌شـود. برای تثلیث (ث) ولی بی‌نقطه زیرا چیز دیگری نیسـت که به آن مشتبه گردد برای تسدیس (س) کشکولی ـ برای مقابله (له) برای تربیع (ع) برای مقارنه(نه) ولی اگر مقارنه با آفتاب باشد (ق) می‌نویسند که علامت احتراق است برای تحویل از یک برج به برج دیگر (بل) ـ برای نشان دادن رجعت ستاره (عت) و برای نشان دادن استقامت (مت) می‌نویسند .

نیز سیارات را با حرف آخر آنها نشان می‌دهند مثلاً تحویل مریخ از میزان به‌عقرب اینگونه نوشته می‌شود (یل خ ر مدح یا) تحویل مریخ به برج (ز) یعنی هفتم که عقرب است(میم) یعنیِ یوم(د) چهارشنبه(ح) هشت ساعت (یا) یازده دقیقه.ایضاً برای مثل می‌نویسیم (تثلیث زحل و زهره لیل یکشنبه نه ساعت و ۵۷ دقیقه چنین نوشته می‌شود (ب ل ه لا ط نر).

در صفحهٔ چپ تقویم ستون اول روزهای هفته و ستون دوم ماه عربی و ستون سوم و چهارم انتقال ماه را از برجی به برج دیگر نشان می‌دهد مثلاً در ستون انتقالات نوشـته (ه لب ل) یعنی پنج ساعت و ۳۲ دقیقه لیل و در ستون بروج نوشته (ح) یعنی در ساعت مزبور قمر وارد قوس می‌شودـ ستونهای بعد هرکدام متعلق است به یک سیاره و نشان می‌دهد که قمر با آن سیارات چه اتصالی دارد.

مثلاً در مقابل (و) از ستون ایام که جمعه باشد وقتی پیش می‌روید به ستون شمس که رسیدید نوشته (تع ه نا م) یعنی تحت‌الشعاع پنج ساعت و ۵۱ دقیقهٔ یوم ـ یا نوشـته (خع ی مط م) یعنی خروج از تحت‌الشعاع ده ساعت و ۴۹ دقیقهٔ یوم در ستون مشتری نوشته (س ه که ل) یعنی تسدیس پنج ساعت و ۲۵ دقیقهٔ لیل به عبارت دیگر یعنی پنج ساعت و ۲۵ دقیقه از شب جمعه گذشته قمر با مشتری تسدیس خواهد داشت.

آشنایی کامل با این خط و با اصطلاحات تقویم‌ها محتاج است به این که شخص یک تقویم رقمی را برداشته چند ساعت مطالعه کند به شرطی که قواعد مجملی را که در این رساله آمده به حد کافی فرا گرفته باشد.

این بود خلاصهٔ بسیار موجزی از احکام نجومی و اصولی که در خواندن مطالب عمدهٔ تقویم‌ها به‌کار می‌آید.

ضمناً مناسب دید صورتی از یک زایجهٔ نجومی که منجمین برای نوزادها یا وقایع دیگر طرح می‌کنند با شرح نکات آن در پایان این مبحث افزوده آید و نیز یک مثال هم برای استفاده از تقویم رقمی نوشته شودـ البته به نظر رسیده که در تقویم رقمی به هیچ‌وجه از خوب و بد ساعت‌ها چیزی نمی‌نویسند برخلاف تقویم‌های معمولی که چون به عقیدهٔ منجمین برای عوام و توده نوشته می‌شد در مقابل هر روز توضیحی به‌طور کلی ثبت می‌گشت.

مثل: (مناسب است سـفر را) یا (مناسب است نکاح را) یا (کاری را نشاید) و از این قبیل، ولیکن این ترتیب دقیق نیست و طالع و ساعت اقدام در آنها معین نمی‌باشد و مکرر اتفاق می‌افتد که چند ساعت آخر روز حکمش غیر از ساعات اول آن روز است و اما چون برای توده بوده منجمین توجهی چندان نداشته‌اند و می گفتند هرکس می‌خواهد از روی دقت وقت را به شناسـد به تقویم رقمی مراجعه کند. اینک ما برای خوانندگان گرامی اصول خواندن تقویم رقمی را شرح دادیم و برای تکمیل راهنمایی و نشان دادن طرز عملی که معتقدین به احکام نجومی در انتخاب وقت مناسـب روا می‌دارند مثالی می‌آوریم:

فرضاً هنگامی که سفر دریا در پیش است از روی همین رسـاله خوانده‌ایم که مناسب است قمر در برج ذوجسدین و ناظر به مشتری باشد ـ ما چون در مهرماه هسـتیم ورق مهرماه را از تقویم رقمی می گیریم و در صفحه سمت چپ که اتصالات قمر را نشان می‌دهد نگاه می‌کنیم در بین ۱۲ برج که قمر بیست و هشت روزه تقریباً آنها را می‌پیماید چهار برج ذوجسدین هست و هر برجی را قمر میانه دو تا سه روز طی می‌کند.

پس در ستون انتقالات قمر هر روز که ماه در (ب) که برج جوزا یعنی ذوجسدین است یا (هـ) که سنبله است یا (ح) که قوس است یا (یا) که حوت است داخل شده، در سطرهای مقابل آن ایام انگشت را کشیده بستونی که مخصوص مشتری است میرسیم و اگر چیزی نوشته شده باشـد می‌خوانیم هرگاه (ب) یا (س) که علامت تثلیث یا تسدیس است یافتیم و البته ساعت و دقیقه آن را به علاوه روز یا شب نیز معین کرده است.

پس ساعت مناسب را برای سفر دریا شناخته‌ایم همچنین است دانستن ساعت سعد برای زفاف که نظر قمر به‌زهره شرط آنست و سایر امور به همین قرار.

ضمناً باید متذکر باشیم که مقصود از وقت مناسب برای سـفر خشکی یا دریا ساعتی است که شخص از مسکن خود و از شهر خارج می‌شود والا ساعت حرکت کشتی یا کاروان یا ترن در اختیار ما نیست و به همین جهت بود که قدما بعد از تعیین وقت شایسته بخارج شهر نقل مکان می‌کردند تا وسایل سفر قافله فراهم آید.

اینک صورت زایجه به قاعده نجومی، در خانه اول که طالع است(الف ـح) نوشته شده یعنی طالع ثور است در هشت درجه هرگاه در برج ثور یکی از سیارات در آن حال موجود باشد حرف آخر آن سیاره را با تعیین درجه در همان خانه اول می‌نویسـند فرضاً (ی ده) یعنی مشتری به چهار درجه و پنج دقیقه همچنین در هر یک از خانه‌های بعدی اگر کوکبی موجود باشد به ترتیب مذکور ثبت می‌افتد.

سـایر خانه‌ها را نیز از روی اصطرلاب معین می‌کنند که کدام برج است به چند درجه زیرا حساب دقیق اصطرلابی با حساب انگشت شماری در تقسیم خانه‌ها غالباً تفاوتی دارد.

آن وقـت از روی این صورت زایجه اتصال و نظر ستارگان را به همدیگر سنجیده با در نظر گرفتن منسوبات بروج و منسوبات خانه‌های طالع و مدلولات ستارگان و اتصال ستارگان حکم‌هایی استخراج کرده پیش‌بینی می‌نمایند.

سپاس آفریدگار توانا و مهربان را که توفیق بخشید تا این رساله را با خوشی و فرهی به پایان رسانیدیم.

طهران مهر ۱۳۱۵
رحیم‌زاده صفوی

....

به نقل از: سالنامه پارس

لوح

در کوچه باغ اندیشه -۳۷

بهشتِ آزادی

تبدیل «بهشت» به «جهنم» آسان ترین کار ممکن است. کافی است نیت تان بد باشد و فکرتان منفی!

❊

کسـی که تعادل انسان را به هم بزند دوستش نیسـت حتی اگر مادر انسان باشد. تعادل خط قرمز حیات است.

❊

در نابسامانی یک جامعه همین بس که اشخاص بجای اعتماد و اطمینان، از هم بترسند.

❊

افکار چونان طوفان هایی از راه می رسـند و انسـان را چونان امواجی حقیر بلند می کنند و بر صخره زمین و سنگ زمان می کوبند.

❊

اگر پای ماجراجویی در میان نبود، انسانها خیلی از کارها را نمی کردند، به خیلی از جاها نمی رفتند و خیلی از حرفها را نمی زدند.

❊

حضور غرب در شـرق و بخصوص ایران، حاصلی جز بسط بی عدالتی و نابرابری نداشته است از آن رو که شرقی ها با ابزارهای غربی همدیگر را می‌کوبند و کنار می گذارند.

❊

جهان سـنگین اسـت و هر روز سنگین تر می‌شود. کسی که راهی برای سبکی و سبکبالی پیدا نکند، زیر بار جهان به زانو در خواهد آمد.

❊

مراقبه یا به قول امروزی ها «مدیتیشن» در لحن و صدای شـما و میمیک صورتتان اثر می گذارد. با مدیتیشن مرتب و اصولی می توانید صدایتان را زیبا و جذاب کنید و گرفتگی را از صورت و چهره تان دور کنید.

❊

حاصل حضور شرق در غرب، تنوع و ثروت بوده است و حاصل حضور غرب در شرق، تشتت و فقر.

❊

غرب با شرق قوی شده و شرق با غرب تضعیف شده است.

❊

زمان پیش می افتد از کسـانی که چشـم بر واقعیت‌ها می بندند.

❊

زمان هرگز عقب نمی افتد. تنها راه جلو افتادن از زمان، عقب نماندن از آن است.

❊

علامت جامعه استبدادی، وجود رابطه معکوس بین اضطراب و آرامش است: هرچه مردم اضطراب بیشـتری دارند زمامداران آرامترند. و هرچه مردم آرامترند، حاکمان مضطربند.

❊

در جامعه استبدادی بین آرامش و اضطراب مردم و حاکمان رابطه معکوس برقرار است: اضطراب مردم موجب آرامش حکام می شود و آرامش مردم موجب اضطرابشان.

❊

در جامعه ای که مرده بد و زنده خوب نداشته باشد، یک مسئله واضح قابل درک است و آن عوض شدن جای «ظلم» و «عدل» است.

❊

از خدای زنده دین مرده صادر نمی شـود و از دین مرده نمی توان به خدای زنده رسید. همچنانکه که خدای مرده خدا نیست، دین مرده هم نمی تواند حقیقی باشد.

❊

صنعت توفیقی اسـت و عرفان توفیقی دیگر. آنطور که پیداست ایرانی ها توفیق عرفان را از دست داده اند و توفیق صنعت را به دست نیاورده اند.

❊

دیندار واقعی جاهل نمی شود و جاهل حقیقی هم دیندار نمی شود. با این حال، اگر بین دین و جهل ترکیب صورت بگیرد، بدترین ترکیب عالم را شاهد خواهیم بود.



❊

متعصب نمی تواند متفکر باشد. کسانی که در دفاع از عقیده ای یقه پاره می کنند، متعصبند نه متفکر. متفکر واقعی هرگز در دام تعصب نمی افتد.

❊

تمام آنچه از ذهـن می گذرد، مصداق عقل و تعقل نیست. بسیاری از آنچه انسانها می اندیشند، توهم محض است هرچند آمادگی شنیدنش را ندارند.

❊

آنچه بر ذهن شـما می گذرد، در کوتاه ترین زمان ممکن، از روح شما در می گذرد و وجودتان را تسخیر می کند.

❊

قطره کوچکی که به سادگی وارد ذهن می شود، وقتی به روح می رسـد به طوفانی سهمگین مبدل می‌شود. طوفان روح از «طوفان نوح» عظیم تر است.

❊

اهمیت تمرکز غیر قابل توصیف است. تمرکز تنها چیزی است که می تواند ذهن را مهار کند. مهار ذهن از مهار چموش ترین حیوان های جهان دشوارتر است.

❊

ذهن بی قرارترین عضو عالم است. هیچ چیزی در جهان به اندازه ذهن ناآرام نیسـت و ناآرامی را تجربه نمی کند.

❊

با تمرکز ذهن، تن به آرامش می رسـد و طعم زندگی را می چشـد و آنگاه ذهـن از گرداب و سیلاب‌های طوفانی نجات می یابد.

❊

بهشت در اثر انتخاب حاصل می شود. بنابراین، در جایی کـه آزادی و امکان انتخاب وجود ندارد، بهشت بی معنی است.

❊

جامعه ای که بویی از آزادی نبرده باشد، بویی از بهشت نمی برد، چون بهشت در اثر انتخاب و آزادی حاصل می شود و بدون آزادی بهشتی وجود ندارد.

❊

جامعه ای که آزادی نداشته باشد، شاخه ای از جهنم است، حتی اگر در آن بهشت تبلیغ شود. بهشت اثر آزادی و خود آزادی است.

کریم فیضی

خاطره

ادامه از صفحه اول



حمام‌های به اصطلاح «نمره» که قسمت‌های جداگانه داشت و مردم هر کدام تنها و به نوبت در یکی از آن‌ها استحمام می‌کردند ده سال بعد به وجود آمدند و مورداستفاده متجددین یا «غرب‌زدگان» قرار گرفتند. همچنین بود «دوش» و استفاده از آن که آن هم از واردات فرنگستان بود.

در آن زمان پسر بچه‌ها تا کوچک بودند با مادرشان به حمام می‌رفتند، بزرگ‌تر که می‌شدند پدر یا برادر آن‌ها را همراه خود به گرمابه می‌بردند. حمام رفتن با مادر و بازی‌کردن در تشت پر از آب برای من بسیار لذت‌بخش بود. روزی پس از این که مادرم مرا با دست‌های نازنینش شست‌وشو داد و آخرین طاس آب را بر سرم ریخت و به گوشه‌ای نشاندم تا به خود بپردازد، ناگهان زنی غول‌پیکر از میان زنان دیگر جدا شده به ما نزدیک شد و در برابر ما ایستاد.

پس از تعارف به مادرم گفت: «خانم جان، این آقا پسر ماشاءالله بزرگ شده؛ دیگر او را با خودتان اینجا نیاورید. حالا باید با آقاجانش به حمام برود.» از سخنان این زن چیزی دستگیرم نشد و نفهمیدم چه دشمنی با من دارد که می‌خواهد از مادرم جدایم کند. سر را بلند کردم تا قیافه‌ی او را که خیلی بالا بود ببینم. آن را بسیار زشت یافتم و تن و بدن او به نظرم خیلی کت و کلفت و وحشتناک آمد.

به مادر گفتم این خانم که مثل «لولو» است به ما چه کار دارد... . مادر گفت این زن لولو نیست، خانم ... السلطنه است که از خوشگل‌ترین خانم‌های این شهر است. به هر حال چیزی نیست، فکرش را نکن. من از آن پس نتوانستم فکرش را نکنم. به خصوص که وسوسه‌ی آن زن عملی شد و این آخرین بار بود که مادر مرا با خود به حمام برده بود.

مدت‌ها گذشت بی آن که فکر محدود من با همه کوششی که می‌کرد بتواند معنی سخنان خصمانه‌ی آن شاهزاده خانم را درک کند. روزی ـ چند سال بعد و تحت چه شرایطی بود نمی‌دانم ـ ناگهان معنی آن‌ها را دریافتم و همان دم بی‌اختیار شروع کردم به قاه قاه خندیدن.

آن طفلک که من بودم خیلی مانده بود تا سنم و رشدم اجازه دهد که به موضوعی دیگر فکر کنم.

تعزیه

خاطره‌ی دیگری از رویدادهای دوران کودکی که فراموش نشده است، به این شرح است:

شش یا هفت سال داشتم. روزی یکی از شاگردان و هم‌بازیان گفت: «علی، تعزیه دیده‌ای؟» گفتم اسمش را شنیده‌ام اما خودش را ندیده‌ام؛ چگونه چیزی است؟ گفت چیز نیست آن را «می‌خوانند». الآن در میدان دروازه قزوین مشغولند. بیا برویم آن‌جا. با کمال کنجکاوی پذیرفتم و به راه افتادیم. این میدان چنان‌که پیش از این اشاره شد فاصله‌اش با خانه کم‌تر از یکصد قدم بود. در ضلع غربی آن میدان محوطه نسبتاً وسیع محدودی بود که در گوشه‌ای از آن قهوه‌خانه‌ای دایر کرده بودند. صحنه تعزیه یا نمایش در وسط محوطه بود و جمعیت کثیری دور تا دور آن نشسته بودند آن‌چه در صحنه دیده می‌شد، برای من بسیار جالب بود و تازگی داشت.

از لباس‌های رنگارنگ بازیگران و زره و کلاهخود تا مردهایی که سر تا پا پوشیده شده بودند و فقط چشم‌هایشان دیده می‌شد و نقش زنان را ایفا می‌کردند. ناگهان صدای خشن یکی از بازیگران ـ رفیقم گفت شمر است ـ بلند شد و جنگ تن به تن او با بازیگر دیگری که از یاران امام حسین بود، آغاز شد. چکاچک شمشیرهایشان بر روی سپرها و صدای شیپور

از خاطرات دکتر سیاسی

من جدّ وجَد



و طبل که به شدت نواخته می‌شدند چنان مرا منقلب ساختند که از خود بیخود شدم.

وقتی به خود آمدم و حواسم جمع شد که ناگهان سر و صداها خوابید. تعزیه‌خوانان به کار خود خاتمه داده با شتابزدگی اسباب و بساط خود را جمع کرده بودند و داشتند از میدان خارج می‌شدند. به رفیقم گفتم چرا تعزیه را زود تمام کردند؟ گفت ما دیر رسیدیم، این‌ها حالا می‌روند بازارچه معیر و دوباره تعزیه می‌خوانند. بیا ما هم برویم آن‌جا. قبول کردم و با جمعیت انبوهی که تعزیه‌خوانان را دنبال می‌کردند، همراه شدیم. این نخستین بار بود که من بدون همراهی یکی از بستگان نزدیک قدم از میدان دروازه قزوین فراتر می‌گذاشتم. حالتی داشتم آمیخته از غرور ناشی از استقلال و وحشت از مجهول.

نمی‌دانستم به کجا می‌روم و چگونه به خانه باز خواهم گشت، به خصوص که در میان انبوه جمعیت رفیقم را هم گم کرده بودم و برای این‌که از جمعیت که به سرعت حرکت می‌کردند عقب نمانم و تعزیه‌خوانان را گم نکنم نفس‌زنان می‌دویدم که ناگهان چشمم به برادرانم، غلامرضا و احمد، افتاد که از طرف مقابل می‌آمدند. در جا خشکم زد. آن‌ها هم که به هیچ‌وجه انتظار دیدن مرا تنها در آن‌جا نداشتند گویی خشکشان زد. احمد فقط گفت: «این‌جا چه می‌کنی؟ جلو بیفت ببینم بلدی راه خانه را پیدا کنی!»

ناراحت بودم، می‌دانستم گناهی مرتکب شده‌ام ولی خوشبختانه راه را عوضی نیامدم. من به جلو و برادران از عقب به دروازه قزوین (میدان شاهپور) رسیدیم. در آن‌جا مختصر اشتباهی رخ داد. به جای این‌که به چپ بروم از حواسپرتی به راست پیچیدم که ناگهان دست قوی برادرم احمد بازویم را گرفت و مرا به طرف چپ متوجه ساخت. به ته کوچه بن‌بست خودمان که رسیدیم یکی از برادران به جای آن‌که در خانه خودمان را بزند، در مدرسه را ـ که چون روز تعطیل بود بسته بود ـ زد. سید علی‌اصغر نوکر مدرسه در را باز کرد و ما وارد شدیم. احمد خطاب به سید علی‌اصغر گفت: «آن چوب و فلک را بیاور.»

آن‌گاه رو به من کرده گفت: «به کجا می‌رفتی؟ مگر نگفته بودیم که حق نداری از میدان دروازه قزوین تنها دورتر بروی؟ اگر گم شده بودی می‌دانی چه گرفتاری‌هایی پیدا می‌کردیم و چه بلاهایی ممکن بود به سرت بیاید؟» چوب و فلک حاضر شده بود.

من در مدرسه دیده بودم چگونه بچه‌های تقصیرکار را فلک می‌کردند و چگونه به پاهای آنها ترکه می‌زدند. آن منظره‌ها و صدای ضجه و ناله و التماس بچه‌ها به خاطرم آمد. در آن لحظه که مرا زیر فلک می‌خواباندند چون اولین دفعه بود که چنین اهانتی به من روا می‌شد حس غرورم وادارم ساخت که به خود فشار بیاورم و کوچک‌ترین علامت ضعف و بیچارگی از خود نشان ندهم.

من هیچ مقاومت نکردم و کلمه‌ای بر زبان نراندم. سیدعلی‌اصغر یک سر فلک را گرفت و برادر ارشدم غلامرضا سر دیگر آن را و برای انجام این کار هر دو به ناچار تقریباً زانو به زمین زده بودند. برادر دیگرم احمد ترکه را به دست گرفت و آن را چندین بار با کف پاهای کوچک من آشنا ساخت. درد شدید احساس کردم ولی دست‌ها را روی چشمانم گذاشته تحمل کردم، گریه نکردم و چیزی نگفتم و برادرانم را به شگفتی انداختم.

احمد مرا بلند کرد و چون حدس می‌زد که با پاهای آزار دیده راه رفتنم دشوار خواهد بود، مرا زیر بغل گرفت و به خانه رسانید. تنها که شدم مقداری گریه کردم ولی رضایت خاطر داشتم از این که ابراز شخصیت کرده بودم.

این اولین و آخرین تنبیه بدنی بود که من در تمام عمر خود دیده‌ام. نخستین فعل ارادی بود که از خود نشان داده‌ام. فعل ارادی که در زندگی دراز من به کرات تجدید شده و منشأ بسیاری از پیروزمندی‌هایم بوده است.

مدرسه خرَد

دو سه سال بعد از رفتن من به مدرسه خرَد، این مدرسه که همسایه خانه ما بود، تغییر جا داد و به خیابان انتظام‌السلطنه، یکی از خیابان‌های فرعی خیابان امیریه ـ که بعدها خیابان پهلوی نام گرفت ـ انتقال یافت. خیابان انتظام‌السلطنه آنطور که به خاطر دارم بن‌بست بود و منتهی می‌شد به باغ بزرگی متعلق به انتظام‌السلطنه.

وجه تسمیه خیابان هم به همین مناسبت بود. چون محل جدید مدرسه از خانه ما دور بود، مرا به مدرسه دیگری که مدرسه سلطانی نام داشت و نزدیک به خانه ما بود گذاشتند. وضع این مدرسه با مدرسه خرَد خیلی فرق داشت. محیطی خشک و غم‌انگیز داشت. معلمانش به خوبی معلمان مدرسه خرد نبودند. شاگردان به هنگام تنفس حق نداشتند بازی کنند و سر و صدا راه بیندازند. شکایت پیش مادر و برادرانم بردم. آن‌ها مرا دوباره به مدرسه خرد ـ با این‌که راهش نسبتاً دور شده بود ـ بردند.

بازیابی هم‌شاگردی‌های سابق البته لذت‌بخش بود. ولی آشنایی با دو هم‌شاگردی و هم‌بازی جدید لذت‌بخش‌تر بود. آن‌ها دو برادر بودند و عبدالله‌خان و نصرالله‌خان نام داشتند. بعدها معلوم شد که فرزندان آقای انتظام‌السلطنه هستند و به همین مناسبت وقتی که سالیان بعد از تاریخ، در زمان رضاشاه پهلوی نام خانوادگی معمول و الزامی شد، واژه «انتظام» را برای نام فامیلی خود برگزیدند.

من از همان روزهای اول آشنایی آن‌ها را با محبت یافتم و به آن‌ها علاقه‌مند و دوست شدم. دوستی که پس از گذشت سه ربع قرن هنوز باقی بود و در تمام این مدت کوچک‌ترین غبار کدورت بر آن ننشسته بود. نصرالله خان پیوسته خنده‌ای بر لب داشت. در بازی‌ها پرجنب و جوش، پرتکاپو و به اصطلاح شیطان می‌نمود. عبدالله خان دست‌کمی از برادر کوچک‌تر نداشت ولی سنگین‌تر و «آقا»تر به نظر می‌آمد. ویژگی‌های اخلاقی که بعدها هم در آن‌ها کمابیش به چشم می‌خورد.

از خیابان امیریه که وارد خیابان انتظام‌السلطنه می‌شدم در اوایل این خیابان به طرف دست راست باغی را می‌دیدم که می‌گفتند سفارت هلند است.

در باغ باز بود و من غالباً اندکی در آن جا توقف می‌کردم و به تماشای غازهای سفیدی که از خود صداهای عجیب بیرون می‌دادند، می‌پرداختم. گاهی هم در این تماشا خود را فراموش می‌کردم و همین که ناگهان به یاد زنگ مدرسه می‌افتادم بقیه راه را با شتابزدگی دوان دوان می‌پیمودم تا به موقع سر صف حاضر شوم و مورد موأخذه قرار نگیرم.

باغ انتظام‌السلطنه به نظر من بسیار بزرگ و زیبا بود. گاه به گاه با عبدالله یا نصرالله یا تنها برای گردش و تماشا وارد باغ می‌شدم. خیابان اصلی آن قرمز رنگی بود؛ گمان می‌کنم یک قشر گرد آجر روی آن گسترده بودند. یک آسیاب آبی در اول باغ دیده می‌شد و در انتهای باغ قسمتی که سطحش از قسمت‌های دیگر بلندتر بود توسط چرخ و فلک بزرگی آبیاری می‌شد.

این چرخ روی نهر آبی که در سطح پایین‌تر جریان داشت کار گذاشته شده بود و دارای کاسه‌های متعددی بود که در تماس با جریان آب یکی پس از دیگری پر شده و محتوای خود را در نهری که در قسمت فوقانی کنده شده بود، خالی می‌کردند و به این طریق آبیاری سطح مرتفع باغ میسر می‌شد. چون نخستین بار بود که چنین چیزی می‌دیدم از دیدن آن سیر نمی‌شدم و هر دفعه که قدم در آن باغ می‌گذاشتم به سراغ چرخ آب گردنده می‌رفتم و چند لحظه به تماشای آن می‌پرداختم.

مدرسه خرد یک بار دیگر هم تغییر جا داد و به خیابان ارامنه منتقل شد. من عالی‌ترین کلاس آن مدرسه را ـ که در حدود سوم متوسط بود ـ به پایان می‌رساندم. همیشه شاگرد اول یا شاگرد دوم بودم. یک بار هم دو کلاس را یکی کرده بودم.

ادامه دارد

داستان

جغرافیای جهانی یک مرده

گزیده‌ای از رمان «خواب و بیدار» اثر فریده گلبو-۳

آن‌چه بر من گذشته به واقع رؤیا یا رؤیاهایی بوده است؟! و یا سراسر خیال‌بافی صرف.

صدای پـــدرش را از بیرونِ اتاق شنید که با مادرش خداحافظی می‌کرد. ولی هرچه تلاش کرد نتوانست بدنش را از بستر بیرون بکشد. انگار به راستی بیمار شده بود.

دربیداری

آن‌روز مادرِ بهـــروز با آشِ داغ، چای داغ و شیرِ داغ از او پذیراییِ و به تکرار تأکید کرد که پسرش سرماخورده و این خستگی و رخوت و تب ناشی از سرماخوردگی است.

و چون فـــردای آن روز بهروز از بستر برخاست، مادر از او پرسید: حالا به معجزه طبابت من ایمان پیدا کردی؟!

بهروز در حالـــی که همچنان سرگرم افکار خود بود، با بی‌حواسی به علامت مثبت سر تکان داد.

او سراسر روزِ قبل را در بستر با کلافگی به این اندیَشیده بود که آیا باز رؤیایی به سراغم خواهد آمد و مرا به گونه‌ای مشغول خواهد کرد که از واقعیت‌های نامطلوب زندگیِ پیرامونم فارغِ شوم و یا پاره‌های خیال همچون تکه‌های ابری که اَز صحنه آسمان می‌گریزند، از پهنه روحم گریخته‌اند؟!

اگر چنین باشد، من در متنِ این روزمرگیِ کسالت‌بار چه گونه بقیه روزها و ماه‌ها و سال‌های عَمر خود را بگَذرانم؟! و اگر زندگیِ رؤیایی‌ام باز به روشِ گذشته با همان نظمِ تاریخی ادامه یابد، بعدَ از آن اتّفاقاتِ شوم، تَهاجم و سلطه اوباشانیَ که از بیابان‌های آسیای مرکزی به وطَنم یورش آورده، با تاخت و تازی وحشیانه، به قدرت شمشیر فرمان می‌رانند.

قتل عام می‌کنند، زور می‌گویند و خفقانی مهیب و مرگبار به وجود می‌آورند، تبعید معین و سپس مرگِ او، دیدنِ تابوتِ خودم و دســـت آخر محو شدنِ همه‌چیز در پسِ پرده غرِیب، چه‌گونه رؤیایی بر من ظاهر خواهدَ شد که بیش از رویدادهای زندگی‌ام در بیداری ناخوش‌آیند نباشد. شرایط زندگیِ واقعی‌ام اگر در پسندِ من نامطلوب است، از این پس رؤیاهایم به اَحتمال زیاد دردناک‌تر خواهد بود.

پیش از آن می‌پنداشـــت که می‌تواند با نشخوارِ ذهنی آن رؤیاهای دلپذیر، بقیه عمر را همچنان سیراب از نعماتَ زندگی و بی‌نیاز از مواهبِ دنیایی به ســـر برد. امّا به همان زودی فهمید که نمی‌شود، نمی‌تواند، قادر نیست و تصورّش خیالِ باطل و بیهوده‌ای بیش نبوده است. مرگ تنها واقعیّت مشترک هر دَو دنیایش بود.

زندگی‌اش در رؤیا با نشئه‌ای که نمی‌توانست چگونگی آن را ارزیابی و یا برای دیگران قابل درک کند، از شروعِ تا مرزِ تماشای تشییع تابوت خود و سپس ناپدید شدن تابوتش در آن سوَی دیواره هستی، این نتیجه را ـ غلط یا درست ـ در همان عالم رؤیا برای او به دست می‌داد: اگرنه پرشکوه‌ترین و یا درست‌ترین که به یقین یکی از پرشکوه‌ترین و بی‌ایرادترین زندگی‌ها را در عرض و طولِ اغناکننده‌ای گذرانده است.

و حالا در بیداری، در آن بســـتر مندرس، با آن سَرِ داغ و تنِ تب‌دار به خود می‌گفت: آن‌چه بر من رفت، حالِ بیمارگونَه‌ای بود وَ یا حسّی برتر از آدم‌های معمولی؟ نمی‌دانم. ولیَ حاصل، این است که از این پس با روزمرگیِ خود سخت‌تر کنار می‌آیم و دیگر طاقتِ تحمل فضای رنج‌آلود و غَمبار و دردناکِ رؤیاهایم را نیز ندارم.

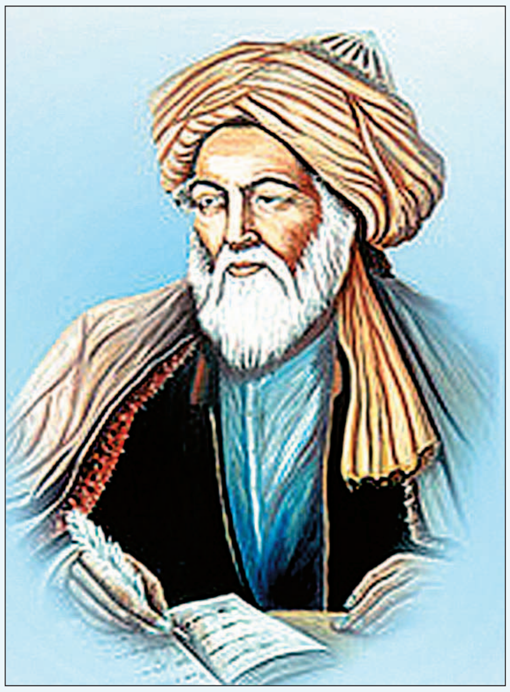
درخواب

لیاقت تا قبل از تبعید معین، رنـــج را به معنیِ واقعیِ خود نمی‌شناخت. می‌دانســـت که ممکن است همه انساَن‌ها عَشق را نفهمند، ولی رنج را اگر به سراغشـــان بیاید بی‌استثناء همه درک می‌کنند. اما تا پیش از آن وقایع شوم، رنج نه در معنای جانگزایش به سراغ او آمده بود و نه حتی خفیف‌تر و رقیق‌تر از آن.

نه دغدغهٔ دخل داشـــت و نه رقمی کمرشکن از خرج را پیش‌رو که ماوراء توان مادی‌اش باشد. مقوله‌هایی چون شکست و پیروزی، اوج و حضیض، سرافرازی و حقارت، ذهنش را درگیر و روحش را مضطرب نمی‌کرد. نگران عبور تاریخ و گذشت زمان نبود. فراخنای سراسر جهان، جغرافیای زندگی‌اش بود.

دربیداری

سرش را زیر رواندازِ خویش فرو می‌برد و آهسته طوری که مادر صدایش را نشنود، با خود می‌نالید: «روزگار با من چه کینه‌توز اســـت. دریچهٔ امیدی را هم که از این بستر کهنه به رویم گشوده می‌شد، با بی‌رحمی بر من بست و شیرینی رؤیاهایم را از من ربود. زندگی مرگبار، دهشتناک‌تر از خود مرگ است.»



در تب حســـرت می‌سوخت. حسرتی فرو کوفته و تبی که لهیب گدازنده‌اش بیشتر درون او را می‌تافت و رمق برخاستن از بستر را از او می‌گرفت.تا فردای آن روز که تب فرو خوابید و او از بستر برخاست، تصمیم خود را گرفته بود.

دکتر اقتداری در آن نشست سه نفره به او گفته بود:«پیشنهاد دکتر پژمان بخت و اقبالی است که خیال کن با تعبیر شدن همان رؤیاها در زندگی واقعی به ســـراغ تو آمده است. پروفسور، خود یک معین امروزی اســـت که دنیای واقعی تو را به رنگ دیگر در خواهد آورد.»

بهروز هنوز در قبول پیشنهاد دکتر پژمان تردید ترس‌آلودی در دل داشت. حدس می‌زد با او مانند موش آزمایشگاهی رفتار شود و جدا از این‌که ساعات شب و روزش شبیه به یک زندانی بگذرد، رفته رفته همه بفهمند او درگیر چه ماجرایی است و به چشم یک دیوانه نگاهش کنند. او نمی‌دانست و هرگز نفهمید که برخی از نزدیکانش زیر گوش هم دربارهٔ اختلال روانی و گاه مختل بودن حواس او زمزمه‌هایی و پچ‌پچ‌هایی دارند که در پاره‌ای موارد پا از دایرهٔ احتیاط بیرون می‌نهد.

پیش از آن، زمانی که مست رؤیاهای شبانهٔ خویش بود و حتی هنگام بیداری، «بهروز» را به دلیل وجود لیاقت و به تبع آن خویشتن مجازی و عاریتی، انسانی موفق و سعادتمند و کام‌روا می‌دید و با خود استدلال می‌کرد: بسیاری از انسان‌ها در سراسر عمر به گونه‌ای در نظر و در فکر دیگران قضاوت می‌شوند که در واقع امر دارای آن صفات ـ چه خوب و چه بد ـ نیســـتند. بگذار من هم یکی از آنان باشم. وقتی آن‌ها مرا آرام و راضی می‌بینند، چه لازم است که از دلیل واقعی آن باخبر شوند.

ولی حالا دگرگونی، مثل زلزلهٔ مهیبی که همه‌جا را بلرزاند و همه چیـــز را ویران کند، به هر دو دنیایش هجوم آورده بود. با معصومیتی دیوانه‌ســـار و عقل باخته فکر کرد، اگر سلجوقیان به وطنم حمله نکرده بودند، شاید من در این بستر به این درماندگی نمی‌رسیدم! اما بلافاصله با ردپایی از خردمندی که بعد دیگر وجود او و از دیربـــاز با جنونش در خفا به طور پنهان و حتی بی‌آگاهی خودش در تقابل و تعارض بود، اندیشید: تاریخ هیچ‌گاه دربارهٔ هیچ موضوعی، هیچ رویدادی و هیچ جنگ و صلحی حق مطلب را به واقع ادا نکرده و نمی‌کند.

اگر جانبداری‌های تاریخ‌نویسان امان بدهد، طبیعی است که هر قلم به دستی «از ظن خود یار» حوادث تاریخی و مشاهدات و دریافت‌هایش می‌شود. اگر هم در موارد نادری حق مطلب ادا



شده باشد، ذهن‌های هوشمند ترجیح می‌دهند محتاطانه آن را بپذیرند.

آن‌چه بیشتر از این افکار، فزون‌تر از کشـــمکش‌های جنون و خرد و مؤثرتر از هر سنجشی موجب شد تا تصمیمش در تسلیم شدن به پیشنهاد دکتر پژمان قطعی شـــود و از سبک سنگین کردن امور دست بکشد، آن بود که روز قبل، پیش از فرو نشستن تب، وقتی یک بار به زحمت و زور توانست از بستر بلند شود و چهرهٔ خود را در آینهٔ غبارگرفته و کم و بیش دودزده‌ای که با زنجیر ساده‌ای به دیوار نه چندان تمیز اتاق آویزان بود ببیند، ناگهان اتفاق عجیبی افتاد که همهٔ تردیدهای او را به یک ضرب کنار زد، مصمم شد نزد دکتر پژمان رفته، پیشنهادش را بپذیرد و حال خود را درست به او واگذارد.

در یک لحظـــهٔ کوتاه با غافل‌گیری هول‌آوری در آینه چهرهٔ خود را کنار تصویر معین دید. روشـــن و غیرقابل انکار. صورت خودش بود و رخسار معین با همان صلابت و مهر. و هم‌زمان بانگ جرسی انگار از بیابانی دور به گوشش رسید، آن هم با وضوح و صراحتی که برایش جای تردید باقی نمی‌گذاشت و در لحظهٔ بعد، هم تصویر معین محو شد و هم بانگ جرس خاموش. ولی همان یک لحظه طوری او را به وحشت انداخت که این پرسش از ذهنش عبور کرد: «آیا به بیماری ناشـــناخته‌ای دچار شده‌ام و خود از آن بی‌خبرم.» سنگینی جسمش را احساس کرد که به سان قفسی تنگ از چهار طرف به روحش فشار می‌آورد.

فهمید که یا باید برود به دکتر پژمـــان پناه ببرد، در جهت نجات خویش تقلایی بکند و دست و پایی بزند و یا نرود و رنج بیماری‌ای را که لابد به شـــکل‌های مختلف به سراغش می‌آمد، تحمل کند، و از آن‌جا که فهم و درک یک مسأله همیشه به منزلهٔ قبول قلبی آن نیست، پسر جوان هم به همان نسبت که درک می‌کرد باید به مطب دکتر پژمان مراجعه کند، ناگزیر از رفتن است و اگر نرود، کارش، حالش و اوضاع زندگی و حیاتش سامان نمی‌یابد، از پذیرش این‌که او یک بیمار روانی و محتاج معالجه است گریزان و روی‌گردان بود.

از آینه هـــم روی گرداند. از کنار دیوار به طرف رختخواب گستردهٔ خود رفت. از نو در بستر دراز کشید. و این بار با هوشمندی در صدد قانع کردن خویش برآمد و با خود اســـتدلال کرد، همهٔ امتیازهایی که دکتر پژمان به من پیشنهاد کرده است به کنار، نیاز به گفتگو با او دارم. شاید زیر سایهٔ پر برکت او جسم و روحم قدری بیاساید. او مانند درخت تناوری است برای یک مسافر خسته که از راهی طولانی و سنگلاخ، تشنه از بی‌آبی و گرسنه از بی‌غذایی رسیده باشد.

دکتر اقتداری درست می‌گفت که دکتر پژمان برای من «منی که بهروزم» می‌تواند یک معین واقعی در دنیای واقعی باشد.

آه کشید و اندیشید: اگر گوشه‌ای از آن هم صحبتی‌ها و آن مهرورزی‌های رؤیایی را در عالم واقع و در بیداری به دست آورم، حاضرم دربان وفادار اتاق دکتر پژمان شوم.

با شمارش روزهای گذشته حساب کرد بیست و چهار روز از ملاقاتش با دکتر پژمان و دکتر اقتداری می‌گذرد. طی این مدت کوچکترین خبری نه از دکتر اقتداری داشت و نه از دکتر پژمان. علی اقتداری هم به عکس همیشه هیچ پرسشی و یا حرفی در آن مورد با او مطرح نکرده بود.

دل‌شورهٔ خفیف اما آمیخته به وسواسی عارضش شد که دکتر پژمان اگر پیشنهاد سخاوتمندانهٔ خود را پس گرفته باشد چه بکنم؟! نکند آن چه را هم می‌پندارم در بیداری دیده‌ام، رؤیایی بیش نباشد! پیشنهاد دکتر پژمان بیش از حد یک واقعیت سخاوتمندانه بود!

در هر حال باید می‌رفت تا می‌فهمید ادامهٔ تقدیرش به کجا می‌انجامد و سرنوشت، او را به کجا می‌برد؟!

به محض ترک بستر به مادرش گفت:

ـ برای رفتن به ســـر کار حال خوشی ندارم. یک دو روز در خانه می‌مانم تا بهتر شوم.

و بعد در کنج اتاق شروع به نوشتن کرد. ادامهٔ یادداشت‌هایش را از بلخ تا هجرتش به آن تبعیدگاه و تا تماشـــای آن تابوت‌ها که در برابر نظرش پشـــت پردهٔ غیب، محو و ناپدید شدند و هر آن‌چه به قول خودش در آن زندگی دیگر بر او گذشته بود، مثل همیشـــه با همهٔ دقایق و ظرایف و زیر و بم‌ها نوشت. و این بار بیشتر به این نیت که ارائهٔ آن‌ها به دکتر پژمان بهترین بهانه برای رفتن نزد او باشد.

چهل سال پیش...

تمامی مطالب از روزنامه اطلاعات روز سه‌شنبه ۳ خردادماه ۱۳۵۶ (برابر با ۵ جمادی‌الثانی ۱۳۹۷، ۲۴ مه ۱۹۷۷) نقل شده است.

تأسیس بزرگترین مرکز پزشکی خاورمیانه در ایران

بزرگترین مرکز پزشکی ایران که شبیه مایو کلینیک نظیر مرکز پزشکی مایو آمریکا خواهد بود بزودی تأسیس میشود.

این مرکز یک مرکز پزشکی ملی است که در زمینه‌های درمانی، آموزشی و پژوهشی با نظام خاصی فعالیت خواهد کرد.

این مرکز بزرگترین مرکز پزشکی در خاورمیانه و نیز هشتمین مرکز پزشکی در دنیاست.

دکتر عبدالحسین سمیعی رئیس مرکز پزشکی شاهنشاهی ایران در گفتگوئی با روزنامه اطلاعات در زمینه تاسیس این مرکز گفت: ما میخواهیم بتوانیم در ایران یک سطح عالی خدمات درمانی از لحاظ تشخیص را بوجود بیاوریم تا بیماران مجبور نباشند برای معالجه به خارج از کشور بروند.

قندوشکر باید بسته‌بندی شده فروخته شود

سازمان غله و قندو شکر و چای کشور به تمام عاملین توزیع قندو شکر و واحدهای صنفی که قندو شکر عرضه میکنند، اخطار کرد که این گروه ملزم هستند قندو شکر را در بسته‌های کوچک یک، دو و یا چند کیلوئی بمعرض فروش بگذارند تا مصرف‌کنندگان از این بابت مشکلی نداشته باشند و در صورت مشاهده تخلفی در این زمینه متخلفین بشدت تحت تعقیب قرار خواهند گرفت.

دستمزد کارگران صنعت نفت ۲۲/۱ درصد افزایش یافت

سخنگوی شرکت ملی نفت ایران اطلاع داد ساعت ۹ و نیم بامداد امروز نمایندگان کارگران صنعت نفت (شرکت ملی نفت و شرکت ملی گاز و شرکت ملی صنایع پتروشیمی ایران) قرارداد افزایش دستمزد را با نمایندگان کارفرما بشرح زیر امضاء کردند.

۱۶/۶ درصد افزایش دستمزد ۵/۵ درصد مزایا جمعا ۲۲/۱ درصد افزایش کل آن بوده است.

این قرارداد از اول فروردین سال جاری اجرا میگردد.

اطراف دریاچه سدها نهالکاری می‌شود

وزارت کشاورزی اطلاع داد: بطور متوسط روزی ۵ هزار اصله نهال در اراضی اطراف دریاچه سدهای کشور کاشته میشود.

سخنگوی وزارت کشاورزی ضمن گزارشی درباره فعالیت‌های واحد آبخیزداری آن وزارتخانه طی فروردین ماه گذشته اعلام داشت که در این مدت ۱۸۴ هزار و ۷۰۰ نهال گیاهان مختلف اراضی اطراف دریاچه سدها کاشته شده است.

۲۰۰ دانش‌آموز و مسافر را در هلند گروگان گرفتند

زویدلارن ـ هلند ـ رویتر ـ آسوشیتدپرس ـ افراطیون اهل جزایر ملوک جنوبی دیروز در حالیکه مسلسل‌های خودکار در دست داشتند بیش از ۱۰۰ کودک دبستانی را در یکی از مدارس روستائی هلند به گروگان گرفتند و دو قطار اکسپرس شهری را به تصرف خود درآوردند.

افراطیون پس از حمله به مدرسه ابتدائی و قطار اکسپرس قطار دیگری را مورد حمله قرار داده و مسافران آنرا نیز به گروگان گرفتند.

با آنکه گزارش‌های دقیق از شمار به گروگان گرفته‌شده‌ها نرسیده لیکن گفته میشود که جمع گروگان‌ها از ۲۰۰ تن تجاوز می‌کند.

باهمکاری ایران و فرانسه تعدادی هتل در تهران و شهرستانها ساخته میشود

با تشکیل دو شرکت بزرگ مشترک جدید ایرانی و فرانسوی فعالیت گسترده‌ای در زمینه هتل‌سازی در ایران صورت خواهد گرفت و تعدادی هتل در تهران، اصفهان، اهواز، شیراز، بندرعباس، تبریز و مشهد احداث خواهد شد.

در این دو شرکت که به صورت شرکتهای «مادر» در تهیه نقشه، امور ساختمانی و دیگر مسائل مربوط، فعالیت خواهد کرد. بانکهای اعتبارات صنعتی، توسعه صنعتی و معدنی و شرکتهای بزرگ فرانسوی «ژاک‌بورل» و «فرانتل» فرانسوی همکاری خواهند کرد.

قاب امروز



شهر بندری خرمشهر و نمایی از پل و ساحل بازسازی شده آن که در دوران دفاع مقدس تخریب شده بود ـ عکس از: کمیل حجازی

سرایه

بی لاله رخان روی به صحرا نتوان کرد
بی سرو قدان میل تماشا نتوان کرد
کام دلم آن پسته دهانست ولیکن
زان پسته دهان هیچ تمنا نتوان کرد
گفتم مرو از دیده موج افکن ما گفت
پیوسته وطن برلب دریا نتوان کرد
چون لاله دل از مهرتوان سوختن اما
اسرار دل سوخته پیدا نتوان کرد
تا در سر زلفش نکنی جان گرامی
پیش تو حدیث شب یلدا نتوان کرد
آنها که ندانند ترنج از کف خونین
دانند که انکار زلیخا نتوان کرد
از بسکه خورد خون جگر مردم چشمم
دل در سر آن هندوی لالا نتوان کرد
بی خط تو سر نامه سودا نتوان خواند
بی زلف تو سر در سر سودا نتوان کرد
گیسوی تو گر سرکشد او را چه توان گفت
با هندوی کژ طبع محاکا نتوان کرد
هر لحظه پیامی دهدم دیده که خواجو
بی می طلب آب رخ از ما نتوان کرد
از دست مده جام می و روی دلارام
کارام دل از توبه تقاضا نتوان کرد

خواجوی کرمانی

امروز در تاریخ

بپاخیزی «المقنّع» و کفن‌پوشان راه‌وطن

قیام المقنّع در خراسان ۲۴ ماه می سال ۷۶۶ میلادی آغاز شد که از نخستین بپاخیزی های ایرانیان برای احیای استقلال و حاکمیت وطن خود به‌شمار می آید.

المقنّع که از دیرباز در صدد قیام بر ضد سلطه اعراب بود از موضوع قتل ابو مسلم در توطئه خلیفه عباسی وقت استفاده کرد و به خونخواهی او در خراسان بپاخاست. المقنّع که به سبب نقاب زدن به این نام معروف شده بود، کسی جز هاشم ابن حکیم نبود که مردی دانشمند بود و داستان «ماه نخشب» وی که بر پایه تسلط او بر علوم فیزیک و شیمی شکل گرفته بود معروف است. پیروان المقنّع که جامه سپید می پوشیدند به سپید جامگان (کفن پوشان راه‌وطن) معروف‌اند.

مردی که تنها به ایران و ایرانی می اندیشید

اسماعیل سامانی مردی که پرچم زنده کردن زبان پارسی و فرهنگ ایرانی را به دوش گرفت در ماه می سال ۸۴۹ میلادی در فرغانه (واقع در منطقه فرارود) خراسان به دنیا آمد. در زمان تولد اسماعیل، پدر او احمد حکمران ناحیه فرغانه بود. امیر اسماعیل (میر اسماعیل) که خود را شاه خواند پس از تمرکز امور خراسان بزرگتر در دست خود، احیاء زبان و ادبیات فارسی و فرهنگ و رسوم ایرانی را سرلوحه کار خود قرار داد.

شاه اسماعیل با اینکه توان لشکرکشی به بغداد و برانداختن خلیفه را داشت چنین نکرد زیرا که احیاء فرهنگ ایرانی و زبان فارسی برایش مهمتر بود. شاه اسماعیل در سال ۹۰۷ میلادی در گذشت و در بخارا مدفون شد.

آزادی خرمشهر

مورخان نظامی پیروزی نیروهای مسلح ایران در پس گرفتن خرمشهر را در شمار جنگ های میهنی بزرگ ایرانیان در طول تاریخ قرار داده‌اند. نیروهای مسلح ایران در سوم خردادماه ۱۳۶۱ و ۲۱ ماه پس از آغاز تعرض نظامی عراق، با از جان گذشتگی و فداکاری تحسین آمیز و تاریخساز خود خرمشهر را از نیروهای متجاوز پس گرفتند و مسیر جنگ را تغییر دادند.

در این نبرد پیروزمندانه، که برای جهانیانی که تاریخ پر عظمت ایرانیان را نخوانده‌اند غیر منتظره بود تلفاتی سنگین به عراقیان وارد آمد و ده‌ها هزار عراقی به اسارت در آمدند.

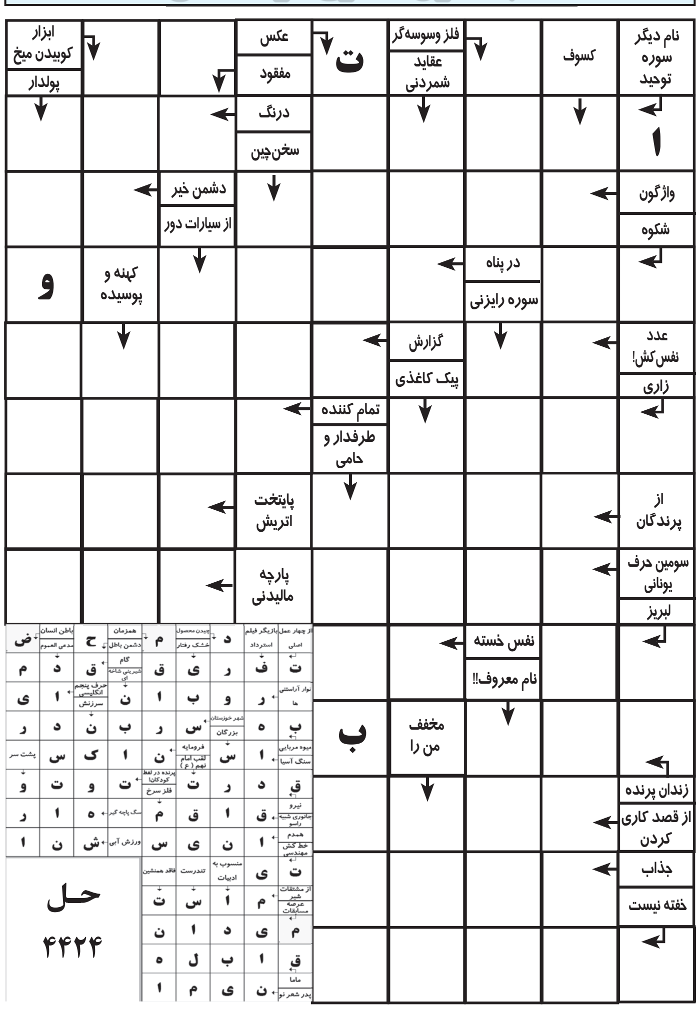
«ژان پل مارا» انقلابی رادیکال فرانسه

«ژان پل مارا» انقلابی رادیکال فرانسه ۲۴ می ۱۷۴۳ به دنیا آمد و ۵۰ سال عمر کرد. وی یک پزشک بود که با نوشته هایش مردم فرانسه را ترغیب به انقلاب (تغییرات کلی در وضعیت اجتماعی و سیاسی وطن خود) کرد. کتاب های متعدد نوشت که یکی از آنها «زنجیرهای بردگی» است.

www.iranianshistoryonthisday.com

۴۴۲۵ جدول شرح در متن

غلامحسین باغبان



حل ۴۴۲۴

سودوکو ۱۹۱۳

			۱			۶		۹
				۲			۷	
۱					۹	۸	۲	۳
	۸					۷		
	۱		۳		۵		۹	
		۵					۸	
۵	۳	۸	۷					۶
	۶			۳				
۹		۷			۶			

۷	۳	۶	۵	۹	۱	۲	۸	۴
۲	۸	۴	۷	۳	۶	۵	۹	۱
۵	۹	۱	۲	۸	۴	۷	۳	۶
۶	۷	۳	۱	۴	۵	۹	۲	۸
۹	۵	۲	۶	۷	۸	۱	۴	۳
۱	۴	۸	۳	۲	۹	۶	۷	۵
۸	۶	۷	۹	۱	۳	۴	۵	۲
۳	۲	۵	۴	۶	۷	۸	۱	۹
۴	۱	۹	۸	۵	۲	۳	۶	۷

حل ۱۹۱۲